قرنلر و عصرلر فریادی

ترکی

حافظ

حافظین غزللرینین ترکی آذری دیلینه ترجمه سی

چئویرن : اکبر مدرس شیوا

عبدالرحیم خلخالی نسخه سیندن

۲-ه

قرنلر و عصرلر فریادی

ترکی حافظ

حافظین غزللرینین ترکی آوری و نلیته ترجمه‌سی

چئویرن: اکبر مدرس شیوا

عبدالرحیم خلخالی نسخه‌سیندن

سنده **شیـــوا** دیله سالدین **عمـــر خیامی**

حافظی تۆرک ائله‌ییب تبریزی شیراز ائله‌دین

آتداکی شکیل، رحمتلیک **حاج میرزااحمد مدرس‌اوّل** کی أیلک‌دفعه کاغاذ-مداد الیمه وئردی و أیلک دفعه تبریزده **۱۳۰۵** قمری هجریده مرحوم حاج میرزاحسن رشدیّه اشتراکیله یئنی اصولدا رشدیّه مدرسه‌سینین بناسین قویدولار و سورالار او مدرسه اتّحاد نوبر مدرسه‌سی آدیله وطن اوْشاقلارین ساوادلاندیرماسی خدمتینه أیللر بۆیو ادامه وئردی .

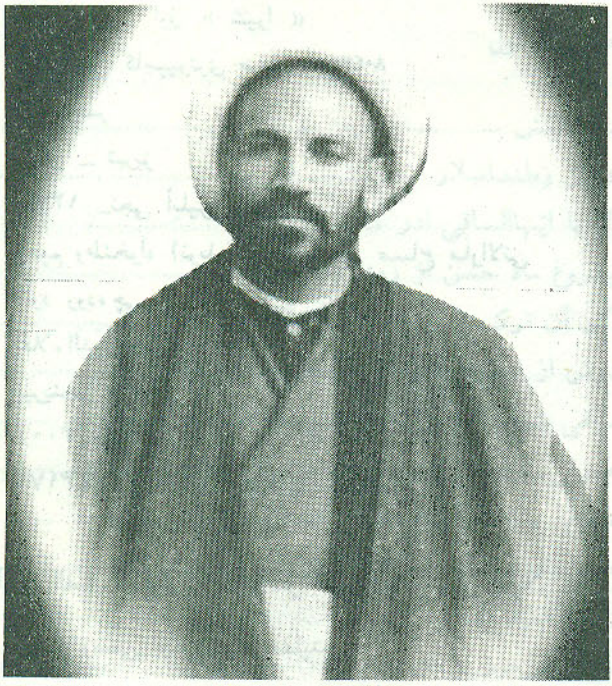

حافظ غزللرینین ترجمه‌سینی اوّل تۆرکی دانیشان بوتون آذربایجان خلقینه و سۆنرا معلمیم و آتام حاج میرزا احمد مدرس اوّل آذربایجانین فرهنگ خادمینه اهدا ائدیرم .

کتابین آدی : تورکی حافظ « قرنلر و عصرلر فریادی »
توپلایان و قوشان : اکبر مدرس اول « شیوا »
حروفچینی‌وصفحه‌آرائی : حروفچینی کامپیوتری صفا ـ ۸۰۴۳۴۷
لیتوگرافی : تصویر
چاپ : میهن ـ تبریز
یاییلان ایلی : ۱۳۷۲ ـ نجی ایلین یای فصلی
سرمایه قویانلار : رحیم وطنخواه (نوبل) ، محمدعلی مساح مارالانی
خط نستعلیق : داود روده چی
شکیللر : علاء الدین حبیبی
چاپ نوبتی : بیرینجی چاپ
تیراژ : ۳۰۰۰ جلد
اجازه نمره‌سی : ۱۳٤-۱/٤۳۱۷۲ وزارت ارشاد اسلامی

حق چاپ = آیری الفبایا چئویرمه ، عکس گؤتورمه ، سون چاپلار مولفین رسمی اجازه سینه باغلیدیر.

فهـــرست

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
	باشلانیش	الف
	عزیز وطنداشلار	ه
۱	الا یا ایّهاالساقی ادر کاساً و ناولها	۱
۲	ایفروغ ماه حسن از روی رخشان شما	۲
۳	اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را	۳
۴	دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما	۴
۵	ساقی بنور باده برافروز جام ما	۵
۶	صوفی بیا که آیینه صافی است جام را	۶
۶	صوفی بیا که آیینه صافی است جام را	۶
۷	صبا بلطف بگو آنغزال رعنا را	۷
۸	رونق عهد شبابست دگر بستانرا	۸
۹	ساقیا برخیز و در ده جام را	۹
۱۰	دل میرود ز دستم صاحبدلان خدا را	۱۰
۱۱	صلاح کار کجا و من خراب کجا	۱۱
۱۲	بملازمان سلطان که رساند این دعا را	۱۲
۱۳	میدمد صبح و کِلّه بست سحاب	۱۳

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
۱۴	گفتم ایسلطان خوبان رحم کن براین غریب	۱۳
۱۵	ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست	۱۴
۱۶	دل سراپردهٔ محبت اوست	۱۵
۱۷	سر ارادت ما و آستان حضرت دوست	۱۵
۱۷	سر ارادت ما و آستان حضرت دوست	۱۶
۱۸	آن سیه‌چرده که شیرینی عالم با اوست	۱۷
۱۹	آنشب قدریکه گویند اهل خلوت امشب است	۱۸
۲۰	مطلب طاعت و پیمان صلاح از من مست	۱۹
۲۱	زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست	۲۰
۲۲	آن پیک نامور که رسید از دیار دوست	۲۱
۲۳	دارم امید عاطفتی از جناب دوست	۲۲
۲۴	صبا اگر گذری افتدت بکشور دوست	۲۳
۲۵	آفرین ای پیک مشتاقان بده پیغام دوست	۲۳
۲۶	آن ترک پریچهره که دوش از بر ما رفت	۲۴
۲۷	ایشاهد قدسی که کشد بند نقابت	۲۵
۲۸	اگر چه عرض هنر پیش یار بی‌ادبی است	۲۶
۲۹	اگر چه باده فرحبخش و باد گلبیز است	۲۷
۳۰	ای هدهد صبا بسبا میفرستمت	۳۰
۳۱	ای غائب از نظر بخدا می‌سپارمت	۲۹
۳۲	بنال بلبل اگر با منت سریاریست	۳۰
۳۳	بکوی میکده هر سالکی که ره دانست	۳۱
۳۴	تا سر زلف تو در دست نسیم افتاده است	۳۲
۳۵	باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبر است	۳۳
۳۶	بلبلی برگ گلی خوشرنگ در منقار داشت	۳۴
۳۶	بلبلی برگ گلی خوشرنگ در منقار داشت	۳۴

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
۳۷	بی مهر رخت روز مرا نور نمانده است	۳۵
۳۸	برو بکارخود ای واعظ این چه فریاد است	۳۶
۳۹	روضهٔ خلد برین خلوت درویشانست	۳۷
۴۰	جز آستان توام درجهان پناهی نیست	۳۸
۴۱	صوفی از پرتو می راز نهانی دانست	۳۹
۴۲	صبحدم مرغ چمن باگل نوخاسته گفت	۴۰
۴۳	کنونکه بر کف گل جام بادهٔ صافست	۴۱
۴۴	گل دربَرو می‌درکف‌و معشوق بکام است	۴۲
۴۵	صحن بستان ذوق‌بخش و صحبت یاران خوش است	۴۳
۴۶	خلوت گزیده را بتماشا چه حاجت است	۴۴
۴۷	خوشتر زعیش و صحبت باغ و بهار چیست ؟	۴۴
۴۸	کنونکه میوزد از بوستان نسیم بهشت	۴۵
۴۹	عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه‌سرشت	۴۶
۵۰	حاصل کارگه کون و مکان اینهمه نیست	۴۷
۵۱	کس نیست که افتادهٔ آن زلف دوتا نیست	۴۸
۵۲	در این زمانه رفیقی که خالی از خلل است	۴۹
۵۳	منم کی گوشهٔ میخانه خانقاه من است	۵۰
۵۴	خم زلف تو دام کفر و دین است	۵۰
۵۵	خمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت	۵۱
۵۶	زان یار دلنوازم شکریست با شکایت	۵۱
۵۷	یارب سببی ساز که یارم بسلامت	۵۲
۵۸	لعل سیراب بخون تشنه لب یار من است	۵۳
۵۹	سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت	۵۳
۵۹	سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت	۵۳
۶۰	خواب آن نرگس فتّان تو بی چیزی نیست	۵۴

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
۶۱	روزه یکسو شدوعیدآمدودلها برخاست	۵۵
۶۲	چه لطف بود که ناگاه رشحهٔ قلمت	۵۶
۶۳	شکفته شد گل حمرا و گشت بلبل مست	۵۷
۶۴	زلف آشفته و خوی‌کرده و خندانلب و مست	۵۷
۶۵	زلفت هزار دل بیکی تارمو به‌بست	۵۸
۶۶	خدا چوصورت ابروی دلگشای تو بست	۵۹
۶۷	رواق منظر چشم من آشیانه تست	۶۰
۶۸	ساقی بیا که یار ز رخ پرده برگرفت	۶۱
۶۹	شنیده‌ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت	۶۲
۷۰	در دیر مغان آمد یارم قدحی در دست	۶۳
۷۱	دیدیکه یار جز سر جور و ستم نداشت	۶۳
۷۲	مدامم مست میدارد نسیم جعد گیسویش	۶۴
۷۳	حسنت باتفاق ملاحت جهان گرفت	۶۵
۷۴	میرمن خوش میروی کاندر سروپا میرمت	۶۶
۷۵	مردم دیدهٔ ما جز برخت ناظر نیست	۶۷
۷۶	روزگاریست که سودای بتان دین من است	۶۸
۷۷	روی تو کس ندید و هزارت رقیب هست	۶۹
۷۸	یا رب این شمع دل افروز ز کاشانه کیست	۶۹
۷۹	روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست	۷۰
۸۰	ساقیا آمدن عید مبارک بادت	۷۱
۸۱	راهی است راه‌عشق که‌هیچش کناره‌نیست	۷۲
۸۲	حال دل با توگفتنم هوس است	۷۲
۸۳	گرزدست زلف مشگینت خطائی رفت رفت	۷۳
۸۴	ز گریه مردم چشمم نشسته در خونست	۷۴
۸۵	چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست	۷۵

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
۸۶	دل و دینم شد و دلبر بملامت برخاست	۷۶
۸۷	بدام زلف تو دل مبتلای خویشتن است	۷۶
۸۸	خیال روی تو در هر طریق همره ماست	۷۷
۸۹	ساقی بیار باده که ماه صیام رفت	۷۸
۹۰	المِنَّةُلله که در میکده باز است	۷۹
۹۱	ماهم اینهفته برون رفت وبچشمم سالی است	۸۰
۹۲	ما را زخیال تو چه پروای شراب است	۸۰
۹۳	بجان خواجه و حق قدیم و عهد درست	۸۱
۹۴	بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است	۸۲
۹۵	شربتی از لب لعلش نچشیدیم و برفت	۸۳
۹۵	شربتی از لب لعلش نچشیدیم وبرفت	۸۴
۹۶	درد ما را نیست درمان الغیاث	۸۵
۹۷	توئی که بر سر خوبان کشوری چون تاج	۸۵
۹۸	اگر بمذهب تو خون عاشق است مباح	۸۶
۱۰۰	بلبلی خوندلی خورد و گلی حاصل کرد	۸۷
۱۰۱	دیدی ایدل که غم یار دگر بار چه کرد	۸۸
۱۰۲	سالها دل طلب جام جم از ما میکرد	۸۹
۱۰۳	بسرّ جام جم آنگه نظر توانی کرد	۹۰
۱۰۴	دست در حلقهٔ آن زلف دوتا نتوان کرد	۹۰
۱۰۵	بیا که ترک فلک‌خوان روزه غارت کرد	۹۱
۱۰۶	بآب روشن می عارفی طهارت کرد	۹۲
۱۰۷	دل از من برد و روی از من نهان کرد	۹۲
۱۰۸	چو باد عزم سر کوی یار خواهم کرد	۹۳
۱۰۸	چو باد عزم سر کوی یار خواهم کرد	۹۳
۱۰۹	دوستان دختر رز توبه زمستوری کرد	۹۴

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
۱۱۰	سحر بلبل حکایت با صبا کرد	۹۵
۱۱۱	صوفی نهاد دام و سر حقّه باز کرد	۹۵
۱۱۲	یاد باد آنکه زما وقت سفر یاد نکرد	۹۶
۱۱۳	رو بر رهش نهادم و بر من گذر نکرد	۹۷
۱۱۴	دلبر برفت و دل شدگانرا خبر نکرد	۹۸
۱۱۵	مرا برندی عشق آنفضول عیب کند	۹۹
۱۱۶	آن کیست کز روی کرم با ما وفاداری کند	۱۰۰
۱۱۷	دلا بسوز که سوز تو کارها بکند	۱۰۱
۱۱۸	طایر دولت اگر باز گزاری بکند	۱۰۲
۱۱۹	کلک مشگین تو روزیکه ز ما یاد کند	۱۰۳
۱۲۰	سرو چمان من چرا میل چمن نمیکند	۱۰۴
۱۲۰	سرو چمان من چرا میل چمن نمیکند	۱۰۵
۱۲۱	گر میفروش حاجت رندان روا کند	۱۰۶
۱۲۲	واعظان کاین جلوه در محراب و منبر میکنند	۱۰۶
۱۲۳	دانی که چنگ و عود چه تقریر میکند	۱۰۷
۱۲۴	شاهدان گر دلبری زین سان کنند	۱۰۸
۱۲۵	گفتم کی‌ام دهان و لبت کامران کنند	۱۰۸
۱۲۶	آنانکه خاکرا بنظر کیمیا کنند	۱۰۹
۱۲۷	نقدها را بود آیا که عیاری گیرند	۱۱۱
۱۲۸	هر که شد محرم دل در حرم یار بماند	۱۱۱
۱۲۹	رسید مژده که ایّام غم نخواهد ماند	۱۱۳
۱۳۰	در نظربازی‌ما بیخبران حیرانند	۱۱۴
۱۳۱	غلام نرگس مست تو تاجدارانند	۱۱۵
۱۳۲	دوش وقت سحر از غصّه نجاتم دادند	۱۱۶
۱۳۳	شراب بیغش و ساقی خوش ، دو دام رهند	۱۱۶

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
۱۳۴	دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند	۱۱۷
۱۳۵	حسب حالی ننوشتیم و شد ایّامی چند	۱۱۸
۱۳۶	سمن بویان غبار غم چو بنشینند بنشانند	۱۱۹
۱۳۷	بود آیا که در میکده‌ها بگشایند	۱۲۰
۱۳۸	ای پسته تو خنده زده بر حدیث قند	۱۲۰
۱۳۹	هر آنکو خاطر مجموع و یار نازنین دارد	۱۲۱
۱۴۰	کسیکه حسن خط دوست در نظر دارد	۱۲۲
۱۴۱	آنکه از سنبل او غالیه تابی دارد	۱۲۳
۱۴۲	شاهد آن نیست که موئی و میانی دارد	۱۲۴
۱۴۳	مطرب عشق عجب سوز و نوائی دارد	۱۲۵
۱۴۴	هر آنکه جانب اهل وفا نگه دارد	۱۲۶
۱۴۵	دل ما بدور رویت ز چمن فراغ دارد	۱۲۷
۱۴۶	بتی دارم که گرد گل زسنبل سایبان دارد	۱۲۷
۱۴۷	جان بیجمال جانان میل جهان ندارد	۱۲۹
۱۴۸	روشنی طلعت تو ماه ندارد	۱۳۰
۱۴۹	آنکس که بدست جام دارد	۱۳۱
۱۵۰	دلی که غیب نمایست و جام جم دارد	۱۳۱
۱۵۱	درخت دوستی بنشان که کام دل ببار آرد	۱۳۲
۱۵۲	چه مستی است ندانم که رو بما آورد	۱۳۳
۱۵۳	صبا وقت سحر بوئی ز زلف یار میآورد	۱۳۳
۱۵۴	نسیم باد صبا دوشم آگهی آورد	۱۳۴
۱۵۵	دوش از جناب آصف پیک بشارت آمد	۱۳۵
۱۵۶	صبا به تهنیت پیر میفروش آمد	۱۳۶
۱۵۷	عشق تو نهال حیرت آمد	۱۳۷
۱۵۸	سحرم دولت بیدار ببالین آمد	۱۳۷

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
۱۵۹	مژده ایدل که دگر باد صبا باز آمد	۱۳۸
۱۶۰	در نمازم خم ابروی تو بر یاد آمد	۱۳۹
۱۶۰	در نمازم خم ابروی تو بر یاد آمد	۱۴۰
۱۶۱	تنت نبازطبیبان نیازمند مباد	۱۴۱
۱۶۱	تنت نبازطبیبان‌نیازمندمباد	۱۴۱
۱۶۲	گل بی رخ یار خوش نباشد	۱۴۲
۱۶۳	صوفی ار باده باندازه خورد نوشش باد	۱۴۳
۱۶۴	دی پیر میفروش که عمرش دراز باد	۱۴۴
۱۶۴	دی‌پیرمیفروش‌که‌ذکرش‌بخیرباد	۱۴۴
۱۶۵	دیریست که دلدار پیامی نفرستاد	۱۴۵
۱۶۶	خسروا گوی فلک در خم چوگان توباد	۱۴۶
۱۶۷	جمالت آفتاب هر نظر باد	۱۴۶
۱۶۸	شراب و عیش نهان چیست ؟ کار بی بنیاد	۱۴۷
۱۶۹	دوش آگهی ز یار سفرکرده دادباد	۱۴۸
۱۷۰	روز وصل دوستداران یادباد	۱۴۸
۱۷۱	عکس روی تو چو در آینهٔ جام افتاد	۱۴۹
۱۷۱	عکس روی تو چو در آینهٔ جام افتاد	۱۵۰
۱۷۲	پیرانه سرم عشق جوانی بسر افتاد	۱۵۱
۱۷۳	حسن تو همیشه در فزون باد	۱۵۲
۱۷۴	آنکه رخسار ترا رنگ گل و نسرین داد	۱۵۳
۱۷۵	بنفشه دوش بگل گفت و خوش نشانی دارد	۱۵۳
۱۷۶	همای اوج سعادت بدام ما افتد	۱۵۴
۱۷۷	بخت از دهان دوست نشانم نمیدهد	۱۵۵
۱۷۸	بحسن و خلق و وفا کس بیار ما نرسد	۱۵۶
۱۷۹	بعد ازین دست من و دامن آنسرو بلند	۱۵۷

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
۱۸۰	دلم جز مهر مهرویان طریقی بر نمیگیرد	۱۵۷
۱۸۱	گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید	۱۵۹
۱۸۲	از سر کوی تو هر کو بملامت برود	۱۶۰
۱۸۳	من و انکار شراب این چه حکایت باشد	۱۶۰
۱۸۴	هرگزم نقش تو از لوح دل و جان نرود	۱۶۱
۱۸۵	بیا که رایت منصور پادشاه رسید	۱۶۲
۱۸۶	یارم چو قدح بدست گیرد	۱۶۳
۱۸۷	بر سر آنم که گر ز دست برآید	۱۶۳
۱۸۸	جهان بر ابروی عید از هلال وسمه کشید	۱۶۴
۱۸۹	زهی خجسته زمانی که یار باز آید	۱۶۵
۱۹۰	دست از طلب ندارم تا کام من برآید	۱۶۶
۱۹۱	چو دست بر سر زلفش زنم بتاب رود	۱۶۷
۱۹۲	ساقی ار باده از این دست بجام اندازد	۱۶۸
۱۹۳	تا ز میخانه و می نام و نشان خواهدبود	۱۶۹
۱۹۴	دوش میآمد و رخساره برافروخته بود	۱۷۰
۱۹۵	سحر چون خسرو خاور علم بر کوهساران زد	۱۷۱
۱۹۶	در ازل پرتو حسنت ز تجلّی دم زد	۱۷۲
۱۹۶	درازل پرتو حسنت زتجلّی دم زد	۱۷۲
۱۹۷	راهی بزن که آهی بر ساز آن توان زد	۱۷۳
۱۹۸	دمی با غم بسر بردن جهان یکسر نمیارزد	۱۷۴
۱۹۹	کنونکه در چمن آمد گل از عدم بوجود	۱۷۵
۲۰۰	از دیده خوندل همه بر روی ما رود	۱۷۶
۲۰۱	خوشا دلی که مدام از پی نظر نرود	۱۷۷
۲۰۲	ساقی حدیث سرو و گل و لاله میرود	۱۷۸
۲۰۳	اگر آن طایر قدسی ز درم باز آید	۱۷۹

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
۲۰۴	رسید مژده که آمد بهار و سبزه دمید	۱۸۰
۲۰۵	بوی خوش تو هر که ز باد صبا شنید	۱۸۱
۲۰۶	ابر آزاری برآمد باد نوروزی	۱۸۲
۲۰۷	معاشران گره از زلف یار باز کنید	۱۸۳
۲۰۸	معاشران ز حریف شبانه یاد آرید	۱۸۴
۲۰۹	اگر روم ز پی‌اش فتنه‌ها برانگیزد	۱۸۵
۲۱۰	چو آفتاب می از مشرق پیاله بر آید	۱۸۶
۲۱۱	نفس برآمد و کام از تو بر نمی‌آید	۱۸۶
۲۱۲	اگر ببادهٔ مشگین کشد دلم ، شاید	۱۸۷
۲۱۳	نه هر که چهره برافروخت دلبری داند	۱۸۸
۲۱۴	نیست در شهر نگاری که دل ما به برد	۱۸۹
۲۱۵	اگر نه باده غم دل ز یاد ما به‌برد	۱۹۰
۲۱۶	در ازل هر کو بفیض دولت ارزانی بود	۱۹۱
۲۱۷	ترسم که اشک در غم ما پرده در شود	۱۹۲
۲۱۸	گر من از باغ تو یک میوه بچینم چه شود	۱۹۳
۲۱۹	خستگانرا چه طلب باشد و قوت نبود	۱۹۴
۲۲۰	مرا مهر سیه چشمان ز سر بیرون نخواهدشد	۱۹۵
۲۲۰	مرا مهر سیه چشمان ز سر بیرون نخواهدشد	۱۹۶
۲۲۱	گداخت جان که شود کار دل تمام و نشد	۱۹۷
۲۲۲	روز هجران و شب فرقت یار آخر شد	۱۹۸
۲۲۳	نفس باد صبا مشگ‌فشان خواهدشد	۱۹۹
۲۲۴	ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد	۲۰۰
۲۲۵	زاهد خلوت‌نشین دوش بمیخانه شد	۲۰۱
۲۲۶	یاری اندر کس نمی‌بینم یارانرا چشد	۲۰۱
۲۲۷	گر چه بر واعظ شهر این سخن آسان نبود	۲۰۲

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
۲۲۸	هر که را با خط سبزت سر سودا باشد	۲۰۳
۲۲۹	نقد صوفی نه همه صافی و بیغش باشد	۲۰۴
۲۳۰	خوش است خلوت اگر یار یار من باشد	۲۰۴
۲۳۱	خوشامد گل وزان خوشتر نباشد	۲۰۵
۲۳۲	کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد	۲۰۶
۲۳۳	گوهر مخزن اسرار همانست که بود	۲۰۷
۲۳۴	سالها دفتر ما در گرو صهبا بود	۲۰۸
۲۳۵	یادباد آنکه نهایت نظری با ما بود	۲۰۹
۲۳۶	قتل این خسته بشمشیر تو تقدیر نبود	۲۱۰
۲۳۷	بکوی میکده یارب سحر چه مشغله بود	۲۱۰
۲۳۸	یکدو جامم دی سحرگه اتفاق افتاده بود	۲۱۱
۲۳۹	دیدم بخواب خوش که بدستم پیاله بود	۲۱۲
۲۴۰	پیش‌ازاینت بیش‌ازاین غمخواری عشاق‌بود	۲۱۳
۲۴۱	یادباد آنکه سر کوی توام منزل بود	۲۱۴
۲۴۲	دوش در حلقه‌ی ما قصه‌ی گیسوی تو بود	۲۱۵
۲۴۳	آن یار کز او خانهٔ ما جای پری بود	۲۱۶
۲۴۴	مسلمانان مرا وقتی دلی بود	۲۱۷
از ادیبی تهرانی	اگر زکوی تو بوئی بمن رساند باد	۲۱۸
ازانجوی شیرازی	گر چه بر واعظ شهر این سخن آسان نبود	۲۱۸
ازانجوی شیرازی	در آن هوا که جز برق اندر طلب نباشد	۲۱۹
ازانجوی شیرازی	ز خود برونشدم و یار بر نمی‌آید	۲۲۰
ازانجوی شیرازی	هوس باد بهارم بسر صحرا بود	۲۲۱
ازانجوی شیرازی	کارم ز جور چرخ بسامان نمیرسد	۲۲۲
ازانجوی شیرازی	زهی خجسته زمانیکه یار باز آید	۲۲۳
ازانجوی شیرازی	جان بیجمال جانان میل جهان ندارد	۲۲۴

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
ازانجوی شیرازی	نسبت روی ترا با ماه و پروین کرده‌اند	۲۲۵
ازانجوی شیرازی	مژده ایدل که مسیحا نفسی می‌آید	۲۲۶
۲۴۵	الا ای طوطی گویای اسرار	۲۲۷
۲۴۶	ایصبا نکهتی از کوی ره یار بیار	۲۲۷
۲۴۷	ایصبا نکهتی از کوی فلانی بمن آر	۲۲۸
۲۴۸	عید است و موسم گل و یاران در انتظار	۲۲۹
۲۴۹	صبا ز منزل جانان گذر دریغ مدار	۲۳۰
۲۵۰	گر بود عمر بمیخانه روم بار دگر	۲۳۱
۲۵۱	روی بنما و وجود خودم از یاد به‌بر	۲۳۲
۲۵۲	روی بنما و مرا گوی دل از جان برگیر	۲۳۳
۲۵۳	نصیحتی کنمت بشنو و بهانه نگیر	۲۳۴
۲۵۴	ایخرّم از فروغ رخت لاله‌زار عمر	۲۳۵
۲۵۴	ایخرّم از فروغ رخت لاله‌زار عمر	۲۳۶
۲۵۵	شب وصل است و طی شد نامهٔ هجر	۲۳۷
۲۵۶	یوسف گمگشته بازآید بکنعان غم مخور	۲۳۷
۲۵۷	دیگر ز شاخ سروسهی بلبل صبور	۲۳۸
ازانجوی شیرازی	دلا چندم بریزی خون ز دیده شرم‌دار آخر	۲۳۹
۲۵۸	بیا و کشتی ما در شط شراب انداز	۲۴۰
۲۵۹	خیز و در کاسهٔ زر آب طربناک انداز	۲۴۱
۲۶۰	دلم ربودهٔ لولی‌وشیست شورانگیز	۲۴۲
۲۶۱	هزار شکر که دیدم بکام خویشت باز	۲۴۳
۲۶۲	حال خونین‌دلان که گوید باز	۲۴۴
۲۶۳	منم که دیده بدیدار دوست کردم باز	۲۴۵
۲۶۴	در آ که در دل خسته توان درآید باز	۲۴۵
۲۶۵	ایسرو ناز حسن که خوش میروی بناز	۲۴۶

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
۲۶۶	برنیامد از تمنای لبت کامم هنوز	۲۴۷
ازانجوی شیرازی	صبا بمقدم گل راح روح بخشد باز	۲۴۸
۲۶۷	گلعذاری ز گلستان جهان ما را بس	۲۴۸
۲۶۸	دارم از زلف سیاهش گله چندانکه مپرس	۲۴۹
۲۶۹	دلا رفیق سفر بخت نیکخواهست بس	۲۵۰
۲۷۰	درد عشقی کشیده‌ام که مپرس	۲۵۱
۲۷۱	ایصبا گر بگذری بر ساحل رود ارس	۲۵۲
ازانجوی شیرازی	جانا ترا که گفتن احوال ما مپرس	۲۵۳
۲۷۲	صوفی گلی بچین و مرقّع بخار بخش	۲۵۴
۲۷۳	چو بر شکست صبا زلف عنبر افشانش	۲۵۵
۲۷۴	کنار جوی‌و پای‌بیدو طرف لاله‌زاری خوش	۲۵۶
۲۷۵	شراب تلخ میخواهم که مردافکن بود زورش	۲۵۶
۲۷۶	به‌برد از من قرار و طاقت و هوش	۲۵۷
۲۷۷	خوشا شیراز و وضع بیمثالش	۲۵۸
۲۷۸	دلم رمیده شده غافلم من درویش	۲۵۸
۲۷۹	مجمع خوبی و لطف است عذار چو مهش	۲۵۹
۲۸۰	باغبان گر پنج روزی صحبت گل بایدش	۲۶۰
۲۸۱	سحر ز هاتف غیبم رسید مژده بگوش	۲۶۱
۲۸۲	ما آزموده‌ایم در این شهر بخت خویش	۲۶۲
۲۸۳	باز آی و دل تنگ مرا مونس جان باش	۲۶۲
۲۸۴	هاتفی از گوشه میخانه دوش	۲۶۳
۲۸۵	اگر رفیق شفیقی درست پیمان باش	۲۶۴
۲۸۶	یارب آن نوگل خندان کی سپردی بمنش	۲۶۵
۲۸۷	ای‌همه شکل‌تومطبوع‌وهمه جای‌توخوش	۲۶۶
۲۸۸	فکر بلبل همه آنست کی گل شد یارش	۲۶۶

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
۲۸۹	بدور لاله قدح گیر و بی‌ریا میباش	۲۶۷
۲۹۱	دوش بامن گفت پنهان کاردانی تیزهوش	۲۶۸
ازانجوی شیرازی	من خرابم ز غم یار خراباتی خویش	۲۶۹
۲۹۲	قسم به حشمت و جاه و جلال شاه شجاع	۲۷۰
۲۹۳	در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع	۲۷۱
۲۹۴	بامدادان که ز خلوتگه کاخ ابداع	۲۷۲
۲۹۵	سحر بسوی گلستان شدم دمی در باغ	۲۷۳
۲۹۶	طالع اگر مدد کند دامنش آورم بکف	۲۷۴
۲۹۷	زبان خامه ندارد سر بیان فراق	۲۷۵
۲۹۸	مقام امن و می بیغش و رفیق شفیق	۲۷۶
۲۹۹	اگر شراب خوری جرعه‌ای فشان برخاک	۲۷۷
۳۰۰	ایدل ریش مرا با لب تو حق نمک	۲۷۸
۳۰۱	هزار دشمنم ار میکنند قصد هلاک	۲۷۸
۳۰۲	خوش خبر باش ای نسیم شمال	۲۷۹
۳۰۳	هر نکته‌ایکه گفتم در وصف آن شمایل	۲۸۰
۳۰۴	بوقت گل شدم از توبه شراب خجل	۲۸۱
۳۰۵	اگر بکوی تو باشد مرا مجال وصول	۲۸۱
۳۰۶	ای رخت چون خلد و لعلت سلسبیل	۲۸۲
۳۰۸	شَمَمْتُ روحَ وصال وَ شُمْتُ برق وصال	۲۸۳
۳۰۹	باز آی ساقیا که هواخواه خدمتم	۲۸۴
۳۱۰	به تیغم گر کشد دستش نگیرم	۲۸۴
۳۱۱	گر از این منزل غربت بسوی خانه روم	۲۸۵
۳۱۲	عشقبازی و جوانی و شراب لعلفام	۲۸۵
۳۱۳	ما پیش خاکراه تو صد رو نهاده‌ایم	۲۸۶
۳۱۴	بُشریٰ اِذالسّلامةُ حلّت بذی سَلَم	۲۸۷

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
۳۱۵	گر چه ما بندگان پادشهیم	۲۸۸
۳۱۶	دیشب بسیل اشگ ره خواب میزدم	۲۸۹
۳۱۷	ز دست کوته خود زیر بارم	۲۹۰
۳۱۸	من دوستدار روی خوش و موی دلکشم	۲۹۰
۳۱۹	بگذار تا بشارع میخانه بگذریم	۲۹۱
۳۲۰	دیده دریا کنم و صبر بصحرا فکنم	۲۹۲
۳۲۱	دوش سودای رخش گفتم زدل بیرون کنم	۲۹۳
۳۲۲	زلف بر یاد مده تا ندهی بر بادم	۲۹۳
۳۲۳	ما ز یاران چشم یاری داشتیم	۲۹۴
۳۲۴	بمژگان سیه کردی هزاران رخنه در دینم	۲۹۵
۳۲۵	عمریست تامن درطلب، هرروز گامی میزنم	۲۹۶
۳۲۶	نماز شام غریبان چو گریه آغازم	۲۹۶
۳۲۷	دیدار شد میسّر و بوس و کنار هم	۲۹۷
۳۲۸	حجاب چهرهٔ جان میشود غبار تنم	۲۹۸
۳۲۹	من ترک عشق و شاهد و ساغر نمیکنم	۲۹۹
۳۳۰	صوفی بیا که خرقهٔ سالوس برکشیم	۳۰۰
۳۳۱	ما شبی دست بر آریم و دعائی بکنیم	۳۰۱
۳۳۲	دوستان وقت گل آن به که بعشرت کوشیم	۳۰۲
۳۳۳	خیال روی تو چون بگذرد بگلشن چشم	۳۰۳
۳۳۴	روزگاری شد که در میخانه خدمت میکنم	۳۰۳
۳۳۵	هر چند پیر و خسته دل و ناتوان شدم	۳۰۴
۳۳۶	چل سال بیش رفت که من لاف میزنم	۳۰۵
۳۳۷	گر من از سرزنش مدعیان اندیشم	۳۰۶
۳۳۸	ما سرخوشان مست دل از دست داده‌ایم	۳۰۷
۳۳۹	حاشا که من بموسم گل ترک می کنم	۳۰۸

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
۳۴۰	مابدین در نه پی حشمت و جاه آمده‌ایم	۳۰۸
۳۴۱	گر چه از آتش دل چون خم می در جوشم	۳۰۹
۳۴۲	حالیا مصلحت وقت در آن می‌بینم	۳۱۰
۳۴۲	حالیا مصلحت وقت در آن می‌بینم	۳۱۱
۳۴۳	مرحبا طایر فرخ پی فرخنده پیام	۳۱۲
۳۴۴	صلاح‌ازمن چه‌میخواهی‌که‌مستانرا صلاگفتیم	۳۱۳
۳۴۵	من نه آن رندم که ترک شاهد و ساغر کنم	۳۱۴
۳۴۶	بعزم توبه سحر گفتم استخاره کنم	۳۱۵
۳۴۷	چرا نه در پی عزم دیار خود باشم	۳۱۶
۳۴۹	سرم خوش است و ببانگ بلند میگویم	۳۱۷
۳۵۰	مانگوییم بد و میل به ناحق نکنیم	۳۱۸
۳۵۱	فتوی پیر موغان دارم و قولیست قدیم	۳۱۹
۳۵۲	عاشق روی جوانی خوش و نو خاسته‌ام	۳۲۰
۳۵۳	آنکه پامال جفا کرد چو خاک راهم	۳۲۰
۳۵۴	غم زمانه که هیچش کران نمی‌بینم	۳۲۱
۳۵۵	خیال نقش تو در گارگاه دیده کشیدم	۳۲۲
۳۵۶	در نهانخانه عشرت صنمی خوش دارم	۳۲۳
۳۵۷	گرم از دست برخیزد که با دلدار بنشینم	۳۲۴
۳۵۸	فاش میگویم و از گفتهٔ خود دلشادم	۳۲۵
۳۵۹	دوش بیماری چشم تو به برد از دستم	۳۲۶
۳۶۰	بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم	۳۲۷
۳۶۱	بارها گفته‌ام و بار دگر میگویم	۳۲۸
۳۶۲	گرچه‌افتاده ز زلفش گرهی در کارم	۳۲۸
۳۶۳	بی تو ایسرو روان با گل و گلشن چکنم	۳۲۹
۳۶۴	من که باشم که بر آنخاطر عاطر گذرم	۳۳۰

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
ازانجوی شیرازی	من که باشم که بر آن خاطر عاطر گذرم	۳۳۱
۳۶۵	مرا می‌بینی و هر دم زیادت میکنی دردم	۳۳۲
۳۶۶	گر دست دهد خاک کف پای نگارم	۳۳۳
۳۶۷	خیز تا از در میخانه گشادی طلبیم	۳۳۴
۳۶۸	سالها پیروی مذهب رندان کردم	۳۳۵
۳۶۹	گر دست دهد در سر زلفین تو بازم	۳۳۶
۳۷۱	در خرابات مغان گر گذر افتد بازم	۳۳۷
۳۷۲	مژدهٔ وصل تو کو کز سر جان برخیزم	۳۳۸
۳۷۳	صنما باغم و عشق توچه تدبیر کنم	۳۳۹
۳۷۴	در خرابات معان نور خدا می‌بینم	۳۴۰
۳۷۵	تو همچو صبحی و من شمع خلوت سحرم	۳۴۱
۳۷۶	دردم از یار است و درمان نیز هم	۳۴۱
۳۷۷	مزن بر دل ز نوک غمزه تیرم	۳۴۲
۳۷۸	مرا عهدیست‌باجانان که‌تاجان در بدن دارم	۳۴۳
۳۷۹	خیز تا خرقهٔ صوفی بخرابات بریم	۳۴۴
۳۸۰	ما درس سحر در ره میخانه نهادیم	۳۴۵
۳۸۱	بغیر از آنکه بشد دین و دانش از دستم	۳۴۶
۳۸۲	خرّم آنروز کزین منزل ویران بروم	۳۴۶
ازانجوی شیرازی	مرو که از غم هجر تو از جهان بروم	۳۴۷
از مجید پرسیان	مرا میبینی و هر دم زیادت میکنی دردم	۳۴۸
از مجید پرسیان	ما شبی دست بر آریم و دعائی بکنیم	۳۴۹
۳۸۳	بهار و گل طرب‌انگیز گشت و توبه‌شکن	۳۵۰
۳۸۳	بهار و گل طرب‌انگیز گشت و توبه‌شکن	۳۵۱
۳۸۴	ای روی ماه منظر تو نوبهار حسن	۳۵۲
۳۸۴	ای روی ماه منظر تو نوبهار حسن	۳۵۳

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
۳۸۵	دانی که چیست دولت دیدار یار دیدن	۳۵۴
۳۸۶	ای نور چشم من سخنی‌است گوش کن	۳۵۵
۳۸۷	منم که شهرهٔ شهرم بعشق ورزیدن	۳۵۶
۳۸۸	ز در در آ و شبستان ما منوّر کن	۳۵۷
۳۸۹	بالا بلند عشوه‌گر سرو ناز من	۳۵۸
۳۹۰	چوگل هردم ببویت جامه در تن	۳۵۹
۳۹۰	چوگل هردم ببویت جامه درتن	۳۵۹
۳۹۱	یا رب آن آهوی مشگین ، به‌ختن بازرسان	۳۶۰
۳۹۱	یا رب آن آهوی مشگین ، بختن بازرسان	۳۶۱
۳۹۲	می‌فکن بر صف رندان نظری بهتر از این	۳۶۱
۳۹۳	چونشوم خاک رهش دامن بیفشاند زمن	۳۶۲
۳۹۴	خدا را کم‌نشین با خرقه‌پوشان	۳۶۳
۳۹۴	خدارا کم‌نشین با خرقه‌پوشان	۳۶۴
۳۹۵	گلبرگ را ز سنبل مشگین نقاب کن	۳۶۴
۳۹۶	صبحست ساقیا قدحی پر شراب کن	۳۶۵
۳۹۷	میسوزم از فراقت روی از جفا بگردان	۳۶۶
۳۹۷	میسوزم از فراقت روی از جفا بگردان	۳۶۶
۳۹۸	چندان که گفتم غم با طبیبان	۳۶۷
۳۹۹	کرشمه‌ای کن و بازار ساحری بشکن	۳۶۸
۴۰۰	شراب لعل‌کش و روی مه‌جبینان بین	۳۶۸
۴۰۱	شاه شمشادقدان خسرو شیرین دهنان	۳۶۹
۴۰۲	افسر سلطان گل پیدا شد از طرف چمن	۳۷۰
۴۰۳	بهتر از فکر می و جام چه خواهدبودن	۳۷۱
۴۰۴	فاتحه‌ای چو آمدی بر سر خسته‌ای بخوان	۳۷۲
۴۰۵	نکته‌ای دلکش بگویم خال آنمهر و ببین	۳۷۳

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
۴۰۶	ای قبای پادشاهی راست بر بالای تو	۳۷۴
۴۰۷	بجان پیر خرابات و حق صحبت او	۳۷۵
۴۰۸	تاب بنفشه میدهد طرّه‌ی مشگسای تو	۳۷۶
۴۰۹	ای آفتاب آینه‌دار جمال تو	۳۷۷
۴۱۰	مراچشمی‌است خون‌افشان زدست آن‌کمان‌ابرو	۳۷۸
۴۱۱	ای پیک راستان خبر یار ما بگو	۳۷۹
۴۱۲	ای خونبهای نافهٔ‌چین خاکراه تو	۳۸۰
۴۱۳	گفتا برونشدی بتماشای ماه نو	۳۸۱
۴۱۴	خطّ عذار یار که بگرفت ماه از او	۳۸۲
۴۱۵	گلبن عیش میدمد ساقی گلعذار کو	۳۸۳
۴۱۶	مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو	۳۸۴
۴۱۷	خنک نسیم معنبر شمامهٔ دلخواه	۳۸۵
۴۱۸	از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه	۳۸۵
۴۱۹	چراغ روی ترا شمع گشت پروانه	۳۸۶
۴۲۰	ایکه با سلسلهٔ زلف دراز آمده‌ای	۳۸۷
۴۲۱	دوش رفتم بدر میکده خواب‌آلوده	۳۸۸
۴۲۲	از من جدا مشو که توام نور دیده‌ای	۳۸۹
۴۲۳	سحرگاهان که مخمور شبانه	۳۸۹
۴۲۴	عیشم مدامست از لعل دلخواه	۳۹۰
۴۲۵	ناگهان پرده برانداخته‌ای یعنی چه ؟	۳۹۰
۴۲۶	دامن کشان همی شد در شرب زرکشیده	۳۹۱
۴۲۷	وصال تو ز عمر جاودان به	۳۹۲
۴۲۸	گر تیغ بارد در کوی آنماه	۳۹۳
۴۲۹	در سرای مغان رفته بود و آب‌زده	۳۹۳
۴۳۰	احمدالله علی معدلة السلطانی	۳۹۴

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
۴۳۱	روزگاریست که ما را نگران میداری	۳۹۵
۴۳۲	سینه مالامال درداست ایدریغا مرهمی	۳۹۷
۴۳۳	ترا که هرچه مراد است درجهان داری	۳۹۸
۴۳۴	چو سرو اگر بخرامی دمی بگلزاری	۳۹۹
۴۳۵	ساقی بیا که شد قدح لاله پر ز می	۳۹۹
۴۳۶	ایدل آندم که خراب از می گلگون باشی	۴۰۰
۴۳۷	زانمی عشق کزاو پخته شود هر خامی	۴۰۱
۴۳۸	سحرگه رهروی در سرزمینی	۴۰۲
۴۳۹	ای قصّه‌ی بهشت ز کویت حکایتی	۴۰۳
۴۴۰	یا مُبْسَماً یُحّاکی دُرْجاً مِنَ اَلَلآلی	۴۰۴
۴۴۱	سَبَت سَلْمی بِصُدغیهّا فُؤادی	۴۰۴
۴۴۲	چه بودی ار دل آنماه مهربان بودی	۴۰۵
۴۴۳	نسیم صبح سعادت بدان نشان که تو دانی	۴۰۶
۴۴۴	ایکه مهجوری عشّاق روا میداری	۴۰۶
۴۴۵	ایدل مباش یکدم خالی زعشق و مستی	۴۰۷
۴۴۶	خوش کرد یاوری فلکت روز داوری	۴۰۸
۴۴۷	ایکه در کوی خرابات مقامی داری	۴۰۹
۴۴۸	نوبهار است در آن کوش که خوشدل باشی	۴۱۰
۴۴۹	ساقیا سایهٔ ابراست و بهار و لب کشت	۴۱۱
۴۵۰	دو یار زیرک و از باده کهن دو منی	۴۱۲
۴۵۱	وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی	۴۱۳
۴۵۲	عمر بگذشت به بیحاصلی و بوالهوسی	۴۱۴
۴۵۳	این خرقه که من دارم در رهن شراب اولی	۴۱۵
۴۵۴	که برد به نزد شاهان زمن گدا پیامی	۴۱۶
۴۵۵	با مدعی نگوئید اسرار عشق و مستی	۴۱۷

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
۴۵۶	در همه دیر مغان نیست چو من شیدائی	۴۱۷
۴۵۷	تو مگر برلب آبی بهوس بنشینی	۴۱۸
۴۵۸	سلام الله ما کرّ اللّیالی	۴۲۰
۴۵۹	ایدل بکوی عشق گزاری نمیکنی	۴۲۰
۴۶۰	هزار جهد بکردم که یار من باشی	۴۲۱
۴۶۲	سحرم هاتف میخانه بدولتخواهی	۴۲۲
۴۶۳	بلبل بشاخ سرو بگلبانگ پهلوی	۴۲۳
۴۶۴	بیا با ما مورز این کینه داری	۴۲۴
۴۶۵	ایکه بر ماه از خط مشگین نقاب انداختی	۴۲۵
۴۶۶	ایدل گر از آن چاه زنخدان بدرآیی	۴۲۶
۴۶۷	بچشم کرده‌ام ابروی ماه سیمائی	۴۲۷
۴۶۸	طفیل هستی عشقند آدمی و پری	۴۲۸
۴۶۹	بشنو این نکته که خود را ز غم آزاد کنی	۴۲۹
۴۷۰	هواخواه توام ایجان و میدانم که میدانی	۴۳۰
۴۷۱	زین خوش رقم که بر گل گلزار میکشی	۴۳۱
۴۷۲	آن غالیه خط گر سوی ما نامه نوشتی	۴۳۲
۴۷۳	صبا تو نکهت آن زلف مشگبو داری	۴۳۲
۴۷۴	بصوت بلبل و قمری اگر ننوشی می	۴۳۳
۴۷۵	ز کوی یار میآید نسیم باد نوروزی	۴۳۴
۴۷۶	ز دلبرم که رساند نوازش قلمی	۴۳۵
۴۷۸	بجان او که گرم دسترس بجان بودی	۴۳۶
۴۸۰	لبش می‌بوسم و درمیکشم می	۴۳۷
۴۸۲	نوش کن جام شراب یکمنی	۴۳۷
۴۸۳	مخمور جام عشقم ساقی بده شرابی	۴۳۸
۴۸۴	ایکه در کشتن ما هیچ مدارا نکنی	۴۳۸

شماره غزل	مصراع اول	صفحه
۴۸۵	ای بی‌خبر بکوش که صاحب‌خبر شوی	۴۳۹
۴۸۶	بگرفت کار حسنت چو عشق من کمالی	۴۴۰
۴۸۷	ای پادشه خوبان داد از غم تنهائی	۴۴۱
۴۸۸	می‌خواه‌و گل‌افشان‌کن ازدهر چه‌میجویی	۴۴۲
۴۸۹	گفتند خلایق که توئی یوسف ثانی	۴۴۳
۴۹۰	رفتم بباغ تا که گلی بچینم سحرگلی	۴۴۴
۴۹۱	شهریست پر ظریفان وز هر طرف نگاری	۴۴۵
۴۹۴	ایکه دائم بخویش مغروری	۴۴۶
۴۹۶	صبحست و ژاله میچکد از ابر بهمنی	۴۴۶
	بیر ایضاح ۶۴ـنجی غزلین باره‌سینده	۴۴۷
	لغت‌نامه	۴۴۹
	چاغیریش	۴۶۵

بسم الله الرحمن الرحیم

غرض بیـــر نقشدیر دنیاده قالسین

کی آللاهدان سئوای هر شئی فنادیر

باشلانیش

۱۳۶۹ـنجی شمسی‌ایلینده ۱۳ـفروردینده (آپریل۱۹۹۰) بیر ادبی‌انجمنی «ییغواسیندا» بیرجلدحکیم عمرخیّامین دیوان رباعیّاتی‌گؤزه‌ل ونفیس‌چاپ ومناسب و عالی تصویرلرایله دوققوز دیلده مجلسده حاضر اولان شاعرلر و ادیبلرین نظرینه چاتدی و بیرلیکده بئله نظروئردیلرکی حیف‌اولا آذری‌ترکی «تورکی» دیلی بوچاپدا نظره آلینماییبدیر و حاضر شاعرلره تکلیف اولوندو بو أیشه قول قوُیولسون، چوخ دانیشیقدان سورا تکلیف منیم بوینوما قویولدو :

« قرعه فال بنام من دیوانه زدند »

من ۱۳ـ فروردینده (آپریل ۱۹۹۰) خیام رباعیلرینین ترجمه‌سینه أیشه باشلادیم ۵ـ۶ نسخه خیام‌دیوانلاریندان خیام صادق هدایت ـ خیام فروغی ـ خیام یوگنی برتلس باکی چاپی ـ خیام اطلاعات ـ خیام شاهی ـ خیام چاپ امیرکبیر ـ ۳۵۰یه قدررباعی آذری تورکی دیلینه ترجمه و همان ایلین خرداد آیینین آخرلرینده (مای ۱۹۹۰) بیر تازا جلسه‌ده شاعرلر و ادیبلرین نظرلرینه چاتدیریلدی و ماراقلاندیم‌کی اونلار منیم امگیمی و أیشیمی سئوینجه‌لی بیر حالدا بگندیلر و منی آلقیشلادیلار من شوقا گله‌راق بیر آیری تصمیم دوّتـــدوم « **حافظین غزللرینین ترجمه سی** » امّا..... چوخ جرأت و جسارت أیستیردی بو أیشه قول قویماق ..... ؟

اؤز نظریمی و فیکریمی نئچه ادیب و شاعرلریله آرایا قویدوم اونلاردا همین منیم نظریمدن گئچن جوابی «حافظین حریمینه قدم قویماق چوخ موشگؤل و چوخلو جرأت وجسارت ایستیر» دیه‌راق نظرلرین بیان‌ائتدیلر. من ظاهرده اولارین نظرلرینه تسلیم وسؤزلرین خواجه‌نین بوبیتین یادیما سالدیقدا:

ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه تست
عِرض خود می بری و زحمت مـا میداری

تائیدائله‌دیم. اتاینه‌ده حافظین غزللرینی ترجمه ائتمک هوسی باشیمدا بوبیتیلن:

من طریق سعی میآرم بجا لیس للانسان الآ ما سعی

آخرده اؤزومه جرأت و جسارت وئریب یئنه‌ده أیشه باشلادیم و خرداد_۱۳۶۹دا(مای_۱۹۹۰) اؤلین غزلی و سونرا بیرنئچه‌لرین چئویریب ادبی‌انجمنلرده شاعرلروادیبلرین نظرلرینه چاتدیردیم تائیدائتدیکلری حالدا، دؤزه‌لیدیجی «سازنده» انتقادلارین جان‌ودیلیله قبول‌ائتدیم،۱۵۰ غزل حافظین **خلخالی** نسخه‌سیندن بهمن آییناجاق چئویردیم بهمنده بیرگرفتارلیق قاباغا گلدی‌کی ناچار ترجمه أیشی دایاندی. ۶۹_نجی ایلین اسفندینده خلخالی نسخه‌سینه‌ال‌چاتمادیقدابیرنسخه **انجوی** حافظ‌کتابی‌الیمه‌چاتدی‌کی سئوینجک مرواریلی گئوزلریله ترجمه أیشینه چوخ تله‌سیک حالدا ادامه وئردیم کی او ترجمه‌لر ت_ز و تاریخلریله مشخص‌دیر وهرغزلین آلتینداکی فقط تاریخ وار تبریزده ترجمه اولوب و بیرنئچه‌لری دوبی و شارجه مسافرتینده ترجمه اولوب. جمعده۴۹۰ غزل حافظین غزللریندن ۱۳۷۱_ین اولینه قدرچئویردیم.

من حافظین و خیّامین غزللرینی و رباعیلرینی چئویره‌رکن بیر نئچه نکته‌لره متوجه اولدوم ، اوجمله‌دن بوکی **حافظ و خیّام** اؤزعصرلرینین و یاشادیقلاری قرنلرین آیری‌ضیالی شاعرلر، یازیچیلار، متفکّرلری‌کیمی اوقبیل‌دن منصور حلاّجلار ، ابوشاکرلر ، نسیمی‌لر، فضل‌الله نعیمی‌لر ، ابن‌مقفع ، مقنّع، ابن‌ابی‌العوجا، زکریای‌رازی، ابوتمّارمطبّب، صالح ابوالقدّوس ، ابن‌راوندی قارداشلاری کی‌بیرقرنین‌مفکوره‌لی انسانلاری‌ایدیلر، خیام رباعیلریله ، و حافظ غزللریله و اوّسده‌یازیلان شخصیت‌لر اؤز اثرلرینده ویازیلارینداا اعتراض سسلرینی و فریادلارینی حاکم رژیمه کی بغداددا و بنی‌عباس خلیفه‌لریندن دستور آلیردیلار اوجاتدیلار و استبداد و دیکتاتورلوق و فاناتیزمین محکوم ائتدیلر ، بونا گؤره‌ده خیام و حافظه و منصورحلاّجاواوقبیل شخصیت‌لره واونلارین‌اثرلرینه **«قرنلروعصرلرفریادی»** آد وئریرم ، من بو باره‌ده شاعرلرین شعرلریندن و اثرلریندن بورادا اگرشاهدگتیرسم سئوز أوزونا چاتار ومحترم اوخوجولار رباعیلری وغزللری اوخودوقلاری حالدا بو معنایه متوجه اولاجاقلار .....

ایضاحاً عزیز اؤخوجولارین أیشی آسان اولماقدان أوتره غزللر حافظده و رباعیلر خیام‌دا فارسیجاسینین اوّزیله تهجّی ترتیبیله یازیلدی بعلاوه همان ترتیب‌ده بیر فهرست کتابدا قویولدو .

عزیز أوخوجولار بو اثری یازیب یایان هیچوقت ادّعا ائده‌بیلمزکی بیر عیب‌سیز اثر سیزین محترم نظرلریزه چاتدیریر چون منیم عؤمرومؤن دار و سون وقتلرینه دوشدیگینه گؤره بوایش تله‌سیک بیرحالدا انجام تاپدی ،

اوناگؤره، عیب‌لرین رفع ائتمه‌گه کامل حالدا فرصت اولمادی ، اولابیلرکی عزیزاوخوجولارین انتقادلاری چوخ نواقصی‌رفع و سؤن چاپلاردا اؤلارسئوه‌ن بیرشکیلده عرضه اولسون .

و سون سؤزده بو ناقابل ترجمه‌نین چاپا یئتیشمه‌سی عزیز بیلیجی و ضیالی دوستوم **میرجفعر حسینی کوچه باغی** وجناب آقای دکتر فریدون پاك نیا و عزیز قارداشلاریم آقایان **کاظم خوش خبر** و **نصیرپایگذار** تبریزین آدلیم شاعرلری تشویقلریله انجام تاپیب اولارا منت‌دار و تشکر ائدیرم. و آخرین خواهشیم اوخوجولاردان بودورکی هر غزلی اوخویوندا اول بو بیتی :

اوخویوندا اول بو بیتی :

ای مگس عرصهٔ سیمرغ نه جولانگه تست عرض خود می بری و زحمت ما میداری

و سورا بو بیتی :

من طریق سعی میآرم بجا لیس للانسان الا ما سعی

نظره آلسینلار.

انّ الهدایا علیٰ قدر مُهدیها

۲۱ آذر ۱۳۷۱ شمسی

۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۱۳ قمری اکبر مدرّس اوّل «شیوا»

۱۲ دسامبر ۱۹۹۲ میلادی

عزیز آذری وطنداشلار:

بیلیریک کی هر سوادلی آذربایجانلی و ایراندا تورکی دیلیله دانیشانلار سواد اؤرگنمله لری فارسی دیلینده اؤلوب وسوادلیلار آز چوخ حافظ وخیامین دیوانلارین اوخویوب و اولارا تانیش دیلار و بوترجمه اونلارا اوخوماقی چوخ چتین دئیل و آندا تئچه فقره نظره گلن نقیصه لرکی عزیز اوخوجولارا قابل تحمل دیر و نئجه کی مقدمه ده دئیلیب محترم اوخوجولار وادیب وشاعرلر ونظرصاحبلری اگر اصلاحی نظرلری اولسوش اولسا مترجمین آدرسینه یازیب یوللاسالا گلن چاپلاردا اؤز آدلارینا چاپ اولاجاق و او نقیصه لردن :

۱ـ بعضی غزللرده قافیه لر تکراری دیر

اگرحافظین فارسی نسخه سینه مراجعه ائتسز اونوندا بعضی غزللرده اوچ مرحلیه قدر تکرار قافیه وار.

۲ـ فارسی و عربی کلمه لرین ناچارلیق حالیندا أیشلنمه سی

۳ـ بعضی ردیف و قافیه لرین بیر آز ناجور اولماسی

بو سون أیکی مورد ده دئیه بیللم آذربایجان ایران رادیو تلویزیونوندا تورکی برنامه لرینده او قدر فارسی عربی کلمه لری أیشله نیب و أیشله نیر کی بو امر تقریباً هامیا عادت و مأنوس اولوب و بیزده وار امکانیلا سعی ائتمیشیک غزللری حافظده و رباعیلری خیام دا آذری تورکی دیلینه چئویره ک آممآ او یئرلرده کی گؤرموشوق حافظین غزللرینین عطری لازم نظره گلیر بعضی کلمه لری عیناً حافظ دن و یا خیامدان أیشلتمیشیک و شعرلرین اصالتین ساخلاماقی گوج آپاران هنرنمالیقا ترجیح وئرمیشیک ، کراراً دئیریک کی یاخشیراق ترجمه لر هر کیمین طرفیندن گلسه و الیمیزه یئتیش سه گلن چاپدا اونو صاحبین آدیله چاپ ائده جه ییک .

سوندا سیزین بو ترجمه یه توجه ائتمه گیزدن چوخلو متشکر و منّت دارام.

العذر عند کرام الناس مقبول

مطبوعات و فرهنگ خادمی اکبرمدرس اول «شیوا»

غزل ۱ مصراع اول : الا یا ایّهاالساقی ادر کاساً و ناولها

الا یا ایّهـا السـّاقی گتیر جـامی أیچک باده
کی عشقین آخری مشگوّلدو امـّا اوّلی ساده

اوزوّلفون مشگ أیگیندن کی صباطرّه ندن آچدیردی
او قاره زوّلفوّنوّن قیوّریقلاری قان سالدی هر یـاده

منه جانانه یوردوندا نه یئر وار عیشه چون هردم
جرس فریادائدیردورکوُچ داها یئریوخدو دنیاده

بؤیا سجّاده‌نی می‌له ، دئسه پیر موغان بیرگون
کی سالک باخبردیر وارخطر یا امّندیر جاده

قارانلیق بیرگئجه دالقا سالیب قورخو بو گردابدا
نه‌بیلسین‌لر بیزیم‌حالی دوران اطراف دریاده

تمام ایشلریم خودکامه‌لیقدان اولـدو بد ناملیق
نه‌جورگزلی قالار بیر سرّ گزسه سئوزلـر آراده

حضورون ایسته‌سن یارین بیرآن یاردان کنار اولما
یاشا **حافظ** کیمی **شیوا** بـوراخ دهری أول آزاده ۶۹/۳/۱۷

****

غزل ۲ مصراع اول : ایفروغ ماه حسن از روی رخشان شما

ای گؤزه‌للیق شافاقی چهره‌ی رخشانیزدن
یاخشیلیق آبرولاری چاه زنخدانیزدن
گؤرمگه قصدائله‌ییب جان یئتیشیبدیر دوداغا
ده‌کی گلسین یاقاییدسین نه‌دی فرمانیزدن
کیمسه سالم دئیل اؤل نرگیز مستانه ایله
أورپه‌گی اؤلماسا لاپ یاخشیدی مستانیزدن
یوخلایان بخت مگر قاوزیا باش خوشبختدن
چیرپیلیب چون بیرآووج سو رُخ رخشانیزدن
دسته گؤل یوللا صبا ایله او اؤزدن گؤزه‌لیم
بلکه بیر ائی ائشیده‌ک عطرلی بستانیزدن
بیراؤزون عؤمروله کامه چاتون ای ساقی جم
گرچه جام دولمادی می‌دن داها دورانیزدن
دل خرابلیق ائدیری دلداری سیز آگه ائدین
وای اماندیرکی پناه ایستیری جان جانیزدن
بو غرض باشه چاتارمی گؤزه‌سن ال بیر اولا...
قوپمیا قالب مگر زؤلف پریشانیزدن ؟
أته‌گین قانه باتیرما بیزه گر باش چکه‌سن
چوخدو بو یئرده اؤلن بیرسؤزو قربانیزدن
بیر دعا ائیلیری **حافظ** دئنه آمین **شیوا**
بوسه اؤلسون بیزه قسمت شکر افشانیزدن

دئنه یزد اهلینه ای باد صبا **حافظدن**
پاتلاسین باشی‌پیسین توپ‌کیمی چوگانیزدن
گر اوزاق دوشسه‌ده یول همتـه مشگل دئیلی
یاد ائدین سیزده باری بیرجه ثنا خوانیزدن
ای اوجا پارلاق اولان اولدوزی ای شاهنشاه
وئر اجـازت کی اوپوم درگه ایوانیزدن ۶۹/۳/۲۸

****

غزل ۳ مصراع اول : اگر آن ترك شیرازی بدست آرد دل ما را

اگـر اول تورک شیرازی آلا قلب پریشانی
او خال هندویه وئررم سمرقنـد و بخـارانی
بویور ساقی مئیی‌دولدور کی‌جنّت‌ده تاپاممازسان
صفـای آب رکنـاباد و گلگشت مصـلاّنی
امان بو لاله یوزلو شوخ و شیرین آذری قیـزلار
ائله تاراج‌ائدیرصبری کی تورکلرخوان یغمانی
منیم بوناقص عشقیمدن غنی‌دیر صورتی یارین
نه‌حاجت‌وار بزه‌ک ائتسین داها بیرروی زیبانی
اوهرگون آرتیلان‌حُسنو منـه بیلدیردیکی یوسف
چکر آخرده میدانه ائـدر رسـوا زلیخانی
دعا من ائیله‌رم گرسن منه نفرین دئسه‌ن هرگه
یارار گاهدان آجی بیرسوز بَلَرلعل شکرخانی

نصیحت ائت‌قبول‌ایجان جوانلار جانلاریندان چوخ
سئوه‌للر درک ائتسوتلر حضور پیر دانانی
می‌ومطرب حدیثین دۀ قوتار بو دهرین اسرارین
کی حکمت بارماقیلا آچماییب کیم بو معمّانی
غزل قوشدون دُری دَلدون داها بیرخوش‌أوخو **حافظ**
فلک وئرسین اونا **شیـــوا** شاباش عِقـد ثریّانی ۶۹/۳/۲۸

****

غزل ٤ مصراع اول : دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما

گلدی مسجددن دوتن میخانیه چوّن پیریمیز
ای طریقت دوستلاری آخر نه‌دیر تدبیریمیز
بیز مریدلر قبلیه آخر نه‌جوّر اوّز چونده‌رک
چون‌کی اوّز میخانیـه آخر گتیردی پیریمیز
بیز خراباته گئدیب بیر یئرده منزل ائتمه‌لی
چون ازلده بو ساياق ثبته یئتوب تقدیریمیز
عقل اگر بیلسه نه خوشدور بندزولفو کونلوّمه
هاممو عاقل‌لـــر اولورلا اوّردا هم زنجیریمیز
بیزلره چوخ‌کشف‌ائدیبدیر حُسن رویون آیه‌لر
بیرداها اوندان بری چوخ یاخشیدیر تفسیریمیز
داش‌اوّره‌ک‌کی‌سنده‌واردی هئچ‌دوتارمی‌بیرگئجه
یاندیـــران آه ، اوّدلو سینه ، نالـه‌ی شبگیریمیز
تیر آهیم گؤی‌لری **حافظ** یـــارار **شیوایه** دۀ
رحم قیل اوّز جانوه کسگیندی یوخسا تیریمیز ۶۹/۳/۲۹

غزل ۵ مصراع اول : ساقی بنور باده برافروز جام ما

باده نوریله أیشیلدات ساقیا بیر جاممی
بیر اؤخو مطرب زمانه حاصل ائتدی کاممی

یارین‌عکسین‌گؤرموّشوّق بیزمی ایچینده جامده
ای خبرسیز بیلمه‌ین لذّت بو شرب دائمی

هئچواق اؤلمز بیراوّره‌ک کیم‌زنده عشقیله اولا
ثبت ائدیب دست قضا لوح جهاندا نامَمی

چوخدو نازی سرو بویلو نازنین‌لر بیر داها
جلوه‌لنمک فکره سالمیش یار سرو اندامی

گوّلشن احبابه گئچسن ای صبا بیرلطف قیل
عرضنه حتماً یئتیر جانانه وئر پیغاممی

عرض‌ائله عمدأنیه یاددان‌چیخاردیرسان بیزی
دیللره بیرگوّن دوّشر سنده أونودسان نامی

مستلیک أول نرگس مستانیه چوخ یاخشیدیر
او جهتدن تاپشیریبلار بیر پیانه جانمی

قورخورام صرف‌ائتمه‌سین روز قیامتده داها
بیرچؤره‌ک شیخدن حلال مندن حرام می جاممی

حافظا افشان ائله گؤز دانه‌سین **شیوا** کیمی
بلکه تاپسین دلبرین وصلت قوشو بو دامی ۶۹/۳/۳۰

****

غزل ٦ مصراع اول : صوفی بیا که آیینه صافی است جام را

گل ایصوفی که صاف آیینهٔ جامدیر — صفـــاده جام می باخ لعلفـــامدیر
سؤروُش سرّ نهانی رنـد مستدن — کی «بیلمز» زاهـد عالیمقـــامدیر
چتین‌دیر ،ییغ‌تورون... عنقـــاشکاری — کی‌اوردایئل‌دی، بوش هرتورودام‌دیر
بو دوره بزمی‌دیر، وور باده‌وی گئت — طمعکـار اولما وصلین بیدوام‌دیر
کونوّل گئچدی‌جوانلیق‌گؤرمه‌دین عیش — قوجالدون بیر داها نه‌ننگ و نام‌دیر
چالیش نقدعیشه ..... آدم تنگ‌لیکدن — بوراخدی روضه‌کی، دارالســـلام‌دیر
بیزیم وار درگاهونـــدا حق خـــدمت — نظر ائت رحم ائله ، خواجه غـلام‌دیر

مریددیر باده‌یه **حافظ** صبا گئت
سلام اول پیره وئر کی شیخ جام‌دیر ٦٩/٣/٣٠

****

غزل ٦ ـ فنجی‌ترجمه مصراع اول: صوفی بیاکه آیینه صافی است جام را

دو گل ایصوفو کی آئینه کیمی صافدی بو جام
نئجه گؤر جامدا صفا سانماییری لعله مقام
رند مستدن سوّروشون پرده‌نین اسرارینی سیز
کی جواب وئرمه‌گی بیلمز او سؤزه ، زاهد خام
ییغ تورون عنقا شکاری دئیل آسان بونو بیـــل
یئل اسیر بوردا همیشه بوشا چیخمیش هر دام
بزم دوروندا ایکوّچ جام ووروب سونرا سؤوّش
طمعین اوّلمیا کی بوردا تاپا وصل دوام

ای‌کؤنوّل باغ جوانلیق گوّلوّنو درمه‌دین هئچ
چون هنرده دئیلی بو قوجالیق ننگله ، نام
نقدعیشونده چالیش أیچمه‌گه سو وقت اوّلماز
ترک ائدیب اوّلمادی جنّت آداما ، دار سلام
حق خدمت واریمیز درگاهوا چوخلو بیزیم
رحم قیل خواجه بیزه واردی گؤزو سنده غلام
حافظین واردیر ارادت مئیه گئت باد صبا
وئر پیام بنده‌چیلیک ائتسه قبول صاحب‌جام ۶۹۳۳۰

****

غزل ۷ مصراع اول : صبا بلطف بگو آنغزال رعنا را

لطفله سئوله صبـــا سن او مـــه رعنـــــایه
باشیمی داغدا داشا سن سالیسان صحرایه
اوشکرچی‌کی‌خداعؤمروّن‌اوّزون ائتسین اونون
نیه رحـــم ائیله‌میری طوطی شکّـــر خایه
حُسنونوّن کبری سنه وئرمیر اجازت ای گوّل
قیلاسان بیرجه نظر سن بو دل شیـــدایه
حُسن خلقیله ائده‌للر شـــکاری اهل نظـــر
وئرمز ایش دام و تله گر قوراسان دانایه
بوّلمـــوّرم آشنالیق رنگی نیـه یـوخ بـــورادا
سرو قدلی آلا گؤز بیر بئله مه سیمایه

اوتوراندا یاریلا باده بساطندا ، اگر
یاد ائدین قلبده بیر یار قدح پیمایه
بیربونو من دئیه بوللم که بیر عیبین واردیر
وئرمه‌یه‌یب تانری وفا سن کیمی بیر زیبایه
گؤیده **حافظ** غزلی گر اوخونا زهره چالا
رقصه وادار ائله‌یه‌یب ذوق وئره‌ر **شیوایه** ۶۹/۳/۳۱

****

غزل ۸ مصراع اول : رونق عهد شبابست دگر بستانرا

لاپ جوانلیق زمانی چاتدی یئنه بوستانین
آچدی‌گؤل دیللرینی بؤلبؤل خوش‌الحانین
ایصبا گر چمنین گنجلرین سن گؤره‌سن
سؤروش احوالینی بیر سرو و گؤل و ریحانین
گر بوجوّر جلوه‌لنه باده ساتان مغبچه‌لر
گؤزلریم جاروب ائدر میخانیه مژگانین
ای‌کی چوگان چکیسن عنبرسارادن آیا
حالیمه بیر نظر أیله من سرگردانین
قورخورام دُرد ایچه‌نه طعنه ووران کیمسنه‌لر
قویالار دیبده خرابات‌ده اوز ایمانین
تانرینین یارینا یاراؤل گمیسینده نوحون
واردی بیر توپراقی‌کی یوخدو اثر طوفانین

دیشره‌چیخ دهر ائویندن طلب ائتمه روزی
بو قارا کاسه ، داها اؤلدوّره‌جک مهمانین
هرکسین یاتما یئری آخری توپراقلاردی
پس نه حاجت‌دی کی افلاکه چکه ایوانین
منیم‌ای کنعان آییم مسندمصراؤلدو سنون
ایمدی‌دیر وقتی کی سن ترک‌ائده‌سن زندانین
حافظا خوشلوقولا می ایچ و رند اؤل امّا
دام تزویر ائله‌مه **شیوا** کیمی قرآنین ۶۹/۴/۴

****

غزل ۹ مصراع اول : ساقیا برخیز و در ده جام را

ساقیا دور بیر دولاندیر جامی ده — توک باشا توپراق غم ایّامی ده
آوجوما قوی ساغر می ..... اگنیدن — ... تا چیقاردیم دلق ارزق فامی‌ده
گر چه بدناملیقدی عاقللرده بو — بیز بوراخدیق تا بو ننگ و نامیده
باده وئر باد غروری دای بوراخ — باشه توپراق نفس بد فرجام ده
آغلیان بو سینه‌مین آه توّسدوّسو — یاندیریب افسردگان خامیده
بو دل شیدایه بیر محرم هانی ؟ — گؤرموّرم هئچ‌کیم نه خاص وعامیده
بیر دلارامیله خوشدور کؤنلوّموّز — سؤن قویوب بو قلبده آرامیده
بیرداها باخماز چمنده سروه کیم — گؤرسه گر اؤل‌سرو سیم اندامی‌ده
برک‌لیقا صبر أیله **حافظ** ، **شیوا** تک
بیر تاپار سوُز عاقبت سیز کامی‌ده ۶۹/۴/۴

****

غزل ۱۰ مصراع اول : دل میرود ز دستم صاحبدلان خدا را

قلبیم گئدیر الیمدن گؤر اوُرتادا خدانی
ایوای کی گیزلی سرّیم آخر اولور عیانی
مرکب سینیق سفینه یئل یولداش أول بیزایله
شاید کی‌قسمت اولدو بیزگؤردوک آشنانی
اون‌گوّن بو مهر گردون افسانه‌دیر هم افسون
یولداشلارا محبّت فرصت بیلین جهانی
گوّل حلقه‌سینده می‌دن بوّلبوّل گؤزه‌ل‌سسیله
های ووردو کی وورون می الدن دوتون پیانی
سیز ای کرامت اهلی اؤز ساغلیغیز یولوندا
بیر گؤزله‌یین فقیر و درویش بینوانی
دنیا و آخرتده راحت أیکی سؤز اوُلموش
ائت دوستلارا مروّت دوُت اَلده دشمنانی
خوش‌آدلیلار یئرینده بیزدن بیرآد کی یوخدور
سن گر بینمیورسن گئت پوز أیشین قضانی
امّ‌الخبایث آددا صوفی دئیه‌ن آجی سو
اوُلموش مباح دور وئر بوسیله ای فلانی
یوخسوللوغوندا کونلوّم عیشه چالیش پیان اول
بو باده کیمیادیر قارون ائدر گدانی
چوخ سرکش اولما جانا دلبر یانار اؤدوندان
دلبر کی موم ائدر او الده داشی قانی

اسگندر آیناسیندا جم جامنه نظر قیل
دارانین احوالین گؤر بو گردش جهانی
فارسی دانیشسا تؤرکلرگویا کی قند سپیللر
ساقی خبردار ائیله رندان پارسانی
باتمیش میه اگینده خرقه گئیوبدی **حافظ**
شیوا دهٔ ..... گئتسین ترک ایله‌سین بورانی ۶۹/۴/۶

****

غزل ۱۱ مصراع اول : صلاح کار کجا و من خراب کجا

أیشین صلاحی هارا بنده‌ی خراب هارا
یولون تفاوتی هاردادی گؤر کی تا به هارا
ریا لباسی‌ایله صومعه ووروب اؤزه‌گی
هایاندا ، دیر موغان و شراب ناب هارا
صلاح رندی و تقواده هانسی نسبت وار
سماع وعظ هارا نغمه‌ی رباب هارا
نه‌یاخشیلیق‌گؤره‌جک دوست اؤزوندده دشمنلر
سونوک چراغی هارا، شمع آفتاب هارا
گؤزوممده سُرمه‌دی توپراق یار آستانیندن
هارا گئده‌ک بویورون حضرت جناب هارا
او سیبه باخما زنخداندا ، سالدیریبدی قویو
هارا گئدیرسن اؤزه‌ک ، ائتمه چوخ شتاب هارا

کوچوبدو دوره‌ی وصلی کی یادی خیر اولسون
او نازلاری هارا بس گئتـــدی اول عتاب هارا
قرارو راحت امیدین هئچ اولماسین **حافظ**
قرار و صبر ندیر سنده فکر خواب هارا ۶۹/۴/۴

****

غزل ۱۲ مصراع اول : بملازمان سلطان که رساند این دعا را

اوشاهین حضورینا کیم یئتیره بیزیم دعانی
دئیه سالماسین نظردن بئله حالدا بو گدانی
او رقیب دیو دلدن ائده‌رم خدایه نـاله
مگر اود اوخیله بلکه ائده رفع بو بلانی
قارا کیپریگین اشارت قانیما اگر ائدیبدی
گراونون یئسن‌فریبین اوتوزارسان الده جانی
بوجهانه‌اود ووارسان اوزنو قیـــزاردا بیلسن
ائله بوایشی سن آللاه چک اودا قوتار جهانی
ائله هرگئجه امیدیم بودو کی سحر اولانـــدا
گلـــه آشنا پیامی شاد ائده بو آشنانی
نه قوپارمیسان قیامت کی‌دوشه بلایه عاشق
آچ اوزون وئریم بو باشی ائله‌ییم فدا بوجانی
یئنه بیر پیاله می‌دن یئتیر**حافظه** سن آللاه
کی تاری‌سحرچاغیندا قبول ائیله‌یبر دعانی ۶۹/۴/۱

****

غزل ۱۳ مصراع اول : میدمد صبح و کِلّه بست سحاب

سحر آچدی بولوت چادر قوردو — خوش او رندی‌کی باده‌سین ووردو
لاله‌نین عارضنـــــده وار ژاله — چؤله کؤچمک بو گؤنـــده مقدوردو
بو چمنـــده اسیـــر بهشت یئلی — هامیـــا بـــاده وورما مئیسوردو
باغدا گؤل قوردو بیـر زمرّد تخت — جشندیر باغدا چولده‌ده سوردو
قاپوسون باغلاییبلا میخـــانـــانین — بدنظرلر بو عیشه گـــئوز ووردو
اولبین او دیشین تامار زولوقو — سینه‌ده قلبـــه ، جـــانه ، اؤد ووردو
بئله بیـــر فصل‌ده حییف زاهـــد — در میخـــانیـــــه قیفیـــل ووردو

خوش او کیم **حافظی** سالیب یـاده
شیـوا تک جامه بـــاده دولدوردو ۶۹/۴/۱

****

غزل ۱۴ مصراع اول : گفتـم ایسلطان خوبان رحم کن براین غریب

من دئدیم ای شاه خوبان سن منی ائتدین غریب
سئوله‌دی قلبین‌یولوندایول آزارمسکین غـریب
عرض ائتدیم قال بیرآز پس سئوله‌دی معذور دوت
نازپرورلر باشارماز چوخ چکه نازین غریب
لم وئره‌ن سنجـــاب شاهی‌ده گؤزه‌ل بیر دلبرین
حالینه فرق‌أیله‌مزاولسون، تیکان‌بالین، غریب
ای‌کی زولفون تئللرینده باغلادون مین‌لر اوره‌ک
قاره خالین گؤسته‌ریر گؤل تک لب لعلین غریب

آی اوزونده گؤرسه‌نیـــر، می ارغوانی رنگـــده
قرمزی یاپراقه یاتمیش بیرگول نسرین غریب
صفحه‌ی رخساره اولموش غریب أول خط مور
گرچه اولماز بیر نگارستاندا خط مشگین غریب
ای اولان زولفون سنون شام غریبانلار کیمی
ائت حـذر گر آغلیا وقت سحر غمگین غریب
سئوله‌دی **حافظ** تانیشـلار بهت‌ده **شیوا** کیمی
عشقده اولماز عجب اولسوز هامو مسکین غریب ۶۹/۴/۲

****

غزل ۱۵ مصراع اول : ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست

ای سحرگاه‌یئلی مسکنی‌دلدار هـــانی عاشقین جانین آلان منزل عیّار هانی
بیرقارانلیق گئجه‌دیر وادی ایمن دوزده طورده أودهانی بس وعدهٔ دیدار هانی
او آدام اهل بشارتدی اشارت بیلسین چوخلو بیرنکته‌کی‌وار محرم‌اسرارهانی
باشیمین‌هرتوکوتون‌سنله‌مین‌ایشلک‌لری‌وار بیز هارا بوردا ملامتگر بیکار هانی
بیرسؤال‌ائیله‌اوموجیله‌سینان‌زولفوندن کی بو سرگشته اولان قلب‌گرفتارهانی
عقل‌دیوانه‌اولوب سلسله‌ی زولف هارادا آیریلیب‌بیزدن‌اوره‌ک‌قاشی اودلدارهانی
ساقی‌ومطرب‌ومی هامیسی آمـاده ولی یارسیز عیش‌اولابیلمز دهٔ گؤروم‌یارهانی
حافظا باد خزاندان اوره‌گین سیندیرما
فکر معقول ائله **شیوا** گول بی‌خار هانی ۶۹/۴/۲

****

غزل ۱۶ مصراع اول : دل سراپردهٔ محبت اوست

اوّره‌گیم خلوت محبّتی دیر — گؤزوم آیینه دار طلعتی دیر
من‌کی باش أگمه‌رم ایکی جهانا — بؤینومو خم ائده‌ن ده منّتی‌دیر
بله‌نیب دامنیم منیم نه عجب — هامو عالم گواه عصمتی‌دیر
شیخه طوبا منه یارین قوْینو — هر کسین فکری حدّ همتی‌دیر
من کیمم ؟ بو حرم‌ده باد صبا — پرده‌دار حریم حرمتی‌دیر
گؤزوموْن نوری اولماسین اونسوز — کی بو بیر گوشه یار خلوتی‌دیر
هر تازا گوْل چمن اگر بزه‌یه — مایل رنگ و روی و صحبتی دیر
مجنونون دوره‌سی سووْشدو بیزایک — بئش‌گوْن هرکیمسه‌نین کی نوبتی‌دیر
ملک عشقنده بو طرب بوجاقی — هر نه وار سایه‌ی محبّتی دیر
قورخوسو یوخدو منله قلبیم اوْلاخ — ایسته‌گیم دلبرین سلامتی‌دیر

گؤرمه ظاهرده **حافظین** فقرین
سینه‌سی مخزن محبّتی‌دیر ۶۹/۴/۲

****

غزل ۱۷ مصراع اول : سر ارادت ما و آستان حضرت دوست

ارادتیم باشیمیله واریم سنه دلبر
کی خوشدو باشه نه‌گلسه اوشیءکی یار أیسته‌ر
نظیره یوخدو یارا گرچه آی ، گوْن اولا
چوخ آینالار دا باخان اولمادی اونا بنزر

صبـا منیم اوژه‌ک احوالیمی سؤروشما داها
کی غنچه‌تک اوژه‌گیم باشی قاندی باخسان اگر

سبوکشی دئیلم من بـو دءیرده تنهـا
هوای مشگ‌له عنبردوتوب بوگون بو شه‌هر

ووروبدو زولفونه شانه مگر او نازلی گؤزه‌ل
نه چوخلو باشلار اولوب داش ، سبوکیمی یکسر

شاباش سنین باشوا هرنه‌گول چیچک واردیر
فدا سنین بوُیووا سرولر صنوبرلر

اوژه‌کده شوقونو وصف ائتمگه دیلیم عاجز
قلمده قیسسا دیلیله بو بحثده نئیلر

مرادیم‌حاصل اولار چون‌کی یادیمه دوشسن
حالی گؤزه‌لدی ، فالی یاخشی‌گلسه ،کیمسه اگر

هوس اؤدوندا تک ایمدی دئیل یانان **حافظ**
ازل عاشقلاری بیر لاله‌دیر کی تک گؤیه‌رر ۶۹/۴/۳

****

غزل ۱۷ـ ایکینجی ترجمه مصراع اول: سرارادت ماوآستان حضرت دوست

منیم بو دردلی باشیم بیرده یار درگاهی
کی هر نه باشیما گلسه اولایدی دلخواهی

نظیره اولمادی یاره اگر چه آی گون اولا
گؤروندو آینادا سالدیم عُذار اول ماهی

صبـــا بو دارکونوّلوّمدن خبر نئجه وئرسین
کی غنچه یاپراقی تک وار ایچینده گمراهی
بو دئیرده دئیلم تک سبـو چکن مـــن زار
بو آستانه‌ده باشلار آزیبلا چـــوخ راهی
مگر او زوّلفه داراق چکمیسن عبیرین ایگی
کی دوّلدوروبدو یئل‌عطریله هرگذرگاهی
شاباش سنین بوْیونا هر نه گوْل گوْیه‌رده چمن
فدا سنین بویونا سرو و گوْلـــدو واللهی
منیم اوْره‌کـــده‌کی شوقو دیلیم دئیه بیلمز
عـاجـزلاسا قلمین یوخدو بوردا بیرگوناهی
مرادیمـــا یئته‌رمم چونکی یادیمـا دوّشدوْن
فالی گوْزمل گله هـــر کیم ، روادی دلخواهی
طلب أودوندا دئیل تک یانان بو وقت **حافظ**
اوْره‌کده لاله تکین داغ سالیبدی بیرسیاهی ۶۹/۴/۳

****

غزل ۱۸ مصراع اول : آن سیه‌چرده که شیرینی عالم با اوست

قره‌شین نازلی کی شیرینی عالم اونـــدا
مست گوْز غنچه دوداق هم دل خرّم اوندا
آغزی‌شیرین‌اولانین هاممیسی گوْیچکدی ولی
او سلیمان زمانـدیر اوْلا خاتم اوندا

اوْزوْ گؤیچک، پاک‌اوْره‌ک بیرده کمال‌و هنری
پاکلارین یاخشیلیقی هر ایکی عالم اوندا

قاره‌خال بوغداوز اوْزده، کی، اویارین واردیر
آلدادان بوغدا که او، اوْیدوْروب آدم اوندا

دلبریم عزم سفر ائیله‌دی آللاهه باخین
یاره قلبیله نئدیم آخری مرهم اوندا

کیمیله بیر دئیه بوللم کی اوْره‌ک داش دلبر
منی اوْلدوْردو ، دم عیسی مریم اوندا

حافظی ساخلاگرامی کی اوبیر مؤمن‌دیر
چون‌کی بخشایش چوخ روح مُکرّم اوندا ۶۹/۴/۵

****

غزل ۱۹ مصراع اول : آنشب قدریکه گویند اهل خلوت امشب است

اول شب قدری که سئولر اهل خلوت مختصر
هانسی اوْلدوزیله یا رب بو سعادت دوْز گلر

چاتماسین تا زوْلفوْوه ناکسلرین سر پنجه‌سی
هاممو هر بیر حلقه‌ده ذکر یا ربّا دئیه‌ر

اوْلموْشو چاه زنخدانین ، منم ای نازنین
مین‌لر عاشق بیر بئله چاهی منیم تک ایسته‌یر

شهسواریم کی اونا آی آینا ساخلار اوْز به اوْز
گؤیده پارلاق گوْن‌تاجی توپراقینا اوْز سوْرته‌لر

ترلرین عکسین اؤزؤنده گؤن گؤرنده شوقدن
عارضه باخدیقجا گؤن ترلر گؤنو تبده گئچر
ترک قیلمام من یاری یا این کی جام باده‌نی
سیز دوتون معذور زاهدلر بو دینیمدیر اگر
مرکب باد صبایه قویسالار بیر گؤن یه‌هر
من سلیمانه چاتاممام ، مرکبیمدیر مورلر
اول کی اؤخلار سانجیری قلبه گؤز آتدا غمزه‌دن
روزوسون **حافظ** ده یارین گؤلمه‌گینده گؤزله‌یر
اول بلاغت دیمدیگینده‌ن آب حیواندیر دامیر
کلکمین بو زاغچاسی یارب هایاندان سو ایچه‌ر ۶۹/۴/۶

****

غزل ۲۰ مصراع اول : **مطلب طاعت و پیمان صلاح از من مست**

من کی مست ازلم یوخدو خبر طاعتدن
مشهورام رندلیقا می ووارام عشرتدن
باده وئر فاش ائله‌یم سرّ قضانی سنه من
عاشقم هانسی اؤزه مست می‌ام غیرتدن
چشمه‌ی عشقدن اول گؤتکی وضو ایله‌میشم
چار تکبیر ووروب چکمیشم آل ثروتدن
بوینوچوخ ایشگه‌دی بوردا بوداغین مورچه‌دن
نا امید اولما سن ای باده سئون رحمتدن

دگمه‌سین گؤز سنون او مست گؤزوندن سوایی
بو گؤی آلتیندا بیری خوش دئیلی قسمتدن
جان اولا آغزینا قوربان کی نظر باغینده
نه گؤزه‌ل باغبان آلی غنچه ائدیب حکمتدن
عشقونون دولتینه اولدو سلیمان **حافظ**
یوخدو یئلدن‌سورا وصلونده سنون دولتدن ۶۹/۴/۵

****

غزل ۲۱ مصراع اول : زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست

حالیمیزدن زاهد ظاهرپرست آگاه دئیل
بیزلره هر نه دئسه زاهد بیزه اکراه دئیل
سالکه هرنه طریقتده وئره اوّز خیری وار
دوّز یولا هر کیم قدم قویسا یقین گمراه دئیل
رخ نه‌جور اوّز وئرسه بوشطرنجده بیز اویناروق
رندْه شطرنج اویناسا هئچ بیر مجال شاه دئیل
نقشه‌لی بو ساده سقف أوّسته او گؤیلرده نه وار
بو معمّادن جهاندا بیر بیلن آگاه دئیل
بو نه استغنادی یا رب قدرت و حکمت ندی
بیر بئله گیزلی یارا وار مایل بیر آه دئیل
صاحب دیوان دئیه‌رسن هئچ حسابدا بیلمه‌ییر
نامه‌نین باشیندا یازمیش حسبتاً لله دئیل ؟

هرکیم ایستیردئینه‌گلسین یاکی گئدسین یوخ یاساق
کیمسه دورموش حاجب و دربان بو درگاه دئیل
گئتمگه میخـــانیه بیـــر اوزلوّلوّک لازم گلیب
کوچه‌سی میخانه‌نین هئچ خودفروشه راه دئیل
نارسالیقلار منیـــم بـــو ناقص اندامیمـــده‌دیر
یوخساسن لطف ائتدیگین خلعت کیمه کوتاه دئیل
قوربانام پیـــر خراباته بیـــزه چوخ لطفو وار
یوخسا شیخ و زاهدین گاه لطفو وار دیرگاه دئیل
صدر ده اگلشمه‌سه **حافظ** غِنای طبعدیر
دُرد ایچن عاشق‌ده اصلا فکـر مال و جاه دئیل ۶۹/۴/۶

****

غزل ۲۲ مصراع اول : آن پیك نامور که رسید از دیار دوست

خوش خبر پیک گلیب وئردی خبر یاریمدن
مشگبو نامه کی جان درمانی دلداریمدن
خوش خبرلر جلالیندان ، جمالیـــدان یارین
کی حکایت ائدیری خوشلوغا هـــر کاریمدن
قلبیمی مشتوّلوّق ائتدیم اونا امّـــا خجلـــم
قلب سکه‌ّایدی ، تاری سالمایا مقداریمدن
بختیم آللاّهه شوّکوّر خوش گتیریب دلبردن
راضیم ایش جور ائده‌ن تانری او داداریمدن

آی ، گؤنؤن یا فلکین اختیاری یارده‌دیر
هامی شی فرمان آلیر چرخده دلداریمدن
یئرله‌گؤی گر قاووشا انتظاریمدا دؤزه‌رم
خاکراهین توزونو أول بت عیـــّاریمدن
قویارام من باشیمی بارگه عشقینـــــده
خوش یوخـــو کیمسیه قسمت اؤلا تـــا یاریمدن
حافظه قصد ائله‌یه دشمن اگر قورخوسو یوخ
شؤکؤر آللاهه خجـــل مـــن دئیلـم یاریمدن ۶۹/۴/۶

****

غزل ۲۳ مصراع اول : دارم امید عاطفتی از جناب دوست

گؤسترە واردی‌امیدیم کی‌محبّت یاریم — من‌گناه ائیله‌میشم ائیله‌یه رحمت یاریم
بیلیرم جرممی آخرده باغیشلار دلبر — بیرملک‌دیر اگراو، وارپری‌طینت یاریم
آغلادیم‌من اوقدر هجرده‌هرکیم‌گؤردو — دئدیلرنهرآخیری ائیله‌دی‌حسرت یاریم
پسته‌آغزی‌دئیه‌سن غنچه‌کیمی‌گؤرسنمیر — کمری تؤک کیمی‌دیرعین‌حقیقت یاریم
گؤزلریم‌نقش‌خیالون عجبم محو ائتمیر — بوآخان اشگ ندیر، بونه حکایت یاریم
دانیشیق‌سیز چکیری‌قلبیمی‌زؤلفون‌دالیجا — تابی‌وارکیمده اوتئلدن‌ائده‌صحبت یاریم
زؤلفونون‌عطرینی‌بیرعؤمربوئیوآنلامیشام — وار مشامیمده هله عطری ادامت یاریم
حافظا حالین اگر چوخدا پریشان‌اولسا
زؤلف‌یارعطرینه وار منده رضایت یاریم ۶۹/۴/۶

****

غزل ۲٤ مصراع اول : صبا اگر گذری افتدت بکشور دوست

گذرون دوّشسه‌صباگراو بُتوّن کشورینه کونوّلوّن آرزوسونو ائیله بیان عنبرینه
آنداولادلبرین اؤزجاننه‌کی جان وئره‌رم بیرخبرگروئره‌سن الّتاپاسان محضرینه
الده گر تاپماسان ای باد صبا بارگهه عاشقه توّزگتیراوردان‌کی‌چکه‌گؤزلرینه
من گدا ، بیرده تمنّای وصالی هیهات من تکین، یوخسایئته، خوابده، رؤیالرینه
بوصنوبراوّره‌گیم تیتره‌ییری بیدکیمی چکیر حسرت‌کی یئته قدّ صنوبرلرینه
دوست‌اگربیرتوّکه‌ده آلمیا یوخ عیبی‌منی دنیانی قوربان ائدیم زوّلف معنبرلرینه

حافظین قلبی نولار آزاد اولا غم‌لردن
عـالم عشقـده چـاکر اولا دلبرلرینه ۶۹/۴/۶

****

غزل ۲۵ مصراع اول : آفرین ای پیك مشتاقان بده پیغام دوست

آفرین مشتاقلارین پیکی ، گتیر پیغام دوست
رغبتیله جان قویوم اولسون فدای نام دوست
واله و شیدادی بیللم بو قفسده قوش کیمی
طوطی‌طبعیم یئسین بیر شکرّو بادام دوست
زوّلفو توّردو ، خالی دانه ، قوش ، کونوّل
دانه‌نین امیّدینه دوّشدو کونوّل در دام دوست
کئفلی‌لیکدن قاوزاماز باش تا قیامت صبحنه
هر کیمه گر باده وئرسه عشقدن بیر جام دوست

شوق دلدن هئچ کسه من بوندان آرتیق دای دئمم
دردسردیر بوندان آرتیق کیم ائده ابرام دوست

گر الیمـــدن گلسه گؤزده توتیا تک سوّرته‌رم
خاکراهی گر مشرّف قیلسالار اقدام دوست

من وصاله یار فراقه میلیمیز هم قصدیمیز
ترک قیلدیم کامی تا ممکن اولسون کام دوست

یان اونون دردینده **حافظ** سنده بو **شیوا**کیمی
چونکی درمانسیزدی جانلاردا غم وآلام دوست ۶۹/۴/۷

****

غزل ۲۶ مصراع اول : آن ترک پریچهره که دوش از بر ما رفت

اوُل تورک پریچهره کی کســـدی رفقادن
آخر نه خطا گؤردوّکو گؤز اؤرتدوّ ختادن

تا گئتدی منیم گؤز أیشیقیم گؤز قاباغیندان
واقف دئیل‌عاشق نه‌چکیب جور و جفادن

شمعین جانی بو اؤد اَلووی گؤرمه‌دی من تک
بو اؤد کی ووروبسان جانیمه نـــاز و ادادن

وای سندن ایراق گؤز بولاغیندان ائله‌بیر هی
سئل آخدی داها صول، ساغیمی دوتدو بلادن

هجران اؤدو گلدی داها من دوّشدوّم ایاخدان
درد اؤلدوّروّرو یوخدو خبر بیرجه دوادن

قلبیم دئدی‌کی ائیله دعا چاره وی ایسته
بیر عومر اثر گؤرمه‌میشیک بیزکی دعادن
یوخ قبله‌یه احرام نه جوّر باغلییوم آخـــر
چوخ سعی ائله‌دیم مروه‌ده قالمیبدی صفادن
حسرتله منی گؤردو طبیبیم دئدی افسوس
قانون کتابنـــدا اثری یوخـدو شفـــادن
ایدوست سؤروش **حافظی** بیر گل باشی اوسته
تا واردی نفس گئتمیه بـو دار فنادن ۶۹/۴/۷

****

۲۷ مصراع اول : ایشاهد قدسی که کشد بند نقابت

قدسون گؤزه‌لی‌کیم چکیری بند نقابون جنّت قوشو کیم حاضرائدیردانه وآبین
بوفکرجگرسوز قاچیردیریوخو باشدان آخرکیمین آغوشو اولوب بستر خوابین
درویشلرین حالینی گرسورماسان اؤلماز محشرده باغیشلانماغا بیر مایه ثوابین
عاشق کؤنوّلوّن کسدی‌یولون بیرده‌جمالون معلومدیکی چوخ‌نشئه‌سی‌وارمست‌شرابین
غمزه‌ایله‌کی‌آتدین‌بیراوخون گئتدی‌خطایه تابیرده نه فکرائیله‌یه اؤل رأی صوابین
هر ناله وفریاد ائدیره‌م سانمیسان آخر معلومدوکی‌چوخ اؤجدادیرعالی جنابین
بوچؤلده‌سویا چاتماغاچوخ‌یولدوهوش‌ائیله آلداتمیا بیر غول بیابان سرابین
بیلمم قوجالیقدا آکونوّل نیلیه‌جک‌سن بیهوده یئره صرف اولوب ایّام شبابین
ای‌انسه‌کونوّل‌شادائلیه‌ن یوزدوم آبادلاش یارب‌کی‌زمان‌کئچمه‌سی‌گؤرمئیدی‌خرابین

حافظ دئیل او بنده‌کی قاچسین آغاسیندان
صلح ائیله قایید گل آجیدیر قلبه عتابین ۶۹/۴/۱۰

غزل ۲۸ مصراع اول : اگر چه عرض هنر پیش یار بی‌ادبی است

بی‌ادبلیقدی هنر عرض ائده‌سن یاره اگر
درد اؤره‌کده دئیه‌سن دردیوی دلداره اگر

گیزله‌در، گؤیچک اؤزؤن ، نازده‌دیر، چرکین‌لر
بو عجب أیشده یئری وار اولا گؤز قاره اگر

بیر تیکانسیز گؤلو بیر کس بو چمنده دَرمز
دؤشسه اخیاره گؤزو یا دؤشه اشراره اگر

سفله پروردی ندن چرخ فلک ائتمه سئوال
بیلمه‌ین کامده یا هر بیلن آواره اگر

مسجد و منبری بیر آرپییا من آلمیارام
وئرسه‌لر میخانا سکّوسینی من زاره اگر

جمالی موُ قیزینین گؤز ایشیقیم اؤلدو منیم
یا زجاجین عِنَبین پرده‌سیدیر قاره اگر

منیم ای خواجه باشیمدا وارایدی عقل و ادب
مصلحت‌دیر گؤرؤسن ، سن منی می‌خواره اگر

باده وئر **حافظه** ، **شیوا** کی اونوندا دایاغی
سحرین گؤز یاشیدیر بیرده چاتا یاره اگر ۶۹/۴/۱۱

غزل ۲۹ مصراع اول : اگر چه باده فرحبخش و باد گلبیز است

باده هرچند فرحبخشدی گوللده گوللوری
چنگ چالدیرکی اوخان‌دارغا قولاخ شوشله‌ییری
گر صراحی دولودور واردی یانوندا حریفین
عقللین أیچ کی زمان فتنه یئلی قاوزاییری
دسته‌گینده یاماغین آلتینا قوی جام مئیی
کی صراحی کیمی دنیا سنه قانقان دئییری
گؤز یاشیله یویاروق خرقه‌میزین می لکه‌سین
کی زمان بیر بئله پرهیزی بتر ایسته‌ییری
خوش طرب أیسته‌مه بو ترسه فلک دوروندن
بو کوپون باشداکی صاف باده‌سیده قئینه‌ییری
بو فلک بیر دانا غربالدی کی دایم قان آلر
کی‌کیچیک‌پارچاسی‌شاهلار باشیدی بللهییری

عراقی ، فارسی ، آلیبدیر غزلون **ایحافظ**

داها بغدادایله تبریزدی سنی گؤزله‌ییری ۶۹/۴/۱۲

غزل ۳۰ مصراع اول : ای هدهد صبا بسبا میفرستمت

ای صبـــا پیکی سنی سوی سبا یوللیورام
گؤرکی هاردان سنی من تا کی هارا یوللیورام

سن‌کیمی‌حیفدی بیر قوش‌کی دوشه غم یئرینه
بورادان من سنی تا شهرصفـــا یوللیورام

عشقده یوخدو یاخین یا کی اوزاخ مسئله‌سی
گؤزده‌سن قلبده یا ... چوخلودعا یوللیورام

سحر آخشام سنه بیر خیر دعا قـــافله‌سی
شمالین یولداشی همراه صبا یوللیورام

کونولّون ملکینی تـــا لشگر غم چولقاماسین
جانی بو یولدا سنه ..... بهر نوا یوللیورام

گر چه گؤزده دَییسن قلبده امـّا وارسان
سنه من چوخلو دعا حمد و ثنا یوللیورام

آللاهین صنعونو گؤر ائیله تماشـــا أوّزوّوه
سنـــه بیر آئینـــه‌ی حق‌نمـــا یوللیورام

قلبیمین شوقونو اظهار ائلیه‌م تـــا کی سنه
غزل و شعریمی هم ساز و نوا یوللیورام

ساقیا گل‌کی چیخیب مـــژده منه هاتفدن
درده صبـــر ائیلیه‌نه منـــده دوا یوللیـــورام

حافظی یاد ائله‌مک مجلسه بیر رونقدیر
دور تلس گل کی سنه آت و قبـــا یوللیورام ۶۹/۴/۲۰

غزل ۳۱ مصراع اول : ای غائب از نظر بخدا می سپارمت

گؤزدن ای غایب اولان تانریوا من تاپشورورام
یاندیریب‌سان جانیمی وصل رُخون آرزولورام
چکمیه‌م تـــا کفنینین دامنـــی‌نی توپراقا من
چکمه‌رم ال ، داها چون دامنوه آل وورورام
قاشونون محرابنی گؤستـــره‌سن صبح چاغی
بؤینوا ال سالارام چون کی دعایه دورورام
بابلوّن هاروتونا گئتمه‌لی اولســـام دا اگـــر
کامه‌چاتماقدان اوته‌ر جادویاجاق آل قوُیورام
پیشمرگون اولاییم کاش سنـوّن ای طبیبیم
حالیمی بیرجه سوُروش من‌کی یولوّندا قورورام
بیر محبت توخومو بلکه اکَـــم قلبوّنـــده
یوزلر اَرخ گؤز یاشیمیله یئره من آخدیریرام
قانیمی توکدو خلاص ائتدی غم عشقنـــدن
ینه‌ده خنجـــر ابرو قاباغینـــدا دورورام
آغلیرام قصدیم او دور قلبی آخـان سیل‌لره
بیـــر محبّت توخومو اکمگیله أویـــدورورام
وئر کرامتـدن اجازت کی اوّره‌ک سوزیله
نئجه گؤر گؤز یاشیمین گوهرینی یاغدیریـــرام
باده و رندی و شاهد یاراماز **حافظ** ایچون
گرخطا ائیله‌سه‌ده من اونا گؤز یومدورورام ۶۹/۴/۲۱

غزل ۳۲ مصراع اول : بنال بلبل اگر با منت سریاریست

آغلا ای بوّلبوّل شیـــدا منه گـــر یار اولاسان
یولداش اولسان منه لازمدی‌کی چوخ زار اولاسان

طرّه‌ی یارین اگر عطری یئتیشسه داماغـــــا
یوخ یئری پاپی اول نافه‌ی تاتار اولاسان

باده وئر ریب و ریا خرقه‌سینی رنگین ائدیم
حیفدیر مست غروریله ، آد ، هشیار اولاسان

هر خامین حقّی دئیل زوّلف خیالین ائله‌یه
بند و زنجیره گره‌ک بیر نفر عیّار اولاسان

گیزلی بیر نکته‌دی عشقین قوتولان سوّن سّری
دئی‌کی محو لب و نقطه‌ی زنگار اولاسان

قاش‌گؤزوّن، خطوخالون حسنی‌دئیل شرط جمال
مین دانا نکته گره‌ک عشقه کی دلدار اولاسان

حـــقّ قلنـــدرلری بیر آرپا بها وئرمزلر
لباسون اطلس اولا ، اصلده بیکار اولاسان

سنـه مشگلدو یئتیشمک آ کوّنوّل درگاهنـا
قورخورام چاتماغا اوّل منزله دشوار اولاسان

گوّزوّتون نازینی گؤردوّم یوخودا صبح‌چاغی
اوّره‌گیم سئوله‌دی ایکاش کی بیدار اولاسان

حافظا ختم ائله چوخ ناله ویله أینجیتمه
ابدی شادلیقا لازمدی کم آزار اولاسان ۶۹/۴/۲۳

غزل ۳۳ مصراع اول : بکوی میکده هر سالکی که ره دانست

هر او سالک کی بیلر میکده‌نین یوللارینی
بوْش بیلر آیری یئرین بیرده چالا قاپولارینی
رندلیق افسری وئرمز بو زمان هر شخصه
مگر اوْل کیمسه‌کی بیلسین بو تاجین مقدارینی
میخانا درگاهنا آشنا اولان کیمسنه‌لر
جام فیضیله ، تاپارلار اوْ یئرین سِرلارینی
خط ساغرده بیلر هر ایکی دنیا رمزین
جام جم سِرّی گؤره‌ر میخانا توپراقلارینی
دَلی‌دن باشقاسینا ایسته‌مه طاعت بیزدن
کی بیزیم شیخ بیلر کفر و عقیل یوللارینی
کوْنوْلوْم، ساقی‌گؤزوْندن جانا امن ایسته‌مه‌دی
چون بیلیردی او قارا قلبلی توْرک حاللارینی
طالعین اوْلدوزونون ظلمنه گؤز یاش اَله‌دی
آئیلان ، زهره‌ده گؤردوْ گؤزوْموْن یاشلارینی
حافظین گِزلی ووران ساغرینین صحبتی‌نی
محتسب سهلدی، بیلدیردی جهان شاهلارینی
بارگاهی گؤیولن پهلو ووران شاهنشاه
ائله‌ییب اهل جهان ورد زبان آدلارینی ۶۹/۴/۲۳

غزل ۳٤ مصراع اول : تا سرزلف تو در دست نسیم افتاده است

تا نسیمین الی اوْل طرّه‌ی طرّاره دوْشوْب
بوْلوْتوْب قلب او زوْلفوْن کیمی صد پاره دوْشوب
گوْزوْتوْن قاره‌سی عیناً سحرین قاره‌سی‌دیر
بو قدَر واردی بیر آز نسخه‌ده بیماره دوْشوب
خم زوْلفوْنده ندیر اوْخشایشی قاره خالین
دوده‌نین لکّه‌سی اول صفحه‌ی پر باره دوْشوب
اوْزوْتوْن جنّتی‌نین گوْلشننه مشگین زوْلف
سانکی طاووس‌پرینین جلوه‌سی‌گوْلزاره دوْشوب
هوس کویوْوه ای مونس جان بو اوْره‌گیم
توْزدو توْپراقدیکی بو یوللارا بیچاره دوْشوْب
توْز کیمی قاوزانا بیلمز بدنیم یول اوْسدن
چونکی بویولدا بدن چوخ اَرییوْب زاره دوْشوْب
قدّینین سایه‌سی بو جسمیمه ای عیسی دم
بیر روحون شکلدی‌کی بیرچوْرومْوْش داره دوْشوْب
کعبه‌ده لعل لبوْندن ، اوکی هئچ ائتمه‌دی یاد
گوْرمـوْشم میکـده سکّوسینه همـــواره دوْشوْب

حافظین غصه‌ویله بیرلیگی وار یار عزیز
داها بو بیرلیگیمیز دهرده دوْاره دوْشوْب ۶۹/۴/۲۴

غزل ۳۵ مصراع اول : باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبر است

دگی اسگیک یاریلا باغیمیزین بیـــر زادی
سرودن قیسسا دئیل بو باغیمین شمشادی

ای گؤزه‌ل مذهبین آخر نه‌دی دینین هانکی
قانیمی ائتدی حلال سایدی مباح هر زادی

گر اؤزاخدان غمی گؤرسن .دو شراب أیسته‌گیلن
بودو تشخیص منیم کی بو گؤزه‌ل بیر داوادی

نیه ؟ بیـــز پیر موّغان درگاهنی ترک ائده‌ک
دولت و فخر و شرف هاموسو اوّل قاپودادی

قصّه‌ی غصّه‌ی عشقین هاموسو بیر سؤزدو
کی مکرّر دئیل امّا هاموسو خوش هاوادی

دوّن‌وئریب وعده‌ی‌وصلین کی بیرآزسرخوش‌ایدی
تا بوگوّن باشدا نه فکری اولا میلی هارادی

شیرازین بو نسیمی ، چشمـه‌ی رکن‌آبـادی
تکدی عالمده مگر خال رخ دنیـــادی

خیضرین آب حیاتی کی قارانلیقـدا دوّشوّب
بو سویون وارسا شرف منبعی شیراز دادی

ساخلاروق آبروسون فقر و قناعت بیزلـــر
عرض ائدین پادشاها روزی دا پا برجـادی

حافظین کلکی عجب شاخ نبات طرفه‌سیدیر
شهـد و شکّـر توکوّرو آغزیدا شکّرخادی ۶۹/۴/۲۵

غزل ۳۶ مصراع اول : بلبلی برگ گلی خوشرنگ در منقار داشت

دیمدیگینده بوّلبوّلوّن خوشرنگ گوّل ، الحانیله
وصلده چوخ ناله‌لر وئردی باشا جانانیله

من سؤروشدوم وصلده بو ناله و فریاد ندن ؟
سؤیله‌دی یار جلوه‌سی دوّلدوردو قلبی قانیله

یار اگر منله اوْتورمور اعتراضه یوخ یئری
کامران شاهین عاری وار بیر گدا انسانیله

دوتمورو عجز و نیازیم ناز و حسن یاریله
خیری اوْلسون کئف سوّرنلر نازنین جانانیله

دورکی جان قوربان ائده‌ک بیزلراونقاش‌کلکنه
بیر بئله نقش و نگار چکدیردی بیر فرمانیله

ننگ‌ونامین فکرینی عشقین یولوندا باشدان‌آت
شیخ صنعان خرقه رهنه قویدو چوخ دستانیله

یوللارین‌سیروسلوکون طیّ ائدن ، خوش‌حالینه
ذکر ائدیر زنّارده بیر خالق سبحـــــانیله

قصرینین آلتینداورموش **حافظین** آغلارگؤزو
وار برابر آیه‌ی **جنّات تجری تحتی** قرآنیله ۶۹/۴/۲۵

غزل ۳۶ ۲ـنجی ترجمه مصراع اول: بلبلی برگ گلی خوشرنگ درمنقارداشت

شیدا بوّلبوّل بیر گؤزه‌ل گوّل ساخلامیش منقارده
دولت وصل الده‌کن خوش ناله‌ایله زارده

من سئوال ائتدیم وصالدا ناله و زاری ندن ؟
سئوله‌دی یار جلوه‌سی وادار ائدیب بو کارده
گر بیزایله یار اوْتورماز اعتراضه یوخدو یئر
شاه گدائیله قونوشسا مبتلادیر عارده
حسن و ناز یاریله دوْتمور نیاز و عِجزیمیز
خوش او کیملرکی یاشیرلار بخت برخوردارده
دورکی جان قوربان ائده‌ک بیزلر او نقّاش کلکینه
بیر بئله نقش عجب چکدیردی بیر پرگارده
عاشق اوْلسان عشقده بدنام‌چیلیکدن ائتمه غم
بیعه قویدو خرقه ، صنعان خانه‌ی خمّارده
بیر ائله سیر و سلوْکوندا او پیرین یادی خوش
آللاهین ذکریندن چئویردی حلقه‌ی زنّارده
حافظین آغلار گوْزو یار قصرینین آلتینداکن
گوْسته‌ریردی‌آیه‌ی**جنات تجری تحتها الانهار ده** ۶۹/۴/۲۵

****

غزل ۳۷ مصراع اول : بی مهر رخت روز مرا نور نمانده است

اولمایاندا گوْن اوْزوْن یوخدو داها نور منه
عوْمرده یوخدو مگر بیرشب دیجور منه
آیریلاندا ائله گوْز یاشینی ائتدیم جاری
ایراق اوْزدن کی گوْزوْم وئرمیری بیر نور منه
خیالون باشدا اوْچوردو ، گئده‌راق سوْیلوْردو
وای کی دای قالمادی بیر گوشه‌ی معمور منه

وصلت ایّامین اجل باشدان اوْزاخ ساخلیردی
ایمدی هجریندن اجل چوخ دئیلی دور منه
آز قالیر عشق رقیبیم سئوینیب سئوله‌یه‌کی
« تئز اولار الدن اوْچار خسته‌ی رنجور » منه
هجرانین آخر علاجی یئنه صبر ائتمک‌دیر
چوخ دؤزوْم ده داها چوخ اوْلمورو مقدور منه
سنین هجرینده آخیر سیل سرشگیم گؤزدن
جگرین آخسا اگر قانی دهٔ معـــذور منه
گوْلمگه یوخدو یئری آغلاییر **حافظ** از بس
ماتمیم چوخدوکی جایز دئیلی سور منه ۶۹/۴/۲۵

****

غزل ۳۸ مصراع اول : برو بکارخود ای واعظ این چه فریاد است

واعظا گئت أیشیوه بس نیه فریاد ائدیسن
من چیخیب یوْلدان اوْره‌ک سن نیه بس داد ائدیسن
کَمَر یاری کی خلق ائیله‌ییب آللاه توْک تک
نوْکته‌لر وارکی اینانمام اونو ، انشاد ائدیسن
نای تک چاتمیا گر کامه لبیم لعلیندن
هر نصیحت وئریسن زحمتی بر باد ائدیسن
کوْچه‌وین سائلی‌نین ، جنتّه یوخ احتیاجی
عشق اسیرین ایکی دنیاده سن آزاد ائدیسن
عشقینین مستیلگی گرچه منی ائتدی خراب
بو خرابلیقدا منی سن گؤزه‌ل آباد ائدیسن

غزل ۳۹

هرطرف ظلم و ستم لشگریدیر امّا گؤر

لاپ ازلدن ابده فرصت درویشلردیـــر

ای کؤنوّل آغلاما ، یاد_دان ، ائده گر جور و جفا
او ، منه ، قسمت ائدیبدیرکی بو جوّر داد ائدیسن
یئمه دنیا غمینی یاددان آپارما بو سؤزو
بو لطیفه سؤزو ، یوخ عیبی اگر یاد ائدیسن
ائتمه افسون منه **حافظ** اوْخوما افسانه
بئله افسون و فسانه نیه چوخ یاد ائدیسن ۶۹/۴/۲۹

****

غزل ۳۹ مصراع اول : روضهٔ خلد برین خلوب درویشانست

باغ جنّت دئیلن خلـــوت درویشلردیر محتشملیک مایاسی خدمت درویشلردیر
او عجایب طلیسملرکی اولار عُـــزلتده اونو آچماق نظر رحمت درویشلردیر
قصر فردوس کی رضوان اونا دربانلیق ائدر بیرباخیشدا چمن نُزهت درویشلردیر
قلب بیرسکّه نی خالص ائلیه ن هر بیر شیء کیمیادیر کی اودا صحبت درویشلردیر
گوّن تکبر تاجینی تقدیم ائدن بیر درگاه کبریا بارگاهی حشمت درویشلردیر
زوالین غصه سینی ائیله میه ن بیر دولت لاپ حقیقت بودوکی دولت درویشلردیر
دنیانین قبله ی حاجاتلری شاهلاردیر علّتی بنده چیلیک حضرت درویشلردیر
هراو حاجت کی دعاایله اونو شاه ایستر مظهری آینه ی طلعت درویشلردیر
هرطرف ظلم و ستم لشگریدیر امّا گؤر لاپ ازلدن ابده فرصت درویشلردیر
ای توانگر نه دی بو نخوت وکبرین بو قدر باش،قیزیل،جمله لری همّت درویشلردیر
ایسته سن گر ازلین آب حیاتین **حافظ** منبعی توپراقینین خلوت درویشلردیر

آصف عَهده غلامم بو جلالیله، اونون
صورت خواجه لیگی سیرت درویشلردیر ۶۹/۵/۱

غزل ٤٠ مصراع اول : جز آستان توام درجهان پناهی نیست

درگاهوندان سئوایی یوخدو جهانـــدا پناهیم
تک سنون آستانون اولدو بو منیم قبله‌گاهیم
دشمنیم تیغ اگر چکسه سپر ساخلایارام
چونکی شمشیر قاباغندا سلاحیم دیر بو آهیم
نه گره‌کدیر چئویرم کؤی خراباتدان اوز
داها بوندان گؤزه‌لی یوخدو منیم رسم و راهیم
عؤمروّمون خرمنینه اود وورا گر دست قضا
سئوله یاندیرکی عؤمورّدور منه بیر پَرّ کاهیم
سرو قامتلی خمار گؤزلوّ یارین نوکری‌ام
بسکی مغروردو قیمیر ائلیه بیـــر نگاهیم
خلقی أینجیتمه ولی هر نه گناه ائتسن ائت
کی بیزیم شرعده بوندان سورا یوخدور گناهیم
ای‌گؤزه‌للیک‌شاهی، سن‌چاپ‌آتیوی‌کوچ‌بورادان
کی بو یوللاردا مینم تک چوخو وار دادخواهیم
بو قدر توز، تله‌کی واردی بو یولدا بشره
لطفدن، مرحمتوندن ، سئوایی یوخ پنـــاهیم

حافظین کؤنلوّنو ساتما خط وخال قیمتینه
دئیل حدّی بو أیشه اولسا اگر بیرسپاهیم ۶۹/۵/۳

****

غزل ٤١ مصراع اول : صوفی از پرتو می راز نهانی دانست

می ضیاسیندا تاپیب صوفی نهان‌اسراری
لعل می‌دیر کی تانیر جوهره‌ی دیّاری

گوّلزارین قدرینی بیرمرغ سحرتکجه بیلر
هرصحیفه اوْخویان کشف ائله‌مز اسراری

کؤنوّله هر ایکی دنیا أیشینی گؤستردیم
عشقینین سوداسینا ردّ ائله‌دی هر کاری

قوْرخمورام‌من‌داها بوسرسفیه انسانلاردان
محتسب‌ده تانیور باده ووران عیـّاری

مصلحت گؤرمه‌دی دلبر منیم آسایشمی
یوخسا بیلمیشدی اولان خاطر پرافکاری

بیر باخیشلا ائلیه‌ر لعل، داشی، توپراقی
کیم کی یاخشی تانیا قدرت اول قهّاری

دفتر عقلدن ای آیت عشق اخذ ائله‌ین
قورخورام بیلمیه‌سن، سن ائله بیراسراری

باده وئرچوخداگوّوه‌نمه بو چمن گوّللرینه
گؤره‌سن گلدی‌خزان رونق گوّل قورتاری

گوهر نظم کی **حافظ** توکوّرو طبعیندن
تربیت‌دیر کی وئریب آصف دوران باری

۶۹/۵/۶

****

غزل ٤٢ مصراع اول : صبحدم مرغ چمن باگل نوخاسته گفت

تازه آچمیش گوّله بوّلبوّل دئدی هنگام سحر
چوخ بئله ناز ائله‌مه سن‌کیمی‌لر چوخلو گلر

گوّلدوگوّل سئوله‌دی بیز أینجیمه‌ریک دوّزسؤزدن
امّا عاشق نئجه معشوقونا برک کلمه دئیه‌ر

لعل می جام مرصّعده طاماح بسله سه کیم
چوخلو دُر کیپریگیله حتم بو سوداده ده‌له‌ر

بورنونا چاتمیاجاقدیر ابداً عشقین ایگی
جز او کس کی گؤزوّله میخانا خاکین سوپوّرر

باغ جنّت‌ده دوّنن طرّه‌سی بیر خوش هاوادان
گؤردوّم اوّل طرّه‌ی طرّار نسیمیله اَسَر

دئدیم ای مسند جم ، جام جهان بینین هانی ؟
دئدی افسوس کی الدن نه‌کی وار دیبده گئده‌ر

دیلده عشقین سؤزو مشگولدو بیان ائیلیه‌سن
ساقیا می گتیر عاقل بو سؤزو قیسسا دئیه‌ر

حافظین گؤز یاشی صبر و خِرَدی زایل ائدیر
نیله‌سین گؤز یاشی باطن سؤزو تئز ظاهر ائدر ۶۹/۵/۹

غزل ۴۳ مصراع اول : کنونکه بر کف گل جام بادهٔ صافست

بو غزلین ترجمه‌سین عزیزبیوک قارداشیم و معلّمیم ادبیات استادی **حاج میرزا جعفر مدرس اول** جنابلارینا تقدیم ائدیرم .

دولوبدو ایمدیکی گوّل کاسه‌سینده باده‌ی صاف
اوْلوبدو بوّلبوّل اونا مین دیلیله مین وَصّاف

اَلونده دفتر شعری گؤتوّر دوْشه چمنه
نه وقت مدرسه واردیر نه کشف و نه کشّاف

فقیه مدرسه کئفلی دوّنن وئریب فتوا
کی می حلالدیر امّا حَرامدیر اوقاف

سنین کی چیخمیری باشین بو دُرد صافیدن
نه توْکسه جامه بیزیم ساقی ائیله‌ییر انصاف

بو خلقدن اته‌گین ییغ کناره عَنقا تک
کی گوشه‌گیرین آدی واردی قافدن تا قاف

بیزیمده دوستلارینان ، مدعی حدیثلری
اوْلوب حکایت زر دوز بیرده بوریا باف

قیزیل کیمی بو گؤزه‌ل نکته‌لر دئمه **حافظ**
بیر آزجا ساخلا کی قَلّاب شهردیر صرّاف

۶۹/۵/۱۰

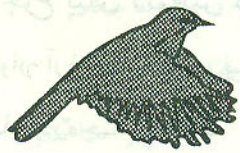

غزل ٤٤ مصراع اول : گل در بَرو می درکف و معشوق بکام است

گوّل بَرده‌دی ، می الده‌دی ، معشوقه‌ده کامدا
بو لحظه‌یه واردیر یئری شاه اولسا غلام‌دا

شمعه دهٔ کی گلمه بو گئجه مجلسیمیزده
یارین آی اوّزو سالدی أیشیق بَدر تمام‌دا

می اوّلدو حلال ایندی بیزه مذهبیمیزده
سن‌سیز بیزه یوخ فرقی ، حلالیله حرامدا

بیر باش ، قولاغیم چنگ و نی و نایه طرفدیر
هر لحظه گوّزوّم لعل لب و گردش جام‌دا

لازم ده‌ئیی زوّلفوّنله بو مجلسده اوّلا عِطر
هر لحظه وئریر عِطر أیبی زوّلفوّن بو مشامدا

قندین ، شکرین ، شهدین آدین چوخدا گتیرمه
چون لعل لبیله بیزه شیرین اوّلو کام‌دا

غم خزنه‌سی تا وار بو خراب قلبین ائوینده
من اوّندان اوّتوُردوم بو خرابات مقامدا

میخواره و آواره‌یم و رند و نظر باز
هر کیمسه منیم تک دئیلی ، یوخدو بو دامدا

چوخ پیس دئمه‌یین دارغا دالینجا اودا بیز تک
وار آرزوسو بلکه یاشایا ، عیش مدام دا

معشوقه‌سیز اصلا اوّتوما ذرّه‌جه **حافظ**
بو فصل گوّل و یاسمن و عید صیام دا

۶۹/۵/۱۱

غزل ٤٥ مصراع اول : صحن بستان ذوق بخش وصحبت یاران خوش است

صحن بوستان با صفا و صحبت هر یار خوش
خوش‌بیلر گوّل فصلینین هر لحظه‌سین میخوار خوش

جان مشامی خوشلانیر باد صبادن دمبدم
هر کسه البتّه وار انفاس هر بیر یار خوش

آچمامیش گوّل اؤز نقابین کؤچمه‌گه قصد ائیله‌دی
ناله ائت بوّلبوّل اولار گوّلبانگ دل‌افکار خوش

مشتوّلوّق وئرعشقدن شوریله شب‌خوان قوشلارا
ناله‌ی شبگیردن دوست اولساگر بیـــدار خوش

یوخدو بو دنیاده معشوقه تاپیلسا بیر کسه
رندلیقلار شیوه‌سیله خوش اولار عیّـــار خوش

سوسن آزاده‌دن بیر سؤز ائشیدّیم سئومه‌لی
کهنه بو دیرین أیچینده یوّنگوّل اولسا بار خوش

دنیانی ترک ائیله‌مک خوشلوقدو **حافظ** انســانا
فکریوی چاشدیرما اوّلماز حال دنیـــادار خوش ۶۹/۵/۱۱

****

غزل ٤٦ مصراع اول : خلوت گزیده را بتماشا چه حاجت است

خلوت ائدنه بیرده تماشایه نه حاجت
یار کوّیو اولا ، گردش صحرایه نه حاجت

وار حاجتون آللاهه اگر ، آند اونا وئرزم
بیردفعه سؤزوش واردی بوبیمایه نه‌حاجت

ای حُسن شاهی آللها باخ یاندی بو جانیم
آخر سئوال ائت واردی بو شیدایه نه حاجت

حاجاته بیزایک اهل ، سئواله دیلیمیز یوخ
اهل کرمه بیرده تمنّـــــایه نه حاجت

بیرده گمیچی منّتی‌نی ، چکمه‌ریک آخر
وار الده جواهر داهـــا دریایه نه حاجت

ای مدّعی گئت یوخدو منیم سنله رجوعوم
احباب اوْلا گر، اوْلسا ،دای اعدایه نه حاجت

ای عاشق بیچاره یارین دادلی دوداقی
گلسه اوپوْشه بیرده تقاضایه نه حاجت

حافظ داهـــا قورتارکی هنر گؤرسه‌نر آخر
هر مدّعیه سئوله‌کی دعوایه نه حـــاجت

۶۹/۵/۱ **********

غزل ۴۷ مصراع اول : **خوشتر زعیش و صحبت باغ و بهار چیست ؟**

صحبت و عیش باغده یاخشی اوْلار بهارده
ساقیه سئوله می گتیر اوْتورمـــا انتظارده

الوئره خوش‌ساعت اگر قدرینی بیل او ساعتین
یوخدو خبر کیمسنیه ..... عاقبت بو کارده

عؤمرأیشی باغلیدیرتوْکه ییغ باشا هوش‌وفکریوی
بهره گؤتور بو عؤمردن غم یئمه روزگارده

آب‌وحیات‌و جنّتی گل بیرأیشید دوشون نه‌دیر
اَرخ قیراغیندا تاپ همی باده‌ی خوشگوارده

اوز اورتوّلوّ پیانیله هر ایکی بیر قماش‌دیر
هانسینا باغلاییم اوّره‌ک شک‌لیه‌م ، اختیارده
پرده‌دالیندا سرلاری فلکده بیلمیر ائت سکوت
مدّعیه دۀ یوخ گناه بو أیشـــده پرده‌دارده
سهو و خطاسی بندیه اوّلماسا اعتبار اگر
معنی عفو بس ندیر رحمت حقّ بـاری ده

حافظه وئر پیـــاله‌نی زاهده آب کوثـری
تـــــا نه اولا مشیّتی خالق کردگارده ۶۹/۵/۱۳

****

غزل ۴۸ مصراع اول : کنونکه میوزد از بوستان نسیم بهشت

اسیر نسیم بهشت ایندی‌کی گوّلوّستاندا
شراب الیمده فرحبخش و دلبریم یاندا
گداده سلطنت ائیلر بوگوّن بهار گلیب
بولوتدو خیمه اونا بزمگاه بوستانـــدا
چمن حکایت اردیبهشتی نقل ائدیری
قویان سفیه‌دی نقدی او نسیه خواهاندا
کوّنوّل بناسین آبادلا کی بو خراب دنیـا
خیالی‌وارکسه کرپیش بیزیم چوّروّک جاندا
وفا طلب ائله‌مه دشمنیندن اوندان اوّتور
بودلبرچراغی أیشیق،وئرمه‌ییبدی شمـداندا

ملامت ائتمه من مست نامه‌سی قارانی
کی بیلمیرم نه یازیب دست غیب پنهاندا
قدم مضایقه **حافظدن** ائتمه‌یین کی اونون
گناهی اولسادا یئر ساخلاییبلا رضواندا ۶۹/۵/۱۳

****

غزل ۴۹ مصراع اول : عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت

زاهدا رندم اگر قویما ملامتده منی
اؤزگه‌نین دوتمیاجاقدیر گناهی دیبده سنی
من اگریاخشی یاپیس سن اؤزوّنه مشغول‌اوْل
بیچه‌جک اکدیگین هرکس اؤزو آخر اکه‌نی
آختارير هاممو یارین، کئفلی اوْلا یا هوشیار
عشق اهلی تانی سن مسجده ، دئیره گئده‌نی
باش منیم باشدا بو میخانه‌لرین خشتلری
قانماسا کرپیچه وورسون کیمی باشی ، بدنی
نا امید ائتمه منی لطف ازل‌دن زاهد
بیلمه‌سن، پرده‌دالیندا ، پیس و یاخشی‌گزه‌نی
ترک تقوا ائله‌ین تک دئیلم دنیادا من
ده‌دم آدم‌ده اوُدوزدوّ او بهشت عدنی
گر اوْلن لحظه‌ده بیر جام اوْلا قسمت **حافظ**
آپاراللار بورادان روضه‌ی رضوانه سنی ۶۹/۵/۱۳

غزل ۵۰ مصراع اول : حاصل کارگه کون و مکان اینهمه نیست

حاصلی بو جهانین کون و مکان چوخ دئیلی
باده وئر تکجه بو اسباب جهان چوخ دئیلی
شرف صحبت جاناندی غرض بو دل و جان
غرض عالمده بودور ، تک دل و جان چوخ دئیلی
منّتین چکمه ، بیر آز کؤلگه ایچون طوبادن
یاخشی گؤر نکته‌نی ای سرو روان چوخ دئیلی
او دو ، دولت کی اونون خون دلین چکمیه‌سن
یوخسا سعی و عمله باغ جنان چوخ دئیلی
بئش گؤن عؤمروّنده کی وار فرصت الونده آییق اوْل
بیر آز آسوده یاشا یوخسا زمان چوخ دئیلی
ساقیا بحر فنا ساحلینه منتظریک
دوداقا باده یئتیر تا بدهان چوخ دئیلی
غیرتین أیشلرینین غافلی اوْلما زاهد
یوللاری صومعه تا دءیر موغان چوخ دئیلی
دردمندم من دلسوخته‌ی زار و نزار
ظاهراً احتیاجی اوْلسا بیان چوخ دئیلی
حافظین یاخشیلیغا چیخدی آدی امّا حییف
رند ایچون بو رقم سود و زیان چوخ دئیلی ۶۹/۵/۱۴

****

غزل ۵۱ مصراع اول : کس نیست که افتادهٔ آن زلف دوتا نیست

یوخ کیمسه کی دؤشگؤن دئیل او زؤلف دوتادن
بیر رهگذری تاپماسان ایمندی بلادن

گئندن باخانین غارت ائدیر قلبینی چشمون
سنله دؤلانان پاکدیر هر جرم و خطادن

جانا او اؤزؤن آینه‌ی لطف خدادیر
حقدیر بو سؤزوم من دئمیرم روی و ریادن

نرگیز طلب ائیلیر او گؤزؤن شیوه‌سی ، به به
باشدان خبری یوخدو بو گؤز گؤزده حیادن

آللاه‌دان اؤتر زؤلفه بزه‌ک وورما کی واردیر
دعواسی منیم قلبیمیله شِکوه صبادن

ای مجلسیمه شعله سالان شمع قایبت گل
سن‌سیز اثری یوخدو بو مجلسده صفادن

هرکس کی غریبه ائده احسان آدی خوش‌دور
یوخ رسمی سیزین شهرده احسان غُربادن ؟

دلداره دئدیم عهد و وفادن منه سئوله
یوخدور دئدی بو عهده آثار وفادن

گر پیر موغان مرشد اولا بیزلره یوخ غم
یوخ دهرده بیر باش کی اثر یوخدو خدادن

عاشق نه ائده چکمه‌یه گر بار ملامت
هنچ پهلوانا یوخدو سپر تیر قضادن

صوفیلره خلوتده و یا دءیرده زاهد
منظوردو قاشین اوْنلارا ، محراب دعادن

چنگی بله‌نن خون دل **حافظه** دلبر
آخر حذر ائت غیرت و قرآن خدادن ۶۹/۵/۱۶

****

غزل ۵۲ مصراع اول : در این زمانه رفیقی که خالی از خلل است

بو زماندا او رفیقی کی اونون یوخ خَلَلی
صاف مئیین کوزه‌سیدیر خواجه‌نین همده غزلی

عافیت پرتگاهی واردی ، بیر آز قیوراق گئچ
الیوه آل پیالا یوخدو بو عؤمروْن بدلی

بو عمل سیزلیگی‌له تک دئیلم من دلتنگ
عُلمانین دا چوخو باخسان اگر یوخ عملی

عقلیلن باخسان اگر بو قاریشیق دنیایه
دنیانین چوخلو أیشی یوخدو ثبات و محلی

طرّه‌ی یاره یاپیش چوخدا ناغیل بوْزلاما سن
سعد و نحس ایشلرینه وئرمه دخالت زُحلی

اوْره‌گیم وصلینه نه چوخلو امید باغلیردی
اجل امّا عؤموْره یول کسیب آلدی اَمَلی

هئچ زمان **حافظی** گؤرمک اولا بیلمز هوشیار
گر أیچه باده‌ی عشق و اولا مست ازلی ۶۹/۵/۱۶

****

غزل ۵۳ مصراع اول : منم کی گوشهٔ میخانه خانقاه من است

منم کی گوشه‌ی میخانه خانقاهیم‌دیر — دعای پیرموغان ورد صبحگاهیم‌دیر
اگرصبوحی وچنگ اوْلماسانه‌غصّه‌م‌وار — منه نوای سحر آه عذر خواهیم دیر
شوْکوْرخدایه‌کی شاه‌وگدایه یوخ نیازیم — یارین قاپوگداسی، شانلی‌پادشاهیمدیر
غرض بومیخانا،مسجد، وصال‌رویوندور — کی‌یوخدورآیری‌خیالیم خداگواهیمدیر
مگر اجل قلیجی قاوزیا بو درگاهدان — قویوب بودولتی‌قاچماق نه‌رسم‌وراهیمدیر
اوگوْن‌کی اوْزدایادیم آستانوه ای دوست — پاریلدایان‌گوْنوْن او تختی تختگاهیم‌دیر

اگرچه یوخدوگناه اختیاری **حافظ**ده
ادب یولیله دئیر ایش منیم گناهیمدیر ۶۹/۵/۱۷

****

غزل ۵۴ مصراع اول : خم زلف تو دام کفر و دین است

اوزوْلفوْن تور قوروبدور کفر و دینه — اشارت ائیله‌دیم میندن بیرینه
جمالون حسنه معجزدور و لیکن — او غمزه‌ن اوخشاییر سحر مُبینه
اوشوخ‌گؤزدن جانی قورتارماق اوْلماز — کمان الده دوروْب قلبه کمینه
او قاره گؤزلره مین آفرینلر — او عاشق اوْلدوْرن سحر آفرینه
عجب بیرعِلمدیرعشق‌علمی هیهات — کی اوْجو قورتولار تحت زمینه
بئله بیلمه اوْلوْب قورتولدو بدگو — أیشی قالدی کِرام الکاتبینه

او زوْلفه **حافظا** خاطر جمع اولما
آپاردی کؤنلوْمو گؤز تیکدی دینه ۶۹/۵/۱۷

****

غزل ۵۵ مصراع اول : خمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت

او شوخ‌قاشین او خمی‌کی کمانه آتدیردی ائدیبدی قصد من ناتوانه آتدیردی
بودنیالار یوخودو امّا انس و الفت وار محبتین یئنه طرحین زمانه آتدیردی
کرشمه‌ایله کی ساتدی اؤزوّ اؤزوّن نرگیز نه‌فتنه‌لرکی گؤزوّن بو جهانه آتدیردی
شراب‌أیچیب تراؤلوب عارضی گئدیر چمنه سنون اوّزوّن سویو أود ارغوانه آتدیردی
چمنده بزمگاها من پیان دوّن گئتدیم سنون لبوّته‌کی غنچه گمانه آتدیردی
بنفشه اؤزتئلینین‌ساچلارین دوّگوّنلوّردو صبا حکایت زوّلفوّن جهانه آتدیردی
سنون اوّزوّن‌سمنه اوخشادیب خجالتدن سمن صبائیله توپراق دهانه آتدیردی
گؤزوّم کی‌مطرب‌ومی‌گؤرمه‌میشدی‌تقوادن هوای مغبچه‌لر بو میانه آتدیردی
می‌ایله‌خرقه‌می، من‌ایندی‌شستشووئریرم ازلده قسمتیمیز بو توانه آتدیردی
أیشین گشایشی **حافظ** خرابلیقیندا أیمش کی بخشش ازلی می موغانه آتدیردی

جهان اوّلوبدو منیم کامیمه‌کی دوّر زمان
غلام خواجه‌ی دور جهانه آتدیردی ۶۹/۵/۱۸

****

غزل ۵۶ مصراع اول : زان یار دلنوازم شکریست با شکایت

اول مهربان یاریمدان وار شکریله شکایت
گر عشق سرّی بیلسن ، دور بیر ائشید حکایت
چوخ خدمت ائتدیم امّا ، نه منّتی ، نه مزدی
گؤسترمه بار الها ارباب بی عنایت
لب‌تشنه رنده کیمسه بو یئرده وئرمه‌یین سو
گویا کی آشنادن بوش قالدی بو ولایت

اوّل زوّلف پیچ پیچه کؤنلوّم دوّلاشما اوْردا
باشلار گئدیب کسیلدی بیجرم و بی جنایت
قان ایچدی غمزه‌ایله جیران باخیشلی گؤزلر
جانا نئجه روادیر خونریزدن حمایت
اوْلدو گئجه قارانلیق ، مقصود یوْلون أیتیردیم
چیخ پارلا بیر بوجاقدان ، ای کوکب هدایت
هاردان کی کئچدیم اوْردان ، قورخوم داها چوخالدی
وای قؤرخولو بو چولدن ، یول اوْلدو بی‌نهایت
ای خوشگول آفتابیم ، جوشه گلیبدی قلبیم
بیر کؤلگه سال بو جانه ، گل ائیله بیر عنایت
بو یوللارا نهایت ، هئچ فکریمه سیخیشماز
یوزمین دوشرگه واردیر ، باشلانسا بیر بدایت
هرچند گئتدی آبروم ، ال چکمه‌رم قاپوندان
خوشدور عتاب سندن ، تا خصمدن رعایت
فریاده یئتسه عشقین ، **حافظ** کیمی ، قرآنی
سن حفظدن اوْخورسان ، اوْن دورت جوره روایت

۶۹/۵/۱۸

****

غزل ۵۷ مصراع اول : یارب سببی ساز که یارم بسلامت

یارب سبب اوّل تا کی گله یار سلامت تا ائیلیه بو خلق منی آزجا ملامت
یاریوللارینین توپراقینی وئرکی ائدیم‌من بو گؤزلریمی توپراقینا جای اقامت
هر آلتی‌طرفدن یوْلومو گؤرنه دوتوبلار اوّل خال‌وخط‌وزوّلف‌وقدوعارض‌وقامت

من‌کی دیری‌ام سنله بوگؤن مرحمت ائیله اؤلسم‌چؤرؤسم فایداسی‌یوخ اشگ‌ندامت
هرکس‌دانیشیقدا ووردم عشق‌سؤزوندن یوخدورسؤزوم‌اونلادەکی گئتسین‌بسلامت
درویش ائله‌مه ناله داها یار یاراسیندان بو طایفه أیستر اؤلؤلردنده غرامت
وورخرقه‌یه‌اؤدساقینین او،اگری‌قاشیندان ویران قالیری گوشه‌ی محراب امامت
حاشاکی ائدم شِکوه سنین ظللملـرینـدن گؤیچک‌نئجه‌جورائتسه اولارلطف‌وکرامت

قیسساتمیاجاق زؤلفلرؤن بحثنی **حافظ**
بو سلسله‌نین وار سؤزو تا روز قیامت ۶۹/۵/۱۸

****

غزل ۵۸ مصراع اول : لعل سیراب بخون تشنه لب یار من است

لعلی سیراب، قانا تشنه ، لب یاریمدیر جانی‌قوربان اوْنا ائتمکده منیم کاریمدیر
کاش‌بیرشرم‌ائله‌یه گؤرسه‌اؤزون‌مژگانین أیشی هرکیمسه منیم عشقده انکاریمدیر
ساربان‌کروانی‌سن‌چکمه‌اودروازیه ، چون شاهـراهیندا منیم منـزل دلداریمدیر
قوربانام طالعیمه‌چون بو وفاسیزلیگی‌له او گؤزه‌ل کولی سرمست خریداریمدیر
اونون‌اوعطرسپه‌ن زؤلفونؤن‌عنبرخوش‌ایییی منه‌چاتمیش کی منیم طبله‌ی‌عطّاریمدیر
باغبان‌قوْومامنی‌بوقاپودان‌یئل‌کیمی سن کی‌بوباغی‌سووارانگؤزیاشی‌گؤلناریمدیر
شربت قند وگؤلاب ائیله‌دی تجویز لبی او خمـار گؤز کی طبیب دل بیماریمدیر

بو غزللرده او کی **حافظه** اوْگرتدی نکات
بیر شیرین سؤزلؤ گؤزه‌ل نادره گفتاریمدیر ۶۹/۵/۱۹

****

غزل ۵۹ مصراع اول : سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت

یاندیریب قلبیمی سینه‌مده غـم جانانه
کی او اؤد دان ، دوتوب اؤد خانه‌ایله کاشانه

دلبرین آیریلیقی جانی آریتدی غمیلن
اؤد ووروبدور منه گون تک او گؤزه‌ل جانانه
کؤنؤلؤن یانقوسونا شمع کیمی گؤز یاشیمین
اؤره‌گی یاندی منه مثل پر پروانه
آشنا یوخ هله ، بیگانه منه قلبی یانار
من اؤزومدن چیخالی یاندی منه بیگانه
خرقه‌ی زهدی آپاردی او خرابات سویو
اؤد ووروب عقل ائوینه باده‌ایله میخانه
قدح می کیمی اؤل توبه کی ائتدیم سیندی
لاله تک یاندی جگر بی می و بی خمخانه
سؤزو قیسسالت ، داها دورگل ، کی منیم گؤز به‌به‌گیم
خرقه‌نی باشدان آتیب وصله اؤلوب شکرانه
حافظ افسانه‌نی ترک ائله‌یبن باده گتیر
یاتمادیق کئچدی گئجه شمع اؤلوب افسانه ۶۹/۵/۲۰

****

غزل ۹۰ مصراع اول : خواب آن نرگس فتّان تو بی چیزی نیست

یوخوسو نرگیز فتّان دئیلی علّت سیز
تاب اؤل زؤلف پریشان دئیلی علّت سیز
دوداقیندان سؤد آخیردی کی دئدیم من اؤزومه
بوشکر دؤر نمکدان دئیلی علّت سیز

سنون عؤمروّن اوُزون اوّلسون کی یقین من بوّلوّرم
او کمان ناوک مژگان دئیلی علّت سیز
مبتلایم غم و محنت‌ده بو هجران اوُدونا
ای کؤنوّل ناله و افغان دئیلی علّت سیز
یئل دوّنن اَسدی گوّلوّستانه سحر کویوّندن
گوّللره چاک گریبان دئیلی علّت سیز
کؤنوّلوّن عشق غمین سینه‌ده گیزلتمه داها
حافظا دیده‌ی گریان دئیلی علت‌سیز ۶۹/۵/۲۰

****

غزل ۶۱ مصراع اول : روزه یکسو شد و عید آمد و دنبه برخاست

رمضان گئتدی فیطیر بایرامی دوتدوق دئیه‌سن
می گلیب قاپیناغا لازم‌دی‌کی می ایستیه‌سن
او ریاکارلرین توبه‌لری چیخدی باشا
وقتی‌دیر رندلره عیش و طره‌بدن دئیه‌سن
نه ملامت یئری وار هرکسه‌کی باده ایچه
بو جهالت ندی یارب کیمه عیب انلیه‌سن
قلبی صاف ریب و ریاسیز ایچه‌سن باده اگر
یاخشیراقدیر کی ریائیله خدا سسلیه‌سن
بیز ریا رندی ، نفاق اهلی ، اولا بیلمه‌یه‌یک
ایخدا سن بیله‌سن اگری دوزو حقلیه‌سن

واجباته عمل ائتدیکده گناه ائیله‌مه‌ریک
دئسه‌لر ائیله‌مه‌یین ، بیز دئمه‌ریک ائیلیه‌سن
نه اولار بیر اوْتوروب نئچه قدح باده أیچک
باده مؤولر قانیدیر شیخ قانی ظن ائتمیه‌سن
منیم عیبیم یوخودور اؤزگه‌لره بیر ضرری
اوْلسادا عیب‌سیز انسانی تاپا بیلمه‌یه‌سن ۶۹/۵/۲۰

****

غزل ۶۲ مصراع اول : چه لطف بود که ناگاه رشحهٔ قلمت

نه‌لطف‌دیرکی‌دولاندی‌کاغازدا بیرقلمون حقوق خدمتیمه اجروئردی بیرکرمون
منه سلام رقم وُرموّسان او خامنده وُرولسون عالمه‌یاربهمیشه‌چوخ رقمون
دئینمه‌رم‌کی‌منی سهواً ائیله‌دین سن‌یاد عقیل‌یولیله محالدیرکی‌سهوائده قلمون
بو نعمتین قاباغندا منی ذلیل ائله‌مه کی‌عزتیم چوخالار باشیمه دگه قدمون
دوگل کی زوّلفوّیله باغلیوم قرارمدار کی‌عزت‌آرتیراجاقدیرمنیم باشا،قدمون
منیم‌حالیمدان‌اوگون‌سن‌مگر سراغلاشاسان کی‌لاله‌بیتدیره‌جک‌توپراقیمداهجرغمون
بوتشنه‌روحوموگل جرعه‌ی می‌ایله دیریلد کی‌خضرچشمه‌سی‌جاری‌ائدیراوجام‌جمون

همیشه شـــاد اوْلاسان ای صبای عیسی دم
کی **حافظین** جانینی زنده ائیله‌ییبدی دمون ۶۹/۵/۲۰

****

غزل ۶۳ مصراع اول : شکفته شد گل حمرا و گشت بلبل مست

قیزیل گوّل آچدی چمنده اوْلوبدو بوّلبوّل مست
چکیلدی خوشلوقا ، جار ..... صوفیان باده پرست

او توُبه‌نین بناسی داش کیمی کی محکم أیدی
بو شیشه جام او داشا وئردی آخرینده شکست
دو ، باده وئر کی غنا عالمینده فرق ائتمز
یا پاسبان ، و یا سلطان ، یا هوشیار ، یا مست
مقام عیش أله گلمز جهاندا زحمت‌سیز
بلی بلایه باغلانیب اوّل ، بحکم عهد اَلَست
وارا ، یوْخا ، اؤزوْن أینجیتمه قلبوی خوش ائله
کی یوْخلوقا گئدیر آخرده هر اوْلان دربست
شکوه آصف و یئل تختی ، بیرده منطق طیر
گئدیبدی باده سلیمان تاپوبدو دیبده شکست
گوْوه‌نمه جاه و جلاله کی اوْخ اگر آتیلا
هواده بیر اوُچار امّا ائدر بو خاکه نشست
قلم دیلی دئیه بیلمز تشکّرون **حافظ**
سؤزوْن سنون دوْلانور شهرلرده دست بدست

۶۹/۵/۲۱

****

غزل ٦٤ مصراع اول : زلف آشفته و خوی کرده وخندانلب و مست

پؤزوْلوب زوْلفو تر اوْزده گوْله‌ین همده پیان
دوْش آچیق ، الده قدح ، دیلده ترانه اوْخیان
گؤزلری عربده‌لی دیل-دوداق افسون ائلیه‌ن
نصف شب باشیمین اوستوْنده گلیب دیرکی اوْیان

آغزینی دوُتدو قولاغیمدا سیزیلتیله دئدی
منیم ای عاشق بیچاره باشین یئرده قوْیان
بیر نفر عاشقه کی باده‌ی عشق أیچدیره‌لر
کافر عشق اوْلاجک اوْلماسا گر باده ووران
زاهدا گئت داها ایراد ائله‌مه دُرد ایچه‌نه
بیزه بو تحفه الستدن وئریلیب آخر اینان
او توْکن باده‌نی پیمانه‌میزه بیز أیچدیک
گر بهشتین سویودور یا کی وئریر پیر موغان
می جامین گوّلمه‌سی یارین هوْروّلن زوّلفوّندن
حافظین توبه‌سی تک توبه‌سی چوخ واردی سینان ۶۹/۵/۲۱

****

غزل ۶۵ مصراع اول : زلفت هزار دل بیکی تار مو به بست

زوّلفونون هر تئلی مین کؤنلو گرفتار ائله‌ییب
چاره گر مین‌لریله حیرته ناچار ائله‌ییب
تا کی عاشقلر اونون بیر ایگینه جان وئره‌لر
جاندن جانلاری اوْل مشگ‌له بیزار ائله‌ییب
واله اوْلدوم او جهتدن کی تازا آی کیمی یار
قاش‌آتیب گیزله‌دیب‌اوّز قلب ائوینی تار ائله‌ییب
نئچه رنگ می گتیریب جلوه‌یه ساقی کدودا
جامده طُرفه شکیل چوخلو نمودار ائله‌ییب

باده‌نین تونگوّ خدایا نه ائدیب کوپ قانینا
غولغولولا بوغازین قانه گرفتار ائله‌ییب
نه چالیر پرده‌ده مطرب کی سماع پرده سینه
وجدوحال اهلینه های‌کوّی قاپوسون دار ائله‌ییب
هرکیم **حافظ**، سنه عاشقدی وصال ایسته‌ییری
دسته‌مازسیز کوّتوّلوّن کعبه‌سینی خوار ائله‌ییب ۶۹/۵/۲۲

****

غزل ۶۶ مصراع اول : **خدا چوصورت ابروی دلگشای تو بست**

قاشلارون نقشین اوجوّر چون کی خدا باغلاتدی
أیشیمین آچماسین اول جوّر و جفا باغلاتدی
هم منی بیرده چمن سروینی سالـــدی ایاغا
تا فلک نرگیزیـــوه بنـــد قبا باغلاتدی
منیله غنچه أیشیندن آچیلیب مینجه دوّگوّن
گوّل نسیمی سنه چون میل و هوی باغلاتدی
سنه بند اوّلماغی راضی ائله‌دی چـــرخ فلک
امّا چوخ حیف وئریب سنده رضا باغلاتدی
ای وصالین نسیمی سن تازا بیـــر دیرلیق‌ایدین
اوّره‌گی عهد و وفـــایه نه خطـــا باغلاتدی
بو یازیق قلبه دوّگوّن سالما داها نافه تکین
کی سنیـــن زوّلفوّنوله عهد و وفا باغلاتدی
جوّر الیندن چیخارام شهردن آخرده دئدیم
دئدی‌گئت کیم سنی **حافظ** بورایا باغلاتدی ۶۹/۵/۲۸

غزل ۶۷ مصراع اول : رواق منظر چشم من آشیانه تست

گؤزوم رواقی سنین دلبر آشیانن‌دیر
کرامت ائیله گل اگلن کی خانه خانن‌دیر
او خطّ و خال گوّجوّنه قاپدین عارفین کؤنلوّن
عجب لطیفه‌لر اوستوّنده دام و دانن‌دیر
وصال گوّلده خوش ائت ای سحر قوشو اوّره‌گین
کی دؤلدوران چمنین صحنه‌سین ترانن‌دیر
بو ضعف قلبین علاجین حواله ائت لبیوه
بو یاقوتون فرحی سنده‌کی خزان‌ندیر
مقصترم جانیمیله سنه ائدم خدمت
ولی خلاصه‌ی جان خاک آستانن دیر
اوّلانمارام من اوکی هر شوخا وئره کؤنلوّن
خزانه مُهری الوّنده سنون نشانن‌دیر
نه بیر گؤزه‌ل شیرین أیشلی سواره‌سن بیلمم
فلک آتین رام ائدن الده تازیانن‌دیر
نه وار منه ؟ کی زوّیوّر بوردا چرخ شعبده‌باز
کی بیر بئله بو داغارجیقدا حیله‌لر بهانن‌دیر
سرودی مجلسوون رقصه سالدیریر فلکی
کی **حافظین** شیرین اشعاری چون تراننده‌یر

۶۹/۵/۲۹

****

غزل ۶۸ مصراع اول : ساقی بیا که یار ز رخ پرده برگرفت

ساقیا گل کی اوزوندن گوتوروب پرده نگار
چراغی پارلادی خلوتـــده‌کیلر تاپدی قرار
وورولان شمع تازاشدان نئجه‌گؤر سالدی أیشیق
بو قوجا سنّی گئچن پیره اوْلوب تازه بهـــار
ائله بیر عشوه وئریب عشق کی مفتی چاشدی
ائله بیر لطف ائدیب دوست کی دشمن قورخار
به به اوْل قلب آپاران شیرین عبارتلردن
دئیه‌سن پسته‌نی قنادی شکر ، قنـــده دوتار
او غمین یوْکلری کی کؤنلوْموزو یورموْشودو
بیـــر مسیحـــا نفسی یوْللیه‌ر آللاه قوتـارار
آی،گوْنه حسن ساتان ، هراوْجا بوی گؤیچک‌لر
گؤردوْلر چونکی سنی هاممو‌سو اوْلـدوْ بیکار
یئدّی افلاک دوْلوبدور سسیله حُسنوْندن
نظـــری کوتهه باخ مختصر ائتدی گفتـــار
کیمدن اوگرنمیسن **حافظ** بو سؤزو خوشبختدن
شعریوی گؤز نظـره هاممی قیزیل قابه دوتار ۶۹/۵/۲۹

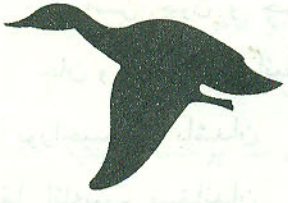

غزل ۶۹ مصراع اول : شنیده ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت

أیشیدمیشم بو گؤزهل سؤز او پیر کنعاندان
یارین فراق ائدهنی ائتمک اوْلماییبدی بیان

قیامت احوالینی گر دئییبدی واعظ شهر
کنایهدیر هامیسی روزگار هجراندان

سراغلاشیم داها، هاردان ، سفر ائدن یاری
أیشیدمک اوْلموْرو سئوز قاصد پریشاندان

فغان کی اوْل کوْسهین قهریلن قیران دلبر
ائدیبدی ترک نه جوْر یار و یولداشی آسان

رضا و صبرده دوردوم رقیب شکر ائلهسین
دؤزوْبدو درده کؤنوْل ال چکیبدی درماندان

کهنه باده آی اوْغول کهنه غمین چارهسیدیر
شادلیغین توخمو بودور واردی بوسؤز ،دهقاندان

دایاغین ائتمه ، یئله ، گرچه مرادینجا اسیر
کی سلیمانه دئدی بوسؤزو یئل مزماردان

فلکین وئردیگی بو مهلته چوخ آلدانما
کیم دئییر زال ائدر ترک گئچر دستاندان

ائتمهسن چون و چرا مقبل اولان بیر بنده
جان و دلدن قبول ائیلر نه دئسه جانانـدان

کیم دئییر فکریوی **حافظ** بوراخیبدیر باشدان
دئییب هر کیمسه بونو نقل ائلهییب بهتاندان

۶۹/۵/۲۹

غزل ۷۰ مصراع اول : در دیر مغان آمد یارم قدحی در دست

دیر موغانا گلدی ، دوتموش قدح الده یار
او نرگیز خمّاردان ، سرخوش هامو میخوارلار
نعلی تازا آی شکلی ، آت کی اوْنا مینمیشدی
سروی خجل ائتمیش او ، شمشاد بؤیوّ دلدار
آخر نه دئیم واردیر ، چون یوخ خبریم جاندان
یامن نه‌دئیم یوخدور، چون اؤنداگؤزوم چوخ‌وار
سوْندو اوْره‌گین شمعی، چون قالخدی اوْمه‌پیکر
قاوزاندی فغان خلقدن ، اگلندی چون اوْل‌عیّار
گرغالیه خوش ایگدیر، زوْلفوندن آلیب عطرین
گر وْسمه کمانکشدیر ، یارین قاشینی چوْلقار
گر سن قاییدیب گلسن ، عؤمروّ قاییدار **حافظ**
هرچند قایتماز اوْخ ، گر سن باجاران قایتار

۶۹/۵/۳۰

****

غزل ۷۱ مصراع اول : دیدیکه یار جز سر جور و ستم نداشت

جؤردن غیری باشیندا یوخ‌ایدی یار منه
غمیمه غم یئمه‌ییب ، اوْلمادی غمخوارمنه
دوتماسین تانری اوْنوگر چه بو قوش کؤنلوّموّ او
ووردو اوْلدوّردو داها اوْلمادی دلدار منه
بختیمین پیسلیقی ظلم ائتدی منه یوخسا حبیب
بوجوّر اوْلمازدی ستمکار و جفا کار منه

خوارلیقین چکمه‌سه عاشق یارینین عشقینده
گله‌جک گؤزده اوکس ناکس و چوخ خوار منه
ساقیا باده گتیر وئر خبرین محتسبه
جام جم بیزده داها ائتمه‌سین انکار منه
آختارانلار چوخو بیلمزله تاپا ، یار قاپوسون
چؤخلاری گئتدی بو یول چاتمادیلار یار منه
حافظا سنده فصاحت نشانی .... مدعیلر .....
بی‌خبر ، بی‌هنر انسانلار اؤلور خار منه ۶۹/۵/۳۰

****

غزل ۷۲ مصراع اول : مدامم مست میدارد نسیم جعد گیسویش

همیشه سرخوشم جانا نسیم جعد گیسودن
خراب قالدی فریبیندن او گؤزلرده او جادودن
بوقدری صبردن سؤنرا اؤلارمی ایخدا گؤرمک
أیشیقلانسین گؤزون شمعی اؤ محرابدا اؤ ابرودن
من اؤندان اؤتره گؤز لؤحون عزیز و محترم سانانام
کی‌گؤز بیرلذّته چاتسین گؤرنده خال هندودن
اگر سن أیسته‌سن یکسر بزه‌نسین صورت دنیا
صبا ، دهٔ ، بیر زمان چکسین کناره پرده مه‌رودن
فنا رسمین جهاندان گر گؤتورمک ایستیسن جانا
داغیت مینلرله جان یاغسین یئره اؤل تار هر مودن

یازیق منله صبا بیچاره بیر جوّت زار و سرگردان
من اوّل گؤزدن پیان اوّلدوم اوّدا عطـــر اوْ گیسودن
گؤزه‌ل قسمت سنه **حافظ** اوْدور دنیا و عقبادن
گؤزوّنده اوْلماسین هئچ زاد مگرتوْز توْپراق اوْل کوْدن ۶۹/۶/۱

****

غزل ۷۳ مصراع اول : حسنت باتفاق ملاحت جهان گرفت

ملاحت حُسنویله ، ال بیر اوْلدو ، آلـــدی دنیانی
بلی گـــر اتحاد اوْلسا ، جهـان آلماق وار امکانی
شمع ایستـردی ائده افشا اوْلان خلوتده کی سرّی
قالیب آغزیندا آخرِ سوْز اوْلا صـد شُکـر ربّانی
بو گیزلی باش چکن اوْد کی منیم سینه‌م آلولاندی
گوّن اوْندان بیرکیچیک شعله، آلیب یاندیردی هریانی
گولْ أیستیردی یارین رنگین، ایگین‌کسب ائیله‌سین‌بلکه
صبـــا غیرتدن آخـــرده وورووب آغزا دوْلـوب قانی
فراغت أیسته‌دیم ، گزدیم کنار ، پرگار تک امّـــا
فلک آلدی آرایه نقطه تک تنگ ائتـــدی دوْرانی
اوْ گوّن می شوقو ساغردن دوتوب أود ساغریم الده
کی ساقی عارضندن أود ووروب یاندیردی بو جانی
کؤنوّل أیستیر گئدم دئیر موغانا رقصیله شادان
زمان چاتمیش صونا دوتموّش نه چوخلو فتنـــه دنیانی

می ایچ کی عقل اوزیله باخسا هر کیمسه بو دنیایه
دوتار رطل گران الده ائـدر غمدن سبک جـــانی
یازیبلار یاپراقیندا گوللرین خون شقایقله
پیشن کیمسه دوتار الده می ایله جـــام مینانی
دامیر لطفون سویو **حافظ** سنون **شیوا** غزللـــردن
نئجه حاسد دانا بیلسین اصالت دُرّ نُعمانی ۶۹/۶/۱

****

غزل ۷٤ **مصراع اول : میرمن خوش میروی کاندر سروپا میرمت**

سروریم خوش یئریسن قامتوه قوربان اولوم
نازیله بیر یولا دوش من یولووا قوربان اولوم
سن دئدین اول منه قوربان نیه تعجیل ائدیسن
ایسته‌گین چوخدا گؤزه‌ل ایسته‌گیوه قوربان اولوم
بیر پیان هجره یانان عاشقوم ، ساقیه دهٔ
نـــازیله دور ایاقا ساغ سولووا قوربـــان اولوم
بیر عؤمورّدیرکی اونون سوداسینین خسته‌سی‌ام
دئنه بیر یول نظر ائت گـؤزلریوه قوربان اولوم
دئمیسن لعـل لبیـم دردایـدی همـده درمـان
دردیوه قوربان اولوم درمانوا قوربان اولوم
بدنظر سندن أیراق وای نه‌گؤزه‌ل یول یئریسن
أیستیرم ناز ائده‌سن ای نازوا قوربـان اولوم
خلوت وصل یئرین گر چه دئیل **حافظ** أیچون
هریئرین خوشدو سنون هر یئریوه قوربان اولوم ۶۹/۶/۲

غزل ۷۵ مصراع اول : مردم دیدهٔ ما جز برخت ناظر نیست

به‌به‌گی گؤزلریمین تک سنه‌دیر ناظر اولان
حیران اولموش کؤنولوم بیر سنه‌دیر ذاکر اولان

حرمینده طوافا گؤز یاشیم احرام باغلیر
بیر نفسدن سیوائی یوخ سینه‌ده ظاهر اولان

قفس و توردا قالان وحشی اولان بیر قوش تک
اولماسا عرش قوشو درگاهوا طایر اولان

کؤنولون گر شاباش ائتسه سنه مفلس عاشق
دانلاما چوخ دئیل او ، ساخلاماقا قادر اولان

قامت سروینه آخر یئتیرر اَللرینی
همتی اولماسا هر کیم طلبه قاصر اولان

عیسانین سوز دئمه‌رم گر بیرینه روح وئریب
چون لبین تک اولا بیلمز بو ایشه ماهر اولان

من کی سودای وصالیندا بیر آه چکمه‌ییرم
دئمگ اولماز اوره‌گیم یوخدو غمه صابر اولان

روز ازلده سنون زولفووّ گؤردوم بیلدیم
دئی بو سلسله‌نین بند و غمی آخر اولان

دهیی تک آرزولویا وصلیوی **حافظ** اؤزونه
هامولاردی کی وصالون اولارا خاطر اولان

۶۹/۶/۳

****

غزل ۷۶ مصراع اول : روزگاریست که سودای بتان دین من است

بیر عؤمورّ دیرکی گؤزه‌للر سئویمی دینیم‌دیر
غملری شادلیگه باعث دل غمگینیـــــم‌دیر

او، أوّزوّ گؤرمک ایچون دنیا گؤزن لازم
اوْلمیان قدرت اوْنا ... چشم جهـان بینیم‌دیر

منه یار اوْل فلکین زینتی دهرین بزه‌گی
آی عذارونـدو سنون اشگ چوپرو یینیم‌دیـــر

تا، منه سؤز دئمگ اوگرتدی سنون عشق غمون
أیشی خلقین ائله‌مک مدحیله ، تحسینیم‌دیـــر

دولت فقـری خدایا منه سن روزی ائله
بو کرامت سبب حشمت و تمکینیم‌دیـــــر

دئنه شیخ ، شحنه گوّجیله بئله ساتما آغالیک
چون‌کی شاه منزلی بو خاطر مسکینیم‌دیـر

آرزولار کعبه‌سی یـا رب کیمه قسمت اوْلاجاق
کی اوْ یوللار تیکانی ، هم گوّل و نسرینیم‌دیر

پرویزین قصّه‌سین **حافظ** دئمه ، دای **شیوایه**
لبینین جـرعه کشی خســـرو شیرینیم‌دیر

۶۹/۶/۶

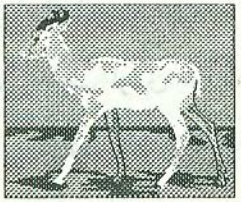

غزل ۷۷ مصراع اول : روی تو کس ندید و هزارت رقیب هست

گؤرمه‌میش کیمسه اؤزؤن مین‌لریله وار رقیبین
غنچه ده أیکن هله وار یوزلریله عنـــدلبین

چوخ غریب ایش دئیلی گلسم اگر کویووا مـن
مینلری وار اؤرادا من کیمی عاشق غریبیـن

خانقاهیله خراباتده یوخ عاشقه فـــــرق
واردی نورو اؤزؤتون هر یئـــر اؤلورسا جبینین

صومعه أیشلرینه جلوه بولارلا وئریلـــر
راهبین ناقوسودور ، آد ، سانی بیرده صلیبین

هانکی عاشقدیکی یار حالینه ائتمیبدی نظر
درد یوخدور آی آغام یوخسا واریندیر طبیبیـن

حافظین بیر بئله فریادی دئیی بیجا یئره
بیر حکایتـدی غریب بیرده حدیث عجیبین

۶۹/۶/۷

****

غزل ۷۸ مصراع اول : یا رب این شمع دل افروز ز کاشانه کیست

شمع تک نور سالان قلبه کیمین خانه‌سیدیر
بو اؤدو جـانه ووران یار هـــارا جانانه‌سیدیر

دین و دل ائو ییخانیمدیر هله کی أیمدی منه
یاتیری هانکی قوجاقدا کیمین همخـانه‌سیدیر

او لبین بـاده‌سی کی اؤلمیا کامیمدن اوزاق
هانکی روحون راحاتی ، پیمانی ، پیمانه‌سیدیر

او سعادت أیشیقین پخش ائلـــه‌یه‌ن شمعی اؤلان
سیزی تانری سؤروشون ، کیمسیه پروانه‌سیدیر

هره بیر افسون اؤخور دیبده‌ده معلوم دئیل
کی نزیک قلبنه یاتمیش کیمین افسانـه‌سیدیر

بو آی اؤز ، زهره جبین ، شاهلارا بنزر گؤیچک
کیمه تک دُر کیمیدیر گوهـــر بیر دانه‌سیدیر

حافظین آه دئدیم بو دلی سن‌سیـــز کؤنلؤ
دوداغی گؤلدو ، کیمین سئوله‌دی ؟ دیوانه‌سیدیر

۶۹/۶/۸

****

غزل ۷۹ مصراع اول : روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست

گؤزلره نور وئرن ماه رخ رخشاندیر قاپوتؤپراقی، توزو، سرمه‌ی هرانساندیر
هرنظرصاحبی ناظردی‌سنون گؤن اؤزوؤه فکری‌باشلاردا سنون زولف‌عبیرافشاندیر
یوخ‌عجب قان اؤلاگرسئرآچان گؤزیاشیمیز پرده ییرتانلارهاموائتدیگینه پئشماندیر
اته‌گه تاکی اونون یول توزو اگلنمیه بیر گؤزوموّن‌یاشلاری‌هرره‌گذره‌سیلاندیر
قاره‌زولفون گئجه‌سیندن‌کی‌ووران‌اولمیادم هر سحر باد صبائیله سنون سوداندیر
من بو شوربختیمیله أینجیمه‌رم یوخسا مگر بهره‌مندا اؤل‌قاپودا هاموپا هربیریاندیر
ای‌نورون‌چشمه‌سی‌شیرین‌لبوؤن رشگیندن غرق‌اؤلورترده،شکر شیره‌ی‌هربیرجاندیر
پرده‌دن‌یاخشی‌دئیل سرّ أیشیگه درز ائلیه باخبریوخسابوسیردان‌هامیسی‌رنداندیر
سنین‌عشقین‌چولو، اصلانی‌ائدیرتؤلکوکیمی وای‌بو یؤلدان‌خطرین احتمالی هرآندیر
قاپوؤن توپراقینین منتّی وار گؤز یاشیما منّتی یوزلریله قاپولارا بو آستاندیر
آزجا بیرنام‌ونشان‌واردی منیم وارلیقدان یوخسا ضعف‌اؤلماسی‌هاموانابی‌امکاندیر

بیرجه‌عیبین‌بودوکی‌شاد دئی **حافظ**سندن
وجودون یوخسا سنون هرهنره شایاندیر

۶۹/۶/۱۰

غزل ۸۰ مصراع اول : ساقیا آمدن عید مبارك بادت

ساقیا تبریک عید اوْلسون سنه کؤچدو صیام
وئردیگین وعده‌لری ایمدی گره‌ک یاده سالام
من تعجبده‌یم ایّام فراقیندا مئیین
هامونون قلبین آپاردی نیه بس اوْلدو حرام
سئوله چیخسین ائشیگه مو قیزینا ائیله سلام
کی بیزیم همّتیمیزدن آزاد اوْل پارلانا جام
اهل مجلس هامیسی شادلیقی سندن ساریدیر
سنه کام أیسته‌میه‌ن أیسته‌میشم گؤرمیه کام
شوْکوْر آللاهه سنه وورمادی بیر صدمه خزان
قامت سروین ائدیب اَرخ کناریندە قیام
دگمه‌سین گؤز کی پریشانچیلیگین قورتولدو
بختینین خوشلوقودور طالع مسعود کرام
حافظا نوح گمیسین دولتنیی بوْشلاما سن
یوخسا طوفان حوادثده قالارسان مادام

۶۹/۶/۱۳

****

غزل ۸۱ مصراع اول : راهی است راه عشق که هیچش کناره نیست

بیرسیرا چؤلدوعشق کی ، گؤروکمور هئچ کناره‌سی
جانوی اوْردا قوْیمادان ، یوخ داها بیرجه چاره‌سی
هرزمان عشقه کی کؤنوْل ، وئرسن او دم خوشدم اولار
وئرمگه خیر ایشی باشا ، یوخ داها استخاره‌سی

منع ائله‌یه عقیل اگر ، قوْرخما ، گتیر باده ایچک
او محتسب اوْلوب داها ، بو یئرین هیچکاره‌سی
سئوال ائت او گوْزلرون ، دئسین کی کیمدی قاتلیم
گناهی یوخدو طالعین ، یا فلکین ستاره‌سی
بیر تازا آی کیمی گره‌ک ، پاک گوْزوْله باخان اوْنا
هر گوْزه یوخدو امکانی ، یئرله‌شه ماه پاره‌سی
رندلیگن طریقه‌سین ، بیل سورا قوی اورا قدم
نقشه‌ی گنج هاموییا ، اولمایيب آشکاره‌سی
حافظین آغلاماقلاری ، قویمور اثر او قلبده
قلب یئرینده حیرانام ، قویوبلا سنگ پاره‌سی ۶۹/۴/۱۴

****

غزل ۸۲ مصراع اول : حال دل با توگفتنم هوس است

واردی کوْنلوْن حالین دئمک هوسیم — سنون حالینده دینله‌مک هوسیم
خام طاماح گوْزکی آشکاره سوْزو — رقیبیمدندی گزله‌مک هوسیم
بیر بئله قدر عزیز شریف گئجه‌نی — صبحه تک سنله یوخلامک هوسیم
آه کی بیرنازلی تک دْروْن داناسین — تار گئجه دلمه‌گه اوْره‌ک هوسیم
ای صبا بیر مدد ائله بو گئجه — وار سحر وقتی چیتلامک هوسیم
کیپریگیمله شرف گتیرمک ایچون — یول توزون وار تمیزله‌مک هوسیم
مثل **حافظ** برغم مدعیلر
واردی رندانه شعر دئمک هوسیم ۶۹/۶/۱۵

****

غزل ۸۳ مصراع اول : گرزدست زلف مشگینت خطائی رفت رفت

قاره زۆلفوندن بیزه گر بیر خطا گئتدی ، گئدیب
خال هندودان اگر چه بیر جفا گئتدی ، گئدیب

عشق أودوندان درویشین گر خرقه‌سی یانسا یانیب
کامران شاهدان گدایه گـر جفا گئتدی ، گئدیب

اینجیمک اهل طریقت بیلمه‌یین دور می گتیـــر
هر کدورت ایچره گۆردوۆن گـر صفا گئتدی ، گئدیب

عشقبازلیقدا کۆنۆل مجبوردو دائـــم دۆزمگه
گر ملال اۆلدو اۆلوبدور ، گرخطاگئتدی ، گئدیب

هر کۆنۆل یار غمزه‌سی الدن آپارسا قوی گئده
جانیله جانانیه هـر ماجرا گئتدی ، گئدیب

بو سخن‌چینلر ملالتلر ائدیللر آشـکار
همنشینلرله اگربیر ناسزا گئتدی ، گئدیب

حافظه عیب ائتمه **شیوا** خانقاهدان گر گئدیب
باغلاما ، آزاده سئوسه هر یانا گئتدی ، گئدیب ۶۹/۶/۱۵

****

غزل ۸۴ مصراع اول : ز گریه مردم چشمم نشسته در خونست

گۆزومون قاره‌لری آغلامادان گۆلگوندور
« خَخ » خلق سنین ایسته‌مگیندن نئجه گۆر مفتوندور

سنسن او لعل لبین مست گۆزون دوشسه یادا
غم جامندا می لعل ایشمه‌گیله محزوندور

گؤن عذارون چیخا گر مشرق کویوندا منه
طالعیم خوش ، اوغورون چوخلو منه میموندور
فرهادین ورد زبانی لب شیریندی بوتؤن
لیلی‌نین زولفلری بند دل مجنوندور
کؤنلومو آل کی بویؤن سرو کیمی دلکشدیر
سؤزلرون قلبه یاتان چوخدا لطیف موزوندور
دوره‌ده باده‌ایله جانی راحات قیل ساقی
کی کؤنول أینجیمه‌گین باعثی بو گردوندور
یار گئدندن گؤزوم آغلاردی هنوز ایمدیه تک
گؤز یاشیندان أته‌گیم قانه دولو جیحون‌دور
نئجه غمگین اؤره‌گیم شاد اولا دلخواه کیمی
اختیاردان منه بو عیش و نشاط بیروندور
بیخود اؤلموش اؤره‌گی ایستیری **حافظ** یارین
مفلسین ایسته‌دیگی ثروت بیر قاروندور

شارجه-دوبی- ۶۹/۶/۱۶

****

غزل ۸۵ مصراع اول : **چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست**

اهل دل صحبتنه ائتمه گیریش ایـــراده
سؤز بیلن چون دئیسن آچما آغیز فریـــاده
دنیایا ، آخرته من باشیمی اگمیورم
بارک‌الله بوباشا چوخلو بوجور سوداده

او جهتدن عزیزم دئیر موغاندا بو زمان

که او سؤنمز یانار اؤد دؤشدو بیزیم بو یاده

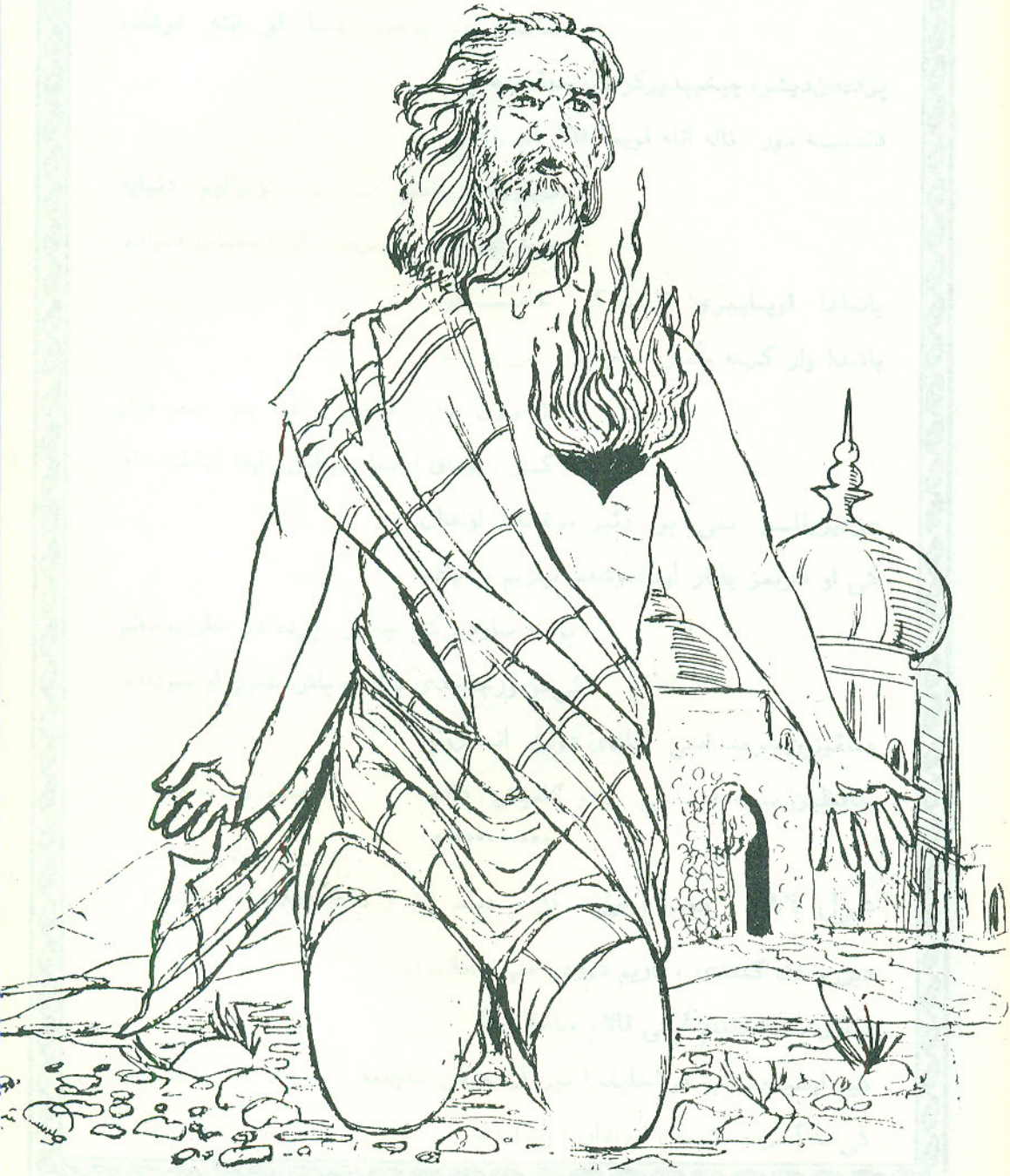

بیلمیرم یورغون اوْزه‌کده کیمیسی واردی منیم
ساکتم من بوجور امّـا او ائله غوغاده

پرده‌دن‌دیشره چیخیبدیرکؤنوْلوْم‌مطرب‌هانی
دئنـــه دور ناله ائله قویما قالا غم ، ناده

منیم هئچ باغلی دئیلدی کؤنوْلوْم دنیایه
خوش‌اوْزوْن خوش‌بزه‌دی گؤزده‌حیات دنیاده

یاتماغا قویماییری قلبده کی خلیـــالر
باشدا وار کهنه خُمار میخانالار بس هاراده

کؤنوْلوْن قانینه باتدی داها بـو صومعه‌لر
گـــر یوماق اوْلسا خیالین اونا ایشلت باده

عزدیریللـــر منی بو دئیر موغاندا اوندان
کی او سؤنمز یانار أود دوْشدو بیزیم بو یاده

بو نه سازدیرکی چالیر پرده ده مطرب دائم
کی‌عؤمورْچیخدی باشا ، باش هنوز او سوداده

عشقونون‌سرصداسی گلدی دوْتن انـدرونا
حافظین سینه فضاسی اوْدو گلمیش داده

شارجه-دوبی- ۶۹/۶/۱۷

****

غزل ۸۶ مصراع اول : دل و دینم شد و دلبر بملامت برخاست

دین و دل گئتدی ، یاریم دوردو منی دانلاماغا
دئدی سنله دئیلم أیگی قالام ساغلاماغا

کیم ایشیددین بو قوناخلیقدا بیر آز خوش گئچینه
کی نه آخرده پشیمان اورادان دورماماغا

گؤله‌ین لعل لبوندن شمع گر گوپدا دئدی
گئجه‌لر جریمه‌سیدیر صبحه قدر قالماماغا
سن پیان دورسان ایاقه ، هئچ اؤلارمی ملکوت
اؤلمیا گؤیده داها شور و نوا قوپماماغا
سرویله ، گؤل کناریندا بهارین خوش نسیمی
دوردو اؤل عارضیله قامتوی خوشلاماغا
یئریشیندن گؤزه‌لیم سرو خجالت قالدی
تیکیلیب اؤز یئرینه قالمادی یئر نازلاماغا
بو ریا خرقه‌سین آت جانیوی قورتار **حافظ**
کی اونون أود آلووندان قوتولوب یانماماغا

دوبی- ۶۹/۶/۱۷

****

غزل ۸۷ مصراع اول : بدام زلف تو دل مبتلای خویشتن است

زؤلفوؤن دامی ائدیب کؤنلؤ گرفتار أوزوّنه
غمزه‌یه اؤلدوؤر اونو تا یئته ناچار أوزوّنه
گـــــــر الیندن گلیری کؤنلوّمو بیر آل الیوه
خیر أیشه قویسا قدم خیری وار اخیار اؤزوّنــه
شمع تک ای گؤزه‌لیم سعیی بودور عاشقووؤن
بو گئجه بلکه اؤله تک یئته آزار اؤزوّنه
من گؤلؤن عشوه‌سینی نقل ائله‌دیم ای بؤلبؤل
دینمه قوی بیرجه گؤله بو گؤل بیخار اؤزوّنه
یوخ گؤلؤن احتیاجی مشگ چگل عطرینده
کی اؤنون نافه‌لری عطر یاخار اؤز اؤزوّنــه

دنیانین ائتمه بو نامردلرینه عرض نیـــاز
عافیت بیر بوجاغین ائیله سرا ، دار ، اؤزوّنه
حافظین جانی یانیب عشقینین اؤز شرطینده
هله‌ده یاریله وار عهده وفـادار اؤزوّنـــه دوبی- ۶۹/۶/۱۸

****

غزل ۸۸ مصراع اول : خیال روی تو در هر طریق همره ماست

اوّزووّن یادی بو یوللاردا اوْلوب یار منه زوّلفووّن عطری‌اوْلوب گوّلشن وگوّلزارمنه
مدعیلرآجیغیندان‌کی دانیلـلار عشقی جمالین حجّت ائدیب اول بت عیّار منه
اوزنخدان‌قویوسوگؤرنه‌دئییربیرقولاغاس «مین دانا یوسف مصریدی گرفتار منه»
گریئتیشمیراواؤزون‌زوّلفه‌بیزیم‌اللریمیز اللرین قیسسالیغیندانـدی بوادبار منه
دئنه‌خلوتده اونون خاص‌غلام‌حاجبینـه «کی فلان خاکی اولوب مایل‌دیدار منه»
ظاهراً اوْرتوّلوّدورگرچه بیزه مـاه اوّزو دائماً گوّل جمـالی قلبده آشکار منه
بیر یول ایلده قاپوی دوگسه‌ده **حافظ** قاپو آچ
واردیر ایللر آی اوّزوّن مایه‌ی پنـدار منـه دوبی ۶۹/۶/۱۹

****

غزل ۸۹ مصراع اول : ساقی بیار باده که ماه صیام رفت

ساقیا باده گتیر چاتدی باشا کوچدو صیام
وئر قدح ننگ و نامین صحبتی‌نی ائیله تمام
گل قضاسین ائلیه‌ک وقت عزیزین کی گئچیب
او عؤمرّ کی اونا ال وئرمه‌دی بیر باده و جام

ائله مست ائیله منی بیخود اوْلام دنیادن
بیلمه‌ییم کیمدی گلن یا گئدیری هانکی آدام

او امیدیله کی بیر جام الیندن یئتیشه
سنی سکّوده دعا ائیلییه‌رم صبحیله شام

بو اوْلن قلبیمیزه بیر تازادان گلدی نفس
تا مئیین خوش أیگینی بیر بالاجه آلدی مشام

زاهدی قویمادی سالم قوتولا خودخواهلیق
رندلر ائتدی نیاز تاپدی ولی دار سلام

کؤنلوْمؤن نقدی منیم بادیه صرف اوْلدو هامو
زاهدین قلبی قره‌أیدی اَمَگی اولدو حرام

عود تک توبه تابیندا نه قدر یانمالی‌ایک
می گتیر عؤمرده چوخ اوْلما داها پخمه و خام

دئمه سن **حافظه** یول تاپمادی **شیوا** دوْزگوْن
او بیر أیتگین‌دی تاپیب آخری صاف باده‌ده کام

دوبی ۶۹/۶/۱۹

****

غزل ۹۰ مصراع اول : المِنَّةُ لِله که در میکده باز است

شکر آللاها کی اوْلدو داها میخانالار باز
میخانه‌دن عشق اهلینی گر قاوسالا دورماز

کوپلر هامیسی نشئه‌ده‌دیر جوش و خروشدا
آختارما مجاز اوندا حقیقت ائله احراز

اؤندان‌دی پیانلیق هامیسی ناز و تکبّـــر
بیزدنده یازیخلیقدی نیاز واردی چکاق ناز

بیرسرّی کی اغیاره دئمیب یادیمه‌ریک هیچ
اظهار ائده‌ریک دوستا اودور محرم هر راز

جانانین اوقیوریق بوروشوق زؤلفوّنو شرحین
قیسساتماغا گلمز چوخ اؤزوندور نه‌ده بیر آز

مجنونون اوّره‌ک دردلری هم طرّه‌سی لیلا
محمود اوّزوّنو پای ایازی قلـــم آل یاز

شهباز کیمی من هامودان گؤزلری یومدوم
تا گوّل اوّزووه بلکه اولا دیده‌لریم بـــاز

یار کوچه سینین کعبه‌سینه کیمسه‌کی گلسه
ابرووی گؤره‌ن ، کعبه‌نی هئچوعده اینانمـاز

حافظ کؤنوّلوّن یانقوسونی ای اوّتورانلار
شمعدن سؤروشون وار جوابیز اوّردا بایجـاز

دوبی ۶۹/۶/۲۰

****

غزل ۹۱ مصراع اول : ماهم اینهفته برون رفت وبچشمم سالی است

هفته‌دیر یار گئدیب سان کی منه بیر سالدیر
آیریلیق سن نه‌بیلیرسن نه چتین بیر حالدیر

گؤزوّموّن قاره‌سینین عکسی دوشوّب یار اوّزوّنه
عکسینی اوردا گؤروّب ظنّ ائله‌دی بیر خالدیـر

او شکر لعـل لبینده هله وار سوّت قوخوسو
گر چه هر کیپریگی‌نین دانه‌سی بیـر قتّالدیر
سن کی بو شهـرده انگشت نماسن کَرَمه
بو غریبلر أیشینه وای کی بو نه اِهمالدیـر
جوهـر فـردده ائتمـم داها بـونـدان‌سورا شـک
بحثده بو سنون آغزون گـؤزه‌ل استدلالدیـــر
مشتوّلوّق وئـردیله کی باش چکه‌جکسن بیزه‌سن
اؤرتمه گؤز خیـر ایشیندن کی مبارک فالدیر
آیریلیق غصّه‌سینین داغلاری بیر حاله قویار
ناله‌دن **حافظی** کی سانکی جانی بیـر نالدیر دوبی ۶۹/۶/۲۰

****

غزل ۹۲ مصراع اول : ما را زخیال تو چه پروای شراب است

سن باشدا اوّلان یئرده نه پروای شرابدیر
خُم سهلدی کی جملـه‌ی خمخـانه خرابدیر
یار اوّلماسا جنّت شرابی دردیوه دؤگمز
یارسیز می اوّلا عُذب اگـر عین عَذابردیر
افسوس کی یار گئتدی بو آغلار گؤزوّن ایچره
چکسن جمالین شکلینی بیـــر نقش بر آبدیر
ای گؤز ، دور آییل أیگیلیگین مشگله دوشدو
دوتموش بو سرشگین سئلی کی منـزل خوابدیر

معشوقه آچیقدیر اوزو امّا نظر ائتسن
اغیار باخیر بو جهته تحت نقابدیر
گوّل چون اوزووّن ترلرینین لطفونو گؤردو
شوقون اَلووینـدان غمیله غرق گوّلابدیر
داغداش هامیسی گؤیدو چمندو داها اَل چک
وئلله سر آبی بو جهان جمله سرابدیر
آختارما نصیحت یئری بو باشدا منیم‌چون
بو گوشه هامو زمزمه‌ی چنگ و ربابدیر

حافظ نه اوّلار عاشق اولا رند و نظر باز
اطوار عجیب لازمه‌ی دور شباب دیر

دوبی ۶۹/۶/۲۱

****

غزل ۹۳ **مصراع اول : بجان خواجه و حق قدیم و عهد درست**

قدیم اوحقّه ، درست عهده ، خواجه‌نین جانینا
کی هر سحر ائده‌رم من دعا سنین جانینا
منیم گؤزوّم یاشی کی نوح طوفانین گئچدی
توانی اوّلمادی نقشین سینمدن آلماغینا
معامله گل ائله آل بو بیر سینیخ کؤنلوّ
کی بو سینیخ لیقلا مین دگر اوزه‌ک صاغینا
روادی گر اوزانا آصفه قاریشقا دیلی
ایتیردی خاتم جم عاجز اوّلدو تاپماغینا

امیـــد کسمه کؤنوّل لطف یاردن هئچوقت
کی عاشق اوْلسا او کیم باش قویار اوْتوزماغینـا
صداقتیله نظر قیل ، گونون یالانچیلیگی
ایلک سحر اونا باعثدی اوّز قارالماغینـــــا
سنین الیندن هله داغدا داشدا حیرانم
ترحّم ائیله‌میسن زنجیـــرین بوشالماغینـــــا
گؤزه‌لدن اینجیمه امن ایسته‌مه جانا **حافظ**
بو باغ مستعد اوْلماز وفـــا گئوه‌رتماغینـا
دوبی ۶۹/۶/۲۰

****

غزل ۹٤ مصراع اول : بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است

آرزولار قصری دوگل گؤر نئجه بوش بنیاددیر
باده دور وئرکی عؤمرّ پایه‌لری بـــر باد دیر
نوکرم من او کسه کیم بو آبی گؤی آتدا
هرنه بیر شئی کی اوْنون رنگی اوْلا آزاد دیر
مگر این کی اوّره‌گین باغلیا بیر گؤیچک اوّزه
کی کؤنوّل هر جوره غمـدن اونیـلا دلشاددیر
نه دئیم من کی دوّتن میخانادا مست و خراب
غیبدن وئردیله چوخ مژده کی قلبیم شاد دیر
عرشده مسکن ائده‌ن ای نظری شهباز تک
مسکن ائتمه بو یئری یئر هامو غم آباد دیر

سنی سسلیرله هامو کنگره‌ی عرشه طرف
بیلمیرم بو تله ده عؤمر نئجه بیر زاد دیر

بیر نصیحت ائدیرم اؤگرن اونو هم عمل ائت
کی بو سؤز پیر طریقت طرفیندن یاد دیر

یئمه دنیا غمینی یادیوا تاپشیر بو سؤزو
رهگذردن بودا بیر یاده سالان ارشاد دیر

راضی اوْل قسمتوه آچ دوگونو آلنوندان
سن و من فیکر ائله‌مه أیسته‌گیمیز آزاد دیر

عهدی دوزلوق آرا بو سست نهاد دنیادن
بو عجوز هر گئجه همخوابه‌ی مین داماد دیر

گوْللرین گوْلمه‌سینین یوخدو وفادن نشانی
ناله چک بوْلبوْل شیدا کی علاج فریاد دیر

«سست شعرلرقوشانا ائتمه‌گیجیک **حافظه** » دهٔ
کؤنوْله یاتمـــا لطیف شعر الهی داد دیر ۶۹/۶/۳۰

****

غزل ۹۵ مصراع اول : **شربتی از لب لعلش نچشیدیم و برفت**

لعل لب شربتینی دادمادیق امّـا گئتدی
بیر دویونجا آی اوْزوْن گؤرمه‌دیک امّا گئتدی

دهٔیه‌سن چوخلو داریخمیشدی اوْلاندا بیزایله
یوک یاپین باغلادی بیز یئتمه‌میش اوردا گئتدی

او قدر فاتحه و حرز یمانی اوخودوق
دالیجا سوره‌ی اخلاص اوخودوقجا گئتدی

مشتوّلوق وئردیله‌کی باش‌چکه‌جاقسان بیزه بیر
بیز خریدار خبر باشدا بو سودا گئتدی

ناز ائدن حسن و لطافت چمننده امّا
گؤرمه‌دیک وصل گوّلوستاننی امّا گئتدی

ناله ائتدیک گئجه‌نی صبحه قَدَر **حافظ** تک
الوداع ائیله‌مه‌میش حیف و دریغا گئتدی ۶۹/۶/۳۱

****

غزل ۹۵ ۲-نجی ترجمه **مصراع اول: شربتی از لب لعلش نچشیدیم و برفت**

لعل لب شربتینه لب یئتیرینجاق گئتدی
آی کیمی عارضینی بیرجه گؤرونجاق گئتدی

دیه‌سن بیزلریله دوّشمه‌گه چوخ اینجیردی
یوکوّنو باغلامادا بیز یئتیشین جاق گئتدی

بسکی بیز فاتحه و حرز یمانی او خودوق
دالیجا سوره‌ی اخلاص اوْخویونجاق گئتدی

خط فرمانیمه باش چکمه دئدی تا کی قالیم
بیز باشی یار خطیندن آپارینجاق گئتدی

عشوه‌ایله دئدی کی گئتمیرم آخر بورادان
بیز اوْنون عشوه‌لرین جانه آلینجاق گئتدی

ناز ائدیردی چمن حسن و لطافتده ولی
وصلینین گؤلزارینی بیر دولانینجاق گئتدی
وصلینی ایستیه‌نه سئوله‌دی ترک ائت اؤزوو
بیز بو جانی او سؤزه ترک ائله‌ییجاق گئتدی
گئجه‌نین هاموسونو ناله‌ده بیز **حافظ** تک
حییف اولسون کی وداعه یئتیشینجاق گئتدی ت.ز ۷۰/۳/۷

****

غزل ۹۶ مصراع اول : درد ما را نیست درمان الغیاث

دردلره بیر یوخدو درمان الامان هجرینه هئچ یوخدو پایان الامان
آلدی دین و دل داهاجان ایستیری الامان بو جؤرِ خوبان الامان
بوسه‌دن اوْتره جان ائیلیللر طلب بو جفا جو دلستانان الامان
قانیمی ایچدی بو کافر کیشلر ای مسلمان یوخدو درمان الامان
هرگئجه گوندوز گؤنوْل **حافظ** کیمی
یانقودا گؤزلرده گریان الامان ۶۹/۶/۳۱

****

غزل ۹۷ مصراع اول : توئی که بر سر خوبان کشوری چون تاج

گؤزه‌للرین باشینا سن سن ای گؤزه‌ل بیر تاج
یارار گؤزه‌للره گر وئرسه‌لر سنونچون ، باج
ووروبدو بیر بیره شوخ گؤزلرون ختا و ختن
او چین زوْلفه وئریب چین و هند باج و خراج

اوْزوْن بیاضی ایشیقدی گونوْز کیمی دەیه‌سن
قاراسی زوْلفوْون اوْلموش مثال ظلمت داج
ائدیبدی خضر سویون رایج اوْل آغیز شهدین
نبات مصردن آلدی او قند لعل رواج
قوتولمارام بو مرضدن کی مبتلا اوْلدوم
سنین کیمین‌لری ایجان امید وئرمز علاج
او داش اوْره‌کلی‌لیقیله بو قلبی سیندیرما
ضعیف قلبی کی تازه اوْلوبدو مثل زجاج
خیضیردی لعل لبین چون آغیزدا آبحیات
قدین دی سرو ، کمر توْک ، تن وبر ، عاج
دوْشوْبدو قلبینه **حافظ** سنون کیمی شاهین
قاپوندا ذرّه‌جه توپراقلار اوْلدولار چون کاج ۶۹/۶/۳۱

****

غزل ۹۸ مصراع اول : اگر بمذهب تو خون عاشق است مباح

مذهبونده اگر اوْلسا عاشقین قانی مباح
صلاحیم اوندادی کی واردی سنه اوْندا صلاح
زوْلفوْون قاره‌لیگی قاره‌لری چولقالادی
شافاقی آغ یوزووْن گوْسته‌ریری صبح و صباح
یوخ‌خلاص‌لیک کیمه اول زوْلف کمندونده سنون
قاش‌گوْزوْن تیر کمانیندا کیمه واردی نجاح

گـوز یاشین نهری آخیب یئرده اوْلوبدور جاری
کی بو چایدا اوزه بیلمز آراسیندا مـلاّح
اوخشاییر آب حیاته جانـــا قوّتدی لبوْن
خاکی جسمیمده اوْلوب لعل لبین ذکر رواح
وئردی لبدن منه بیر بوسه نه چوخ زارلیقیلا
کؤنوْلوْم چاتدی کاما چون ائله‌دیم مین الحاح
عاشقین ورد زبانی دعا ائتمک جـــانووا
گئجه ، گوندوز نه‌قَدَر واردی ایکیندیله ، صباح
ایسته‌مه توبه و تقوا صلاحی **حـافظدن**
رندوعاشق دلیدن ، ایسته‌مه‌یین کیمسه صلاح ۶۹/۷/۱

****

غزل ۱۰۰ مصراع اول : بلبلی خوندلی خورد و گلی حاصل کرد

بو غزلین ترجمه‌سینی جوانمرگ **۳۵** یاشیندا جوانیم **جلالا** ـ اهدا ائدیرم

اوزه‌گین قانله بوْلبوْل گوْلو حاصل ائتدی
غیرتین یئل تیکانی عیشینی زایل ائتدی
بیر طوطی شکّر و بادام خیـــالیله خوشودو
ناگهان سیل فنا آرزونو باطل ائتدی
گؤزومون نورو اوزه‌ک میوه‌سینی یاد ائده‌رم
کی آسان گئتدی ولی وضعیمی مشگل ائتدی
ساربان دوشدو یوْکوْم آللاهاباخ بیرکؤمک ائت
کرم ائیدی منی ، یـار بو محمل ائتدی

اوزومون توپراقینی گؤز یاشیمی خوار دوتما
فلکین شاد ائوین آباد بو کهگل ائتدی
آه و فریاد حسود چرخ فلک جؤرونـــدن
او کمان قاشلی آییـــم قبرده منزل ائتدی
وورمادین شاهی رُخیله گئدیب **حافظ** فرصت
نه ائدیم کی فلک آخر منی غافل ائتدی ۶۹/۷/۱

****

غزل ۱۰۱ مصراع اول : **دیدی ایدل که غم یار دگر بار چه کرد**

یار غمی ائتدی کؤنوّل گؤرکی سن زاره نه‌لر
نئجه یار گئتدی ائدیب یار وفا داره نه‌لر
وای کی بو نرگیز جادو نه اوْیونلار قـوردو
آه او مستدن کی ائدیب مردم هشیاره نه‌لر
گؤز یاشیم دوتدو شافاق رنگی یارین جؤروندان
رحم‌سیز طالعه باخ گؤردو بو بیچاره نه‌لر
أیلدریم شاخدی سحـر مجنونا لیلی چادری
وای کی بو برق ائله‌یبدیر او دل‌افکاره نه‌لر
ساقیا جام مئیی وئر کی بو غیبین یازیسی
دهگی معلوم یازیب پرده‌ی اسراره نه‌لر
تا کی بیر نقش چکیب دائره‌ی مینـــاده
کیمسه بیلمیر گتیریر گردش پرگاره نه‌لر
حافظین جانینی عشقین الووی یاندیردی
او قدیم یاری گـؤرون ائتدی کی بو یاره نه‌لر ۶۹/۷/۱

غزل ۱۰۲ مصراع اول : سالها دل طلب جام جم از ما میکرد

بیزدن ایستردی کؤنوّل ایللرایدی جام جمی
اوْ اوْلان موجود اؤزوّتده ولی بیزدن عدمی
کایناتین صدفیندن آله گلمز دُرّی
أیسته‌ییردی او أیتن‌دن‌کی گتیرمیشدی گمی
عرض ائتدیم موغانین پیرینه گئچمیش گئجه من
کی او دوز رأییله بیر حلّ ائله‌سین مشگلیمی
گوّله‌ین شاد و خرامان قدح می الده
آینا تک الده دوتوب سئیرده سرّ حرمی
گیزله‌دن غنچه تک اوْل راز حقیقت دلده
یویورو اوْل می‌ایله حاشیه‌ی دلده غمی
من سوْروشدوم کی بو جامی نه زمان وئردی حکیم
دئدی اوْندان کی یاراتدی بو گؤیو ، ملک جمی
بیر اوْره‌ک سیز کی تاری دائم اوْنیلا وارایدی
تانرینی گؤرمه‌دیگینده آراییردی کرمی
بیر بیله شعبده‌لر کی چیخادیردی بورادا
سامری کی ید بیضایه چیخارتدی عَلَمی
دئدی اوْل یار کی دارین باشنا گتتدی باشی
بوایدی جرمیکی فاش ائیله‌دی سرّ حرمی
گر مدد ائیله‌سه روح‌القُدُسون فیضی یئنه
اؤزگه‌لرده ائله‌یه‌ر عیسی کیمی وار ، عدمی

من سوْروشدوم کی او زنجیر سرزوْلف نئدر
دئدی « **حافظ** اوْره‌گین » دامه سالیب زوْلف خمی بندرلنگه ، ۶۹/۷/۳

****

غزل ۱۰۳ مصراع اول : بسرّ جام جم آنگه نظر توانی کرد

جام‌جم سرّینه سن اوْندا نظر ائیلیه‌سن میخانا توپراقینی سرمه اگر ائیلیه‌سن
می‌ومطرب‌سیزاوْتورماکی بوگؤی آلتیندا بو ترانه‌ایله غمین دلده بدر ائیلیه‌سن
مرادین‌غنچه‌سی اوْزاوْرتوگونو اوندا آچار اوْنا خدمت ائله‌بیل باد سحر ائیلیه‌سن
قاپوسوندا گدالیق میخانانین کیمیادیر ائده‌بیلسن‌بوایشی‌توپراقی‌زرائیلیه‌سن
عشق‌قصدیله بویولدا قدمین قوی قاباغا کی بویولدا نه‌کلان سودسفر ائیلیه‌سن
یارجمالیندا نقاب یوخدو ویا پرده ولی ردّ ائت یوْل‌توزونو تاکی نظر ائیلیه‌سن
سن‌کی دنیا ائوینین ترکینه قادر دئیسن نئجه سن کوی طریقتده گذر ائیلیه‌سن
یارحضورون‌کئفی‌نین‌ذوقناچاتماق‌بودوکی فیض ایچون پیروی اهل نظر ائیلیه‌سن
آمما سن معشوقولا جام مئیه طالب‌سن داها امّید ائله‌مه کار دگر ائیلیه‌سن
اوْره‌گین نور هدایتدن اگر دوتسا خبر گوْله‌ین شمع کیمی بخشش سرائیلیه‌سن

گر بو شاهانه نصیحت قبول ائتسن **حافظ**
جادّه‌ی حقّه یقین بیل کی گذر ائیلیه‌سن بندرلنگه ۶۹/۷/۵

****

غزل ۱۰۴ مصراع اول : دست در حلقهٔ آن زلف دوتا نتوان کرد

وورا بوْلمزالین اوْل زوْلف دوتایه کیمسه تکیه ائتمز سنیله باد صبایه کیمسه
من‌سنی‌ایسته‌مگه لازم‌اولان سعی ائدیرم بوقدَر واردی‌کی اؤتمزله قضایه کیمسه

یوز اوْره‌ک قانینه یارین اَته‌گین سالدیم‌اله ال قویانمازبئله زحمتله رهایه کیمسه
سرو بوْیلو نگاریم آغزین آچاندا اوْخویا بیلمه‌یین چاک وورا جامه، قبایه، کیمسه
عارضین بنزه‌ده‌سن آیه، غلط بیرایشدیر توتاش ائتمزله یاری بیسروپایه کیمسه
پاک‌نظرایستیری‌جانان‌اوْزوْنون‌گؤرمگینه کدری زایل اوْلار باخساصفایه کیمسه
اوْلدوْرر غیرتیم آخرهامی ایستیرله‌سنی دوگوشه یوخ‌باجاراق خلق‌خدایه کیمسه
اولطیف قلبوه نازک خیالامن نه ده‌ییم واردی بیرحدّه‌گریشمزله دعایه کیمسه

قاشلاریندان‌سئوایی **حافظه** محراب اوْلماز
طاعت ائتمز داها بیرعؤمرخدایه کیمسه ۶۹/۷/۱۱

****

غزل ۱۰۵ مصراع اول : بیا که ترك فلك خوان روزه غارت کرد

گل‌فلک‌توركو اوْروج‌خوانینی‌غارت ائتدی قدحه فطرآیی گؤزله اشارت ائتدی
صوم وحجّین ثوابین دیبده‌آپاردی اوآدام میخانا توپراقینی اوپدو زیارت ائتدی
منیم‌اصلی‌یاتاغیم میخانالار گوشه‌سی‌دیر اولا رحمنده اوکیم بویله عمارت ائتدی
لعل‌تک بادیه قیمت ندی ؟ عقلین ذاتی قازانناربوردا بوجورکیم‌کی،تجارت‌ائتدی
او قاشین محرابنا قیلسا نماز هر کیمسه اوآدامدیرکی جگرقانی طهارت ائتدی
وای‌امان شهریمیزین فتنه‌سالان شیخلری نظرین دُردأیچه‌نه‌سالدی‌حقارت ائتدی
اوْزوْنه باخماقیلا یاره ، گؤزه منّت وور کی‌بوگؤزیاخشی‌پیسه‌یاخشی‌قضاوت‌ائتدی

واعظی وئللّه ائشید عشق سؤزوْن **حافظ** دن
گر چه چوخ صنعتیله طرح عبارت ائتدی ۶۹/۷/۳۰

غزل ۱۰۶ مصراع اول : بآب روشن می عارفی طهارت کرد

بیرسحرمیخانا عارف کی زیارت ائتدی اوأیشیق می‌سویوناواردا طهارت ائتدی
گؤنون او ساغر زرّینی باتان وقتینده فطرین آیی‌قدحه گؤزله اشارت ائتدی
خوش‌اوشخصین‌حالینادردیله‌بیرقیلدی‌نماز گؤزوّنون‌یاشی‌جگرقاندا‌طهارت ائتدی
نمازین‌چونکی‌نمازاوّسته‌اوزاتمیشدی امام موقیزین قانی‌ایله خرفه قصارت ائتدی
ساتین‌آلدی‌بلانی‌کؤنلوّم‌اوزوّلف‌حلقه‌سینه بوّلمورم‌فایدا نه‌گؤردو بو تجارت ائتدی

گر امام جمعه بو گون **حافظی** احضار ائتسه
سیز دئیین می‌ایله اودا دیبده طهارت ائتدی ۶۹/۷/۳

****

غزل ۱۰۷ مصراع اول : دل از من برد و روی از من نهان کرد

کؤنوّل آلدی اؤزو امّا نهان‌دیر بو ایش یا رب کیمه حد توان‌دیر
گئجه تک‌لیک هلاک ائیلیردی امّا خیالین لطفو چوخلو بیکران‌دیر
دوروب‌گل لاله‌تک قلبیم قان اوّلدو او نرگیزگؤزلرین چوخ سر گران‌دیر
کیمه بو دردیمی اظهار ائدیم من طبیبیم قصد جان ناتوان‌دیر
اوجوّر بیرشمع‌تک یاندیردی جانی صراحی آغلادی جان در فغان‌دیر
صبا گر چاره وار تئز ائیله چاره کی‌شوقون‌دردینین قصدی بوجاندیر
محبت اهلینه اظهار اولارمی ؟ کی دلداریم چنین و آنچناندیر

دئیل هئچ **حافظه** دشمن خطرلی
ووران اوخ جانه اوّل ابرو کماندیر ۶۹/۹/۹

****

غزل ۱۰۸ مصراع اول : چو باد عزم سر کوی یار خواهم کرد

یئل کیمی یار کوچه‌سیندن گئچه‌رم ایگینه جانی معطّر ائله‌رم
می و معشوقه‌سیز عؤمروّم هئچ اوْلور داها بوندان بویانا ایشلیه‌رم
آبروئی که قازانمیشسام اگر یار یولوندا هامیسین خشلیه‌رم
سحرین شمعی کیمی گون اوْزونه عؤمروّ بو یولدا الیمدن وئره‌رم
خراب اولام گؤزووّن یادیله قدیم عهدین بناسین بَرکیده‌رم
دهٔ صبایه بو جانی بیر گوّل تک یار زوّلفونده فدا ائیلیه‌رم

یوخ صفا ریب و ریاده **حافظ**
عشقله رندلیگی من سئوه‌رم ۶۹/۹/۹

****

غزل ۱۰۸ ایکینجی ترجمه مصراع اول : چوباد عزم سرکوی یارخواهم کرد

یئل کیمی یار کوچه‌سیندن گذریم دوّشسه اگر
بیرده بیر یار ایگیندن جانیا عطر دهٔیر
می و معشوقه‌سیز عؤمروّم هدره پوچ اوْلورو
قصد عیش ائیله‌مه‌سم عؤمر بوتون پوچه گئدر
آبرونو ، دانش و دینی ، قویارام یار یولونا
چون کی بازار جهاندا دل و دین عشقه ، دهٔیه‌ر
سحرین شمع کیمی گر گون اوْزو ائتسه طلوع
جانی قوربان ائده‌رم أیستیه دلبر نه قدر
گؤزو تک منده خراب ائیلیه‌رم بو کؤنوّلو
او قدیم عهد بناسین ائدم آباد مگر

گؤل کیمی قانه بلشمیش بو جان ای باد صبا
زؤلف یار عطرینه قوربان ائده‌رم أیسته‌سه گر
حافظا قلبه صفا ریب و ریادن گلمز
رندلیک ، عشق و صفا کوچه‌سینه ائیله گذر ۶۹/۹/۱۵

****

غزل ۱۰۹ مصراع اول : دوستان دختر رز توبه زمستوری کرد

مؤ قیزی آچدی اوزون مژده وئرون ایدوستلار
دارغانین یاننا گلدی أیشین ائتدی آشکار
دالدا دان چیخدی اوزه ترلرینی اوزده سیلین
دوریه فاش ائله‌سین کیم اونو گیزلین ساخلار
مشتؤلوق وئر آ کؤنؤل کی داها بیرمطرب عشق
یولو مستانه کسیر قالما داها بیرده خمار
نه کی بیر یدّی سودا.... اؤددا اونو پاک ائتمز
زاهدین خرقه‌سنه هر لکه کی باده قویار
وصلی‌نین دسته گؤلون غنچه‌سی آچدی یئلدن
خوش نوا قوش‌داگؤلون عشوه‌سنه شعر اوخویار
حافظ افتاده‌لیگی وئرمه الیندن کسی حسود
عِرض‌و مال و دل و دین دیبده غرور اوسته قویار ۶۹/۹/۱۵

غزل ۱۱۰ مصراع اول : سحر بلبل حکایت با صبا کرد

سحر بۆلبۆل صبائیله دانیشدی — کی گۆل عشقنده بو جانیم آلیشدی
کۆنۆل قان‌اۆلدو رنگ و روی گۆلدن — تیکانلار جانیمه گۆلدن داراشدی
او نازلی دلبره قوربان اۆلایدیم — کی بی ریب و ریا خیره چالیشدی
سحر وقتی نسیم اولسون حلالی — آییقلار دردینه کیم کی یاناشدی
من هئچواق ناله ائتمم اۆزگه‌لردن — منه ضربه ووران دوستدو تانیشدی
امیدیم شاهه گر اۆلدو خطاایمش — وفایه یاره گۆز تیکدیم ساواشدی
حجابین آچدی گۆل سۆنبولده زۆلفون — قباسین بندینی هر غنچه آچدی
عاشق بۆلبۆل فغانندا هر طرفده — صبا اۆز کامینه دیبده یئتیشدی
وئرین مژده دئیین باده فروشه — ریادن حافظ ائتدی توبه قاشدی

وفا ائتدی منه گر خواجه **شیوا**
وفا صاحبلری حالیم آراشدی ۶۹/۹/۲۰

****

غزل ۱۱۱ مصراع اول : صوفی نهاد دام و سر حقّه باز کرد

صوفو قوردو تله‌نی حوققالارین ساز ائله‌دی
فلکیله نه‌کلک‌لر بو کلک‌باز ائله‌دی
بۆرکونه بیضه قویوب چرخ فلک سیندیراجک
چوخ کلک اهل دله دهرده ابراز ائله‌دی
ساقیا گل صوفولار شاهدینین سرو بویو
جلوه‌یه گلدی نئجه ناز لاری آغاز ائله‌دی

کیمدی بومطرب مجلس کی عراق اوسته گزیر
کی حجازه قاییدیش یوللارینی بـاز ائله‌دی
آ کؤنول گل کی پناه آللاها اوندان آپاراق
آل اوزون دسته‌گی قیسسا او دغلباز ائله‌دی
حیله ایشلتمه، کی گر، عشقده کیم اولمیا دوز
عشق ، فکر ائتمه اونا ، حق قاپوسون باز ائله‌دی
حقّ درگاهی صاباح گر قورولا آشـکار اولا
قاره اوزدور او کی سعی و عملین آز ائله‌دی
ناز ائده‌ن کهلیگه ده، دور، هارایا ناز ائدیسن
عابدین حوققـالاری خلقی پیشیک‌باز ائله‌دی
حافظی دانلاما چوخ رندلری روز ازل
اولارین ریب‌لرین تانری اوزو آز ائله‌دی ۶۹/۹/۲۵

****

غزل ۱۱۲ مصراع اول : یاد باد آنکه زما وقت سفر یاد نکرد

خوش یارین یادی سفر وقتی منی یاد ائله‌مز
بیر خداحافظیله کؤنلوموزو شاد ائله‌مز
او جوانبخت کی هی خیر أیشینه دم وورورز
من قوجالمیش غلامی بس ندن آزاد ائله‌مز
بو کاغذ پالتاریمی گؤز قانیمیله یویارام
کی فلک بیزلری پای عَلَم داد ائله‌مز ؟

او امیدیله کی یئتسین سنه بیر ناله‌لریم
قوزاییر قلبیم او جوّر ناله‌کی فرهاد ائله‌مز
چمنین قوشلاری سن کؤلگه‌وی باشدان کسه‌لی
بیر داها اؤز یوواسین شاخه‌ی شمشاد ائله‌مز
یاراشار پیک صبا اؤگرنه سندن ایشینی
کی بو جوّر تند حرکت داغدا داشا باد ائله‌مز
چکمه‌سین نقش مرادین قلم صنع اگر
کیم کی اقرار اوْجوّر حسن خداداد ائله‌مز
مطربا پرده دئیش ، چال یئنه آهنگ عراق
کی یاریم کؤچدو عراقه بیزی دای یاد ائله‌مز
حافظین هر غزلی سانکی عراق ماهنی‌سیدیر
ائشیدن کیم دیکی بو ماهنی‌نی فریاد ائله‌مز ۶۹/۱۰/۱۷

****

غزل ۱۱۳ مصراع اول : رو بر رهش نهادم و بر من گذر نکرد

اوّزو قویدوم یوْلونا لیک گذر ائیله‌مه‌دی
یوز امیدیم وارایدی بیرجه نظر ائیله‌مه‌دی
گؤزیاشیم سیلی اونون کؤنلوّنه بیرسالمادی یول
سیلدیریم داشـــدا یاغیش یاغدی اثر ائیله‌مه‌دی
حفظ ائله بار خدایا او دلاور جوانی
کی بو آهلار اوْخونا بیرجه حذر ائیله‌مه‌دی

گؤیده قوش ، گؤلده بالیخ یاتمادیلار ناله‌مدن
باخ او بیرحمه‌کی باش زیر و زبر ائیله‌مه‌دی

شمع تک وارایدی فکریم ایاغی آلتدا اؤلم
نئیله‌مک باد سحـــر بیرجه گذر ائیله‌مه‌دی

هانکی داش قلبلی نامـــرد آدامدیر جانا
کی سنین شمشیریوه جانی سپر ائیله‌مه‌دی

حافظین بو دیلی یانمیش قلمی مجلســـده
فاش ائتمز سؤزو گر ترک بو سر ائیله‌مه‌دی ۶۹/۱۰/۱۸

****

غزل ۱۱٤ مصراع اول : دلبر برفت و دل شدگانرا خبر نکرد

دلبریم گئتدی بیزه چاتمادی اما خبـــری
باخبر بو سفره ائتمدی اهل سفری

بختیمین اؤلدوزونون بیرچیخاری هئچ یوخوموش
یاطریقت یولونا دوشمدی بیر یول گذری

آغلیام فکر ائله‌دیم بیر کؤنؤلؤن نرم‌ائلیه‌م
داش‌ایدی قلبی دئمه اؤلمادی اؤندا اثری

جرأت ائتمه منیله بوکؤنؤلؤن وحشی‌قوشو
عشقین او خام خیالی بولمه‌دی واردی خطری

کیم گؤرور گؤل اؤزوو گؤزلریمه بوسه ویریر
بیر نظرسیز بو گؤزوم اؤلمادی بیرجه نظری

کیم گؤرور گؤل اؤزوو گؤزلریمه بوسه ویریر
بیر نظر سیز بو گؤزوم اؤلمادی بیرجه نظری
من ایاق اؤسته دوروب قوربان اؤلام شمع کیمی
نیله‌ییم صبح یئلی اؤلمادی بوردا گذری ۶۹/۱۰/۱۸

****

غزل ۱۱۵ مصراع اول : مرا برندی عشق آنفضول عیب کند

او فضول رندلیک عشقینده منه عیب ائلیه‌ر
دورا انکارده هر بیر ایشه‌کی غیب ائلیه‌ر
باخ سن عشقین کمالین گؤرنه گناهین نقصین
بی هنرلر دی کی هر بیر هنره عیب ائلیه‌ر
او زمان حور بهشت عطری چاتار بیر دماغا
کیم بیزیم میکده توپراقینی در جیب ائلیه‌ر
وورار اسلامین ائله غمزه‌ی ساقی یولونو
تک صهیبین أیشیدیرکی او مئیه عیب ائلیه‌ر
اهل دل تکجه سعادت کلیدین اَلده آلار
اؤلمیا ، کیمسه کی بو نکته‌لـــره ریب ائلیه‌ر
او چوبان وادی ایمنده مراده یئتیشه‌ر
کی شعیبه او دا بیر خدمت بی ریب ائلیه‌ر
حافظ افسانه‌سی گـؤزدن اته‌گه قـــان آخیدار
کی جوانلیق خیالین ، یاد اگـــــر شیب ائلیه‌ر ۶۹/۱۰/۱۸

****

غزل ۱۱۶ مصراع اول : آن کیست کز روی کرم با ما وفاداری کند

کیمدیـــر کرامتدن بیزه یاران وفادارلیق ائده
من تک گنه‌کاره یاریم بیردم نکوکارلیق ائده

اولّجه نی آوازیله یاردان منه پیغام وئره
اوْندان سورا بیر کاسه می منله وفادارلیق ائده

سوْلدوردو دلبرجانمی هئچ وئرمه‌دی بیرکاممی
اوْندانداا نومید اوْلمارام شایدکی دلدارلیق ائده

من بیـــر دوگون هئچ آچمـــادیم اول طرّه طرّاردن
« ائتدی بیان من سئوله‌دیم » زوّلفوّم کی‌طرارلیـق ائده

پشمی گیه‌ن صوفی که او عشقین ایگین هئچ بیلمه‌ییب
کاش مستلیکـدن بلکه او بیر ترک هوشیارلیق ائده

من تک نشان‌سیز بیر گدا وصل او مه پیکر هارا
سلطان اوْلارمی گیزلیجه رندیله دلـدارلیق ائده ؟

پر پیچ و خم اوْل طّره‌دن آساندی گر گوْرسم ستم
زنجیر و بنـدیندن نه غم هر کس کی عیّارلیق ائده

نیرنگ‌باز اوْل گوْزلره **حافظ** اونـا قصد ائیله‌مه
شبرنگ زوّلفو چوخلوجا گوْردون کی طّرارلیق ائده

۶۹/۱۰/۱۸

غزل ۱۱۷ مصراع اول : دلا بسوز که سوز تو کارها بکند

یان کؤنوّل بو یانیشین دردی دوا ائیلیه‌جک
نصف‌شبلـــر دعاسی دفع بـــلا ائیلیه‌جک

او پریچهره یارین نازینی عاشق کیمی چک
بیر کرشمه ائله‌سه یوزجه بـــلا ائیلیه‌جک

ملکدن تا ملکوته حجابین قاوزاللار
جام جم حـــاجتینی کیم کی روا ائیلیه‌جک

وار مسیحا دمی بو عشقده همده شفقت
درد اگـر سنده اوْلا بیل کی دوا ائیلیه‌جک

آللاها ائیله حوالت ایشیوی کؤنلو خوش ائت
مدعی ائیله‌مه‌سه رحـــم خـــدا ائیلیه‌جک

او یاتان بخت منی غمگین ائدیر تا آییلا
فاتحه وقتی سحر بلکه دعـــا ائیلیه‌جک

یاندی‌**حافظ** قوخوسو گئتمه‌دی بیر زوّلف یارا
رهنمالیق بو أیشه بلکه صبـــا ائیلیه‌جک

۶۹/۱۰/۱۹

غزل ۱۱۸ مصراع اول : طایر دولت اگر باز گزاری بکند

بیرده گر بخت قوشو بوردا گزاری ائلیه
بلکه یـــار بیرده گله وصله قراری ائلیه

گرچه گؤز یاشلاریما قالمادی بیر درّوگهر
قان ایچیب بلکه بیر آز قصد نثـاری ائلیـه

من سوروشدوم کی لبی دردیمه بیر چاره ائدر ؟
هـــاتف غیبی ندا وئـــردی کی : آری ائلیه

کیمسه یوخ قدرتی بیر یاره دئیه غصّه‌میزی
دئمیرم بـــاد صبـــا گشت و گزاری ائلیه

گؤزوم شهبازینی سالمیشام او کهلیگه بیر
دهٔ قاییدسین کی مگر بختی شکاری ائلیه

بوشالیب شهر محبتدن ، اولار بیر یئردن
غیبدن بیـــر گله آل بلکه‌ده کاری ائلیه ؟

بیر کرامت صاحابی هاردادی بو غم‌زده‌یه
بیر أیچیـــم بـــاده وئریب دفع خماری ائلیه

یا وفـا یـــا وصالین یا رقیبین اؤلمه‌گینی
بو اوچ ایشدن بیریسی چرخ اولو کاری ائلیه ؟

حافظا گئتمیه سنده قاپوسونـــدان بیر گون
سنه باش چکمه‌گه بیر گوشه کنـــاری ائلیه

۶۹/۱۰/۲۰

غزل ۱۱۹ مصراع اول : کلك مشگین تو روزیکه ز ما یاد کند

مشگبار اوْل قلمین گر بیزی بیر یاد ائلیه
اجری اوْل قدردی کی مین غلام آزاد ائلیه

سلمی‌نین قاصدی‌کی تانری سلامت ائتسین
نه اوْلار بیر سلامیله بیزیده شـــاد ائلیه

امتحان ائیله سنه گنج مراد چوخ وئریلـر
گر منیم تک خرابی دلبـــــریم آباد ائلیه

خسروین شیرینی‌نین بار خدا قلبینه سال
رحم ائدیب لطفوله بیر چاره‌ی فرهاد ائلیه

یوز ایلین سلطنتی زهدیله شاهه ائییی‌دیر...
بیر ساعت قـدریجه کی خلقلره داد ائلیه

ایندلیک‌ده نازوین عشوه‌سی قازدی کوکوّمو
بو سفر حکمتیله تا نئجه بنیـــاد ائلیه

پاک ذاتین کی سنین حمد و ثنادن غنی‌دیر
فکر مشاطه نه‌دیـر حسن خـــدا داد ائلیه

مقصودا چاتامیشیق بیز داها بو شیـرازدا
شادلیک اوْل گوندوکی **حافظ** ره بغداد ائلیه

۶۹/۱۰/۲۰

غزل ۱۲۰ مصراع اول : سرو چمان من چرا میل چمن نمیکند

ندن او نازلی دلبریم گلمیری منله چمنه
گوّللره همدم اوْلماییر اَل اوْزادا یاسمنه
طرّه‌سینین شکایتین دوّنن اسفله ائیله‌دیم
دئدی بو چوخ بوروخ قارا قولاخ کی وئرمه‌ییر منه
بیزیم بو هرزه کؤنلوّموزّ گئدیبدی چین زوّلفوّنه
اوْزون ، اوْزاق ، او گئتمه‌دن چئویرمه‌ییر اوّز وطنه
قاشلارینین کمانینا ، یالواریرام بو جانیما
چکیب کمان قولاغینه قولاخ‌دا ، وئرمه‌ییر منه
تعجب ائیلیرم صبا دامنووه اَسَن زمان
چئویرمه‌ییر بو توپراقی ندندی مشگ ختنه
بنفشه زوّلفو چون اوْلور نسیم الینده تئل به تئل
وای کی نه خوْلیالار وئریر کؤنوّلده تئللرین منه
امید وصلیله اوْنون کؤنوّل جانا یاپیشماییر
جاندا یارین هواسینه اطاعت ائتمه‌ییر منه
زَهر توّکه گوّموّش بیلک ساقی اگر پیاله مه
کیمدیکی جسم و جانینی چئویرمه‌سین تک دهنه
حافظ اوْلوّبدو غمزه‌دن دینله‌مه‌ییب نصیحتی
قلیچ حلالیدیر او کیم باخمیا حق سؤز دیه‌نه ۶۹/۱۰/۲۱

غزل ۱۲۰ ایکینجی ترجمه مصراع اول : سروچمان من چرامیل چمن نمیکند

نازلی منیم سرو نه‌دن میل چمن ائیله‌میور
گؤللره همدم اؤلمورو یاد سمن ائیله‌میور

طرّه‌سینین شکایتین دونن اَسفله ائیله‌دیم
دئدی بوچوخ بوروخ قارا گوش بمن ائیله‌میور

بیزیم بو هرزه کؤنلوّموز گئدیبدی چین زوّلفونه
اؤزون، اؤزاق او گئتمه‌دن قصد وطن ائیله‌میور

قاشلارینین کمانبنا یالواریرام بو جانیما
چکیب کمانی نیلیه‌ییم گوش بمن ائیله‌میور

تعجب ائیلیرم سنین دامنوون خوش یاتیمی
توپراقی سن گئچن زمان مشگ ختن ائیله‌میور

بنفشه‌زوّلفو چون اؤلور نسیم الینده تئل به تئل
وای کی نه خولیالار منه او پرشکن ائیله‌میور

امید وصلیله اونون کؤنوّل جانا یاپیشمایییر
جانـــدا یارین هواسینه خدمت تـــن ائیله‌میور

زهر توکه گوموّش بیلک ساقی اگر پیاله مه
کیمدی‌کی جسم و جانینی جمله دهن ائیله‌میور

ائشیتمیه‌ن نصیحتی **حافظ** ، اؤلوّبدو غمـــزه‌دن
قلیج گرکدیر هر کیمه درک سخن ائیله‌میور

۶۹/۱۰/۲۲

غزل ۱۲۱ مصراع اول : گر میفروش حاجت رندان روا کند

می ساتان رندلرین حاجتینی ائتسه روا گئچر آللاه گناهیندان ائلیه‌ر رفع بلا
ساقیا جامی عدالتله دولاندیر کی گدا غیرته گلسه ائدر دنیادا چوخ شرّو بلا
غصه‌لردن امانین مژده‌سی فوراً یئتیشر سالک اؤز عهدامانتده اگر ائتسه وفا
رنج و راحت کی اؤلار ای بیلیجی دنیاده اؤزگه‌دن گؤرمه‌هرایشده گؤرونوردست‌خدا
عقلیله فضل یوّلو باغلیدی بو کارخانادا هرضعیفین‌فیکیری‌ائیله‌مه‌سین‌چون‌وچرا
مطربا چنگوی چال کیمسه اجل‌سیز اؤلمز اؤلمیان‌شاد بوترانه‌ایله‌ائدیب‌چوخلو خطا
بیزی‌اؤلدوّردوخمارلیق داهابیرده‌غم‌عشق باده‌ی‌صاف‌ائدر بیرده‌یارین وصلی دوا

جانی‌می‌اوسته‌قویوب عشقده **حافظ** یاندی
هانی بیـــرعیسی‌نفس‌کی‌اونوائتسین احیا ۶۹/۱۰/۲۰

****

غزل ۱۲۲ مصراع اول : واعظان کاین جلوه درمحراب ومنبرمیکنند

جلوه کی بو قدر ائدیللر منبر اوسته .....
خلوه‌ته چیخسا ایاقی آیری فرتانه سالار
بو سئواله مجلسین عالم‌لری وئرسین جواب
توبه فرمالر ندن بس توبه یادلاردان چیخار
هئچ دؤیه‌رسن باور ائتمیللر قیامت گونلرین
بیر بئله قلب و دغل ایشلرده ائیلیر میرزالار
دولته تازا چاتانلارین خدایا بورنون اوغ
بیر بئله کلفت نوکرله مردمه ناز ساتمالار

خانقاهین ای گداسی قاوزا باش ائیله نظر
بیر سو وار دئیر موغاندا گنج قارونو آلار
بی نهایت حُسنو دلبر بس کی عاشق اؤلدوؤرور
غیبدن وار آیری صف عشقیله باش قوزانمالار
عشق اؤلان میخانه‌لرده ای مَلَک تسبیح دهٔ
پیر آدم طینتی‌له باده کؤپده چالخالار
صبحدم بیر سس گلیردی عرشدن عقلیم دئدی
قدسیلار **حافظ** شعرین نائیله گؤیلرده چالار ۶۹/۱۰/۲۰

****

غزل ۱۲۳ مصراع اول : دانی که چنگ و عود چه تقریر میکند

بیلیسن چنگله عودون ندی تقریرلری گیزلین أیچ باده اؤنوتما بالا تعزیرلری
عاشقین رونقینی عشق حیاسین آپاریر جوانا عیب و ملامت ائله‌یین پیرلری
بیربئله ایشلریله تاپمادی جُز بیرقره قلب بوغلطفکریله‌کی‌صاف ائدیراکسیرلری
دیللرعشقین‌سؤزونونه‌ائشیدین‌نه‌دانیشین بوغلط سؤزلریله پوچ اؤلو تقریرلری
بیزی‌سرگرم‌ائله‌ییب‌چوخلوائشیکده‌یالانا اؤزلری جوّرائله‌یین پرده‌ده تدبیرلری
موغانین پیرینین اوقاتینی تلخ ائیلیللر باخ بوسالکلره‌کی تحقیر ائدیرپیرلری
یوزلریله کؤنوّلو بیر باخیشا آلماق اؤلار واردی‌بوایشده‌گؤزه‌للریئکه تقصیرلری
جدّوجهدیله بیلیر وصل یاری بیرعدّه آیریسی تعبیر ائدیر ایشلره تقدیرلری
قیسساسؤزاعتبارائتمه‌کی‌جهان ثابت‌اولا آچ‌گؤزوّن‌یاخشیجاگؤر دهرده‌تغییرلری

مفتی و محتسب و **حافظ** و شیخ باده أیچر
یاخشی باخسان گؤره‌جکسن بئله تزویرلری ۶۹/۱۰/۲۲

غزل ۱۲٤ مصراع اول : شاهدان گر دلبری زین سان کنند

گر گؤزه‌للر دلبر اؤلسون انسانا رخنه زاهدلر گؤره‌للر ایمانا
نرگیزین شاخی هایاندا گر بیته چؤنده‌رر گؤل اؤزلؤ گؤز نرگیز دانا
سرو قدلی ایجوان وور بیر توپو قامتین تا چؤنمه‌یه‌بدیر چوگانا
عاشقین یوخ اختیاری باشنا بیز اطاعت ائیله‌دیک اؤل فرمانا
قطره‌دنده آز گؤزؤمده گؤرسه نیر هر حکایتلرکی واردیر طوفانا
گر ائده یاریم منیم ساز و سماع قدسیلر عرشه چیخار دست افشانا
گؤزلریم قانه دولؤبدؤر غصّه‌دن هاردا بؤیله ظلم اؤلوبدور انسانا
ای‌کؤنؤل‌خوش ناله‌ائت چون‌اهل‌راز خوش کئفی ساخلارلا روز هجرانا

نیمشب آهین بوراخما حافظا
آینا تک چیخ بیرجه صبح رخشانا ۶۹/۱۰/۲۳

****

غزل ۱۲۵ مصراع اول : گفتم کی‌ام دهان و لبت کامران کنند

دئدیم آغزین‌کؤنولؤ شاد نه‌زمان ائیلیه‌جاق
ال‌قویوب‌گؤزده دئدی چشم، هر آن ائیلیه‌جاق
دئدیم آخر لبین أیستیر میصیرین مالیاتین
دئدی گر آل وئر اؤلا آزجا زیان ائیلیه‌جاق
دئدیم آغزین نُقَطین کیم تاپاجاق آخرده
دئدی بو نکته‌لری اهلی بیان ائیلیه‌جاق

بت‌پرست اوْلما دئدیم آللاهی آل بیر نظره
دئدی عشقین آدامی هم بو، هم آن، ائیلیه‌جاق

هاواسی میکده‌نین غم آپارار دلده ، دئدیم
دئدی عشق اوْل کیمه کی عشقی عیان ائیلیه‌جاق

می‌ایله خرقه دئدیم شرعده دوتماز با هم
دئدی باخسان گؤره‌سن اهل‌موغان ائیلیه‌جاق

قوجایا فایداسی یوخدور دئدیم اوْل لعل‌لبین
دئدی شیرین اوپوشه پیری جوان ائیلیه‌جاق

نه‌زمان‌حجله‌یه خواجه دئدیم آخرگئده‌جک
دئدی آی مشتری ایله کی قَران ائیلیه‌جاق

دئدیم **حافظ** سنی هر لحظه دعا ائیله‌ییری
دئدی گؤیلرده ، ملک‌لرده ، همان ائیلیه‌جاق ۶۹/۱۰/۲۳

****

غزل ۱۲۶ مصراع اول : آنانکه خاکرا بنظر کیمیا کنند

بیر نظرده اوْنلاریکی توپراق ائیلر کیمیا
هئچ اولارمی بیر نظر لطفیله سالسونلار بورا

یاخشیدیرنامردطبیبدن خسته‌لیک گیزلین قالا
غیبدن شاید اوْلا بو دردلره بیر گون دوا

چکمه‌ییر معشوقه اوْزدن اوْز نقابین نئیله‌ییم
هرکس اوْزفکرینده بیر نقشی چکیر باشدا یارا

زهدیله گلمز اله چون عافیت هئچ کیمسیه
یاخشیدیر کی ایشلر اوْلسون دوْر گردونه رها

آت قدم چوخ معرفتله عشقین حرّاجنده سن
بو ایشین آل وئردیسینده ائت رجوع آشنا

فتنه‌لر واردیر هله باخسان اگر بو پرده‌ده
پرده‌لر دوْشسه گؤره‌رسن ایشلر اوْلدو برملا

بیر بئله اوضاعه گر داش آغلیا واردیر یئری
معرفت صاحبلری ائیلر کؤنوْل حالین ادا

باده نوش ائت، گیزلین اوْلسا یوْز گناه اغیاردن
یاخشیراقدیر او عبادتدن اوْلا روی و ریا

یوسفین عطری گله هر بیر او کوینکدن اگر
کین‌ایله قارداش‌لار ائیلر آخری بیر گون قبا

ائت گذر میخانیه وار اوْردا بیر جمعی هنوز
وقتلرین صرف ائیله‌ییب اوردا سنه ائیلر دعا

من حسوددان‌گیزلی وورارام باده چونکی وارلیلار
گیزلی خیر ایشلر گؤره‌للر هر زمان بهر خدا

وئرمز ال وصل ابد **حافظ** بو دنیاده سنه
آز اولار کی شاهلارا منظور اوْلا حال گدا

۷۱/۸/۲۰

غزل ۱۲۷ مصراع اول : نقدها را بود آیا که عیاری گیرند

اوْلوکی نقدلره الده عیاری دوتالار
اهل معبدگره‌ک اوندا پی‌کاری دوتالار
مصلحت من اوْنو گؤردوم کی هامو یولداشلار
ایشلری یئرده قویوب طرّه‌ی یاری دوتالار
ساقینین زوْلفوْنه خوش ال آتیری یولداشلار
گر فلک وئرسه اجازت کی قراری دوتالار
شعریله نی سسینه رقص ائله‌مک یاخشی اوْلار
یاخشیراق اوندادی کی زوْلف نگاری دوتالار
زور پرهیز گؤتورمز گؤزه‌ل اوْزلر بونو بیل
تک سواریله اوْلورموش کی حصاری دوتالار
یوخ یازیقلار غمی **حافظ** نیه بس بیر کسده
یاخشیدیر خلق کی بو میداندا کناری دوتالار

ت ـ ز ۷۰/۱/۴

****

غزل ۱۲۸ مصراع اول : هر که شد محرم دل در حرم یار بماند

اوْره‌گه محرم اوْلان‌لار حَرَم یاردا قالار
بو أیشی بیلمه‌سه کیم آخری انکاردا قالار
پرده‌دن چیخدی‌اگر کؤنلوْمه ایراد ائله‌مه
شکراوْلا اوْلمادی‌کی پرده‌ی پنداردا قالار
خرقه‌لر می گروویندان چیخادیبلار صوفولار
تک بیزیم خرقه‌دی‌کی خانه‌ی خمّاردا قالار

محتسب شیخ اوْلوب فسقین أیتیردی آرادان
بیر بیزیم سؤزلریمیزدیر کوْچه بازاردا قالار

لعل می‌لر کی من آلدیم او بُلور اللردن
گؤزون حسرت یاشیدیرچشم گهربارداقالار

غیـــــر قلبیم کی ازلدن ابده وورغـــونودو
دهٔ گؤروم کیمدی جانیندان کی‌بوجوْر زاردا قالا

اوْلدو بیمار گؤزون تک اوْلا ، بلکه نرگیز
سنه تای اوْلمادی ، دردی دل بیماردا قالار

گؤرمه‌دیم عشق سؤزوْندن گؤزه‌لین دنیاده
یادگارلیق کیمی بـو گنبـد دوّاردا قالار

یوْزدانا عیبیمی اوْرتوردو منیم کهنه چوخام
خرقه‌می مطرب آپارمیش‌سا زنّـــاردا قالار

چین صورتگری حیران ائله اوْلدو اوْزوْه
کی تمام ایشلری‌گؤردوْک درو دیـواردا قالار

اوْزووْن سیر و تماشا سنه **حافظ** اوْره‌گی
گئتدی‌کی بیرقاییدا بیلدی یئنه داردا قالار

ت ـ ز ۷۰/۱/۶

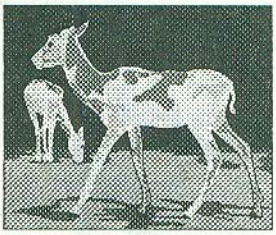

غزل ۱۲۹ مصراع اول : رسید مژده که ایّام غم نخواهد ماند

مشتوّلوّق وئردیله غم ، غصه ، بلا ، قالمیاجاق
اوْجوره قالمادی دنیـــــا ، بئله‌دا قالمیاجاق

منده یارین گؤزونه گرچه چوخ اسگیک گلدیم
رقیبینـــــده بو ساياق قدری اوُجا قالمیاجاق

بورادا شمشیریله هاممونو جلاّد وورورو
حرم و اهل حرم ، ملک و ســـــرا قالمیاجاق

یاخشی‌پیس، شوکروشکایت یئری‌هئچ یوخ‌بورادا
هر نه وار عـــــالم امکان‌دا داها قالمیاجاق

نقل ائده‌للر بوأیمیش مجلس جمشید سرودو
باده دور وئر کی جم و جام داها قالمیاجاق

وصل پروانه نی ای شمع غنیمت سانا سن
کی بو وصلت دئیه‌سن صبحه قالا ، قالمیاجاق

ای توانگر اوْره‌گین آل اله بیر درویشین
پول ، قیزیل ، ملک و سرا، شاه‌وگدا قالمیاجاق

یازیلیبدیر زریله طاق زبرجدده بوجور
یاخشیلیقدان سئوای ای اهل وفـا قالمیاجاق

خوش خبر وئردی منه هاتف غیبی بو گئجه
تک کرم قالمالیدیر جور و جفـا قالمیاجاق

کسمه امّیدیوی یارین کرمینـــــدن **حافظ**
گئده‌جک نقش ستم ظلم ابدا قالمیاجاق

ت ـ ز ۷۰/۱/۴

غزل ۱۳۰ مصراع اول : نظربازی ما بیخبران حیرانند

بی‌خبرلردی نظربازلیقیما حیرانلار
بئله‌یم منکی دئدیم تا نه بیله بیرده اوْلار
وجوُدون پرگارینین مرکزی‌دیر عاقللر
عشق شاهدّی اوْلوب هاممو سو سرگردانلار
تک منیم گوْزلریمین جلوه‌گاهی یار دئیل
آی‌ایله گوّندوله بو آینادا سرگردانلار
لبی شیرینلریله باغلاییب آللاه بیزه عهد
بنده‌ایک بیز هاموز واردیر اوْلار یزدانلار
مّفلسوق آما کؤنوّلده می و مطرب هوسی
خرقه‌نی آلماسالار دیبده یانار ایمانلار
سوْرما گون عارضینین وصفینی سن شب پره‌دن
کی نظر صاحبی بو آینادادیر حیرانلار
یاردن عشق وگلایه سؤزو ، لاپ گوپدو یالان
مستحقدیر بوجور عاشق کی چکه هجرانلار
گوْزووّن شیون‌سی بلکه منه بیر اوگره‌ده أیش
یوخسا مستوری و مستی ائله‌مز نادانلار
روحلارین شاد یئرینه یئل ایگیوی گر آپارا
عقل و جان وارلیقینا هاممو تاپار نسیانلار
حافظین رندلیگین بیلمه‌سه زاهد نه عجب
دیو قاچار گر اوْلا بیر ائو اوْخونا قرآنلار

گرخبرداراوْلالار فکریمیزه مغبچه‌لر
صوفونون خرقه‌سین آلمازلا داها جانانلار ت.ز ۶۹/۱۲/۸

****

غزل ۱۳۱ مصراع اول : غلام نرگس مست تو تاجدارانند

او خمار مست گؤزون بنده‌سیدیر سلطانلار
او شیرین لعل لبین عاشقیدیر حیـــــرانلار
گؤز یاشیم بیرده صبا سن منه افشاگردیر
یوخسا وار عاشق و معشوق ایکیسی بیر جانلار
او بنفشه یئرینه باد صبا تک گذر ائت
اوْردا گؤر زوّلفوّه دوشگوّتدو نئجه انسانلار
جنّته لایق اوْلان بیزلریک ای زاهد گئت
جنّته گئتسه نه ائتسین اوْرادا نـــادانـلار
اوّزوّه تک دئیلم من قوشورام شعر و غزل
عشقووه بوّلبوّل اوْخور باغیده مین دستانلار
گل بیزایله یاناغین قوی قیزارا میخانادا
گئتمه ، سن صومعیه اوْردادیلار شیـــطانـلار
کاش آزاد اوْلمیا **حافظ** سنین اوْل زوّلفوّندن
رستگاردیر او توّکه باغلی اوْلان انســانلار ۷۰/۳/۳۰

غزل ۱۳۲ مصراع اول : دوش وقت سحر از غصّه نجاتم دادند

گؤستریلدی بو سحر وقتی منه راه نجات
او قارانلوقدا منه وئردیله بیـــر آبحیات

پاک ذاتین ایشیقیندان منی بیخود ائله‌ییب
ائله بیر باده وئریبلر کی تجلّای صفـــات

داها بوندان سورا من بیرده جمال آئینه‌سی
او گئجه ، قدرایدی‌کی گلدی یئتیشدی بو برات

نه تعجّب کی من اوْلدوم بو جوره کامروا
چونکی من مستحقم ، وئردیلـر اوْندانـدی زکات

منه بو دولتی هاتف او زمان وعده وئریب
کی هامو جؤر و جفایه وارایدی منـــده ثبات

بیر بئله شهد و شکر کی واریدیر سؤزلریمین
او صبیر دولتی دیر کی وئریب او شاخ نبات

حافظیله بـــو سحر خیزلـرین همّتی‌دیـــر
وئریلیبدیر اوْنا **شیوا** ، بوجوره راه نجات ۷۱/۸/۱۹

****

غزل ۱۳۳ مصراع اول : شراب بیغش و ساقی خوش ، دو دام رهند

صاف‌شراب بیرده‌گؤزه‌ل‌ساقی ایکی توردو ، یوْلا
کی زیرک کیمسنه‌لر چوخ چتین اوْنـدان قوتولا

من عاشق رند و پیانم همیده نامه سیاه
چوخ‌شوکور عیبی‌ده یوخ شهرهامیسی مؤمن اوْلا

درویشین شیوه‌سی بو یولدا دئیل ظلم ائتمک
باده وئر کی اوْلارین لایقی یوخدور بو یولا

عشق سائللرینی چوخلو دا تحقیر ائله مه
عالم غیبـــده ممکندو بولار سلطان اوْلا

هوشون اوْلسون کی نیاز اوْلمیانین اَس‌سَه یئلی
خرمن طاعتینی آرپیـــادا آلمیـــالا

گؤرمه بیر ایش‌کی اگر کوکبه‌ی حُسن سینا
قاچاجاق بنده‌لرین چوخدا جفا ائتمه قوْلا

نوکرم دُرد ایچن طایفه‌ی یکـــرنگه
نه گروهی کی اَییلسین ساغا گاهـداندا سولا

گـــر خراباته گئدیرسن ادبیله قدم آت
اوْرانین اهلی بوتون هاموسودور اهـــل ولا

عشق حضرتلری **حافظ** اوْجادیر همّت ائلـه
همتی اوْلمیانین قورخـــوسو وار یولـدا قالا ۷۱/۳/۳۰

****

غزل ۱۳٤ مصراع اول : دوش دیدم که ملائك در میخانه زدند

دوْن گئجه دویدو مَلَکلر قاپوسون میخانانین
پالچیقین آدمیله قاتدیلا ، بیـــر پیمـانانین

ملکوتون حرمینده اوْتوران کیمسنه‌لر
من یولچیله کسوب یوللارینی خمخـانـیـــن

شوکور آللاهه کی منله یاریما صلح اوْلدو
قدسیلر رقصله ائتدی اداسین شکرانانین
ساواشین یئتمیش‌ایکی ملّته چوخ عیب ائله‌مه
گؤرمه‌ییب حقی دوتوبلار یولونو افسانانین
گؤی قبول ائیله‌مه‌دی بار امانت گؤتوره
قرعه‌نی سالدیلا بوْینومدا من دیوانانین
اوْد دئیل او ، کی اوْنون شعله‌سینه شمع گوْله
اوْد اوْدور خرمنینه دوْشدو یازیق پروانانین
کیمسه **حافظ** کیمی فکرین نقابین آچمیاجاق
تا سؤزوْن تئللرینه پنجه‌سی دگدی شانانین

ت.ز ۶۹/۱۲/۷

****

غزل ۱۳۵ مصراع اول : حسب حالی ننوشتیم و شد ایّامی چند

یازمادیم نامه قاریشدی باشیم ایّام‌لره هانی محرم ائده آگه سنی پیغام‌لره
بیزچتین‌دیریئتیشک بیرائله‌عالی‌حضورا دئمیرم لطف قیلاحضرتی، بینام‌لره
گوْل آچاندامی‌اگرکوزه‌یه گئتسه کوْپدن فرصتی وئرمه الیندن ال آپار جام‌لره
قندله قاتماگوْلو قلبیمیزه درمان ایچون بوسه‌وئرقات اوْپوشو بیرنئچه دشنام‌لره
رندلردن،قوْرو،زاهدکوچه‌سیندن گئچسن یوخسااوْسدوْن‌باتی گرسوْرتوْشه‌بدنام‌لره
مئیین‌عیبین‌دئمیسن‌شأنینی گزلتمه باری حکمتی ائیله‌مه قوربان بو نئچه عام‌لره
ای خرابات گداسی ، سنه آللاه یاردیر تیکمه اِنعام‌دن اؤتره گؤزون اَنعام‌لره
پیرمیخانه گؤزه‌ل‌سؤزدئدی اوْل‌دُردایچه‌نه کی اوْره‌ک‌سؤزلرینی فاش‌ائله‌مه خام‌لره

حافظی گون‌اوْزووْن‌پارلاماسی یاندیردی
دهردن کام آلان لطف ائله ناکام‌لره

۷۱/۳/۳۰

غزل ۱۳۶ مصراع اول : سمن بویان غبار غم چو بنشینند بنشانند

سمن ایگلر اگر قاوزاتماسا فتنه اوْتورمازلا
پری اوْزلر اگر بیر قلبی اوْلدورمزلرسه آلمازلا

او عنبر زوْلفده جانلار گروهون بنده چکدیقدا
سینان قلب عاشقین کی اوْلماسا فِتراکه سالمازلا

اگر بیر عؤمرده بیر یول بیزایله اگلنه اوْلکر
اگر اوْلدوْرمه‌سه شوقون نهالین قلبه تاخمازلا

عاشقلار گؤزیاشین دُرتک‌گؤرنده قلبی شاداندیر
گئچنده عاشقی یول‌اوْسته گؤرسه بیراوْز آچمازلا

عاشق دردین دواسین سهل سایماقدا ماهردیر
اگـر بیر آیریسی درمانه همّت ائتسه قویمازلا

مراده یئتسه منصور تک بیری داردا بودارلارلا
اگر درگاه یاره **حافظی** ایسترسه سایمـازلا

گوْلنده لعل رَمّانی دوداقلاردان یاغار یئرده
اوْزوْنده عاشقین دردین اوْخور امّا سوْروشمازلا

نیاز ائتسن اگر ناز آفرین دلداره ناز ائیلر
بیخیلسا عاشق بیچاره بـو دردیله دورمازلا ۷۱/۳/۳۰

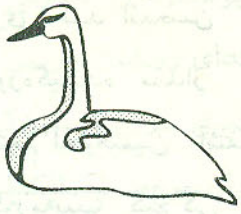

غزل ۱۳۷ مصراع اول : بود آیا که در میکده ها بگشایند

اوْلوکی میخانانی بیرجه یولا آچسینلا أیلشرین‌بیردوگونون‌آخ‌نه‌اولا آچسینلار
باغلانیب میخاناگر زاهد خودبینه گؤره اوْلابیلسین‌کی‌بویوْل بهرخدا آچسینلار
اوصفایه‌کی‌سحر صبح‌مئیین رند ووراز باغلی‌چوخ‌قاپولاری‌کی‌ائتسه‌دعاآچسینلار
مو،قیزین‌قانی‌توکوْلمکده یازین‌تسلیه‌تین تاهامی مغبچه‌لر زوْلف دوتا آچسینلار
چنگین اوتئللرینی باده عزاسینداکسین قان حریف‌لرمژه‌دن اولساروا آچسینلار

خرقه‌ی زهد کی **حافظ** گئییب أگنینده صاباح
آلتدا گیزلتدیگی زنّار بجفـــا آچسینـلار ۷۱/۳/۳۰

****

غزل ۱۳۸ مصراع اول : ای پسته تو خنده زده بر حدیث قند

پسته آغزین کی سنین قندشکره خنده ووراز
بیر شکر گوْل کی او گوْلمک نه اوْره‌کلر آپاراز

طوبانین حدّی ندیر دم ووراوْل قامتدن
بو سؤزو قوی بوراخیم بوردا داها سؤز اوْزانار

ایسته‌سن سئل کیمی تا آخمیا قان گؤزلردن
اوْزگه‌لر سازینه وئـــرمه قولاغین قلب قوپار

طعنه ووراندا اگر یا بیزی تائید ائده‌سن
شیخ خودبینه یوخومدور اوْره‌گیمده مقدار

منیم احوالیمین آشفته‌لیگین کیم بیله‌جک
گؤرمه‌ییب کیم کی بو صیّاد کمندینده نه وار

سرو بۆیلو یاریم هاردا کی جانیم أودلانیری
بو أودا جانی اۆزه‌رلیک ائده‌رم ایسته‌سه یار

بیرشکر گۆلمه‌گه باخ یاردن ای پسته اۆتان
اوشکرگۆلمه‌گیله گۆر سنه ، هئچ گۆلمک أویار؟

ترک تۆرک غمزه‌سینی ائتمیه‌سن **حافظ** اگر
یا ختادیر یا ختن دیبده سنه شهـــر و دیار ۷۱/۳/۳۱

****

غزل ۱۳۹ مصراع اول : هر آنکو خاطر مجموع و یار نازنین دارد

کیمین کی کۆنلو فارغدیر نگار نازنین واردیر
اۆنون اقبالی خوش‌وار بخت‌ودولت همنشین واردیر

عقیلدن چوخ اۆجا یئرده حریم عشق درگاهی
اۆپه‌ر عشق آستانندن کی جان در آستین واردیر

سلیمان موهرودورگویا شیرین دار پسته تک آغزی
کی نقش خاتم لعلی جهان زیر نگین واردیر

قارا خطّی لب لعلی بیری اۆلسا بیری اۆلماز
ساغ اۆلسون اۆزنگاریم‌کی همان، همده همین واردیر

حقارت گۆزلرونله باخما بو یوخسوللارا ، وارلی
کی کئف مجلسلرین صدری گدای ره‌نشین واردیر

غنیمت‌بیل یئرین اۆستون‌کی واردیر قدرت جسمۆن
کی‌دۆران چوخ‌ضعیف‌لیک‌لرنه‌چوخ زیرزمین واردیر

جانین ، جسمین بلاسین قایتارار محتاج دعا ائتسه
اوخرمندن خییرگؤرمز کی محروم خوشه‌چین واردیر

دهٔ رمز عشقیمی مندن صبا اوّل شاخ خوبانه
کی یوز جمشید و کیخسرو غلام کمترین واردیر

اگر **حافظ** کیمی مفلس نگاریم ایسته‌مز همدم
دئیین هر شاه اؤزیله بیر گدای همنشین واردیر

تبریز ۷۰/۱/۶

****

غزل ۱۴۰ مصراع اول : **کسیکه حسن‌وخط دوست در نظر دارد**

یار خطّ و خالینین حسنون او کی گؤزده آلار
بو یقین‌دیر کی نظربازلیقینین سلیقه‌سی وار

خطّ فرمانینه بیز باش قویاروق طاعتده
تک اونون شمشیرینه باش بو بدندندی قوپار

شمع تک وصلووه پروانه اوْلار هر کس کی ...
تیغیوین آلتینا هر لحظه تازا باش قویار

ایاقین آلتینا بوسه سنین اوْل‌کیمسه ووراز
کی باشی سجده ایچون آستانادا تاپسا قرار

ریانی سئومه‌ییرم بس هارادا باده‌ی ناب
کی مئیین خوش ایی‌سی هر دماغی تر ساخلار

باده ده هئچ زاد اگر اوْلماسادا حُسنو بودور
عقل وسواسینی باشدا تئز آرادن آپارار

کیم کی تقوادن ایاق قویمازایدی بیـــر کنارا
ایمـــدی میخانه‌لرین گئتمه‌گینه حســـرتی وار

بو سینیخ قلبینی **حافظ** آپـــارار قبـــر ائوینه
او هوس داغیکی بیر لاله تکین قلبـده وار ۷۱/۳/۳۱

****

غزل ۱۴۱ مصراع اول : آنکه از سنبل او غالیه تابی دارد

او کی زۆلفوندن اونون غالیه تابی واریدی
نـــــدن عاشقلریله ناز و عتـــابی واریدی

اؤلدۆرۆر ردّ اؤلورو یئل‌کیمی هئچ بیر سانامیر
بنزیری عؤمره کی هر لحظه شتابی واریدی

آی گؤنه بنزر اؤزو پرده‌ی زۆلف آلتیندا
اؤخشورو بیر گؤنه کی اؤزده سحابی واریدی

گؤزلریم یاش آخیدیر سئل کیمی هر بیر طرفه
قامتون سروی ایچون چشمه‌ی آبی واریـــدی

قانیمی غمزه‌لرین راه خطادن توکورو
فرصت اؤلسون اونا کی راه صوابی واریدی

جگرین قصدین ائدیبدیر سینه‌ده مست گؤزون
تۆرک مستین نه دئمک میل کبـــابی واریدی

خسته جانیم اؤزۆ یوخ ایسته‌یه سندن درمان
خوش او بیماره کی اؤز دوستی جوابی واریدی

خسته بو کونلۆمه **حافظ** نه زمان بیر باخاجاق
مست او گؤزلر کی هامو یئرده خرابی واریدی ۷۱/۴/۱

غزل ۱۴۲ مصراع اول : شاهد آن نیست که موئی و میانی دارد

هامی خوشگول او دئیل موی و میانی واریدی
غلام اوْل سن او یارا جسمده آنی واریدی

شیوه‌سین حور و پرینین اوْره‌ک ایستر امّا
یاخشیلیق ، لطف ، اونو بیللم کی فلانی واریدی

ای گوْلن‌گوْل گؤزووْن چشمه‌سینه بیر نظر ائت
کی سنون شادلیقوا آب روانی واریدی

بیر زیرک قوش او چمنده یوواسین باغلامیور
کی بهارین دالیجا پیسلی خزانی واریدی

تیر آتماقدا سنین أیری کمانین ائله‌دیر
کی الیندن دوْشه‌جک کیم کی کمانی واریدی

یاخشیلیق توپونو سندن کیم آلار اورداکی، گوْن
بیر سواره دئی کی الده عنانی واریدی

قلبه اگلندی سؤزوْم سنکی قبول ائتدین اونو
بئله‌دیر عشق سؤزو بعلی نشانی واریدی

عشقده محرم راز اوْلمادی کیم روی یقین
هر کس اؤز فکری قَدَر وهم و گمانی واریدی

مدّعی **حافظه** دهْ ساتما فضیلت کی اونوْن
قلمین یاخشی دیلی همده بیانی واریدی

ق.ز ۶۹/۱۲/۱۵

غزل ۱۴۳ مصراع اول : مطرب عشق عجب سوز و نوائی دارد

مطرب عشق عجب سوز و نواسی واریدی
پرده‌لرده نه چالیر یاخشی صداسی واریدی

قالماسین ناله‌ی عشّاقدن عالم خالی
گؤزه‌ل آهنگی فرح‌بخش فضاسی واریدی

بیزیم او دُرد ایچن پیر کی زر و زوری یوخ
چوخ کرامتلی خطا پوش خداسی واریدی

حالینی گر سؤروشا اوْلماز عدالتدن اوْزاخ
همسایاسیندا او شاهی کی گداسی واریدی

احترام ائت کونوّله قند سئویر میلچک تک
تا سنه عاشق اوْلوب فرّ همایی واریدی

هر طبیبه گؤزوّموّن قانلو یاشین گؤستریرم
بیر جگر یاندیراجی عشق دواسی واریدی

مکتب عشقده اوگرنمه جفا غمزه ائیله
هر عمل یا هر ایشین دیبده جزاسی واریدی

می ساتان دئیرده ترسا بالاسی یاخشی دئدی
او کسین شادلیغین ایسته کی صفاسی واریدی

حافظ ای شاه وئریب فاتحه بو مجلسده
سنین آغزینلا تمنّای دعاسی واریدی

۶۹/۱۲/۲۲

غزل ۱٤٤ مصراع اول : هر آنکه جانب اهل وفا نگه دارد

کیمسه کی خاطره‌ی اهل وفا حفظ ائلیه
تانری هر ییئرده ، بلادن کی اولا، حفظ ائلیه

دوست‌سؤزون من‌دئمه‌رم اؤلسامگرحضرت‌دوست
سرّی بیر آشنایا دهٔ تا کی اودا حفظ ائلیه

ای کؤنوّل امر معاشوندا گئچین سن او ته‌هر
کی مَلک‌لر ائده گؤیلرده دعا حفظ ائلیه

ایسته‌سن قیرمیا معشوقه سنین پیوندین
رشته‌نی حفظ ائله‌سن تا کی اودا حفظ ائلیه

گر صبا سن گؤره‌سن کونلوّمو یاز زوّلفوّنده
لطفیله سئوله بیزه آزجانا جا حفظ ائلیه

کؤنوّلوّ ساخلامادی اینجیمگه یوخدو یئری
الیمیزدن نه گلر قوی کی خدا حفظ ائلیه

باش جانیم ، پول و پلم قربان اؤلا محبوبه
صحبتین حقّینی هم عهد و وفا حفظ ائلیه

یولوون هاردا توزو **حافظ** ایچون **شیوا** تک
یادگارلیق آپارا باد صبا حفظ ائلیه

ت‌ز ۷۰/۳/۸

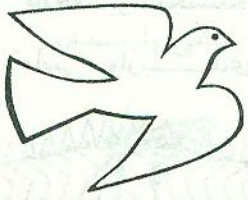

غزل ۱۴۵ مصراع اول: دل ما بدور رویت ز چمن فراغ دارد

باخاراق سنه چمندن کؤنوّلون فراغی واردیر
کی ایاقی بند اوسروین لالا تک‌ده داغی واردیر

کیمی‌نین کمان‌قاشیندان، باشیمیز اگیلمه‌یبدیر
اوّره‌گی بو گوشه‌گیرلر هامیدان فراغی واردیر

گئجه ظلمتینده چولده هارایا یئتیشمک اولسون
اوّزوّن مگر شمیندن یولونا چراغی واردیر

آجیغیم بنوشه‌دندیر کی او زوّلفدن وورور دم
بوسیاهه سیر قیل‌سن کی نه پیس، دماغی واردیر

گوّل و لاله تخت قورموش چمنه دوگل نظر ائت
دئیه‌سن شاهین ندیمی دولو می ایاغی واردیر

سحرین شمی من‌ایله یاراشار کی آغلیاق بیر
کی منیم بو یانماقیمدان او بوّتون فراغی واردیر

کؤنوّلوّنده عشق‌درسی کئچیری بودردلی حافظ
نه اوّره‌ک سئویر تماشا نه هوای باغی واردیر

ت‌ز ۶۹/۲/۶

****

غزل ۱۴۶ مصراع اول : بتی دارم که گرد گل زسنبل سایبان دارد

گوّل اوّز دورونده سونبوّل زوّلفوّ باخ بیر سایبان اوّلموش
بهار خطّ عذارینده آنچیب گوّل ارغوان اوّلموش

گؤنّه بنزر اوْزوْن خطّ غباری اوْرتوْر ای آللاه
وئر عومر جاودان یارب کی حُسنو جاودان اوْلموش
دئدیم عاشق اوْلاندا گوهر مقصودیمی تاپدیم
بو دریا بیلمه‌دیم یارب نه موج خونفشان اوْلموش
او گؤزدن جان قوتار ماق چوخ چتین‌دیر باخدیم هریانه
قاشون دور بوسقودا کیپریک الونده بیر کمان اوْلموش
عاشقلار کؤنلوْنه سپسه او دام زوْلفده بیر توز
صبا غمّازینه سئولر کی آشکار سرّ نهان اوْلموش
مئیی توک توپراقا بیر جرعه ، حال اهل دل آنلا
بو تورپاقدا نه چوخ جمشید و کی‌دن داستان اوْلموش
اگر بستاندا گوْلسه گوْل ، اوْنا آلدانما ای بوْلبوْل
کی یوخدور اعتباری گوْل ، اگر حُسن جهان اوْلموش
دئیین قاضی بو مجلسده کی آلسین دادیمی اوْندان
کی اغیاریله می وورموش منیله سرگران اوْلموش
اگر ترکینده باغلارسان منی صید ائیله ای دلبر
کی آفت وار بو یانماقدا طلبکاره زیان اوْلموش
اوْجا قلب آچدیران بویدان گؤزو قویما تماشادن
او سروی اَک بو چشمیمده کی خوش آب روان اوْلموش
نه بختیمدن شکایت وار کی او شهری قاتان دلبر
یئتیردی **حافظی** قتله او تیری در کمان اوْلموش ۷۱/۴/۱

غزل ۱۴۷ مصراع اول : جان بیجمال جانان میل جهان ندارد

جان گؤرمه‌سه جمالین میل ائتمه‌ییر جهانه
بوندانکی محروم اؤلدو بی میل اؤلور همـــانه

وئرمیر منه نشانه هئچکس او دلبریمدن
یا منده بیر خبر یوخ یا اوندا یوخ نشـــانه

عشقین یوانوندا شبنم اؤددان دولو دنیزدیر
بو تاپماجـا حییف کی گلمـز داهـــا بیانه

راحت چیلیک دؤشرگه الدن نجور وئرک بیز
ای ساربان یؤکون آچ یوخ بو یولا کـــرانه

چنگ او بؤکوک قدیله دعوت ائدیر نشاطه
ائتسن قبول نصیحت هئچ دؤشمه‌سن زیـــانه

گئت محتسب‌دن اوگرن رند اولماغی آ کؤنلؤم
سرخوش اؤلورسا دائم دؤشمز کیمی گمـــانه

قارون خزانه‌سین کی باده آپاردی دنیا
عبرتله بیر قولاخ وئر زر قالماسین نهـــانه

شمع گر رقیب اؤلسا اؤندانـدا سرّی گیزلت
کیم باشی قیرتیلان شمع بیردن چکـــر زبانه

دنیاده کیمسه‌نین یوخ **حافظ** کیمی غـلامی
چون سن کیمی شهنشاه گلمـز داها جهانه ۷۱/۴/۱

غزل ۱۴۸ مصراع اول : روشنی طلعت تو ماه ندارد

آیدادا یوخدو سنون عارضووّن پارلاماسی
سنیله یوخدو گوّتوّن بیراوْت علفجه باهاسی

جانمین منزلیدیر گوشه‌ی ابروی نگار
شاهه یوخدور بئله یئر پوچدو اونون ادّعاسی

آهمین توسدوسو بیلممم نه ائدر عارضوه
نفس و آهه تاب ائتمز کیمینین آیناسی

بیحیا نرگیزه باخ آچدی سنی گؤرمک همان
ادبی حفظ ائله‌مز اوْلماسا هر کیم حیاسی

باخیرام قاره اوْره‌کلی گؤزووّن شیوه‌سینه
آشنالر نئجه قورتولسونلار الیندن یاخاسی

ای خراباته گئدن رطل گران ویر الیمه
وئره بیلمز بو کئفی زاهده دئیرین آغاسی

اوْره‌گین قانینی اوْت ساکت اوْتو نازک اوْره‌ک
تابی یوخدور ائشیده دادخواهین آغلاماسی

دئکی گئتسین اوْره‌گین قانینه چکسین اته‌گین
درگاهیندا یوخودو کیم کی ، اوْنا یول ، بالاسی

زوّلفووّن جوروّتو تک من دئیلم باغرا باسان
کیم دیکی قلبده یوخدور او کمندین یاراسی

سنه گر سجده ائدیر **حافظه** چوخ عیب ائله‌مه
عاشق کافره یوخ کیمسه‌نین ادّعاسی

۷۱/۴/۱۲

غزل ۱۴۹ مصراع اول : آنکس که بدست جام دارد

هر کیم کی الینده جام واردی — جم شاهلیقیدا مدام واردی
خضره او سو کی حیات وئردی — میخانه‌ده دیر کی جام واردی
جان رشته‌سینی دوّیوّتله جامه — اوّندراندی بو ایپ نظام واردی
می وئر بیزه ، زاهدیندی تقوا — یار میلی سر کدام واردی
تک ساقی ، سنون دوداقلاریندیر — قلبنده او کیم کی کام واردی
نرگیز گوّلوّ مستلیک طریقین — مستانه گوّزونله وام واردی
قلبیمده او اوّز او توّک خیالی — بیر فکردی صبح و شام واردی
هر دردلیلرین یارالی کوّنلوّ — لعلین دوزو دور تمام واردی

چاه زنخینده چوخ اسیرلر
حافظ کیمی یوز ، غلام واردی ۷۱/۴/۱۲

****

غزل ۱۵۰ مصراع اول : دلی که غیب نمایست و جام جم دارد

اوّره‌ک کی غیب‌نمادیروجام‌جم واریدی — اوّزوّک‌أیتیرسه‌اگربیرزمان نه‌غم‌واریدی
اوّره‌ک خزینه‌سینی وئرمه هرگدایه گرو — اوشاه بنزره تاپشورکی محترم واریدی
تحملی اوّلا بیلمز خزانه هر آغاجین — اوسروقدینه قوربان‌کی بو قدم واریدی
زمانیدیرکی‌طربدن اوکئفلی نرگیزتک — قدح‌یولوندااوئره‌کیم‌کی بئش‌درم‌واریدی
میین بهاسنه پولدان اسیرگمه گوّل تک — بویولدا یول‌کسه‌نی عقل، متهم واریدی
ناغیل دئمه غیب ایشلرین بیلنمز ، کیم — اوهانکی،محرم‌دل‌دیر،یولو حرم‌واریدی
سانیردی پاک و مجرّد اوّره‌ک اوزوّن امّا — امیدی زوّلفووّیله باد صبحدم واریدی

کیمه آچیم اوْره‌گی اهل‌دل تاپیلماییری نظرده جلوه‌لری شیوه‌ده کرم واریدی
نه بهره بیرتاپاسان **حافظین** جیبیندن سن
کی بیز صمد آریروق ، او بیرصنم واریدی ت‌ز ۶۹/۱۲/۷

****

غزل ۱۵۱ مصراع اول : درخت دوستی بنشان که کام دل ببار آرد

رفاقت تنیگینی اکدیرکی کی کام دل گله باره
چیخارت دشمنلیگین شاخین عداوت ائیلر آواره

خراباته قوناق گئتسین محبّت ائیله رندانه
منیّت دُردون ایچمک‌لیک وئرر باش‌دَردی خَمّاره

وصال‌عؤمروْن غنیمت بیل‌کی بیزدن صونرا بودنیا
نه چوخلو ائیلیه‌ر گردش گئجه گوْندوْز گَلَر کاره

او لیلانی چَکن کروان کی آی ننّوسی حکمونده
دئیین چکسین بو کروانی او مجنون دل افکاره

کؤنوْل عؤمره بهارأیسته کی یوخسا بوچمن هر ایل
هزاران بوْلبوْلی بَسلَر گَلَر چوخ نسترن بـــاره

بو یاره کؤنلوْموْن یارب اوْنون زوْلفیله وار عهدی
بویور شیرین دوداقیله شفا وئرسین بـــو بیماره

بو باغدا أیسته‌سه آللاه گؤره‌ر بیرده قوجا **حافظ**
دوشر اَرخین قیراغیندا قویـــار لب لعل دلداره ت‌ز ۶۹/۱۲/۵

****

غزل ۱۵۲ مصراع اول : چه مستی است ندانم که رو بما آورد

بو پیانلیق بیزه اوز هانکی هوادن گتیریب
کیمیدی بو ساقی می باده هارادن گتیریب

سنده ، دور چول یولونو دوت قاباغا بادەوی أیچ
نغمه‌خوان قوشلارا باخ ساز نه نوادن گتیریب

باغلی ایشدن آکؤنول غنچه کیمی ائتمه گیلئی
سحر اوز خوش نسیمین عقده گشادن گتیریب

قدمی خوش اولا نسرین کی گلیب گولزاره
باخ بنوشه‌أیله سمن عطری صفادن گتیریب

ساقینین غمزه‌سی ضعف دلیمین چاره‌سیدیر
قاوزا باشین کی طبیب باخ نه دوادن گتیریب

قوربانام من او تاتار آتلی‌سینین دار گؤزونه
کی دمار **حافظین** اول کهنه قبادن گتیریب ۷۱/۴/۱۲

****

غزل ۱۵۳ مصراع اول : صبا وقت سحر بوئی ز زلف یار میآورد

سحر وقتی صبا عطرین او زولف یاردن گتدی
بیزیم شوریده بو کؤنله تازا بیر کاردن گتدی

صنوبر شاخینی گؤزدن داها بیریوللوغا سالدیم
کی هرآچدیقدا گول غم‌شاخی محنت باردن گتدی

یارین‌قصرین دامیندان آی‌ائله پارلاق ائشیق سالدی
خجالتدن گؤتؤز اؤز اوردا پسِ دیواردن گتدی

چیخیردیم ساقی‌و مطرب نواسیله گه و بیگاه بازاره
آغیر بو یولدا چون قاصد خبر ، آزاردن گتدی

او یارین بخششی باشدان باشا احسان و لطف‌ایدی
اگر تسبیح سؤیلوردو یا سؤز زنّاردن گتدی

تعجب ائیله‌دیم گئچمیش گئجه پیمانه‌وه **حافظ**
ولی منع ائتمه‌دیم چون باده صوفی واردن گتدی ۷۱/۴/۱۳

****

غزل ۱۵٤ مصراع اول : نسیم باد صبا دوشم آگهی آورد

صبا نسیمی گتیردی خبر دوّتن جانه
کی محنت و غمیم آخر یئتیشدی پایانه

صبوحی مطربنه بو قبانی پیشکش ائده‌ک
بو مژده‌یه کی یئتیردی نسیم هر یانه

دو گل کی سن کیمی حورینی جنتین صاحابی
یئتیردی بنده‌سینه تحفه‌ی غلامانه

دوّشوّب یولا گئدیریک شاد شهر شیرازه
خوشا کی قسمت اوّلا اوّردا بیرده پیمانه

الینده ساخلابیزی باخماقویموشوق کئچه بؤرک
بو بؤرک چوخلو شکستلر وئریبدی خاقانه

آیا یئتیشدی نه چوخ ناله‌لر بو قلبیمدن
عذار ماهینی چون گؤسته‌ریب او دُر دانه
چکیلدی پرچم منصور گؤیلره **حافظ**
پناه چونکی بو یئرده گتیردی سلطانه ۷۱/۴/۱۴

****

غزل ۱۵۵ مصراع اول : دوش از جناب آصف پیك بشارت آمد

آصف جنابلاریندان گلدی دوتن بشارت
چون حضرت سلیمان عیشه وئریب اشارت
جان توپراقین قاریشدیر باده‌سوویله ساقی
ویران ائوین بو کؤنلوّن یاریم ائدر عمارت
قورتولمایان بو سؤزلر نقل اوّلدو حسن یاردان
سؤزلرده مینده بیردی دوّز گلسه بو عبارت
اوّرت عیبیمی اماندیر خرقه مئیه بلشمیش
اوّل یار پاکدامن گلمیش ائده زیارت
هر کس یئرینده برحق اگلندیلر گؤزه‌للر
مجلس أیشیلدادان آی اشغال ائدیب صدارت
جم تختینین کی تاجی محراب گوّندور اوّن‌دا
باخ همّته کی چکمیر بیر ذرّه ده حقارت
اوّل شوخ گؤزلرینده کونلوّم اوّزوّن گؤزتله
وار جادوّی کمانکش فکرینده قلبه غارت

دریادی مجلس اُنس وقتی گؤزه‌تله دُر تاب
سیز ای زیان گؤره‌نلر فرصت بیلین تجارت
آلوده اولدون **حافظ** فیض ایسته پادشاهدان
او عنصر نزاکت گلدی ائده طهـــــارت ت.ز ۶۹/۱۲/۷

****

غزل ۱۵۶ مصراع اول : صبا به تهنیت پیر میفروش آمد

صباده تهنیت پیـــــر میفروشه گلیب
کی خلق شهر هامی عیش و ناز و نوشه گلیب
یئل آچدی نافه‌ی مشگین هوا اوْلوب عیسا
آغاج دولوب گوْله، بوْلبوْل اوجور خروشه گلیب
باهار یئللەدی یاندیردی لاله‌نین تنورون
کی غنچه ترتوکورو گوْل آچیبدی جوشه گلیب
هوش ائیله مندن ائشید دور ایاقه عیشه چالیش
کی هاتفین طرفیندن بو بحث گـــوشه گلیب
فیکیر داغیتما اؤزوْن ییغ بیر اوْل وجودوندا
کی آیریلیق دئوه بیرلیکدیکی سروشه گلیب
سحر قوشو نه بیلیم سوسنین قولاقلارینا
نه سئوله‌دی کی او دیللرله ایش خموشه گلیب
بو انُس مجلسی نا محرمین یئری دئیلی
پیاله گیـــزله‌ده‌جی اهل خرقه پوشه گلیب
گئدیردی میخـــانیه خانقـــاهدن **حافظ**
گیجایدی زهدده شاید بیر آزجا هوشه گلیب ۷۱/۴/۱۴

غزل ۱۵۷ مصراع اول : عشق تو نهال حیرت آمد

عشقیندی نهال حیرت اوْلموش وصلیندی کمال حیرت اوْلموش
چوخ وصله چاتان ایشین دیبینده غرق سر حال حیرت اوْلموش
گؤستر منه بیر اوْرَه‌ک کی اوْردا اوْز ده نه کی خال حیرت اوْلموش
آخرده نه وصل اوْلار نه واصل اوْردا کی خیال حیرت اوْلموش
هر بیر طرفه قولاخ یاتیرتدیم آواز سئوال حیرت اوْلموش
عزّت کمالیندا قاچدی آخر هر کس کی جلال حیرت اوْلموش

باشدان ایاقا وجودو **حافظ**
عشقینده نهال حیرت اوْلموش ۷۱/۴/۱۴

****

غزل ۱۵۸ مصراع اول : سحرم دولت بیدار ببالین آمد

باشیم اوْسته سحری بخت خوش آئین گلدی
دئدی باش قاوزا کی اوْل خسرو شیرین گلدی
بیر قدح شادلیگیله وور ، دو تماشایه دولان
تا تماشا ائده‌سن یار نه آئین گلدی
دهٔ کی وئر مشتوْلوق ای مشگ ازن خلوتده
کی ختن‌دن گؤره‌سن آهوی مشگین گلدی
آغلاماق گؤرنه سو واردی بو یانان چهره‌لری
اودو کی دادرس عاشق مسکین گلدی

بیر کمان قاشلی هواسیندا گینه قلب قوشو
کی‌کیچیک بوسقو یئری جان و دل و دین گلدی

هاوادا وورما معلّق ائله‌مه جلوه بو جور
ای گئوه‌رچین ییغ اوّزون‌گؤزله کی شاهین گلدی

ساقیا باده گتیر فکر ائله‌مه دشمن و دوست
ایسته‌گیم جاق او گئدیب یار خوش آئین گلدی

او پری اوّزلوّ یارین ساغلیغینا باده گتیر
لعل می وئـــر کی دوای دل غمگین گلدی

گؤردو بد عهدلیگی چونکی بهارین بولوتو
گؤز یاشی یاسمنه ، سنبل و نسرین ، گلـدی

حافظین شعرینی بوّلبوّلدن آلیب بـاد صبـا
سپه‌ین عنبرینی روی ریـــاحین گلـــدی ت.ز ۶۹/۱۲/۳

****

غزل ۱۵۹ مصراع اول : مژده ایدل که دگر باد صبا باز آمد

مشتوّلوّق وئر آ کؤنوّل باد صبا گلـدی یئنه
خوش‌خبر بوببو ائدیب ترک سبا گلدی یئنه

چک یئنه نغمه‌ی داوّدونو ای مرغ سحـــر
کی گوّلوّن شاهی ائدیب ناز و ادا گلدی یئنه

لاله‌یه باده‌ی نوشین عطیرین توکدو سحـــر
داغ وارایدی کؤنوّل آختاردی دوا گلدی یئنه

هانی عارف کی دیلین بیر دوّشونه سوسندن
تاسوروشسون کی نه‌دن گئتدی هارا گلدی یئنه
حق وئرن بخت منیم بوْینوما چوخ حق قویدو
کی او داش قلبلی بت ائتدی وفا گلدی یئنه
قالدی امّیـــد گؤزوّم یولـــدا گله قافله‌لر
خبـــر اوْلدو اوّره‌گـــه بانگ درا گلدی یئنه
گر چه **حافظ** یاری اینجیتدی اوّزوّندن امـا
باخ یارین کؤنلوّنه کی صلح و صفا گلدی یئنه تبز ۶۹/۱۲/۲۲

****

غزل ۱۶۰ مصراع اول : در نمازم خم ابروی تو بر یاد آمد

قاشیوین قوسی نماز اوّسته گؤزه‌ل یاده گلیب
منیم احوالیمه محرابده فریاده گلیب
داها مندن طمعین کس کی اولا صبر و قرار
او تحمّل کی وارایدی ها موسو باده گلیب
دئیه‌سن دنیادا ایشلر گئدیری یاخشیلیغا
گوّل گلیب شادلیقیلا باد صبا شاده گلیب
دوزوّلوّب باده چمن قوشلاریدا مست‌دیلر
عشق فصلی یئتیشیب ایشده‌کی بنیاده گلیب
هنرین ای گلینی ائتمه شکایت بختدن
حجله‌وی زینت ائله فرصت ، داماده گلیب

تکجه یاریمدی کی با حُسن خدا داده گلیب
یوّکوّن آلتیندا آغاجلار هامیسی حامله‌دیر
خوش او سروین حالینا قامتی آزاده گلیب
مطربا بیر گؤزه‌ل آواز اوخو **حافظ** غزلین
کی دئییم عیش و طرب دوره‌لری یاده گلیب ۷۱/۴/۱۴

غزل ۱۶۰ ۲- نجی‌ترجمه

قاشووّن طاقی کی دوّشدوّ نماز اوّسته یاده
آغلاییب حالیمه محراب گلیب فریاده
اوُمما مندن هوشا ، صبره ، یا کؤنوّل ساغلیغینا
او تحمل کی گؤروبسن هامی گئتدی باده
باده صاف اوّلدو چمن قوشلاری سرمستدیلر
گره‌ک عاشق‌لیگیله ایش یئتیشه بنیاده
یاخشیلیق بیر اییسی آنلاشیری دنیادن
گتیریب شادلیگی گوّل باد صبـــا دنیاده
ای هنر نو عروسی ائتمه شکایت بختدن
حاضر اوّل حجله بزه منتظر اوّل داماده
چوخ گؤزه‌ل ، زیورایله .... گؤیچک ائدر اوّز جمالین
یاریمین حُسن خدا داده‌سی وار دنیاده
یوکون آلتینداديلار بارلی آغاجلار هامیسی
خوش او سروین حالینـــا غمـــدن اوّلوب آزاده
حافظین شعرلرینین نغزین اوخو ای مطرب
تا دئیم کی طربیم دوشدو کؤنوّلده یاده تبز ۶۹/۱۲/۵

****

غزل ۱۶۱ مصراع اول : تنت بنازطبیبان نیازمند مباد

احتیـاج تاپمیاسان دکتـــره یا درمـــانه
هئچ بلا یئتمه‌سین اوْل نازلی گؤزه‌ل جـانانه

باغلیدیر اهل جهان ساغلامی یارساغلیغینا
عارضه تاپمیـا ، هئچ وعده بیـزیم دُر دانه

ساغلیغین صورت و معنا اوْزوْنوْن نیْتی‌دیر
شاد اوْلا ظاهر و باطن او مـه مستـــــانه

غارته باد خزان گلسه خدایا چمنه
دوْشمه‌سین یوللاری هئچوقت او گوْل خندانه

جلوه هرصحنه دهْکی ائتسه جمالون ای گوْل
طعنه وورماق مجالی قالمیـــاجک شیطانه

آی اوْزه پیس گؤزوله سالسا نظر هر کیمسه
جانی یانسین أودا دوْشسون اؤزوْده حرمانه

شفاوی ایسته شکـر تک غزل **حافظ** دن
کی داها احتیـــاجین اوْلمیاجک قندانه

۷۱/۴/۱۴

غزل ۱۶۱ ایکینجی ترجمه مصراع اول : تنت نبازطبیبان نیازمند مباد

محتاجی هئچ طبیبه یا دوایا اوْلمیاسان
جسم و جانیندا دوچار بیر زیانا اوْلمیاسان

جانوون ساغلیغی ساغلیقدی بوتون دنیالارا
مبتلای غم و اندوه و بـــلا اوْلمیاسان

ظاهر و باطنووٚن یُمنو سنون حُسنون‌دور
ائشیگین یا أیچه‌رین پرت و بلا اوْلمباسان
گر گله غارته پائیز یئلی بو چمنه
قامتون سروی او ایلغاره روا اوْلمیاسان
هانسی مجلسده سنون حسن رخون جلوه‌لنه
حسودون طعنه‌سنه سن شنوا اوْلمیاسان
پیس گؤزیله باخانین گؤزلری اوْل آی اوٚزووه
هدف بدنظر و تیر جفا اوْلمیاسان
حافظین شعر شیرینین‌دن آرا اؤز شفاوی
قنده محتاج کی یوخ هم گوٚلابا اوْلمیاسان تز ۶۹/۱۲/۴

****

غزل ۱۶۲ مصراع اول : گل بی رخ یار خوش نباشد

گوٚل اوْلسا عذار یار خوشدور یار باده‌ایله بهار خوشدور
بوٚستاندا ، چمنده سیر ائده‌ر کن وئرسه اَل اَله او یار خوشدور
سرویله ، گوٚلوٚن نسیمده رقصی چهچه وورا گر هزار خوشدور
عقلین هنر اللری نه چکسه نقشی اوْلا گر نگار خوشدور
شکّر دوداقی گوٚل اوٚزلوٚ دلبر یار بوسه‌سی هم کنار خوشدور
بیر زاد دئی گر چه جان **حافظ**
فرمان وئره گر نگار خوشدور تز ۶۹/۱۲/۱۷

غزل ۱۶۳ مصراع اول : صوفی ار باده باندازه خورد نوشش باد

صوفی اوْلچوایله اگر باده أیچه نوش اوْلسون
یوخسا بو فکر اونونچون دهٔ فراموش اوْلسون

اوکی بیر قورتومئیین گئچسه بهاسیندن اگر
اونا مقصود گؤزلی تئزجه هم‌آغوش اوْلسون

قلم صنعه بویوردو پیریمیز یوخدو خطا
آفرین اوْلسون اونا ایسته‌دی سر پوش اوْلسون

تورکلرین شاهی ندن مدّعیدن سؤز ائشیدیر
شرم ائدیب یاده‌سالان خون سیاووش اوْلسون

کبردن گر چه منیله دئمه‌دی یار بیر سؤز
قوی جانیم‌قوربانی اوْل پسته‌ی خاموش‌اوْلسون

گؤزوّموّ خطّ و خالین آینه‌داری حساب ائت
لبیمی بوسه قاپان کاش او بَرودوش اوْلسون

او محبت ائلیه‌ن خلقی سئوه‌ن مست گؤزو
عاشقین قانین اگر جامدا أیچه نوش اوْلسون

سنه نوکرلیقیلا **حافظ** اوْلوب شُهره‌ی شهر
زوْلفووّن حلقه‌سی **شیوا**کیمی درگوش اوْلسون ۶۹/۱۰/۱۷

غزل ۱٦٤ مصراع اول : دی پیر میفروش که عمرش دراز باد

میفروش خیر اوْلا یادی بئله تاپشوردو منه
دئدی «می أیچ کی ضرر وئرمیه غم غصه سنه»
من دئدیم باده وئرر باده منیم آد سانیمی
دئدی بو دئیر خراباتده آد ـ سان ، نمنه ؟
منفعت یاکی ضرر دیبده‌کی الدن گئده‌جک
بیر بئله حالدا نتیجه نجور اوْلسا کیمه نه
نیش‌سیز نوش گؤروکموْبدو، تیکانسیز گوْلده
بئله‌دیر طبعی طبیعت نه دئمک ترپه‌دنه !
اوْره‌گین پوچ زادا وئرسن گله‌جک.. یئل الیوه
باخ سلیمانه و هم تختی او یئلده گئده‌نه
بیرراحاتلیقدان اوْتر تاکی اوْره‌ک چاتسین اونا
جانی یا عشقی قویوبدور سینه‌ده بو بدنه
گرحکیملرسؤزو **حافظ** سنه باش آغریسیدیر
کسه‌ریک سؤزلری چوخ عومروئره تانری سنه

ضز ۶۹/۱۲/۱۱

غزل ۱٦٤ ایکینجی ترجمه مصراع اول : دی پیرمیفروش که ذکرش بخیرباد

یادی خوش گئچمیش گئجه خلوتده پیرمیفروش
سئوله‌دی غمدن اوْتر گاهدان بیرآز ائت باده نوش
من دئدیم باده وئرر باده شه‌هرده نام و ننگ
سئوله‌دی سن «هرچه باداباده» وئر بیرآز جاگوش

منفعت یا کی ضرر آخرده بیل اَلدن گئدر
امر دنیاده چوخ اوْلما حدّن آرتیق سختکوش

پوچه گر بئل باغلاسان آخر الینده یئل قالار
گر سلیمان زمان‌سان یا گدای ژنده‌پوش

گر نصیحت‌دن اوْلا **حافظ** ملال خاطرین
جان‌سلامت، عؤمراوْزون، سؤزقیسسادیرسن ائیله هوش

۷۱/۴/۴

****

غزل ۱۶۵ مصراع اول : دیریست که دلدار پیامی نفرستاد

چوخداندی کی دلدار بیزه یوخدو پیامی
بیزدن سراغ آلمیر نه یازیر بیرجه کلامی

یوز نامه‌میزه بیر کَرَن اوْل شاه سواران
بیر پیک قاچیرتمیر نه یازیر بیرجه سلامی

من بیهوشا ، دیوانیه ، من خانه خرابه
گؤندرمه‌ییر آهو یئریشی کبک خرامی

بو قلب قوشو بیلدیکی الدن گئده‌جکدی
بیر یوللامادی سلسله‌ی زوّلفوله دامی

فریاد کی اوْل غنچه لبی شهدلی ساقی
بیلدی خمارام توکمه‌دی دوْلدورمادی جامی

چوخ گوپلامیشام بحث مقامات و کرامات
هئچ بیرخبری وئرمه‌دی ، هئچ بیلدی مقامی

حافظ ادبی حفظ ائله هر بیر دانیشیقدا
جایزدی‌کی شاه ساخلامیا یاددا غلامی

۷۱/۴/۱۴

غزل ۱۶۶ مصراع اول : خسروا گوی فلك در خم چوگان تو باد

فلکین توپو، شها معرض چوگانین اوْلا
میدانی دنیالارین عرصه‌ی میـــدانین اوْلا

پرچمنده او ظفر خاتونون زوْلفو اَسر
ابـــدی فتح سنون عـــاشق جولانون اوْلا

ای اوْلان شوکتوون وصفی عطارد یازیسی
عقل کل نامه‌بر و چاکر دیوانیـــــن اوْلا

طوبانین جلوه‌سینین اوچماسی قامتدی سنه
جنّتین باغـــلاری دا ساحت میدانین اوْلا

نه‌کی تک بیتگی و جنبنده و حیوان و جماد
هـــــر نه وار دنیالارین تابع فرمانون اوْلا ۷۱/۴/۱۳

****

غزل ۱۶۷ مصراع اول : جمالت آفتاب هر نظر باد

اولایدی گوْن او عارض هر نظرده گؤزه‌للردن گؤزه‌ل‌راق بو شه‌هرده
او شاهین زوْلفوْنون شهپر هوماسی سالایدی شاه قلبین زیر پرده
او کیم اؤلمز سنون عشقون یولوندا او زوْلفوْن تک اوْلا زیر و زبرده
ائدنده غمزه کیپریک اوْخ آتاندا بو قلبیم قالمیـــا پشت سپرده
او کیم عاشق سنه اوْلماز جهـــاندا الهی غرق اوْلا خون جگرده
اوپوْش وئرسه اگر لعل شکربار مذاقی جانیمین اوْلسون شکرده
منه هردم وئریرسن تازه بیر عشق سنی گؤز سیر ائدیر حسن دگرده

سنی **شیوا**کیمی چوخ ایستیر **حافظ**
سن‌آللاه عاشقی بیر آل نظـــرده ۷۱/۴/۱۴

غزل ۱۶۸ مصراع اول : شراب و عیش نهان چیست ؟ کار بی بنیاد

شراب ، گیزلی کئفیله بیر ایشدی بی‌بنیاد
بو رندلیکده وارام من هر آنچه بادا باد

آچ آلندان دویوّنو شکوه ائتمه عالمدن
کی هئچ مهندس ائدنمز بوجور دویوّنده گشاد

زمانه انقالابیندان تعجّب ائیلمه چوخ
بوجوّر فسانه زمانه نه چوخکی ائیلر یاد

ادبله کاسه‌نی ساخلا کی کاسه ترکیبی
او جمشیدین باشیدیر بیرده دست و پای قباد

کیمی بیلیرکی هاراگئتدی یاتدی کیکاووس
نه‌جور گئدیبدی نه بیلسین کی تخت جم برباد

دوداقی شیرینین حسرتلری نه گؤسته‌ریری
کی گؤز قانیله گئوه‌ردیر نه لاله‌لر فرهاد

بیلردی لاله مگر یوخ وفاسی دنیانین
عؤموّرده بادیه دوّلدو کی خاطر ائتسین شاد

دو گل خراب قویاق جانی بیر زمان می‌ایله
مگر خزانه اوّلا بیر بیزه خراب آباد

منی سفردن ائدیر قویمورو سیاحت ائدم
مصّلانین بو نسیمی و آب رکناباد

الینده ساخلا قدح حافظا بنغمه‌ی چنگ
طرب أیپک تئلینه باغلانیبدی هر دل شاد

۷۱/۴/۱۴

غزل ۱۶۹ مصراع اول : دوش آگهی ز یار سفرکرده دادباد

سفر ائتمیش یاریمی یئل سحری ائیله‌دی یاد
کؤنلوّمو من یئله وئردیکده دئدیم آی بادا باد
آخری أیش اوراچاتدی ایکیمیز هیم بیر اوْلاق
گئجه‌لر ایلدیریمیله ، کی سحر یار اوْلا باد
طرّه‌وین قیوریقینی مسکن ائده‌ن کؤنلوّموزو
بیرگئدیب ائیله‌مه‌دون همسایادان بیرجه‌ده یاد
من بوگوّن قدرینی بیلدیم او عزیزلر سؤزونو
او نصیحت وئره‌نین روحی خدایا اوْلا شاد
اوْره‌گیم قانه دونوّردو یئل اسه‌نده چمنه
غنچه‌یه یئل کی ووروردو اته‌گین ائتدی گشاد
بو ضعیف جانیمیزی الدن آپارمیشدی غمون
وصلووّن عطری تازاشدان ائله‌دی جانی آباد
قلبیوین خوشلوقو ، **حافظ** ائده‌جک کامـــروا
جان فدا دنیادا اوْلسون کیم اولا نیک نهـــاد

۷۰/۵/۳

****

غزل ۱۷۰ مصراع اول : روز وصل دوستداران یادباد

دوستلارین وصلت زمانی یاد اوْلا یاد اوْلا هر بیر زمانی یاد اوْلا
زهر تک آغزیم دولوب غم غصّه‌دن بانگ نوشانوش سالانی یاد اوْلا
گر چه یولداشلار منی سالمیر یادا یارلر ، یاددان چیخانی یاد اوْلا

غزل ۱۷۱

گئتدی ای خواجه منی بیرده گؤره‌ن صومعه‌ده
سروکاریم داها ساقیله لب جامه دؤشوب

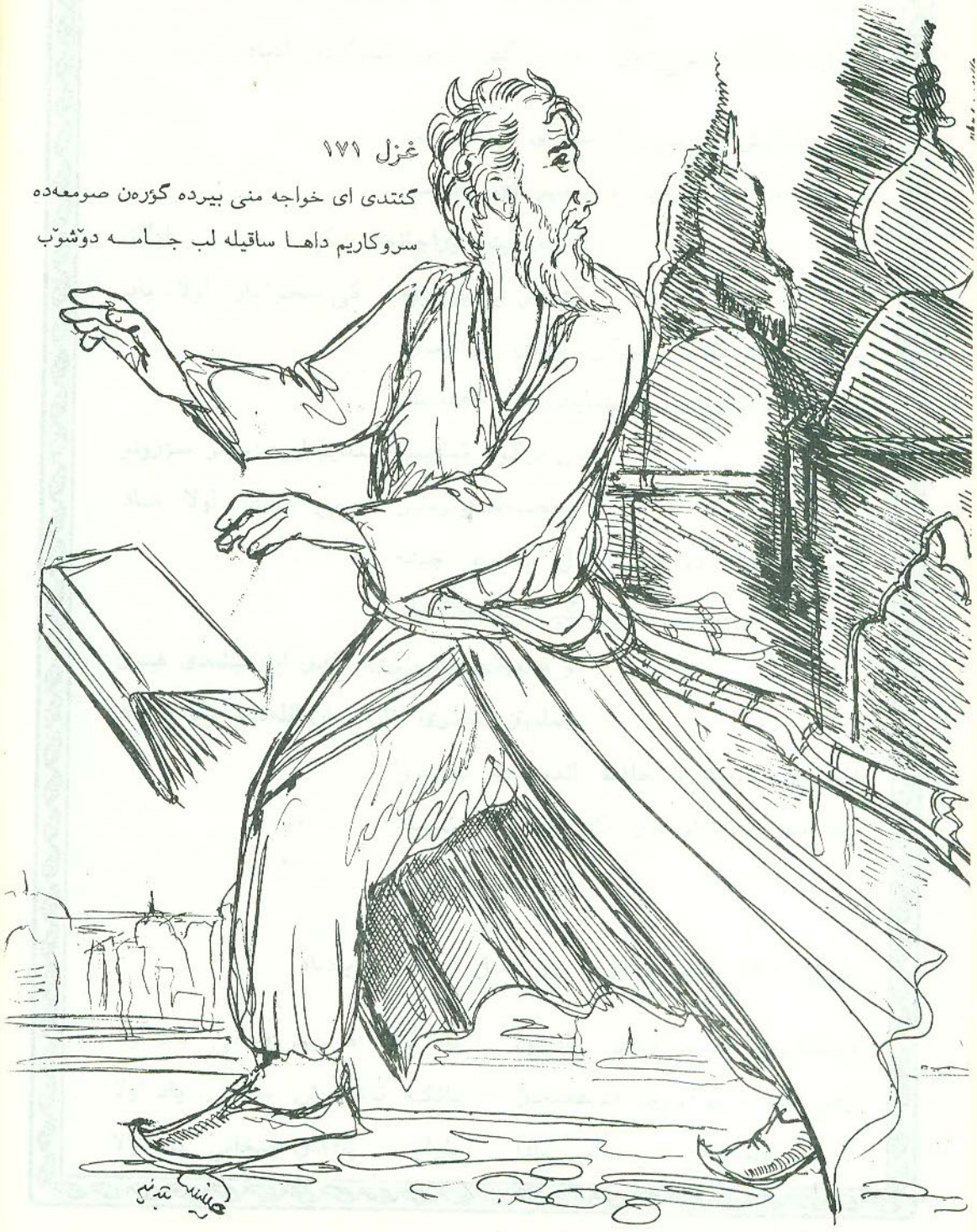

دوّشموّشم من بو بلانین دامنه بوینونا هر حق قویانی یاد اوْلا
گؤزده گرچه یوّز آخارچای وارمنیم زنده رودون باغبانی یاد اوْلا
حافظین اسراری قالدی سینه‌ده
چوخ حییف سِر ساخلیانی یاد اوْلا
ت.ز ۶۹/۱۲/۱۲

****

غزل ۱۷۱ مصراعِ اول : عکس روی تو چو در آینهٔ جام افتاد

اوّزووّن عکسیکی چون آینه‌ی جامه دوّشوّب
می گوّلنده صوفولاردا طمع خامه دوّشوّب
اوّزووّن حسنوکی بیر جلوه ائدیر آینه‌ده
بیر بئله نقش عجب صفحه‌ی اوهامه دوّشوّب
بیر بئله نقش‌ونگار باده‌ده وار رنگارنگ
ساقینین عارضینین شوقودوکی جامه دوّشوّب
عشقینین غیرتی کسدی دیلینی خاصلرین
آغزینا یوخسا غمین سرّی نجوّر عامه دوّشوّب
من اؤزوم دوّشمه‌میشم میخانیه مسجددن
منه بو عهد ازلدن بئله فرجامه دوّشوّب
دولانیشدان نئجه قالسین چالیشان پرگارتک
کیم کی بو دایره‌ی گردش ایّامه دوشوب
قوتولوب چاه زنخ‌دن کؤنوّل اَل زوّلفه آتیب
قویودان‌وای‌کی‌چیخیب‌حیف‌اوْلاکی‌دامه‌دوّشوّب

گئتدی اوْلگونکی منی خواجه گؤره صومعه‌ده
بیزیم ایش ساقی‌ایله همده لب جامه دوْشوْب

غمینین شمشیرینین آلتینا خندان گئده‌رم
سنه‌جان قوربان‌ائده‌ن یاخشی‌سرانجامه‌دوْشوْب

آیری بیر لطف ائدیر هردم او من یانمیشیلا
باخ بو درویشه نئجه مستحق انعامه دوْشوْب

هم حریف همده نظرباز دیلار صوفیلر
بورادا **حافظ** دلسوخته پیس نامه دوْشوْب

ختز ۶۹/۱۲/۵

غزل ۱۷۱ ایکینجی ترجمه

اوْزووْن عکسیکی چون آینه‌ی جامه دوْشوْب
گؤروب عارف او جامی بیر طمع خامه دوْشوْب

بیر بئله نقش مخالف مئیین عکسینده ائدیب
ساقینین اوْز أیشیقیدی کی کف جامه دوْشوْب

اوْزووْن حسنو کی بیر جلوه‌لنیب آینه‌ده
بیر بئله نقشه‌لر آئینه‌ی اوهامه دوْشوْب

پاک گؤره‌ن پاک گؤزوْله دیبده یئتیب مقصوده
چئریده ، اگری گؤزیله طمع خامه دوْشوْب

خاص آداملار دیلینی هاممی‌سینی عشق کسیب
بس هایاندادی بو سِرلر دهن عامه دوْشوْب

غمینین شمشیرینین آلتینا خندان گئده‌رم
کی اونا قوربان اوْلان یاخشی سرانجامه دوْشوْب

گئتدی ایخواجه منی بیرده گؤره‌ن صومعه‌ده
سرو کاریم داها ساقیله لب جامه دوّشوّب

من خراباتی، مچید ائیله‌مه‌دیم اؤز باشیما
منه ازّلده بو ایش بویله سرانجامه دوّشوّب

نئیله‌سین دؤرییه فیرلانمیا پرگار کیمین
پرگار أیچره کیمی کی گردش ایّامه دوّشوّب

اوّره‌گیم آسلادی چاه زنخونده توکوّوه
وای چیخوب چاهدن امّا تازادان دامه دوّشوّب

هامموسو رند و نظر باز دیلر صوفیلر
بوردا تک **حافظ** دلسوخته بد نامه دوّشوّب ۶۹/۱۰/۱۶

****

غزل ۱۷۲ مصراع اول : پیرانه سرم عشق جوانی بسر افتاد

وای بو قوجالیق ، شور جوانلیق باشا دوّشدو
بو گیزلی اوّره‌ک سرّینی هاممو باشا دوّشدو

بیر باخماقیلا قلب قوشو بیر هاوالاندی
با خ گؤر کی کیمین دامینا قوش بیر باشا دوّشدو

ایوای کی او آهو کیمی مشگین قارا گؤزلر
مشگین قره‌سی قلب قانیدی شوشا دوّشدو

یار کوچه‌سینین توپراقینین مرحمتی‌ایدی
مشگی کی سحر یئل‌لریله دام داشا دوّشدو

کیپریکلرینین دنیا آلان تیغینی چکدی
قارداش بو بلاده گؤره‌سن قارداشا دؤشدو
بو دئیر مکافاتده چوخ تجربه ائتدیک
میخواره‌لریله ساواشان داغداشا دؤشدو
گر جانیدا چیخسا قره‌داش لعل اؤلا بیلمز
بد ذات نه ائتسین رگه‌سی چون داشا دؤشدو
حافظ کی گؤزه‌للر تئلینه ال دایا قیدی
اُعجوبه حریفیدی کی ایمدی باشا دؤشدو ضز ۶۹/۱۲/۳

****

غزل ۱۷۳ مصراع اول : حسن تو همیشه در فزون باد

حُسنون گئده هر زمان فزونه اؤلسون او عُذار لاله‌گونه
عشقون خیالی منیم باشیمدا هر گون کی گئچر گئده فزونه
هر سرو آغاجی سنون یانیندا اگری کمانا اؤلا نمونه
بیر گؤز کی سنون بلاوی گؤرمز اؤلسون گؤزو یاشدا غرق ، خونه
قلب آلماغا گؤزللرون همیشه سِحر ائیله‌مه‌گه بلد فنونه
هر بیر اؤره‌ک اؤلسا سنله غمسیز محتاج اولا ایخدا ..... سکونه
قامتللری سرو اؤلان گؤزه‌للر باخسا سنه چئوریله‌ایدی نونه
عشقوندن‌اولان ، او بؤش اؤره‌کلر بو حلقه‌ده پرت اؤلا برونه

لعلین کی اؤلوبدو **حافظه** جان
یا رب حرام ائیله خلق دونه ۷۱/۵/۳

غزل ۱۷٤ مصراع اول : آنکه رخسار ترا رنگ گل و نسرین داد

سنی اوخشاتدی او کیم برگ گل و نسرینه
صبر و آرام باشارار ، وئرسه من مسکینه

زوّلفوه کیم کی تطاول یولونو اوگرتدی
باشارار دادیمی وئرسین بو دل غمگینه

من الیم اوْندا اوْزوّلدو او یازیق فرهاددان
کی عنان کؤنوّلو وئردی لب شیرینه

گنج زر اوْلماسادا کُنج قناعت واردیر
شاهه زر..... تکجه قناعت وئریلیب مسکینه

بیرگؤزه‌ل اوْزلو عروسدو بو جهان ، آلدانما
باغلاسان بئل اوْنا جانون گئده‌جک کابینه

داها بوندان‌سورا من ارخ‌قیراغی سرو آغاجی
هانداکی فصل قویوب اوْز گئده فروردینه

دنیانین غصّه الینده قان اوْلوب **حافظ** اوْره‌ک
آپار اوْز دادیوی بیر خواجه قوام‌الدّینه ۷۱/۵/۵

****

غزل ۱۷۵ مصراع اول : بنفشه دوش بگل گفت و خوش نشانی دارد

بنفشه گوّللره خوش سؤز دئدی نشانیله
منیم تابیم کی گؤرورسوّز اوْلوب فلانیله

اوْره‌ک خزانه‌ی اسراریدی قضانین اَلی
موهورله‌یب کلیدین وئردی دلستانیله

شکسته وار بو درگاهه گلمیشم کی طبیب
او لطف مومیـــــاسیندان دئییب نشانیله

بدن‌درست، اؤره‌ک‌خوش کؤنؤلده شاداؤلسون
او اَل کی یار اؤلا بیر شخص نـــاتوانیله

نصیحت ائیلیه نه دهٔ اؤزؤن معالجه ائت
شراب و شاهـــد اؤلوب کیمسیه ؟ زیـــانیله

منی سالیب گئچه‌راق هـــایلادی رقیبلره
حییف کی **حافظ** مسکین دؤشؤبدو جـــانیله ۷۱/۵/۳

****

غزل ۱۷۶ مصراع اول : همای اوج سعادت بدام ما افتد

او سعادت قوشو بیر یولدا بیزیم دامه دؤشه
اؤندادیرکی گـــذرین بیرده بیزیم دامه دؤشه

بیرکؤپؤک تک سئوینیب بورکو باشیمدان آتارام
گر سنون عارضوون عکسی بیزیم جامه دؤشه

گر مرادین افقوندن اؤلا مهتاب گئجه‌میز
اوندادیر کی اؤزوؤن نورو بیزیم بـامه دؤشه

یئل چتین‌دیر گذری یوردوا دؤشسؤن آ گؤزه‌ل
گذرون هاردادی کی بیرده بیزیم دامه دؤشه

جان الیمدن قوتولوب اؤلدو لبین قوربانی
هانی بیر قطره زلالین کی بیـزیم کامه دؤشه

زؤلفووؤن فکری دئدی جانوی آلت ائله‌مه
بو شکارلاردان اؤغول چوخلو بیزیم دامه دؤشه

نا امید گئتمه بو یولدان اؤزوّوه بیرجه فال آچ
شاید اوْلسون کی او بیر قرعه بیزیم نامه دوّشه

حافظین یادینه دوّشسه یولوون توپراق أیگی
گوْلشن جان عطیری بیرده بو مشّامه دوّشه ص.ز ۷۰/۳/۸

****

غزل ۱۷۷ مصراع اول : بخت از دهان دوست نشانم نمیدهد

بخته بیرباخ‌کی یارین وئرمه‌یه‌یرآغزین نشانین
فاش ائتمزله منه رمزینی سّر نهانین

بیر اوپوّشدن اؤته‌ری جان وئریرم من امّا
بونو مندن آلیری وئرمیور امّا همانین

اؤلوّرم آیریلیقیندان یولوم امّا اوْنا یوخ
پرده‌دار قورخورو وئرمیر منه بیر یول نشانین

زوْلفونو آچدی صبا باخکی بو آلچاق فلکه
یوخ مجالی او یئره أسمه‌گه باد وزانین

دوره‌ده گردش ائدیردیم نه قدر پرگار تک
دولانیش نقطه کیمی باغلادی راه میانین

صبریله ، شکّر اوْلو عاقبت امّا دنیا
بیر مجال وئرمه‌دی بدعهدلیگی بو زمانین

یوخلارام بلکه دئدیم تا کی گؤرم یار جمالین
حافظین ناله و آهی کسیر امّا امانین ۷۱/۵/۳

****

غزل ۱۷۸ مصراع اول : بحسن و خلق و وفا کس بیار ما نرسد

حسنده خلقده تکدیر وفالی دلداریم
بو سؤزه یوخدو گؤزه‌ل سنده منیم انکاریم

جلوه‌یه گرچه گلیب‌لر هاموسو گؤیچک‌لر
باخ ملاحتده گؤزه‌للیکده نه تکدیر یاریم

آند اولا عهد قدیمه هامو محرم‌لریله
تکدیر عهد وفادا دلبرک حق گزاریم

قلم صنع‌ده مینلرجه گلر نقش و نگار
دلپذیر اولماز اوجورکی گؤرولور اؤز نگاریم

کاینا‌تین بازارینـــدا گتیررلر چوخ نقد
سکه‌لردن بیری چاتماز اولا صاحب عیاریم

حییف اولسون ائله گئتدی بوعؤمور قافله‌سی
چاتمادی توزلاری حسرتده قالیبدیر دیاریم

ای کؤنول اینجیمه طعن حسودا ، ائیله وثوق
پیسی هئچوقت قبول ائتمز دل امید واریم

باشه وئرعؤمرو اوجور توپراق اگر اولساندا
بیر نفر خاطرینه قویمیا تؤز رهگذاریم

حافظین جانی‌یانیب قورخورام احوالی اونون
چاتمیـــا عرضه کی بیلسین اوشه کامکاریم

۷۱/۵/۳

غزل ۱۷۹ مصراع اول : بعد ازین دست من و دامن آنسرو بلند

داها بوندان سورا من یالوارارام تکجه یارا
کی او قامتله منی کؤکدن آتیبدیر کنـــارا
احتیاج یوخدو می‌و مطربه سن بیراوزون آچ
اوینارام باخسام اوزرلیک‌کیمی اول اود عذارا
حجله‌ی بخت‌ده آینا کیمی اولماز او عذار
مگر آت دیرناغینین ازمیشینی سورته اورا
دئدیم اسرار غمین هر نه اولار قوی اولسون
صبر بوندانداا چوخ اولماز گئدیم آخرده هارا
مُشگبار آهومو آوچی داهاسن کسمه باشین
اوگوزه‌ل گؤزدن‌اؤتان باغلاما قوی جان قوتارا
خاکی‌ام من کی سنون درگاهووا دوشدوقدا
او اوجا قصره نجوّر بوسه ووروم آخر هارا
حافظا چکمه اوره‌ک سن او گوزه‌ل آهودن
ائله دیوانه نه یاخشی، قالا، گر دوشسه دارا ۷۱/۵/۴

****

غزل ۱۸۰ مصراع اول : دلم جز مهر مهرویان طریقی بر نمیگیرد

اوره‌ک مشغولدور یکسر ، همیشه مهر دلبرده
نصیحت ائیلیرم چوخلو اثر قویمور بو سرلرده
گل ای گول اوزلو ساقی باده‌ی رنگین نثار ائیله
کی بوندان بیر گوزه‌ل نقشه گوزوکمور غصّه و درده

صراحی دالدادا ووررام اونو دفتر بیلیر مردم
بو ریبه چوخ تعجّب وارکی أود سالمیر بو دفترده
می لعلین کی یارلاردا صفالر وار تمام اوندان
باخون دوتمور سئوای دوّزلوّک داها بیر نقش او جوهرده
منیم آغلار گؤزیله گوّلمه‌گیم وار شمع تک بوردا
واریمدیر أود توکن بیر دیل اثر قویمور اوّره‌کلرده
گؤزه‌ل دلکش بو اوّز گؤزدن ، دئیرسن گؤز یومام هیهات
بوراخ ، یوّنگوّل نصیحت‌لر ، اثر قویماز فیکیرلرده
نصیحت گوی رندانین ، قضایه جوّر دئیل حکمی
نه داردی سینه‌سی یا رب ، مگر ال یوخدو ساغرده
گؤزه‌ل صید ائیله‌دین قلبی او مستانه گؤزه قوربان
کی وحشی آهونو بوندان گؤزه‌ل دوتمازلا بیر یئرده
سؤزوّم چوخ احتیاجیملا ، او معشوقون غناسیندا ....
نه فایدا بیر بئله افسون اثر ، هئچ یوخدو دلبرده
سن آللاه رحم ائله واردی سنین درویش همسایه‌ن
قاپو بیلمیر کی تا چالسین یا گئتسین راه دیگرده
یاماقلی خرقیه بیر گوّن گره‌ک من أود ووررام آخر
کی پیر میکده سئولر بو دگمز آیری بیر درده
سن آللاه ای نصیحت‌گو می و ساغر حدیثین دهٔ
کی بوندان یاخشی بیر آرزو تاپیلماز بو اوّره‌کلرده
تعجب‌دیر بو شاد شعرلرکی شاهنشاهه عرض اوّلدو

غزل ۱۸۱ مصراع اول : گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید

واردیر دئدیم خیالین باشدا دئدی خیالدیر
آی اوْل دئدیم منه گل گوْلدو ، دئدی محالدیر

بیر آز وفا دئدیم کی اهل وفادن اوْیرن
وئردی جواب نیلیم خوشگل وفاده کالدیر

باخماق یولون دئدیم کی من باغلارام خیاله
شبرو دئدی تانیریول هرکس کی اهل حالدیر

زوْلفون دئدیم اوعطری گیچ قویدو یول أیتیردیم
بیلسن دئدی اگر عشق ، دانای راه و چالدیر

ای‌خوش دئدیم اویئل‌کی صبحون‌ایگین‌گتیرسین
یار کویوْتون نسیمی بیر مژده‌ی وصالدیر

لعل لب آرزوسی اوْلدوْردوْ وای دئدیم وای
سن بنده‌لیک دئدی ائت آللاه بی‌زوالدیر

صلحه دئدیم نه وقت بس رحمه گلر اوکونلوْن
دینمه دئدی بو سرّی یار میلی آیری حالدیر

عشرت زمانی گوْردون یئتدی نئجه تمامه
حافظ دئدی سکوت ائت بو عیش بی‌زوالدیر ۶۹/۱۰/۲۶

غزل ۱۸۲ مصراع اول : از سر کوی تو هر کو بملامت برود

یار کویوندن او کیم قلبی ملالتده گئدهر
بیر یئره چیخماز ایشی دیبده ضلالتده گئدهر

هر او کارواندا کی آللاه نظری بدرقه دیر
هر یئره گئتسه ، تجمّـــل ده جلالتده گئدهر

می و معشوقه دن عؤمر آخری بیر کام گؤتور
حیفدیر عؤمرون او وقتی کی بطالتده گئدهر

بو أیتن کؤنلوّمه ای راهنما بیر کؤمک ائت
کی غریب تاپماسا یول دیبده دلالتـده گئدهر

کئفلی لیک ، اوْرتولولوک هاممولاری سنیلن دیر
کیمسه بوّلموّرکی یولو دیبده نه حالتده گئدهر

چشمه ی حکمتیله جاموو دولدور حـــافظ
قلبدن بو جامیلا نقش جهالتـــده گئدهر ۷۱/۵/۴

****

غزل ۱۸۳ مصراع اول : من و انکار شراب این چه حکایت باشد

من دانام باده نی گؤر بو نه حکایت اوْلالی
بو قدهر وار عقیلیم باشدا کفایت اوْلالی

میخانا یوللارینی بیلمزایدیم بو سونا جاق
یوخسا بو بیلمه مگیم تاکی نه غایت اوْلالی

زاهدین کبرو نمازی ، من و مستیّ و نیاز
تا یارین بو آرادا کیمله عنایت اوْلالی

رند اگر... اؤلماسا...زاهد.. بورادا... معذوردوت
عشق بیر ایشدیکی لازمدی هدایت اؤلالی
من کی چنگ و دف‌ایله هر گئجه تقوا ائده‌رم
ایندی من گر یولا گلسم نه حکایت اؤلالی
نوکرم پیر موغانه کی منی آندیردی
پیریمیز هر نه دئسه عین عنایت اؤلالی
یاتماغا قویمادی غصّه دئدی کی بیرجه رفیق
حافظین باده ایچن گونده شکایت اؤلالی ت.ز ۷۰/۱/۲

****

غزل ۱۸٤ مصراع اول : هرگزم نقش تو از لوح دل و جان نرود

اؤزونون‌نقشه‌سی هئچ لوحه‌ی جاندان گئتمز
کؤنلؤدن منظره‌ی سرو خرامان گئتمز
من حیران دماغیندا او نگارین خیالین
زور گله جؤر فلک غصه‌ی دؤران گئتمز
اؤره‌گیم زؤلفونوله باغلاییب اؤل پیوند
تا ابد چکمز الین عهدیله پیمان گئتمز
بو یازیق قلبده هر غصّه‌کی سندن وارایدی
گئتمز اوردان داها بیر غصّه‌ی جانان گئتمز
جان و دلده ائله عشقون اؤزونه یئر ائله‌ییب
باشداگئتسه اوگؤزه‌ل‌عشقی بوجاندان گئتمز

اوْزه‌گیم گئتسه گؤزه‌للر دالیجا معذوردور
بیرینین اوْلماسا دردی پی درمـان گئتمز
ایتسه‌یه اوْلمیا **حافظ** کیمی کیم سرگردان
گؤزه‌له وورغـــوْن اوْلوب قلبی پریشان گئتمز ت.ز ۷۰/۱/۶

****

غزل ۱۸۵ مصراع اول : بیا که رایت منصور پادشاه رسید

پرچمی گلدی‌گوْلوْن ، دوره‌دی منصورشاها
مژده‌ی فتح یئتیشدی نئجه گؤز مهرو ماها
جمالین بختی ظفرپرده‌سینی ائتدی کنار
وعده‌ی عدل چاتیبدیر داها هر داد خواها
فلکین دوره‌سی خوش باشلادیکی آی‌چیخدی
کام دل باغلیدی بوندان سورا تک رأی شاها
یول کسنلر داها بوندان سورا قطع اوْلدو الی
کاروانلار تیکه‌جک گؤز داها بیر مرد راهـا
مصرعزیزین کی‌سالیب‌چاهه جاهل‌قارداشلار
چاهدن تاپدی نجات چاتدی باشی مهروماها
هانی دجّال زمان صوفی مُلحد مذهب
دئنه یان دوره یئتیشدی او شه دین پناها
ایصبا سئوله گتیـردی باشیما عشق نه‌لر
ایش یئتیشمیشدی‌فقط سوْز دل و اشگـو آها

آیریلیق دوشگوتونی شوق رخون شاه ائله‌دی
ائله بیر ایش‌کی ائدر شعله‌ی أود برگ کاها
یوخیا دوشمه ،کی **حافظ** ، او قبول درگاهینا
یئتمه‌سی باغلیدی ورد شبیله صبحگاهـــا ۷۱/۵/۴

****

غزل ۱۸۶ مصراع اول : یارم چو قدح بدست گیرد

یاریم آلا گـــر پیـاله الده بتلـر بـازاری سینـار شـه‌هـرده
مست گؤزلرینی گؤره‌ن دئیه‌رکی دارغاهانی بس گله بو یئرده
من بیر بالیغـام دوشوب دنیزده یار صید ائلیه الینده بیرده
آغلار ، ایاقینـــدا من دوشرکن أل بیر ألیمه گؤره‌م ده‌یرده .... ؟

حافظ کیمی کؤنلو شاد او کیم‌کی
مـی جامی آلیبدیـر عهـد ذرده ۷۱/۵/۴

****

غزل ۱۸۷ مصراع اول : بر سر آنم که گر ز دست برآید

وارام اوفکرده کی گلسه الیمدن ایش اگر
ائله بیر ایش ائله‌یم ، غصه یئته باشه مگر
اوره‌گین ایوانی اغیاره دئیل خلوت یئر
هریئره گلسه مَلَک اوردان اولار دیو بدر
یلدا حاکم‌لرینین ظلمتی‌نین صحبتی وار
أیشیقی گؤرمک‌اولار گوندن امیدبسلیه‌لر

بیمروت فلکین اربابنین درگاهینا
نه قدەر اگلنەسن گؤزلیەسن خواجه گلر

سئوالی ترک ائلەمه خزنه گلینجه آلیوه
بیر کرم اهلی ائدر دیبده بو یوللارا گذر

خوش عمل، بدعمل، هرکس اؤز ایشین گؤستردی
کیمی سی یئتسه قبوله کیمیسی دوتسا نظر

ایعاشق قوش عؤموّر ایستەکی امان وئرسه اجل
باغ-چمن یاشیل اولار، غنچه آچار، گول گئوەرر

حافظین غفلتی بو ائوده عجب ایش دئیلی
دوّشسه میخانیه هرکیم داها یوخ اوّندا خبر ۷۱/۵/۴

****

غزل ۱۸۸ مصراع اول : جهان بر ابروی عید از هلال وسمه کشید

بایرامین قاشلارینا باخ تازا آی وسمه چکر
بایرامین تازه آیین عاشق اوّلان قاشدا گؤرر

یار گؤرنده ، هلالا قامتیمیز اوخشاییری
او کمان قاشلارینا وسمه چکه یاریم اگر

صبحتک ییرتدیاتک گوّلسنی‌چون گؤردو سحر
نسیمیله سنین عطرین چمنه ائتدی گذر

یوخایدی چنگ و رباب یا یوخایدی عود کی من
وارایدیم عهد ازلده اوّلارا هم بستر

گل سنیله سوله‌ییم بو کؤنوللؤن دردلرینی
عاشقین تکجه سنیله سؤزو گر اوْلسا دئیه‌ر

وصلووون قیمتی گر جان‌دا اوْلا من آلارام
تئز آلار اهل بصیرت اوگؤزه‌ل شیءکی گؤرر

شام زولفونده آیا بنزر اوْزون چون گؤردوم
اوْزونون شوقونا بیلدیم بئله کی گوندو گلَر

یئتیشیب جان دوداغا اوْلمادی کامیم هله‌ده
امیدیم چاتدی باشا اوْلمادی یاریمدن اثر

شوق عشقینده غزل قوشدو نئجه گؤر **حافظ**
اوْخو نظمین قولاغا آسلا اونو مثل گُهر ۷۱/۵/۴

****

غزل ۱۸۹ مصراع اول : زهی خجسته زمانی که یار باز آید

خوشا او گون‌کی بورا بار بیرده گله
سینان اوْره‌کلره او غمگسار بیرده گله

خیال خیلینه آت سازلادیم گؤز ابلقینی
امیدیله مگر اوْل شهسوار بیرده گله

توپ اولماسا نه‌یه لازم بو باش او چوگاندا
بو توپو وورمگه خاطر او یار بیرده گله

یول اوْسته من اوْتوراق توز کیمی قرار تاپدیم
بو کوچه‌دن اوْلا یار رهسپار بیرده گله

قرار قویسا اونون زولفونه اگر بیر اوره‌ک
خیال ائتمه او کؤنله قـــرار بیـــــرده گله

نه ظللر دئی آیندان چکیب‌له بولبوللر
او عشقیلن کی داها نو بهار بیـــــرده گله

امیـد آللاهادیر نقشه بیـر چکه **حافظ**
کی سرو تک آلیمه اول نگار بیـــــرده گله ۷۱/۵/۴

****

غزل ۱۹۰ مصراع اول : دست از طلب ندارم تا کام من برآید

أیستکدن ال گؤتورمم کام آلمیانجا سندن
جانانه یا یئته جان یا جان چیخا بو تندن

اؤلسم اگر مزاریم نبش ائیله‌یین گؤرون سیز
بو سینه‌مین أودوندان توسدو چیخار کفندن

گؤستر جمالین ای مه حیران ائله بو خلقی
آچ بیر دوداق کی‌چیخسین فریاد مرد وزندن

جانیم دوداقدا حسرت ، قلبیمده‌کی لبیندن
کام آلمامیش گئدر جان بیچاره بو بدندن

جانیم گلیبدی تنگه گول آغزین حسرتندن
یوخسول نجورکام آلسین اول‌گول‌کیمی‌دهندن

شایدکی سن‌کیمی‌گول تاپسین چمنده یئل‌لر
اسسه نسیم هر دم بیر توز چیخار چمندن

عاشقلرین أیچینده ائیلرله ذکـــر خیـــرین
حافظ آدی اوْخونسا هـر یئرده انجمندن ت.ز ۷۱/۱۲/۵

****

غزل ۱۹۱ مصراع اول : چو دست بر سر زلفش زنم بتاب رود

وورسام ال زوْلفونه گر چوخلوجا تاب ائیله‌ییری
أیسته‌سم گر باریشام اوْندا عتـاب ائیله‌ییری

تازه آی تک قویورو یولدا باخان بیچارانی
گؤسته‌ریر قاش ، گؤزوْتو تئزجه نقاب ائیله‌ییری

بیرگئجه گرشراب أیچسک یوخودان ساخلیاجاق
گر گوْنوز شکوه ائدم گؤزلری خواب ائیله‌ییری

ای کؤنوْل عشق یولو چوخلو پر آشوب اوْلار
ییخیلار یولدا قالار کیم کی شتاب ائیله‌ییری

ساتما جانان یولونون یولچو لیگین سلطنته
سایه‌نی کیم اوْتوْرر گوْن کی عذاب ائیله‌ییری

چونکی طوماری بوکوْلدو قارا زوْلفوْن سوادی
آغاراندان سورا کیم بیرده خضاب ائیله‌ییری

کوپده گر یئللەنه باشی او کفین نخوتیله
بورکوْنو ییرتیق اونون دیبده شراب ائیله‌ییری

بو یولون پرده‌سی **حافظ** سن اؤزوْن‌سن قاوزان
خوش بو یولدا کیمه کی کشف حجاب ائیله‌ییری ۷۱/۴/۸

****

غزل ۱۹۲ مصراع اول : ساقی ار باده از این دست بجام اندازد

بو سایاق باده اگر ساقی سنین جامه سالار
دائم عارفلر ایشین شرب‌ده اتمامه سالار

زوّلفوّنوّن خملرینین آتدا اگر گیزله‌ده خال
خلقدن عقل قوشون چوخلارینی دامه سالار

خوش او شنگول‌حالینا یاره شاباش وئرمک ایچون
بیلمیه باش یا کلاه هانکی گوّل اندامه سالار

پخمه زاهد کی می و جامی تعصّبله دانار
گؤره‌سن پخته‌له‌شر گؤز کی می خامه سالار

أیچمه‌می گوندوّزو گئت بیر هنر اوگرن کی گوّتوّز
می أیچن کؤنلوّتو بیـــر ظلمت ظلاّمـــه سالار

مئیین اوّل أیچیمی اوندادیکی گوّن اوتورا
گئجه اؤز خیمـــــه و خرگاهلرین شامه سالار

ووراسان باده اگر محتسب رذلیله بیل
جامدن باده أیچیب داش وقیه جامه سالار

حافظا باشیوی چک **شیوا** کیمی گوّن یئرینه
قرعه‌سین بختین اگر بدر خوش‌اندامه سالار

۶۹/۱۰/۱۴

غزل ۱۹۳ مصراع اول : تا ز میخانه و می نام و نشان خواهدبود

تا می و میخانادان نام و نشان اوْلمالیدیر
باشیمیز فدیه‌ی اوْل پیر موغان اوْلمالیدیر

منی اوْلده ائدیب پیرموغان حلقه بگوش
ازلینده نه ایدیک ایمدی همان اوْلمالیدیر

گر یولون دوّشسه بیزیم قبریمیزه ائیله دعا
کی زیارتگه رنـــدان جهـــان اوْلمالیدیر

ایاقون نقشی او توپراقداکی بیر یئر سالسا
قرنلر مسجـــــد صاحب‌نظران اوْلمالیدیر

گئت ایا زاهد خود بین کی بیزیم گؤزلردن
سن ـ منه پرده‌ده هر سرّ نهان اوْلمالیدیر

عاشقین‌اوْلدوّرن او توّرک‌چیخیب‌گئتدی‌بوگون
کیملرین خون دلی گؤزده روان اوْلمالیدیر

مسته عیب ائتمه سن ایخواجه بو کروانسرادا
بیلمیری کیمسه اوْلوّم هانسی زمان اوْلمالیدیر

هرگئجه باشیمی قویسام لحده هر ایکی گؤز
تـا سحرگاه قیامت نگـــران اوْلمالیدیر

حافظین بختی بونوعیله کی پیس گؤسته‌ریری
یار تئلی اوْزگه‌لره الـــــده قالان اوْلمالیدیر

ت‌ز ۶۹/۱۲/۳

****

غزل ۱۹٤ مصراع اول : دوش میآمد و رخساره برافروخته بود

یاری گؤردوم گلیری چوخدا بتر پوْرتموشیدی
بیلمیرم هاردا بیرین قلبینه أود وورموشیدی

عاشقی سالماق اودا شهرده آشوب سالماق
بو قبا تک اونون اندازه سینه تیکمیش‌ایـــدی

زوْلفونون کُفری ووروردو دل و دین یوللارینی
دالللارینجا اوْزوْتوْن شمعی أیشیقـــلانمیشیدی

اوْره‌گیم ییغدی قانی گؤزلریم امّـــا اَله‌دی
کیمیسی ییغدی خدایا کیمی داغیتمیشیـدی

پولا ساتما یاریوی ، چوخلو زیانلار قویدو
او کسیکی یوسفی قپ(قلب)قیزیلا ساتمیشدی

بیر اوْزه‌رلیک کیمی أود ووردو عاشقلار جانینا
أود کیمی گوْل اوْزونو بسکی الولاتمیشیـــدی

منه هر چند دئیه‌ردی کی سنی اوْلدوْره‌رم
باطناً قلبی منه بیـــر آزاجیق یانمیشیدی

دئدی‌گئت خرقه‌وی یاندیر أودا چک ای حافظ
قلب ایشی بیلمه‌دیم آیا هارادان قانمیشیدی

ض.ز ۶۹/۱۲/۱۰

غزل ۱۹۵ مصراع اول : سحر چون خسرو خاور علم بر کوهساران زد

سحر مشرق شاهی داغدا چیخیب چون پرچمین ووردو
یاریم‌دا مرحمتدن قاپولارین بو پر غمین ووردو
سحر آچماق‌لیقیله وضعی آیدین اوْلدو دنیانین
گوْزه‌ل گوْلمک سسی قلبه او مودلو آدمین ووردو
یاریم گئچمیش گئجه چونکی دوروب مجلسده رقص ائتسین
آچیق اوْزله کوْنوْللر یوللارین بیر عالمین ووردو
قدح رنگیندن اوْل دمده اوْره‌ک قانیله ال چکدیم
او سرخوش مست گوْزلردن او هایکی نازنین ووردو
بو عیّارلیق یولون هانکی اوْره‌ک داش اوگره‌دیب بیلمم
کی اَن اوّل گلن ساعت یولون قائم‌لرین ووردو
آت اوْیناتماق هوس ائتدی اوْره‌ک بیردن او بیچاره
خداوندا اوْزوْن حفظ ائیله قلب لشگرین وودو
او آب و رنگ فکریله نه حسرتلرده قان اوْتدوق
اوْزه چیخماق همان اوّل یوْلون عاشقلرین ووردو
بو صوفی خرقه‌سیله من نه جوْر صید ائیله‌ییم یاری
او خنجر کیپریگیلن کی یوْلون صیّادلارین ووردو
مگر شاه یُمن و اقبالی وئره کام دل حافظ
کی خوش بیر فال شعریله او شاه عالمین ووردو

۷۱/۴/۱۲

****

غزل ۱۹۶ مصراع اول : در ازل پرتو حسنت ز تجلّی دم زد

حسنوّن پارلاماسی ووردو تجلادن دم
تاپیلیب عشق وورووب أود کیمی یانیب هرعالم
چون مَلَک‌ده یوخودو عشق اوّزووّن جلوه‌سنه
برق غیرت اوْلالی جوشه گلیبـــدیر آدم
ایسته‌دی عقل چراغ یاندیرا اوْل شعله‌ایله
غیرتین برقی شاخیب عالمی ووردو برهم
مدّعی ایسته‌دی کی سیر ائله‌سین یار سرّین
غیب اَلین ضربه‌سینه أوتدو دالی نـــامحرم
اوْزگه‌لر عیشه چکیبلر هاموسو قرعه‌لرین
تک بیزیم حالیمزه دوّشدو نه‌دن قرعه‌ی غم
اوُجا عالم کی تیکیب چاه زنخدانوه گوْز
اَلین آتدی سنین اوْل زوّلف خم‌اندر خم‌وخم
بوّکدو **حافظ** او زمان عشق طربنامه‌سینی
کی وئریب وار یوخونو تا اوْلا قلبی خرّم ۷۱/۵/۴

غزل ۱۹۶ایکینجی‌ترجمه مصراع اول : درازل پرتو حسنت زتجلّی دم زد

حسنوّن پرتوی چون پارلامادان دم ووردو
تاپیلیب عشقین أودو صحنه‌ی عالم ووردو
چون ملک‌ده یوخیدی عشق اوّزووّن جلوه‌سینه
برق غیرت اوْلالی جانینه آدم ووردو

أیسته‌دی عقل چراغ یاندیرا اوْل شعله‌ایله
غیرتین برقی شاخیب عالمی برهم ووردو
مدّعی أیسته‌دی کی سرّلری سیر ائلیه
تاپیلیب غیبدن ال سینه‌سین اوْل دم ووردو
اؤزگه‌لر عیشه چکیبلر هاموسو قرعه‌لرین
تک بیزیم کؤنلوّموز اؤز قرعه‌سینه غم ووردو
اوُجا عالَم هوس چاه زنخدان ائتدی
الین آتدی سنین اوْل طرّه‌ی پرخَم ووردو
یازدی حافظ او زمان عشق طربنامه‌سینی
کی قلم وار یوخونا بو دل خرم ووردو ۷۱/۵/۴

****

غزل ۱۹۷ مصراع اول : راهی بزن که آهی بر ساز آن توان زد

چال بیر موغام کی سازدا ، آه آسمانه گئتسین
بیر شعر اوْخو کی اَللر رطل گرانه گئدسین
جانان یولوندا گر باش ممکن اوْلا اوُدوزماق
فخر و شرف اذانی قوی آسمانه گئـــــدسین
بو اگری قامته چوخ باخما حقارتیله
دشمن گؤزوّنده اوْخلار قوی بوکمانه گئدسین
ممکن دئیل دوتا یئر عشق اهلی خانقاهدا
عشقین جامین سئوه‌نلر دئیر موغانه گئدسین

درویشلر ائدنمز سلطان ائوینده منزل
بو کهنه دلقه أود وور أود آسمانه گئدسین

اهل نظر وئره‌للر دارئینی بیر باخیشدا
بو عشقدیر حریفلر بو، داودا ، جانه گئدسین

گر دولت وصالون بیر فتح باب ائتسه
چوخ باش کی بو خیالدا اوّل آستانه گئدسین

ساغلیق یولوندا زوّلفون یول کسدی یوخ تعجب
گر یول کسن سن اوّلسان ایش کاروانه گئدسین

بیر عشقدیر جوانلیق هم رندلیقدا اَلده
معنا ییغیشسا الده قوی ایش بیانه گئدسین

حافظ قسم قرآنه ریب و ریادن اَل چک
شاید کی عیش توپو ووردوق جهانه گئدسین

ضز ۶۹/۱۲/۷

****

غزل ۱۹۸ مصراع اول : دمی با غم بسر بردن جهان یکسر نمیارزد

جهان باشدانباشا بیر آن یئییلمیش غملره ده‌یمز
مئیه سات دلقی بیل بوندان باها قیمتلره ده‌یمز

اگر میخانیه گئدسن اونو بیر جامه آلمازلار
نه لازیمدیر بئله سجّاده‌لر ساغرلره ده‌یمز

رقیبیم چوخ ملامتلر ائدیب کی اوّز چئویر بوردان
نه گلدی بو باشا یارب کی خاک درلره ده‌یمز

اوشاهلیق تاجینین شوقو کی‌واردیر اوْندا جان هوْلی
گؤزه‌ل بیر بورکدوْر او امّا ، بو درد سرلره ده‌یمز

منه آسان گلیردی نفع ایچون بیر سیر ائده‌م دریا
غلط ائتدیم کی بیر دالغا هامو گوهرلره ده‌یمز

سنه مشتاقلردن یاخشیدیر اوْز اوْرته‌سن جانا
کی دنیـــا آلماقین شوقو غم لشگرلـــره ده‌یمز

قناعت کُنجونو آختار اوْتور بیر گوشه‌ی دینجه
کی بیردم قلبی دار اوْلماق بو بحرو برلره ده‌یمز

قناعت ده چالیش **حافظ** بو آلچاق دنیانی وئلله
بیر آرپا منّتین چکسن تمام زرلـــره ده‌یمز

ت.ز ۶۹/۱۲/۷

****

غزل ۱۹۹ مصراع اول : کنونکه در چمن آمد گل از عدم بوجود

چمنده ایندیکی یوخدان اولوبدو گوْل موجود
بنفشه گوْللره ائیلیر باش اگمه‌سیله سجود

صبوح باده‌سی أیچ چنگ و دف نـــواسیله
بوخاقینا وور اوْپوْش ساقینین چالا، نی و عود

گوْلون ایاقینا اگلن شراب و شاهـــدیله
حیات گوْتلری داردیر ، بو گوْتلرون معدود

گؤیو ائشیلدادیری ریحانین گوْلوْن أیشیقی
یئرین مبارک اوْلان بختی ، طـــالع مسعود

او اینچه بئل گؤزه‌ل عیسی نفسلی ساقیدن
شرابیله داها وئللە حدیث عـاد و ثمود
دونوبدوّ جنّته سوسن گوّلیله دوْر جهان
ولی نه فایدا ، کی‌اوْلمور همیشه‌لیک دم و دود
هوانی گوّل دوتا مرکب ائده سلیمان تک
سحر قوشو اوْخویـار چون بنغمه‌ی داود
بو باغـدا تازه‌له آئین دین زردشتی
ائدیر چمنده عیان لاله آتش نمـرود
لبالب ائیله جامی آصف زمـان یادینا
وزیر ملک سلیمان عمـاد دین محمـود
اوْلار کی مجلس **حافظ** اوْتون جـلالیندن
او شیء کی ایستیری اوْلسون تمامیسی موجود ض.ز ۶۹/۱۲/۲۴

****

غزل ۲۰۰ مصراع اول : از دیده خوندل همه بر روی ما رود

اوْره‌گین غصّه‌سینه هی گؤزومون قانی آخار
گؤزلریم من نه دئییم جانیمی نه حاله سالار
بیر هوا واردی منیم بو سینه‌مین صدرینده
جانی گر باد آپارا بیل او هوادن آپارار
گیجیگیندن گوّن اگر چیخسا جیرار کوْینه‌گینی
گوّنه بنزر یار اگر اوْز قباسین چیگنه سالار

اوزومو من قویارام یار یولونون توپراقینا
سئوه‌رم گر ایاقین بو اوزومه یار قویار

گؤزوموّن یاشی ائله سیل کیمی جاریدیر
داشدا گر اولسا اوره‌ک احوالیما قان آغلار

گؤزومون یاشی‌ایله وار گئجه گوندوز بحثیم
بو جهتدن کی نه‌دن کوی نگاریمدا آخار

میخانا کوچه‌سینه صدق دلیله .... **حافظ**
صومعه صوفولاری‌تک صفادان بیرجان آتار ۷۱/۵/۴

****

غزل ۲۰۱ مصراع اول : خوشا دلی که مدام از پی نظر نرود

او گؤنول شاد اولاکی اؤیمویا هر بیر نظره
ائده‌لر هر یانا دعوت باخا بیر دور و بره

او شیرین لعل لبه یاخشیدیکی اولمیا میل
امّا میلچک نئجه میل ائتمیه آخر شکره

هرزه‌گرد اولما گؤنول تا اولاسان هر جائی
ساحه‌ی عشقده وئرمزله بها بی‌هنره

چوخدا اسگیک گؤزوله باخما من سرخوشاسن
شرعین آبروسی اوغول گئتمیه‌جاق بو قدره

من گداده هوس ائتدیم اوجا بویی بیر گؤزه‌له
چاتماز آل قامتینه آتماسان آل سیم و زره

سن کی اخلاقده بیر آیری سلیقن واردیر
ائتدیگین عهده وفا ائیله بو خونین جگره
عطریوی باد صبـــا تک داها مندن کسمه
نیه کی؟ اؤلماسا زؤلفؤن گئدر عؤمروم هدره
من اؤزؤمدن بترین نامه قـــرا گؤرمه‌میشـم
کی قلم تک اؤزؤمه هر یازیدا یاغدی قره
بؤب‌بؤتون تاجینـــا آلداتما منی ، آغ قارتال
قرقی تک اؤلمیاجاق قانع اؤلا مختصره
یوما گؤز قاره‌سینی گؤز یاشینا غصّه‌لیدیر
خالیوین نقشی گلیر هر گئجه گؤندوز نظره
باده وئر سن یئتیر اؤل اؤنو **حافظ** الینه
مجلسین سّرینی فاش ائیله‌مه سن بیر نفره ت.ز ۶۹/۱۲/۴

****

غزل ۲۰۲ مصراع اول : ساقی حدیث سرو و گل و لاله میرود

ساقیا سرو سؤزوؤ ، گؤل سؤزوؤ ، هم لاله ، گئدر
باشلانار بحث اگر اوچ دانا غسّاله گئدر
چمنین غنچه‌لری دؤلدو گـــؤله دور می وئـــر
گؤل چیچک صحبتینه صنعت دلاله گئدر
هند طوطیلری بوندان سورا شکـــر یئیه‌جک
فارسدان قند یوکو ایمدیکی بنگاله گئدر
سن بو شعرین سلوکون گؤرکی ائدیر طی مکان
باخ بو بیر گؤنلوؤق اؤشاقه ره صد ساله گئدر

عابد زاهدی یولدان چیخادان گؤزلره باخ
سِحر کروانی او جادولره دنباله گئدر
دنیا نازیله اوْغول چیخما یولوندان ، بو قاری
حیله‌گر اگلنه‌ر ، امّا اؤزو محتاله گئدر
اسیری باد صبا شـــاه گولوستـــانینده
شبنمین قطره‌لرینـدن قدح لاله گئدر
یاسمن اوزده تری، ناز ائدیری گؤرنه‌سیاق
اوْتانار شبنم اوزوندن عـــرق ژاله گئـــدر
شاه غیاث مجلسینین شوقون اوْتورمه **حافظ**
غافل اوْلما کی سینمدن گؤیه چوخ ناله‌گئدر ت.ز ۶۹/۱۲/۱

****

غزل ۲۰۳ مصراع اول : اگر آن طایر قدسی ز درم باز آید

اگر او قدس قوشو بو قاپودان بیرده گله
قوجالان گئچمیش عؤمرؤ بیرتازادان بیرده گله
بسلیرم بیرده امید سئل کیمی بو گؤز یاشیما
امیدین برقی کی گئتدی هوادان بیرده گله
باشیمـــا تاج اوْلان یارین ایـــاق تورپاقی
نه اولار باشه او توپراق تاریدان بیرده گله
دالیسینجا گئده‌رم آند اوْلا یولداشلاریمـــا
وجودوم یوخ ، خبریم اوْل قاپودان بیرده گله

ائتمیه‌م گر بو جانی یاریما قوربان نه ائدیم
داها آخر نه ایشه جوهر جان بیرده گله

دولته تازه یئتیشمک طبیلین چالدیرارام
تازه گئتمیش سفره قلبی آلان بیرده گله

سحرین خوش یوخوسو چنگ‌سسی مانعدیر
یوخسا آهیم اویاداردی یوخودان بیرده گله

حافظین آرزوسو شاهین آیا بنزر اوزودور
هانی بختیم کی شه دوْر زمان بیرده گله ۷۱/۵/۵

****

غزل ۲۰٤ مصراع اول : رسید مژده که آمد بهار و سبزه دمید

مشتوْلوق یئتدی بهار گلدی جهان گلخانادی
گر وظیفه یئتیشه خرجی می و میخانادی

قوشلارین صیحه‌سی گلدی شرابین تونگو هانی
گوْل نقاب آچمادا بوْلبوْل هوسی افغانادی

جنّتین میوه‌سینین لذّتینی هاردان آلار
او کی سیب زنخین لذّتینی آنلامادی

غصّه‌دن ائتمه شکایت کی ادب آنلامیان
زحمته دوْشمه‌دی دنیا دئدی راحت‌خانادی

ساقینین گوْل اوزوْتون ائیله بو گون دَر گوْلوْتو
میل‌سیز بو اوْره‌گیم بیر بئله قیل و قالادی

چوخ یاماخدان بو یانان خرقیه أود وورمالیام
کی اونو بیر قدحه پیر گرو ساخلامادی
زاهدین اوُیما بوجور اوْزده صلاح کسوتنه
کی اوْنون چوخ ایشی باخسان تله‌دی تولامادی
سووشور فصل باهار **حافظه** دی تاپسین اوْزون
باده‌نین فصلی گئچیر می مزه‌سی آنلامادی ق.ز ۷۰/۱/۲

****

غزل ۲۰۵ مصراع اول : بوی خوش تو هر که ز باد صبا شنید

کیم سنین خوش ایییوی باد صبادن ائشیدیب
آشنا پیغامینی اهل وفادن ائشیدیب
ای گؤزه‌للیق شاهی بیر ائیله نظر سائیلیوه
چوخ حکایت بو قولاخ شاه و گدادن ائشیدیب
عطرلی باده‌ایله جان داماغین خوش ائدیرم
بسکی هر صومعه‌ده ریب و ریادن ائشیدیب
آللاهین سرّی‌نی‌کی کیمسیه عارف دئمه‌ییب
عجبا باده ساتان سّری هارادان ائشیدیب
ایخدا محرم هانی سرّلره شرح وئرم
کی قولاخ‌لار نه قده‌ر ریب و ریادن ائشیدیب
حق بیلن کؤنلوْموْزون حقی دئیلدی بو قده‌ر
غم چکن سئوگیلی‌دن سؤز نه جفادن ائشیدیب

یار وصلینده اگر چاتمادی کامه اوزه‌گیم
کیمدی کی وصل ایینی کوی وفادن ائشیدیب

ساقیا باده گتیر عشق سنه های وورورو
کی دئیه‌ن هر نه دئیه‌ر خلق خدادن ائشیدیب

تک بوگوّن خرقه‌مین آلتیندا کی می ایچمه‌میشم
پیر میخانه نه چوخ سوّز بو قضادن ائشیدیب

باده وورماق دف و چنگیله بیزه عادتدیر
چرخ چوخداندیکی بو نوع صدادن ائشیدیب

خیردیر عین صوابدیر حکمانین اوگودو
خوش اونون حالینه کی سمع رضادن ائشیدیب

تک وظیفندی دعا ائیلیه‌سن سن حافظ
اومودون باغلاکی حق عرش علادن ائشیدیب ض ز ۷۰/۱/۲

****

غزل ۲۰۶ مصراع اول : ابر آزاری برآمد باد نوروزی

گلدی آزارین چمی اسدی یئنه باد بهار
چاتدی وجهی باده و مطرب اوّلوبدور برقرار

هر گوزه‌ل بیر جلوه‌ده منده جبّین شرمنده‌سی
عشقیله یوخسوللوغی وئردی بیزه پروردگار

آب رونی ساتماغا گلمز کرامت قحطی‌دیر
باده و گوّل خرقه و سجّادیه آلماق اوّلار

ائیله بیل‌کی پارلادی بخت اوُلدوزو ، کئچمیش گئجه

من دعایه دورمادا ، صبح اوْلدو بیردن آشکار

مین دانا گوّلمک دوداقدا باغه گلدی شاخ گوّل

بیر کرامت صاحبیندن گوئیا ایگ آختارار

رندلیکدن چاک اوْلوب گر بیر اَتَک یوخ قورخوسو

بیر قباده یاخشیلیقلا عاقبت انسان جیرار

کیم دئییب لعل لبوندن من دئیه‌ن تک مدحلر

من گؤرن ظلمو گؤره‌ن کیمدیرکی ائتمیش زوّلف یار

شاهین عدلی سورماسا گر عاشق مظلوملارین

گوشه‌گیرلر هاممیسی آسایشی الدن قویـــار

حافظه کیم ووردو عاشق اؤلدورن اوْخ بیلمیرم

من فقط گؤردوّم کی شعریندن اونون قان دامجیلار ت‌ز ۷۰/۱/۱

****

غزل ۲۰۷ مصراع اول : معاشران گره از زلف یار باز کنید

ای حریف‌لر تئلی‌نین هؤرمه‌لرین باز ائله‌یین

اوُزادین خوش گئجه‌دیر وقتی تلف آز ائله‌یین

مجلس اُنس‌ده یولداشلاریمیـز جمعـــدیلر

وان‌یکادی اوخویون جمعی سرافراز ائلـه‌یین

اوْجاسسله دئییری بیر قولاغاس ، چنگ و رباب

قولاغا سرقا ، سؤزوّن ، عالم هر راز ائله‌یین

غم ، سیزین پرده‌زی ، ییرتماز یاریما آند اولسون
تکیه ، الطاف خداوند سبب‌ساز ائله‌ییـن
عاشقین ، معشوقولا ، وار آرادا فـرقلـــری
یار اگر ناز ائلیه ، سیز ، نیاز ابراز ائله‌ییـن
اوّلین موعظه‌سی پیر موغـانین بئله‌دیـــر
چوخلو پرهیز مصاحب اوْلا ، ناساز ، ائله‌ییـن
قلبی عشقیله دیری اوْلمیانا مجلســـــده
اونا میّت نمـــازین اوْلمه‌میش آغـاز ائله‌ییـن

ایسته‌سه **حافظ** شیراز اگر بیر انعام
بیر حواله لب یاردان اونا احراز ائله‌ییـن ۷۰/۱/۵

****

غزل ۲۰۸ مصراع اول : معاشران ز حریف شبانه یاد آرید

حریفوزم منی سیز هر شبانه یاد ائله‌ییـن
حقوق بنده‌لیگی مخلصانه یاد ائله‌ییـن
اوْلاندا سرخوش عاشقلاردان آمو ناله سسین
آلین اَله نی و چنگ و چغانه یاد ائله‌ییـن
مئیین اگر اثری چیخسا ساقینین اوْزوْنه
عاشقلارا اوخییون بیر ترانه یـاد ائله‌ییـن
امیـــد اللرینی گـــر مرادینا چـــاتسا
گتیر بیزیمده آدی بیر میـــانه یاد ائله‌ییـن
اگرچه ، دولت آتی سرکش اوْلسا گئتمک‌ده
بو یولداشی ، شیغاییب تازیانه یاد ائله‌ییـن

ندن غمین یئمیسیز بیر وفالی دوستلاریزین

وفاسی اوْلمییان عهد و زمانه ، یاد ائله‌ییـن

جلال صدرینین ای ساکنی محبّت‌دن

قویوبدو **حافظ** اوْزوْن آستانه یاد ائله‌ییـن ۷۱/۵/۵

****

غزل ۲۰۹ مصراع اول : اگر روم ز پی اش فتنه ها برانگیزد

اگـــر دالینجا گئـــدم فتنه‌لر سالاجاق

اگرده گئتمه‌سم اونـــدا نه کینه‌لر قالاجاق

اگر گؤرەم کوچه‌ده بیر وفا یولیله یـــاری

دوْشم دالینجا اوْلام توز او یئل کیمی قاچاجاق

اگرطلب ائلیه‌م بیریاریم اوپوْش.... افسوس.....

....شیرین‌دوداقلاریندا شکرتک اوکلمه هی قالاجاق

او فتنه‌لر کی سنین نرگیزینده گؤرسه‌نیری

چوخ آبرو گؤرورم توپراقیله بیـــر اولاجاق

بو عشق چؤللری دام بلادی آلچـاق اوْجا

او شیردل ، بو بلادن ، هایاندا ... قاچمیاجاق

سن عؤمروْله دؤزوْم ایسته‌کی چرخ شعبده‌باز

نه چـــوخ عجیبه اوْیونلار نمـــایشه قویاجاق

قوی آستانه‌ی تسلیمه سن باشون **حافظ**

دیره‌شسه چرخیله هرکس زمانه سیندیراجاق ۷۱/۵/۵

****

غزل ۲۱۰ مصراع اول : چو آفتاب می از مشرق پیاله بر آید

چون‌کی جامین مشرقیندن باده گؤن‌تک باش آچار
عارض ساقی یانار سانکی اؤلار بیر لاله‌زار
گؤل باشیندا یئلده اؤینار سونبولون کاکل‌لری
چون چمنده گؤل قوتازی یئل ده‌یه‌نده اوینایار
آیریلیق شرح و بیانین سؤیله‌مک آسان دئیل
شرح وئرسن یؤزلر ایل آخر یئنه چوخ سؤز قالار
باغلاما کؤنلؤن بو چرخین ترسه چؤنموش خوانینه
مین دانا خون دله بیر لقمه‌سین الدن آلار
جد و جهده چوخ دئیل باغلی یئتیشمک کاموه
قسمتونده اؤلماسا اوردان ، آلون بوشدا قالار
نوح تک صبرون اگر اؤلسا نه غم طوفاندن
ردّ اولار دیبده بلا مین ایل‌لیگین کامین آلار
توپراقیندا گر نسیم زؤلفؤن اسسه **حافظه**
او نسیمین عطری ائیلر تربتین بیر لاله‌زار ۷۰/۱/۵

****

غزل ۲۱۱ مصراع اول : نفس برآمد و کام از تو بر نمیآید

نفسیم چیخدی باشا گلمه‌دی کامیم ثمره
یوخودان قاوزامیور باش نیه بو بخت قره
گؤزؤمه سالدی اؤ توپراق بو صبا یاریمدن
اؤلسا گر آبحیات گلمیه‌جکدیر نظره

او اوجا قامتبوی باغریما گر باسمیارام
کامرانلیق آغاجی دوْلمیه‌جک بار و بره

اویارین گوْیچک اوْزو بلکه آچا بیرایشیمی
یوخسا امّید یوخومدور داها کار دگره

خوش قارالتی گوْره‌لی زوْلفووْ کوْنلوْم یئرائدیب
بو بلاکش غریبه منتظریک بیر خبره

صدق الیله آتیرام مینلریله تیر دعا
بیری یئتمیر نه ائدیم مرتبه‌ی کارگره

کوْنلوْموْن چوْخلو سوْزو واردی نسیم صبحه
بخته باخ چاتدیرا بیلمیر منی بیرجه سحره

عوْمرو گوْن باشه چاتیبدیر بو خیالدا هله‌ده
قره زوْلفون خیالی چیخمادی آخرده سره

بسکی **حافظ** اوْره‌گی هاموْدان اوْلکوْب یئنه‌ده
چیخمیری حلقه‌ی زوْلفوندن او یارین به دره

۷۱/۵/۵

****

غزل ۲۱۲ مصراع اول : اگر ببادهٔ مشگین کشد دلم ، شاید

گر کوْنوْل باده‌ی مشگینه چکه ایش یارا یار
کی ریا زهد ائلیه‌ن آخری یوللاردا قالار

دنیانین اهلی منی ائتسه‌له گر عشقده منع
ائده‌رم من او ایشی دییده‌کی آللاه بویورار

کسمه فیض کرمیندن اومودون ، خُلق کریم
عفو ائدر هر گناهی باغلی قاپو دیبده آچار

حلقه‌ی ذکرده کؤنلوّم او جهتدن یئر ائدر
بلکه بیر حلقه آچا کاکل زوّلفوّنده او یار

سنه کی تانری وئره‌ن حسن اوْلوب خوشبختدن
داها یوخ احتیاجی گر بزه‌گه اوْلسا قرار

هواسی خوش چمنین ، باده‌ی بیغش الده
چکیری خوشلیگه بونلار بیزی عیشه چاغیرار

بیر عروسدو بو جهان چوخدا گؤزه‌ل امّا هوش ائت
بو قادین هرکیمه گئتسه او ساعت تئز بوشانار

آغلاراق یاره دئدیم یالوارالی کی نئجه اولی
خسته عاشق سنیله بیر ائلیه بوس و کنار

گوّلدو ، **حافظ** دئدی سن آللاها باخ اوْلما رضا
بوسه‌وین لکّه‌سی دوشسه آی اوّزومده قارالار ۷۱/۵/۵

****

غزل ۲۱۳ مصراع اول : نه هر که چهره برافروخت دلبری داند

هراوّزقیزاردان اوْغوّل راه‌دلبری بیلمز هر آینه قاییران‌دا سکندری بیلمز
اوّزون‌دوتوب اوّتوماقلااوبؤرکو ایری‌قویان باشیندا تا جوری ، راه سروری بیلمز
گدا کیمی ائله‌مه بنده‌لیک پول آلماقیلا کی‌خواجه فکر ائله‌مه بنده‌پروری بیلمز
او رند چاکریم الدن عافیت قاپسین گدالیقیندا سئوای کیمیاگری بیلمز
وفای عهد گؤزلدیر اگر آدام بیلسه خیال ائتمه کی هاممو ستمگری بیلمز

اؤدوزدوم الده بو کؤنلو خیال ائیلردیم آدام‌بالاسی بوجور شیوه‌ی پری بیلمز
نه‌چوخلونکته‌کی‌توّکدن‌ده‌ایشگه‌دیربورادا کی قیخدیرارتوّکوّن امّا قلندری بیلمز
باخیشدانقطه‌ی‌کاممدیراوّزده قاره‌خالون کی قیمتین اودوّروّن غیرگوهری بیلمز
گؤزه‌للره شاه اولان حسن روی قامتده جهانی فتح ائلیه‌ر دادگستری بیلمز
گؤزون یاشیندااغریقم نه چاره‌یه ال آتیم کی دریادا هامو کس‌لر شناوری بیلمز

چیخاردار ایراد او کس **حافظین** غزللرینه
کی لطف طبع ندیر شیوه‌ی دری بیلمز ت‌ز ۷۱/۵/۴

****

غزل ۲۱٤ مصراع اول : نیست در شهر نگاری که دل ما به برد

شهرده یوخدو نگاری کؤنوّلو تا آپارا
بخت اگر یار اولا ، زحمتی یکجا آپارا
هانی‌بیر یاخشی‌حریف کی کرمیندن، عاشق
قلبینین یانقوسونا نام تمنّـــا آپارا
بیخبر باد خزاندان گؤروّرم ای بـاغوان
آه او گوّندن کی گله یئل گوّل رعنا آپارا
روزگار یول کسه‌نیندن اوتوما چوخ غافل
گر بو گوّن قاوزاماسا قوخ کی صاباحا آپارا
اؤز خیالیمدا گؤزه‌للر هاموسو صف چکیلر
بلکه صاحب نظری نام تماشـــا آپارا
بیربئله فضل‌وبیلیک قیرخ‌ایلی‌بیغدیق‌سینه‌یه
قورخورام مست گؤزو ائیلیه یغما آپارا

سحریله معجزه هئچواق دهٔیی بیر ایگیلی اوْل
سامری کیمدی کی اسم یـــد بیضا آپارا

مئیین اوْل مینا جامی غصّه‌یه بیر سد کیمیدیر
قویما الدن کی غمین سئللری اَز جا آپارا

چوخ کمان قاشلی بو یولدا اوتوروب بوسقودادیر
خوش او عاقل حالینا قویمیا اَعدا آپارا

جان اگر ایستیه **حافظ** او یارین غمزه‌لری
ائویوی خلوت ائله قوی کی کؤنوْل تا آپارا ق.ز ۷۰/۳/۸

****

غزل ۲۱۵ مصراع اول : اگر نه باده غم دل زیاد ما به‌برد

اوْلماسا باده کی غم، دردلی کؤنوْلدن آپارار
حادثات غصّه‌لری جانیمی کؤکدن قوپارار

چکمه‌سه عقل اگر کئفلی لیگه لنگرینی
بو خطردن گمی‌نی ساحله کیمدیر آپارار

وای‌کی بو چرخ‌فلک گیزلی اوتوبدورهامونی
بو دغادن آپارانماز کیمیسی ائتسه قومار

ظولوماتدیر بوگئچک بس‌بویولون‌خضری‌هانی
آبرو قورخوسو وار آتش حرمان‌دا یـــانـــار

بو ضعیف قلب چکیر جانیمی اوندان چمنه
کی اوْلوْمدن قوتارا بلکه صبـــا درده سالار

باده‌نین معجونونو وئر کی منم عشقه طبیب
بـــو دوا راحت ائدر آغرینی باشلاردان آتار

حافظه أود وورولوب کیمسه دئمز یاره ندن
تانریدان اؤتـــره مگر بـاد صبا سؤز آپارار ۷۱/۵/۶

****

غزل ۲۱۶ مصراع اول : در ازل هر کو بفیض دولت ارزانی بود

وارلا ، دولت هر کیمه اوّلده ارزانـی اوْلار
باشه‌جاق همدم اونا بیر دلبر جانی اوْلار

باده‌دن من توبه ائتسم هر ساعت من قورخورام
میوه وئرسه بو آغاج آخر پشیمانی اوْلار

گر سالام سجّاده سوسن‌تک توتاخ من چیگنیمه
گوْل کیمی می خرقه‌ده رنگ مسلمانی اوْلار

جام چراغی اوْلماسا خلوتده من اگلنمه‌رم
خلوتی هر اهل دل واجبدی نورانی اوْلار

یازگلیب عشقین‌سؤزو هریاندا شادلیق بیغواسی
آلماسان جانان الیندن می گرانجانی اوْلار

همّتین عالی اوْلا جامین مرصّع اوْلماسین
رنده بیر پیمانه می یاقوت رمّانی اوْلار

أیسته‌سن خوشناملیگی پیسلردن اعراض ائت کؤنوْل
خودپسند اوْلماق جانیم برهان نادانی اوْلار

گر چه بیساماندیر أیشلر چؤخدا اسگیک دوتماسن
یولچولوق بو مملکتده رشگ سلطانی اوْلار

سئوله‌دی دوْن بیرعزیز **حافظ** أیچرگیزلینده می
یاخشیراقدیر کی گناه گیزلینجه ، پنهانی اوْلار ت.ز ۷۱/۵/

****

غزل ۲۱۷ مصراع اول : ترسم که اشك در غم ما پرده در شود

قورخورام گؤز یاشی غم غصّه‌لره آخسا اگر
اوْلار عالم‌لره اوْندا اوْره‌گین سرّی سَمَر

داش دئیه‌للر کی دونر لعله اگر صبر ائله‌سن
اوْلار امّا کی گره‌ک چوخ یيه‌سن خون جگر

گئده‌رم میخانایـــا شکوه‌یه آغلار گؤزوله
قورتولاق غصه الیندن داها بیر اوردا مگر

ائله‌کی باش چکیری سرو بؤیون عاشقدن
قیسسا قوللاردا نئجه یئر تاپاجاق اینجه کمر

سن کی بو سلطنتین قصرینین آی پارچاسی‌سان
آستانیندا نه عیبی توپ اوْلا باشلار اگر

دعانین اوْخلارینی هر طرفه توْتله‌یيرم
بیریسی اوْخلاریمین شاید ائده اوندا اثر

عشقوون کیمیاسیندان سارالیب گوْل رنگیم
همتون اوْلسا بلی توپراق اوْلار حتم‌دی زر

یاره بیر نقل ائله‌یین عشقیمیزین شرح حالین

یئتمه‌سین باد صبایه دئییین امّا بو خبر

اوْره‌گین سیخما اگر غم سنه بیر گوْن وئره اوْز

آللاها شوْکر ائله‌کی اوْلمیا بد دنده ..... بتر

ای کوْنوْل صبر ائله ، غم غصه یئمه آخرده

گئده‌جکدی بوگئجه صبح اوْلاجاق گلسه سحر

رقیبین نخوتی‌نین حیرتینی فکر ائدیرم

ائتمه یارب کی گدا بیر گون اوْلا صاحب فر

نکته چوخ واردی گوْزه‌للیک سئوایی دلبرده

کی نظر بازه اوْلار ، خوشگل اوْلان مدّ نظر

قبردن قاوزا باشین یار یوْلونا قوی **حافظ**

اوْلسا توپراقی یارین سیز ایچون راه سپر ت.ز ۶۹/۱۲/۳

****

غزل ۲۱۸ مصراع اول : گر من از باغ تو یك میوه بچینم چه شود

باغیوین میوه‌سینی بیر دانا درسم نه اوْلار

أیشیقونلا ایاغیم آلتینی گوْرسم نه اوْلار

اوْجا بوْی سرو کیمی قامتووْن سایه‌سینه

من یانمیش نئچه دم اوردا اوْتورسام نه اوْلار

جمشیدین خاتمی کی اوندا سلیمان ایزی وار

عکسوی گر اوْزوْگوْم قاشینه سالسام نه اوْلار

واعظ شهر شه و شحنیه چوخ میل ائله‌دی
منده بیر عشق نگار قلبیمه آلسام نه اوْلار
هوشو باشدان چیخادار باده اگر بویله اوْلا
ترسه‌سی سؤزلری گر منده دوْشوْنسم نه اوْلار
می و معشوقیه صرف اوْلدو عزیز عؤمر آخر
أیکیسینده اؤزوْمه گر پیشه ائتسم نه اوْلار
عشقیمی باشه دوشوْب خواجه داها سؤز دئمه‌دی
حافظینده نظرینده بئله اوْلسام نه اوْلار ت.ز ۶۹/۲/۱۶

****

غزل ۲۱۹ مصراع اول : خستگانرا چه طلب باشد و قوت نبود

خسته‌نین کؤنلوْ سئوه‌ر حیف کی قوّت اوْلماز
سنده گر ظلم ائده‌سن شرط مروّت اوْلماز
بیز جفا گؤرمه‌میشیک سنده جفا ائتمه‌سن هئچ
او کی مذهبلرینین اهل طریقت اوْلماز
خیره اوْل گؤزکی اونون‌اشگی یوماز عشق اؤدونو
قاره او قلب اوْلا کی شمع محبّت اوْلماز
همایین سایه‌سینین یُمنینه دولت طلب ائت
کرکس و قارقادا چون شهپر دولت اوْلماز
گر مدد ایسته‌میشم پیر موغاندان دئیل عیب
پیریمیز چون بویوروب صوفودا همت اوْلماز

کعبه و بتخانا بیردیر اگر اوْلماز پاکلیق
خیری اوْلماز او ائوین هانداکی عصمت اوْلماز
علم اوگرن ادب ائت مجلس شاهدا **حافظ**
ادبی اوْلمیانین لایق خـــــدمت اوْلماز ۷۱/۵/۶

****

غزل ۲۲۰ مصراع اول : **مرا مهر سیه چشمان ز سر بیرون نخواهدشد**

نئدیم کی قاره گؤز عشقی منیم باشدان کنار اوْلماز
قضای آسمانیدیر داها آیری قرار اوْلماز
اذیّت‌لـــر رقیب ائتدی باریشماق امکانی یوخدور
سحرخیزین مگر آهی قبول گردگار اوْلماز ؟
اوْلوبدور روز ازلده منه چون رندلیک قسمت
اوْلوب اوْلده بو بؤلگو ، آزالماز ، بیشمار اوْلماز
سن آللاه محتسب بیزدن ، نی و دف ناله‌سیله گئچ
شریعت‌سازی بوسیزدن یقین بی‌اعتبار اوْلماز
منیم آنجاق گلر الدن کی گیزلی عشق ائده‌م یاره
کی حدّیمده دئیل بوسه خصوصاً آشکار اوْلماز
شراب لعل اوْلا بیر امن یئرده یاریله خلوت
بئله‌نچیک خوش‌ساعات کؤنلوْم داها هئچ‌روزگار اوْلماز
بوغم نقشین یوما ای گؤزسرشگیم قلب **حافظدن**
کی یاریمدندی بو یاره اوْره‌کدن قان کنار اوْلماز ت.ز ۷۰/۱۰/۶

غزل ۲۲۰ ۲ـنجی ترجمه مرا مهر سیه چشمان ز سر بیرون نخواهدشد

قارا ، قاش گؤزلرون عشقی بو قلبیمدن کنار اوْلماز
قضانین ایشلری حتمی‌دی بیر آیری قرار اوْلماز

منه بیر عشقدن باشقا یازیلمیب آلنیما بیر شیء
داها اوْردا اوْلان قسمت قلیل و بیشمار اوْلماز

منه گیزلینده امکان وار کی عشقیندن وورام بیردم
وصال و بوسه دلبردن بیزه هئچواق نثار اوْلماز

شراب لعل اوْلا ، ساقی اولا ، بیر امن خلوت یئر
نوقت امکان اوْلا یارب اگر بو روزگار اوْلماز

دف و نائیله فریاده یئتیش آللاهه باخ ، دارغا
کی شرعین ساز و قانونو بولارلا بیقرار اوْلماز

دئدی خلوتده مجنون بیر گئجه لیلایه ای دلبر
سنه عاشق اوْلار امّا داها مجنون زار اوْلماز

رقیب آزار ائتمگله باریشماق یوللارین دوتدو
مگـــر مظلوملارین آهی قبول کردگار اوْلماز

گؤزوم ، غم نقشینی سیلمه آپارما قلب **حافظدن**
کی یارین تیغی‌نین زخمی علاجه سازگار اوْلماز ت.ز ۶۹/۱۲/۱۵

غزل ۲۲۱ مصراع اول : گداخت جان که شود کار دل تمام و نشد

اریب جان و اوْره‌ک کامی روا اوْلمادی هئچ
خام خیالیله یانیب أیشده روا اوْلمادی هئچ

وعده وئردی منه کی مجلسیمین شاهی اوْلا
من اوْلام بلکه غلام او سرا اوْلمادی هئچ

وئردی پیغام کی من رندلره یار اوْلارام
قوچاق اوْلدوم بیرعؤمرْ اوندا وفا اوْلمادی هئچ

سینه‌ده قلب قوشو گر دوگوْنه واردی یئری
تله‌نین پیچ و تابین گؤردو حیا اوْلمادی هئچ

مستیلیکده هوس ائتدیم کی اوپم لعل لبون
اوْره‌گیم کاسه کیمی دولدو قانا اوْلمادی هئچ

گؤسترن اوْلماسا یول قویما قدم عشقه طرف
من تقلا ائله‌دیم اوْز باشیما اوْلمادی هئچ

مقصودون خزنه‌سینین نقشه‌سینی آختاراراق
خراب اوْلدوقدا ، خزانه آرادا اوْلمادی هئچ

وای و افسوس کی یار محضرینین دولتینی
ایسته‌دیم اهـــل کرمدنـــده روا اوْلمادی هئچ

مین دانا حیله وورروب فکریله **حافظ** امّا
رام اولا یار و ائده بلکه وفا اوْلمادی هئچ

ت‌ز ۶۹/۲/۲۴

****

غزل ۲۲۲ مصراع اول : روز هجران و شب فرقت یار آخر شد

آیریلیق گوْن گئجه‌سی فرقت یار چاتدی باشا
بیرفال‌آچدیم گئچیب‌اوْلدوز داهاکارچاتدی‌باشا

خزانین بیر ائله نازی کی تنعّم‌ده‌أیدی
عاقبت سون قویولوب گلدی باهار چاتدی باشا

خالقه شوکر اوْلا کی گوْل تاجینین اقبالینا
دی آیین نخوتی‌ده شوکت خار چاتدی باشا

او امیدین سحری دالدالانیردی دالیـــدا
ده‌کی‌چیخسین‌ائشیگه اوْل شب تار چاتدی باشا

او قارا غملی اوْزون قلبی سیخان پیس‌گئجه‌لر
چونکی گلدی الیمه زوْلف نگار چاتدی باشا

گوْن‌لرین پیس گئچه‌گیندن هله‌ده شکّ‌ده‌یم
غصه‌لر قصه‌لرین وصلت یار چاتدی باشا

ساقیا لطف ائله‌دین جامین اوْلا می‌له دولو
کی سنین همتوه حال خومار چاتدی باشا

گر چه قویموردو کیمی ، **حافظی** بوردا حسابا
شوکر کی محنت بیحد و شمار چاتدی باشا ۷۱/۵/۶

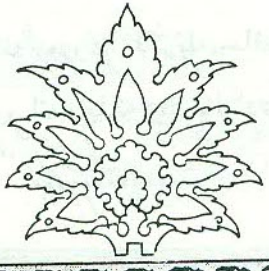

غزل ۲۲۳ مصراع اول : نفس باد صبا مشک‌فشان خواهدشد

صبانین خوش نفسی مشک‌فشان اوْلمالیدیر
قوجالان دنیا داها بیرده جوان اوْلمالیدیر

ارغوان یاسمنه جام عقیق وئرمه‌لیدیر
چیچگه نرگیزیلر چوخ نگران اوْلمالیدیر

گوْل عزیزدیر اونو گؤرمکده غنیمت سانا عؤمر
گر بو یاندان گؤروْکه بیرده اویان اوْلمالیدیر

بس کی بوْلبوْل غم هجراندا چکیب جؤر و جفا
گوْل سراپرده سینه صیحه زنان اوْلمالیدیر

قدحی شعبان آیيندا یئره قویما کی بو گوْن
غیبتی فطره قدر تا رمضان اوْلمالیدیر

مجلس انسده مطرب چال اوخو شعر و غزل
نه قدر بحث چنین یا کی چونان اوْلمالیدیر

گر خراباته گئدم عیب ائله‌مه مسجددن
مجلس وعظ اوْزون چوخلو زمان اوْلمالیدیر

سندن اوتره وجودا قویدو قدم چون **حافظ**
یولا سال ائیله وداع چونکی روان اوْلمالیدیر

ت.ز/۷۰/۱/۱۶

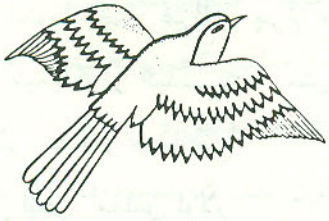

غزل ۲۲٤ مصراع اول : ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد

پارلاییب اؤلدوز کیمی ماه اؤلدو مجلسده او یار
اؤلدو مونس گؤردو اؤنسوز قلبیمی غم دؤلدورار

گؤرمه‌ییب عؤمرونده یاریم گرچه مکتب مدرسه
غمزه ائتمکده اؤنـــا شاگرد دی مین آموزگار

یاریمین امّیدینه مثل صبا مینلر کؤنؤل
نسرینه یا نرگیزه مینلرجه یؤل قوربان اؤلار

مجلسین صدرینده ایمدی یئر ویریر دوستلار منه
باخ بو شهرین درویشین سلطان ائدیبدیر روزگار

خیضـردن آبحیات أیستیـردی هم جام جمی
شاهدن جرعه أیچیب الده آلیب چوخلو سوار

بیـر داها آباد اؤلار کاخ محبت‌دن کؤنؤل
چون مهندس‌لیک ائدیر اؤردا کمان ابروی یار

لبلرین پاک ائیله مئیدن ای سن آللاه بو یازیق
بیر گناهدان اوتره لعل لبلروندن پای اومار

ناز و غمزه‌ن عاشقی باده کیمی اؤیدورمادا
علم‌وعقلی‌گیج قویوب‌هوش و حواس أیشدن سالار

آلتونا بنزر غزللر چوخ عزیزدیر جان کیمی
کیمیاگرلر الینـــــده مس‌ده اؤلسا زر اؤلار

ترک ائدر آخـرده دوستلار باده و میخانه‌نی
حافظه اؤخشار گؤره‌للر می أیچن مفلس اؤلار

۷۱/۸/۱۹

غزل ۲۲۵ مصراع اول : زاهد خلوت نشین دوش بمیخانه شد

خلوتی زاهد قویوب آتلادی میخانیه پیمانی‌دا سیندیریب ال آتدی پیمانیه
صوفی‌مجلس‌اوْلان جام‌وقدح سیندیران می ووراللی چوندو تئز عاقل و فرزانیه
جوانلیگین گؤیچه گین گؤرموش‌ایدی‌رؤیادا ایمدی قوجاایکن دوْنوْب عاشق دیوانیه
دین ودله یول کسن مغبچه یولدان گئچن آشنا گؤرمک همان اوخشادی بیگانیه
گوْل‌اوْزونون‌شعله‌سی‌بوْلبوْلی‌ائتدی‌کباب شمع گوْلوْب أود ووروب اوْل پر پروانیه
شام وسحر ناله‌سی شکراوْلاگتدی بوشا گؤزیاشیمیزدگیشیلیب گوهر بیردانیه
آیت افسونگری باشلادی ساقی گؤزو مجلیسیمیز ذکریده بنزه‌دی افسانیه

پادشاهین درگاهی منزل اوْلوب **حافظه**
دلدارا گئتدی اوْره‌ک جان بر جانانیه ۷۱.۵.۶

****

غزل ۲۲۶ مصراع اوْل : یاری اندر کس نمی‌بینم یارانرا چشد

گؤرمورم بیرکسده یاردیم جمع یاران بس هانی ؟
چاتدیمی دوستلوق باشا اوْل دوستاران بس هانی؟
تیره‌لندی آب حیوان خضر فرخ پی هـــانی ؟
رنگی سولدو گوْللرین باد بهاران بس هانی ؟
دوستلوق حقی اوْلسادا بیرکیمسه هئچ گلمیردیله
حق بیلنلر ایچون نه گلدی حق یاران بس هانی ؟
واردیر ایللر کی مروت لعلی معدنلرده یـوخ
گوْن ندن شاخمیرداها اوْل بادوباران بس هانی ؟

شهریارلار ، مهربانلار یوردو اؤلموش بو دیار
مهربانلیق باشه چاتدی شهریاران بس هانی ؟
بخت و اقبال توپونو میدانه سالمیشلار بو گؤن
میدانا بیرآت سالان یوخدور سواران بس هانی ؟
زهره هئچ چالمیر سازین عودون مگر یاندیردیلار
مستلیق ذوقون بیلن یوخ میگساران بس هانی ؟
تانری اسرارین بیلن یوخ ساکت اؤل **حافظ** داها
چوخ سئوال ائتمه کی دور روزگاران بس هانی ؟ ۷۰/۱/۱۵

****

غزل ۲۲۷ مصراع اول : گر چه بر واعظ شهر این سخن آسان نبود

واعظ شهره بو سؤز عرضه‌سی آسان اؤلماز
ائتمه‌سه ریب و ریا شکلی مسلمان اؤلماز
رندلیقدا کرم ائت یوخسا هنر چوخدا دئیل
جانور أیچمیه می یا کی مسلمان ، اؤلماز
ذات پاک اؤلمالیدیر تاکی چاتا بیر فیضه
یوخسا هر داش قیه‌لر لوءلوء مرجان اؤلماز
اسم اعظم گؤررآخرده أیشین قلبی خوش ائت
حیله و افسونلا دیو سلیمان اؤلماز
یاشیرام عشق و امیدیله ، کی بو فن شریف
آیری بیر پیشه کیمی باعث حرمان اؤلماز

یار دوّنن وعده وئریبدیر صباحه کام دله
وار امید آللاهاکی دیبده پشیمان اوْلماز

حُسن خُلق ایستیرم آللاه کی وئره دلبریمه
کی داها بیرده اوْزه‌ک زار و پریشان اوْلماز

ذرّه‌نین اوْلمیا تا همّتی عالی **حافظ**
طالب چشمه‌ی خورشید درخشان اوْلماز ۷۱/۵/۶

****

غزل ۲۲۸ مصراع اول : هر که را با خط سبزت سر سودا باشد

کیم کی یاشیل خطوه بیر سرسوداسی اوْلار
خطدن چیخماز ایاق چوخدا کی قالماسی اوْلار

لاله‌تک من کی لحددن باشیمی قاوزیارام
سوداوین داغی اوْزه‌ک سرّ سویداسی اوْلار

نقدر ای باهالی دُرّ روا ائیلییه‌سن
مردمون گؤزلری غم سیلینه دریاسی اوْلار

کیپریگیم هر توکوّنوّن دیبلری چشمه آخیدیر
سیره گلسین دئنه کیم میل تماشاسی اوْلار

پرده‌دن بیرمی‌وگوْل‌تک آچ‌اوْزون چیخ ائشیگه
بیرده مشگلدی کی وقت گؤرمگه پیداسی اوْلار

خم‌زوّلفون او اوْزون کؤلگه‌سی دوشسون باشیما
کی او کؤلگه کؤنوّلون مایه‌ی شیداسی اوْلار

گؤزووّن **حافظه** گر اوْلماسا میلی یارا یار
باش آغیردیر او کیمی نرگیز رعناسی اوْلار ت‌ـز ۷۰/۱/۶

غزل ٢٢٩ مصراع اول : نقد صوفی نه همه صافی و بیغش باشد

صوفی صاف گره‌ک هامموسو بیغش اوْلسون
واردی چوخ خرقه‌کی مستوجب آتش اوْلسون

او بیزیم صوفو کی ورد سحریـدن خوشودو
گئجه‌لر باخسان‌اگر چوخ اولو سرخوش اوْلسون

خوش اولار گـر آدامی بیر چکه‌له امتحانا
تاکی اوْلسون قارا اوْز کیمسه‌ده‌کی غش اوْلسون

نازپرورده‌لرین یوللاری دوْشمز دوستـــا
عاشقین شیوه‌سیدیر رند بلاکش اوْلسون

ساقینین خطّی اگر اوْلسا بوجور نقش برآب
قانلی گؤز یاشینه چوخ اوْز کی منقّش اوْلسون

دنیا غم غصّه‌سینی وئلله دور أیچ بیر باده
حیفـــدیر آنلیانین قلبی مشوّش اوْلسون

دلق و سجّاده‌نی **حافظ** ساتاجاق باده آلا
می توکن جامه اگرساقی مهوش اوْلسون ت.ز ٧١/١/٤

****

غزل ٢٣٠ مصراع اول : خوش است خلوت اگر یار یار من باشد

خوشدو خلوت کی اگر یار منه یار اوْلا
نه کی من شعله‌ده او شمع هر اغیار اوْلا

او سلیمان اوْزوْگوْن من هئچه‌ده آلماییرام
کی تاخان بارماغینا دیـو تبهکار اوْلا

سن اؤزون، وصل‌حریمینده خدا ائتمه روا
منه حرمان ..... رقیبه وصلت دلدار اوْلا

دۀ همایون قوشونا سایه شرفدن سالما
او یئرین طوطوسو ، کی زاغ دلازار اوْلا

دیله گلمک اوْره گین شوقونا یوخدور حاجت
یانقوسو گر اوْره گین هاندا شرربار اوْلا

نئجه آتسین هاواسین باشدان عاشق یار دیارین
او دیاردا کی عاشق یاره گرفتـــار اوْلا

حافظین اون دیلی اوْلسایدی اگر سوسن تک
باغلانار غنچه کیمی یاره گرفتار اوْلا ۷۱/۴/۱۴

****

غزل ۲۳۱ مصراع اول : خوشامد گل وزان خوشتر نباشد

گلیب گوْل فصلی اوندان خوشتر اوْلماز کی اوندان یاخشی الده ساغراوْلماز
ایتیرمه شادلیگین وقتین چالیش تاپ کی دائم بیل صدفده گوهر اوْلماز
غنیمت بیل می أیچ گوْل فصلی قارداش کی گوْل تا نئچه هفته دیگر اوْلماز
نه دیر عشقین یولو بیلمم کی اوْردا چیخاردار باشه کیم اوندا سر اوْلماز
بیزه همدرس سن گر دفترین یـــو کی عشق علمی یازیلمیش دفتر اوْلماز
ائشید مندن کؤنوْل وئر بیر نگاره کی زینت گؤیچگی یا زیور اوْلماز
بیزیم میخانیه سن دور گل ای شیخ او میدن وور کی طعم کوثر اوْلماز
قیزیل جامه توکن ای لعل بـــاده باغیشلا اوْل کیمه اوندا زر اوْلماز
خمارسیز می ، ائله روزی خـــدایا کی اوندا هئچ جوره دردسر اوْلماز
واریمدیرجان گوموْشدن نازلی بیربت اونا تـای لولیـــان آذر اوْلماز

چیخاردار **حافظه** ایراد او نادان
اونون صندوقچاسیندا گوهر اوْلماز ق.ز ۶۹/۱۲/۴

غزل ۲۳۲ مصراع اول : کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد

شاد شعر قوشارمی هئچ گر قلب حزین اوْلسون
بیر نکته بو دفترده یازدیم کی همین اوْلسون

گر جانه امان تاپسام یارین لب لعلیندن
مین ملک سلیمانیم وار گر او نگین اوْلسون

غمگین آ کؤنوْل اوْلما ریشخند ائده گر حاسد
شاید کی درین باخسان خیرین‌ده همین اوْلسون

خُلیالی مدادیمدن فهم ائتمیه‌نه بیر شیء
آلمام من اونون نقشین صورتگر چین اوْلسون

می جامی اوْره‌ک قانی هر کیمسیه بیر پای وار
معلوم دئیی آخرده هر پایدا کیمین اوْلسون

حکمونده گوْلاب و گوْل ازّلده یازیلمیشدیر
بازاردا او بیر گؤیچک بو پرده‌نشین اوْلسون

ظن ائتمیه‌سن بیروقت رند اوْلمیاجاق **حافظ**
گر رندایمیش ازّلده تا روز پسین اوْلسون ۶۹/۱۰/۱۶

****

شیوایه دو وئر باده بیربوسه‌ده اوستوندن
تاروز قیامت قوی عشقونده رهین اوْلسون

یارین ایاق‌آلتیندا دفن ائیله منی ایدوست
قوی تورپاقیمیز باهم آخرده عجین اوْلسون

بو آخر عؤمرومده یوخ همدمیم ای یاران
یوخ‌فرقی آدی هرنه زینب یاشهین اوْلسون

غزل ۲۳۳ مصراع اول : گوهر مخزن اسرار همانست که بود

سرّلـــر مخزنی‌نین دُرّی همانیدیکی وار
عشق صندوقونه اوّل مهر و نشانیدیکی وار
هـــامو اربـــاب امانتدیله بـــو عاشقلر
دُر سپه‌ن گؤزلریده عین همانیدی کی وار
بیلیری باد صبا هر گئجه‌لر صبحه کیمی
زوّلفوّنوّن عطری بیزه مونس جانیدیکی وار
گوهر و لعله گوّنوّن احتیاجی یوخ یوخسا
اونون اؤز خاصیتی معدن و کانیدیکی وار
غمزه‌وین قوربانینی بیرجه زیارت ائیله
چونکی بیچاره همان دل نگرانیدی کی وار
قاره زوّلفوّن دئمیشم بیرده بیزه کسمیه یول
نئچه ایلدن سورا ایش دیبده اوسانیدیکی وار
اوّره‌گیم قانینی سن لاپدا دئیل گیزله‌ده سن
لعل لبلرده او قـان عیناً عیانیدیکی وار
قان آخان گؤزلرونوّن‌قصه‌سینی **حافظ** ده
کی بو سرچشمه‌ده اوّل آب روانیدیکی وار ۷۱/۵/۶

****

غزل ۲۳٤ مصراع اول : سالها دفتر ما در گرو صهبا بود

قالدی دفتر نئچه ایللر گرو صهبـــاده
میخانا رونقه چاتمیشدی بیزیم سوداده

سن او پیر موغانین یاخشیلیغین گؤرکی بیزیم
هر غلط ایش ائله‌دیک یاخشی گؤروّر دنیاده

می‌ایلن قوی یویالار دیبده منیم دفتریمی
کی فلک دیش قیجیدیب قصد دل داناده

گر گؤزه‌للیک تانیسان بتلرین آنیّتی دیر
نکته‌دان شخص دئییب بو سؤزو بیر ایماده

گردش ائیلیردی اوّره‌ک دوره‌لری پرگار تک
حیران اوْلموشدو آتیردی قدمین در جاده

درد عشقینده اوْخوردو مطرب خوش آهنگ
کیپریگی هر حکیمین حالت خون پـــالاده

گوْل‌کیمی ارخ قیراغیندا گؤز آچیب شاد اوْلدوم
کؤلکه سالمیش باشیمـــا سرو سهی بـــالاده

خبثنه وئرمه‌دی فتوا پیریمیز صوفولارین
آبروسی یوخسا گئدیردی اوْلارین لاپ باده

یارا خرج اوْلمادی **حافظ** بو بولانمیش قلبین
اورتولوّ قالمادی بو عیب او دل بینـــاده

۷۱/۵/۶

غزل ۲۳۵ مصراع اول : یادباد آنکه نهایت نظری با ما بود

یاد اوْلا گیزلیجه منله واریدی بیر نظرون
لطفوون شادلیقی قویموشدو اوْزوْمده اثرون

یاد اوْلا گؤزلرووْن نازی منی اوْلدوْره‌لی
عیسانین معجزو واریدی او لِعل شکرون

یاد اوْلا مجلس انسون او صبوحی ووْرانی
سنیدین آللاه‌ایدی بیرده بو خونین‌جگرون

یاد اوْلا شمع عذارون الووی شادلیغیدی
قلب پروانه کیمی دوتموشودو دور و برون

یاد اوْلا خُلق و ادب مجلسینین بزمینده
نشئه‌ی باده‌ایدی جانلارا اوْل خنده‌لرون

یاد اوْلا گوْلمه‌سی یاقوت کیمی می قدحی
منیله لعل لبوْن گؤنلوْده‌کی یادلرون

یاد اوْلا اوْنداکی آت اوْسته بئلون باغلاردون
رکابوندا تازا آی اوْلموشودو بیر نوکرون

یاد اوْلا من اوْلالی اوْردا خرابات‌نشین
اوْلمیان صومعه‌ده سنده‌ایدی ماحضرون

سنیله یاد اوْلا ایشلر دوزه‌لن گونلریمیز
حافظین بیرغزلی وارایدی دُرّ و گهرون ۷۱/۵/۶

غزل ۲۳۶ مصراع اول : قتل این خسته بشمشیر تو تقدیر نبود

خسته کؤنلوّن اؤلوّمو شمشیره تقدیر یوخودو
یوخسا گؤز غمـــزه‌ی جادوسونه تقصیر یوخودو

من دیوانه‌کی زولفوّن سنون الدن وئردیم
منه لایق سئوای اوّل حلقه‌ی زنجیر یوخودو

ایخدا آینه‌ی حسنه نه جوهر چکیلیب
کی منیم آهیم اونا قدرت تـــأثیر یوخودو

تا مگر باد صبا تک یئتیشم بیرده سنه
ایش‌پئشم هرگئجه جز ناله‌ی شبگیر یوخودو

سندن ای هجران أودو شمع کیمی گؤردوّم اوزاد
انتحاردان سئورا بیرایش داها تدبیر یوخودو

حافظین غصه عذابی ائله بیـــر آیتی‌دیر
هئچ‌کیمین محضرینه حاجت تفسیر یوخودو ۷۱/۵/۶

****

غزل ۲۳۷ مصراع اول : بکوی میکده یارب سحر چه مشغله بود

میکده گؤردوم اوّلوب وقت سحر مشغله‌ده
شاهد و ســاقی و شمع جوشه گلیب مشعله‌ده

سؤزوعشقین، کی غنی‌دیرهاموسو سس سوو دان
دف و نی نــاله‌سینه جوش و خروش ولوله‌ده

او جنون ییغواسینین دیلده گلن بحث‌لری
مدرسه قیل و قالین اوّسدوّ دوّر هر مسئله‌ده

ساقینین غمزه و نازیندان اوره‌ک مجنونودو
امّا بختین گلیشی چکدی بیر آز سؤز گیله‌ده

من باخیردیم او پیان شعبده‌باز گؤزلرینه
سِحرگر مین‌لریله سامری تک وار گله‌ده

بیر اوپوش ائیله حوالت دئدیم ای یار عزیز
گؤلمه‌گه سالدی دئدی بیزیوخ‌ایدوق معامله‌ده

یولدا وار اؤلدوزومون سعد خیالی که دؤتن
آییلان یار ایکیسی دور دولا بیر مرحله‌ده

حافظین دردینه درمان یارین آغزیندا ایدی
وای اگر بوسه وئره‌نده اؤلا تنگ حوصله‌ده ۷۱/۵/۶

****

غزل ۲۳۸ مصراع اول : یکدو جامم دی سحرگه اتفاق افتاده بود

بیرایکی جام صبح وقتی اتفاق اؤلدو منه
بیرمزه ساقی لبیندن خوش مذاق اؤلدو منه

کئفلی‌لیک ووردو باشا دؤشدوم جوانلیق مشقینه
ایسته‌دیم رجعت ائدم امّا طلاق اؤلدو منه

بیزطریقت یوللاریندا چوخلو ائتدیک گشت و سیر
گؤز سووارماقلا سلامت افتراق اؤلدو منه

ساقیا جامی دما دم وئر سلوک و سیرده
کیمکی عاشق اؤلماسا اهل نفاق اؤلدو منه

تعبیراهلی! مشتوّلوّق وئر، گوّن، گئچن آخشام‌چاغی
صبحون او شیرین چاغیندا بیر قوناق اوّلدو منه
مست گؤزدن أیسته‌ییردیم گوشه‌گیرلیق آختارام
طاقت و صبریم خم ابروده طاق اوّلدو منه
بو پریشان نظمی **حافظ** ائیلیه‌ن انشاء زمان
فیکرینین قوشو ، اسیر اشتیاق اوّلدو منه

تبریز ۷۰/۱/۱۵

****

غزل ۲۳۹ مصراع اول : دیدم بخواب خوش که بدستم پیاله بود

یوخو گؤردوّم کی وئریبلر الیمه جام شراب
تعبیر ائتدیم کی تاپار ایشلریمیز راه صواب
چوخلو غم-غصه یئیه‌ندن سورا قیرخ ایل گؤردوّک
چاره دیر آخری بیر جام دولوسو باده‌ی ناب
او مراد مشگی کی من غیبدن أیستـــردیم اونو
زوّلف پرچین‌ده ایمیش قلبه وئریبدیر تب و تاب
غم خماری وجودو چکمیش‌ایدی لاپدا هئچه
بختیمیز اوّلدو مساعد کی بیر آز اوّلدو شراب
أیچه‌ریمده أیچیرم قان ، گیلئی امّا ائتمم
روزی یازمیشلا بیزه روز ازل درد و عذاب
اکمیه‌ن تخم محبت ثمرین گوّل‌درمز
لاله یئلده دوتانین حاصلی‌دیر نقش برآب

سحری دوشدو گزاریم طرف گوّلشنده
ناله و آهده قوشلار هاموسو در تب و تاب
باغ نسیمی أودا چکدی هامو قوشلار اوّره‌گین
او موهورلو داغیلان لاله دولوب قـــانه خضاب
حافظین قلبه یاتان شعری شاهین مدحینده
بیتی‌نین هر بیریسی معناسی وار یوزجه کتاب ت.ز ۶۹/۱۲/۱۲

****

غزل ۲۴۰ مصراع اول : پیش ازاینت بیش ازاین غمخواری عشاق بود

سابقاً بوندااندا چوخ غمخوار هر عشاق‌ایدی
بیزلره لطف ائتمه‌ده یار شُهره‌ی آفـــاقیدی
یاد اوّلا نوشین دوادقلارلا گئجه صحبت‌لری
سرّ عشقین صحبتی هم حلقه‌ی عشـاق‌ایدی
بو گؤیون سقفین بو مینا طاقی چکمکدن قاباق
منظر چشمیمده جانان قاشی تک بیر طاقیدی
اوّل صبح ازلدن تا ابد شامه قدر
عشق و مهر و دوستی بیرعهده بیر میثاقیدی
کؤلگه‌سی معشوقه‌نین گر عاشقه دوّشدو هانی ؟
بیز اونا محتاجیدیک اودا بیزه مشتـــاقیدی
مجلسین خوشگللری هرچند آلاردی دین و دل
بحثیمیز بیر لطف طبع و بیرده خوش‌اخلاقیدی

درگه شاهدا ، گدا بیر نکته اوگره‌تدی منه
سئوله‌دی هر سفره‌ده اولدوم خدا رزّاقیـــدی

گر قیریلدی تسبیحین قیطانی معذور ائت منی
چون الیم دامان اوّل ساقیّ سیمین ســـاقیدی

گر قدیرده باده‌ی صبح أیچمیشم معذور دوت
یار سرخوش جام دولو سکّری زیر طاقیدی

جنّتین باغینده **حافظ** شعری آدمدن بری
دفتر نسرین و گوّلده زینت اوراقیـــــدی

ت.ز ۷۰/۱/۵

****

غزل ۲۴۱ مصراع اول : یادباد آنکه سر کوی توام منزل بود

یـاد اوّلا کوچه دلدار منه منزلیدی
گوّزلرون نورو او توپراقدا منه حاصلیدی

مثل سوسن دوزأیدیک گول کیمیدیک صحبت‌دن
دیلده جاریدی او سوّز کی سینه‌ده گیـــزلیدی

اوّره‌گیم پیـــــر خرددن آراییـــردی معنی
عشق اونو شرح ائده‌ردی کی اونا مشگلیدی

وای او ظلمی‌کی بو توردا اوّلونوب خلقلره
واه نه بیر سوز و نیاز حاصل اوّل محفلیدی

ایسته‌ییردی اوّره‌گیم یاریله هر گوّن قونوشام
نیله‌مک قلبیله من سعی و عمل باطلیدی

دوّن خراباته گئدیردیم کی گؤرهم دوستلاریمی
مئ کوپو سینه‌سی قان ، جوت ایاقی در گلیدی

چوخ دولاندیم کی فراقین سببین بیر سوروشام
عقلیمین مفتی‌سی بو بحثده لایعقلیـــدی

قاشی فیروزه اوزوک دوغروسو بو اسحاقین
پارلادی یاخشی ولی دولت مستعجلیدی

ناز ائدن کهلیکین اوّل قهقهین **حافظ** گؤردون
کی قضـــا قارتالینین پنجه‌سینه غافلیدی ؟

ت.ز ۷۰/۱/۵

****

غزل ۲۴۲ مصراع اول : دوش در حلقه‌ی ما قصه‌ی گیسوی تو بود

دوّن گئجه مجلسیمیز بحثی سنین گیسیویدی
صبحه تک سؤز او سنون سلسله‌ی مویوّویدی

کیپریگین اوخلارینین قانئه کؤنلوّم بله‌شن
یئنه‌ده مایل و مشتاق کمـــان ابـــرووویدی

رحمت اوّل باد صبایه کی سنین پیکوویدی
گؤرمه‌دیک یوخسا کیمی بیر بلد کویوویدی

عالمین هئچ خبـری عشق سؤزوندن یوخیدی
دنیانین فتنه‌چیسی غمزه‌ی جـــادویووید.ی

من حیراندا سلامتده یاشاردیم قبلاً
تله یول اوّسته سنـــون طرّه‌ی هندویووید.ی

آچ قبانین باغینی تا کی آچیلسین کؤنلوّم
ایشیمین آچماسی گر آچسا سنین رویووییدی

حافظین قبرینه گل آند اوّلا عهد و وفایا
آرزوسو کی اوّلن وقته سنـــــون رویووییدی ت.ز ۶۹/۱۲/۷

****

غزل ۲۴۳ مصراع اول : آن یار کز او خانهٔ ما جای پری بود

اوّل یار کی ائویمیزده یئری مثل پری‌ایدی
باشـــدان ایاغا عیبدن اوّل یار بری‌ایدی

کؤنلوّم دئدی کی دوّلدورارام عطرینی شهره
بیچاره نه بیلسین کی او دلبر سفـــری‌ایدی

تک من دئیلم سرّیم اوّلوب هاممویا آشکار
اوّلـده فلک شیوه‌لـــری پـــرده‌دریدی

منظوروم آی اوّزلوّ او گؤزه‌ل یار همانکی
حسن ادبیله اوّزو صـــاحب نظر ایـدی

بدمهر فلک آلدی الیمدن اونو بیللم
او یار اوّزو بیر فتنه‌ی دور قمـــری‌ایدی

معذوردوراو ، درویش‌ایدیم من ، او یار امّا
حسنون شه‌هرینده اوّزوّ بیـــر تاجور ایدی

خوش‌گوّن اوایدی یاریله وئردیک باشاعؤمرو
اوّندان قالانی پوچ‌ایدی هم بی‌خبری ایدی

ای‌خوش سوقیراغیندا یاشیل بیتگی‌و نسرین
حیف اوْلسون او دولتده بیزه رهگذرایدی
گئت اوْلدوْر اوْزون بوْلبوْل بیچاره گیجیکدن
گوْل باد صبائیله پئشه‌سی جلوه‌گر ایدی
هر گنج سعادت کی وئریب **حافظه** آللاه
شامین دعاسی بیرده کی ورد سحری‌ایدی

ش‌ز ۷۰/۱۰/۶

****

غزل ۲۲۲ مصراع اول : **مسلمانان مرا وقتی دلی بود**

مسلمانلار منیم کؤنلوْم وارایدی — دئیه‌ردیم هر نه بیر مشگل وارایدی
اگر بیر گردابا غمدن دوْشه‌ایدیم — اونون امّیدینه ساحل وارایدی
منه یار مصلحت بین همده همدرد — اونا پشتیبان اهل دل وارایدی
ولی جانان یولوندا ضایع اوْلدو — کی دامنگیر بیر منزل وارایدی
هنر حرمان‌سیز اوْلماز دنیالاردا — هایاندا من کیمی سائل وارایدی
پریشان جانیما رحم ائیله بیر گل — بو جان بیرگوْن اوْزوْ کامل وارایدی
منه بو عشق تا سؤز تعلیم ائتدی — سؤزوْم بیر نُقل هر محفل وارایدی

دئمه **حافظ** داها بیر نکته‌داندیر
اونو گؤردوک کی بیر جاهل وارایدی

۷۱/۵/۷

ادیبی تهرانی نسخه‌سیندن مصراع اول : اگر ز کوی تو بوئی بمن رساند باد

محله‌وین عطرین گر گتیرسه بیر منه باد
جهانی مشتوّلوّقا خشله‌سم اگر بادا باد

اگرچه وارلیقیمین توپراقین سؤوُردون سن
اتکلرونده ، توزوم ذره قدریجینده مبـــاد

سن ای گؤزوّم أیشیقی باغلادون قاپو اوّزومه
داها فلک أیشیقی قلبیمی ائدنمیـــر شاد

دولار گؤزوم قانیلا گـــر خیالیوی ائتسم
او زوّلفوّوّن هاواسی عؤمروموّ وئرر بر باد

نه گؤزلریمدن ایتیرسن نه بیر گؤزه گلیسن
نه یادیدن گئدیسن ، نه ائیله‌ییرسن یاد

ملامتین یئرینه گر قلیج ووراـ دشمن
چکنمه‌رم الیمی یاردن کی هر چه بادا باد

آپارماز عشقین الیندن جانین داها **حافظ**
شیرین غمیندن اوّزوّن قورتارانماییب فرهاد ۷۱/۶/۲۲

****

انجوی‌شیرازی‌نسخه‌سیندن مصراع اول: **گرچه برواعظ شهر این سخن آسان نبود**

واعظ شهره اگر چه بو سؤز آسان اوّلماز
ائله‌یه‌ن ریب و ریا یاخشی مسلمان اوّلماز

قوچّاق‌اوّل بیرده کرم‌اهلی کی چوخ شرط دئیل
أیچمیه‌ن مال کیمی می ، یاخشی مسلمان اوّلماز

اصلی پاک اوْلماسا کیم اوْلمییاجاق قابل فیض
یوخسا هر بیر قارا داش لوء لوء مرجان اوْلماز

اسم اعظم أیشینی دیبده گوْرر شانلاش اوْره‌ک
حیله و تلبیس‌ایلـــه دیو سلیمـــان اوْلماز

سئوله‌ییردی کی صاباح کام دلین من وئره‌رم
بیر سبب ساز ائله یارب کی پشیمان اوْلماز

حسن خلق ایستیرم آللاه سنه بیر ائتسین عطا
گر عطا ائتسه اوْره‌ک بیرده پریشان اوْلمـاز

ذره‌نین همّتی گر اوْلماسا عالی **حافظ**
طالب چشمه‌ی خورشید درخشان اوْلماز

ت.ز ۶۹/۱۲/۱۶

****

انجوی‌شیرازی نسخه‌سیندن. مصراع اول: درآن هواکه جزبرق اندرطلب نباشد

هر یئرده کی هواده وار أیلدریم طلبده
بیر خرمنه دوشه أود هئچ قالمایین عجبده

هرقوش کی حاصل اوْلسا الفت غمیله کوْنلو...
گوْلزار و باغ و چولده حسرت قالار طـربده

عشقین یولوندا ای دل یوخ کفرده علاجی
أود یاخشیدیر کی دوْشسوْن اندام بو لهب‌ده

جانین ساتانلاریله فضل و هنر یاراشماز
اوْردا ایتیب نسبلر یوخ اعتبار حسب‌ده

بیر یئرده کی گؤن اؤردا بیر ذرّه جاق حسابدا
اؤز نفسینی بؤیوتمک چوخ پیسدی هر ادبده
می أیچ کی دائم عؤمرو تاپسان اگر جهاندا
جز بـــاده‌ی بهشتی یوخ آیری بیر سبب‌ده
حافظ یارین وصالی ال بوش بوجورکی وارسان
بیر گوندوکی داها یوخ پیونـد روز و شب‌ده

ت‌ـز ۶۹/۱۲/۴

****

انجوی‌شیرازی نسخه‌سیندن **مصراع اول : زخود برونشدم و یار بر نمی‌آید**

کؤنوللوّم چیخدی الیمدن داها بیرکاریم یوخ
من أیتیردیم اؤزومو چون داها دلداریم یوخ
باخ منیم یار دلارامیمه گر باخمیاسان
هئچ‌جوره گلمیرأیش الدن منیم اصراریم یوخ
بو خیالدا باشا چاتدی گؤن عؤمورّ امّا هله
بلاسی باشه چاتا گیسوی دلداریم ؟ یوخ
قاپووّن توپراقینین حسرتین ائیله چکیرم
کی حیات چشمه‌سیده معرض افکاریم یوخ
چوخ سؤزوّم وار کی قویام صبح یئللی‌له آرایا
اوسحر هاردادی‌کی گلمیه‌جک ... کاریم یوخ
دوست‌یولوّندا عؤمورو، مالی حییف خشله‌مه‌دیک
عشقبـــازلیقدا توانالیقـــا اقراریـــم یوخ

چکدیگیم آه سحر وقتی خطا ائتمزایدی
کارگر اوْلماییر ایمدی اونا انکاریم یوخ

حافظین قلبی ائله اوْلکوْزو انسلانلاردان
زوْلفونون حلقه‌سی تک گردنیمه داریم یوخ ت‌ز ۶۹/۱۲/۲

****

انجوی‌شیرازی نسخه‌سیندن **مصراع اول : هوس باد بهارم بسر صحرا برد**

بهارین شوقونا بیر چیخمیشیدیم صحرایه
یئل سنون عطرویله صبری وئریب یغمایه
هاردا بیر قلب وارایدی او گؤزون کسدی یولون
ائتمه‌دی تکجه کفایت بو دل شیدایه
جام می نشئه‌ده دم ووردو لب لعلوندن
طعنه‌لر ووردو لبون جام روان بخشایه
شوقونون زنجیرینی أیستک الی باغلیردی
غمینین لشگری ائتدی عقیلی بی‌پایه
او کمان قاشلو گؤزه‌ل غمزه‌لری کسدی یولو
دینیمیز گئتدی او یار سرو سهی بالایه
گؤز یاشیم داش کؤنوْلوْن دیبده سنون ، سالدی یولا
سئل گوْجو داش قیه‌نی سالدی ره دریایه
بوْلبوْلوْن بحثینی **حافظ**دن اوْتر آچما داها
طوطونو وورما مثل صوت هزار آوایه ت‌ز ۶۹/۱۲/۲

****

انجوی‌شیرازی نسخه‌سیندن مصراع اول : کارم ز جور چرخ بسامان نمیرسد

چرخدن چاتمیابیر ایش بیرجه ندن سامانه
قانه دوندو اوْره‌گیم یئتمیه‌جک درمانه

گرچه توپراق کیمی پست اوْلموشام امّا یئل تک
آبـــرو گئتمه‌سه گـــر چاتمیاجـــاقدیر نانه

بیرسوْموْکدن منه بیر قوپمادی پی پارچاسیدا
مین یارا یئتدی ولی بو آغیز و دنـــدانه

اهل درده بو قده‌ر ظلم کی بو دنیادن
یئتیشیـر بسدی کی چاتمیر الی بیر جانانه

آند اولا دوْزلره جاندان ائله سیرم امّا
بینوا جان نه ائده تاپماییر اَل فرمانه

آرزوندا اوْره‌گین غم یوْکو چوخ اوْلدو آغیر
حییف اوْلسون کی أیشیم چاتمایبری آســانه

یوز مینیله گئوه‌ریر داغدا کویرلـرده تیکان
بیربئله گوْل‌بوتادان گلمیـــری گوْل بوستانه

یعقوبون گوْزلری حسرتدن آغاردی افسوس
مصردن بیرجه خبـــر گلمه‌ییری کنعـــانه

چاتدیریب کیوانا اوْز حشمتینی جاهللر
اهل فضلین آهیدیر تکجه چاتیر کیوانه

صوفیا قلب‌پاسین سنده یو بیر می سویونا
چاتماییر خرقه یوماقیله داهـــا غفرانه

عاشقین صبری اگر اوْلماسا **حافظ** یارین
جان‌دن گئچمه‌سه کیم یئتمیه‌جک جانانه ق.ز ۶۹/۱۲/۲

****

انجوی‌شیرازی، نسخه‌سیندن **مصراع اول : زهی خجسته زمانیکه یار باز آید**

خوش اوْلار اوندا کی باش اوْستونه دلدارگله
غملیلر کامینه بیر دلبر غمخوار گله
گؤزومون ابلق آتین فکرینه ائتدیم مرکب
او امیدیله کی بیر راکب شهوار گله
باش اونون چوگانینین اگریسینه دوشمیه گر
باشا من باش دئمه‌رم عشقیمه بیکار گله
توز کیمی اگله‌نه‌رم یار یولوْتوْن اوْستونده
او امیدیله کی بو رهگذره یار گله
کؤنوْلوْم قول و قرار باغلادی جوت زوْلفیله
قلبیمه ائتمه گمان بیرده سرکار گله
دئی آیینداندان نه جفالر کی چکیب بوْلبوْللر
بو امیدیله کی بیرده گوْل و گوْلزار گله

حافظ ، امّید ، قضا نقشه‌سینه باغلاماسن
سرو تک قامتی ، آغوشه او دلدار گله ق.ز ۶۹/۱۲/۱

انجوی‌شیرازی نسخه‌سیندن مصراع اول : جان بیجمال جانان میل جهان ندارد

جانان کی بیجمالدیر میل ائتمه‌یین جهانه

بوندانکی محروم اوْلدو یوخسول اوْلور همانه

وئرمیر منه نشانه هئچکس او دلبریمـــــدن

یا منده بیر خبر یوخ یا اوندا یوخ نشانه

عشقین یولوندا شبنم أوددان دولو دنیزدیر

بو تاپماجا حییف کی گلمز داها بیانه

راحت‌چیلیک «دوْشرگه» الدن نجور وئره‌ک بیز

ای ساربان یوْکون آچ یوخ بو یولا کرانه

چنگ او بوْکوْک قدیله دعوت ائدیر نشاطه

ائتسن قبول نصیحت هئچ دوْشمه‌سن زیانه

گئت محتسب‌دن اوگرن رندی یولون آکؤنلوْم

سرخوش اوْلورسا دائم دوْشمز کیمی گمانه

قارون خزانه‌سین کی باده آپاردی دنیا

عبرتله بیر قولاخ وئر زر گلمه‌سین نهانه

اوْلسا رقیب اگر شمع ، اوندااندا گیزله سرّین

کیم باشی قیرتیلان شمع بیردن گلر زبانه

دنیاده کیمسه‌نین یوخ **حافظ** کیمی غلامی

چون سن کیمی شهنشاه گلمز داها جهانه ۷۱/۴/۱

انجوی‌شیرازی نسخه‌سیندن مصراع اول: نسبت روی ترا باماه وپروین کرده اند

اوّزونوّن نسبتی‌نی کیم آی و پروین ائله‌ییب

صورتوّن تشبیهی‌نی گؤرمز ، بتخمین ائله‌ییب

شورولو عشقیمیزین گوشه‌سینین قصّه‌سیدیر

کیم‌کی فرهاد داغینین شرحینده شیرین ائله‌ییب

دلبرین کوچه‌سینین توپراقینین خوش عطیری

عارف اوردان داماغین عقلینی، مشگین ائله‌ییب

توپراق اهلی بهره‌سیزدیر أیچمگه کاس‌الکرام

کیمدی محروم عیشدن عشاق مسکین ائله‌ییب

صید وقتینده یاراشماز شرکتی زاغ و زغن

مستحق حق بو أیشه شهباز و شاهین ائله‌ییب

ساقیا باده گتیر حکم ازل تدبیری یوخ

دئیشیلیق اوّلماز داها هرشی‌کی تعیین ائله‌ییب

خوارلیقیله باخمارندین‌کاسه‌سی گرساخسی‌دیر

رندلر چوخ خدمت جام جهان‌بین ائله‌ییب

ائتمه‌ییب مژگان اوخو یا غمزه‌ی جادو منه

هر نه قاره زوّلفله یا خال مشگین ائله‌ییب

بیر شکر انعام ایچون لعلون اجازت وئرمه‌دی

سن اوّزوّن انصاف ائت بیرلعل‌شیرین ائله‌ییب ؟

حافظین شعرین کی بیر باش احسانوز مدحینده‌دیر

دینله‌ین هر یئرده لطف شعری تحسین ائله‌ییب ختز ۶۹/۱۲/۲۸

انجوی‌شیرازی نسخه‌سیندن مصراع اول: مژده ایدل که مسیحا نفسی میآید

مژده کؤنلوّم کی مسیحا نفسی یولدا گلیر
بللیدیر خوش نفسیندن کی کسی یولدا گلیر
هجردن ناله و فریاد ائله‌مه چون کی دوّتن
فالدا گؤرسندی کی فریاد رسی یولدا گلیر
وادی ایمن أودوندان دئیلم تک من خوش
موسی بیر اخذ ائلییه تا قبسی یولدا گلیر
یوخدو بیرکیمسه‌کی سنله بیرایشی دوّشمیه‌جک
هر کسین واردی باشیندا هوسی یولدا گلیر
بیلمیری کیمسه‌کی منزلگه مقصود هارادیر
بو قدر واردی کی بانگ جرسی یولدا گلیر
سن سوّروشما بو باغین بوّلبوّلونون احوالینی
قفسین قوشلارینین ناله‌سسی یولدا گلیر
دوست اگر قورخورو بیمار حالین بیر سوروشا
دئنه شاد گئت کی هله بیر نفسی یولدا گلیر

حافظین قلبینی یار أیستیری تا صید ائلیه
باخ او شهبازه شکار مگسی یولدا گلیر

ت‌ز ۶۹/۱۲/۱۸

غزل ۲۴۵ مصراع اول: الا ای طوطی گویای اسرار

سن ای‌طوطی دانیش فاش ائیله اسرار اؤلا تا دیمدیگین هر گون شکر بار
باشین ساغ قلبی خوش دائم قالارسان کی خوش‌بیرنقش‌سن چون‌خط‌دلدار
سؤزو اوّست اؤرتولو خلقه دانیشدین سن آللاه سن بو سرّی ائیله اظهار
گوّلاب وور ساغریله بیر اوّزوندن یوخوم وار گؤزده‌سن ای بخت بیدار
نه آهنگی چالیر سازیندا مطرب کی‌دورموش رقصه‌بوردامست‌وهشیار
او افیوندان کی سالدی میده ساقی بدنده باش قالار نه باشدا دستار
عقیل کی کائناته نقد اوّلوبدور اوّلوب عشق عالمینده جمله بیکار
سکندرلر ایچون یوخ بوردا بیر سو دئیل ممکن زر و زوریله هر کار
گل احوالین سوّروش بیراهل دردین عبارتلر کیچیک معناسی چوخ وار
چینین خوشگللری دشمندی دینه خدایا اوّل دل و دینه نگهدار
دئمه اوّز اؤرتوّلرله سرّ مستی اوّلار جان اوندا عین نقش دیوار
شه منصور یمن دولتیندن چیخاردیب **حافظ** آد در نظم اشعار

اوّلوب صاحب تمام بندگانه
اوّلا آفاتدن خالق نگهدار

ختم ۷۰/۱/۴

****

غزل ۲۴۶ مصراع اول: ایصبا نکهتی از کوی ره یار بیار

ایصبا توپراقینین عطر او دلداری گتیر
غمینی سیل اوّره‌گین بیر خبر یاری گتیر
روح وئرن نکته‌لری سئوله یارین آغزیندان
خوش‌خبر نامه‌ایلن عالم اسراری گتیر

داماغی خوش‌لاماغا بیرجه سنون عطروندن
بیر قدر چکسه نفس بیر نفس یاری گتیر

او وفا حقّینه .... یول توپراقینی عاشقه وئر
آیری توْز قاتماااونا سیل توْزون اغیاری، گتیر

رقیبین کوْرلوغونا دوست یولونون توپراقینی
داوالیق ، آل نظره دیده‌ی خونبـاری گتیر

ساده‌لیک، جانبازا خاملیق ، یاراماز دنیاده
بورایا سن خبـــر دلبـر عیّـاری گتیر

ای چمن قوشلاری شکرانه‌ی عشرت بئله‌دیر
کی اسیر قفسه مـژده‌ی گوْلزاری گتیر

آیریلیق صبری ائدیبدیر بورادا کاممی تلخ
عشوه‌سیندن خبر لعل شکر باری گتیر

چوخ زماندیر اوْزه‌گیم گوْرمه‌دی مقصود اوْزوْتو
ساقیـــا اوْل قـدح آینه کرداری گتیـــر

حافظین خرقه‌سی یوخدور دئدی کی می‌له بوْیا
گئت اونو مست و خراب گز سر بازاری گتیر

ت.ز ۷۰/۱/۵

****

غزل ۲۴۷ مصراع اول: ایصبا نکهتی از کوی فلانی بمن آر

ایصبا بیرجه عطبر کوی فلانی منه وئر
بیر غمین دوْشگونویم راحت جـانی منه وئر

بیرمراد جوهری وور غمده دوْشن کوْنلوْموْزه
توپراقیندان او یارین بیرجه نشانی منه وئر

باخیشین بوسقو یئرینده ووروشوم وار کؤنوله
یار قاشین غمزه‌سینین تیر و کمانی منه وئر

غربتین آیریلیقین غصّه‌سینین دوّشگونویم
ساقی‌لیقدان اوّتری تازه جوانی منه وئر

بوگونون عشرتینی قویما صباحه ساقی
دهٔ کی دیوان قضا خطّ امانی منه وئر

اوّره‌گیم گئتدی المیدن او دئیه‌نده **حافظ**
ایصبا بیرجه عطیر کوی فلانی منه وئر

ت‌ز ۷۱/۱/۵

****

غزل ۲۴۸ مصراع اول: عید است و موسم گل و یاران در انتظار

بایرامدی گوّل* سؤوشور دوستلار انتظار — شاهین اوّزیله گؤر آیی ائت باده برقرار
گوّلدن اوّره‌ک قوپاتمیشیدیم روزگارده — همّتله ایش گؤرنمه‌دی پاکان روزگار
بئل باغلاما جهانه پیانلیقدا ائت سئوال — جام جمین حکایتی جمشید کامکار
جاندان‌سئوایی یوخدورالیمده شراب وئر — ساقی کرشمه‌سینده بوجانی ائدیم نثار
خوش‌دولتنده خرم‌وخوش بیرکرم‌شاهین — اوْلسون‌یامانجا گؤزدن‌اونو حق نگاهدار
می‌أیچ منیم بوشعریمیله کی بزه‌ک وئرر — جام مرصّعه بو کیمی درّ شاهوار
گرفوت اوْلوب سحور نه‌عیبی صبوح وئر — افطار ائدر بو باده‌ایله طالبان یار
خُلق کریمدن کی پرده‌چکرسن گناهیمه — بخشش بویور بوقلبیمه بیرنقد کم‌عیار
قورخوم‌بودورکی‌حشرده اوْلسونلاهمعنان — تسبیح شیخ و خرقه‌ی رند شرابخوار

حافظ گئدیب صیام، گوّلوّن فصلیده گئدر
دور باده أیچ کی قالمیاجاق اَلده هیچکار

ت‌ز ۷۰/۱/۴

****

غزل ۲۴۹ مصراع اول : صبا ز منزل جانان گذر دریغ مدار

منزل جانانه ائیله ایصبا سن بیر گذر
عاشق مسکینه‌ده وئر یار کویوندن خبر
آچماغین شوکرانه‌سین ای‌گؤل‌کی گؤلدون بیزلره
قوی‌کی بیر چاتسین وصالوندا سنه مرغ سحر
من سنون عشقون حریفیدیم تازا بیر آی‌ایدون
ایندیکی بدر تمامسان گل منه ائت بیر نظر
دنیادا هر زادکی واردیر هاممیسی بیر شی دئیل
معرفت اهلیله گل بیر لطفون اؤلسون مختصر
لعل نوشینین سنین کی قند آخیردیر چشمه تک
بیردانیش قوی طوطیه صحبتلرین اؤلسون شکر
تعریفین اخلاقوؤن شاعر ائدیر دنیالره
لطف قیل الطافیوی شاعر ائده زاد سفر
ایسته‌سن گر ذکر خیرون سن بونو ائیله قبول
سؤز بهاسیندا ائله بخشش اونا بیر سیم و زر
غم توزو زایل اؤلار حالین خوش ائتسن **حافظا**
گؤز یاشین توک بو یولا اؤلسون گؤزون اشگیله تر ت.ز ۷۱/۱/۵

غزل ۲۵۰ مصراع اول : گر بود عمر بمیخانه روم بار دگر

عؤمر اوْلا گر ائده‌رم میخانیه بیرده گذار
قویـــارام رندلرین خـــدمتینه اوردا قـرار
شاد اوگونکی گئده‌رم گؤزلریم آغلار بیرده
آیری بیـر میخانـــادا من أیچه‌رم آیری سولار
معرفت اهلی خدایا بورادا یوخ کمک ائت
بو هنـــر گوهرینه هـــاردا خریدار تاپیلار
یاراگربیلمه‌دی گئچمیش‌لری ترک ائتدی منی
فکر ائتمه کی منیم آیـــریجا بیـــر یاریم اوْلار
فلکین چرخی اگر دوْز دولانا خوش بختدن
ایشی سازه گتیرن بیـــر تازا پـــرگار اولار
امـان ایستـر اوْره‌گیم یـار دارایـانـدا زوْلفـون
تئللری هی دارایـــار قلبی تازاشدان یارالار
نئجه گؤر دوْشدو آغیـزلاردا منیم اسراریم ؟
بیزیم اسراریمیز ائیله بوروْتوْب دولـــدو بازار
هر ساعت چرخ فلکدن گؤزوموْن یاشی آخار
ائدیری بو یارا گؤنله گؤره‌سن آیـــری آزار
دئییرم بیرده ، کی **حافظ** دئیلی تک بورادا
غرق اوْلان بیربئله چولده گؤروسن‌چوخلاری‌وار ۷۰/۳/۳۰

****

غزل ۲۵۱ مصراع اول : روی بنما و وجود خودم از یاد به‌بر

اوْزوْنو گؤسته‌ره گـر کیمدی جانا آد آپارا
یانمیشین خرمنینی قوی هامیسین باد آپارا

بیز کؤنوْل وئرمیشیک ازّلده بـــلا طوفانینا
دؤ کی غم سیلی گله ائو ییخـــا بنیاد آپارا

خام عنبر کیمی زوّلفون کیمه قسمت؟ هیهات
سئوله بو خام کؤنوّله آرزوسون از یاد آپارا

سینه‌ده شعله‌سینی سوْندوْره فارس أودخاناسین
آبروسون گؤز یاشیمیز دجله‌ی بغداد آپارا

یاشاسین پیرموغان آیریلاری اوْلمـاسین هئچ
آیریلار قوی گئده‌نه آدیمی از یـــاد آپارا

بیر نفس مژده‌ی دیدارینی وئرسه اوْله‌نه
دؤ سورا قبـــر ائوینه فارغ و آزاد آپارا

بو اوْزون کیپریگیله اوْلدوْره‌رم یار دئدی
بو سایاق اوْلمیـا کی نیّت بیـــداد آپارا

یاده سال کی کؤنوّلو ، یار ، لطیفدیر ، **حافظ**
یئـری گئت ، قوی کی صبا ناله و فریاد آپارا ت.ز ۷۰/۱/۶

غزل ۲۵۲ مصراع اول : روی بنما و مرا گوی دل از جان برگیر

آچ اوزون امر ائله عاشق چکه ال جانیندن
شمعی پروانه اگـــر گؤرسه گئچر قانیندان

بو لب تشنه‌می گؤر بیرجه أیچیم وئر سو منه
خبرین اولسا گؤزه‌ل یـــاخشیدی قربـانیندن

درویشین اولماسا پول و پله‌سی عیب ائله‌مه
گؤزیاشین سیل‌سانا پول شاد یاشا می جامیندن

چنگه وور چنگیوی گر اولماسا عود عیب ائله‌مز
عشق أود ، قلبیمی عود ، مجمر عاشیق قانیندن

اوخو بیر ، خرقه‌نی آت ، دور ایاغا چال اویْنا
یوخسا بیـــر گوشه‌ده باش ساللا گریبانوندن

آت باشوندان صوفولوق، صاف مئییبیرچک باشووا
خشله پول بهـــره گؤتور سیـــم بر اندامیندن

یار اولا دوست اگر هاممو قوی اولسون دشمن
بخت اگر یـــار اولا قورخمـــارام عدوانیندن

گئتمه‌گه میل ائله‌مه گل بیزایله بیرجه قونوش
ارخ قیراغیندا گؤتور بهره‌وی می جـــامیندن

گئتمیش اولسان نه ائدیم قلب أودونو، گؤز یاشینی
بیر حیـــا ائت عـــاشقین بو ساری رخسـاریندن

حافظا بزمووّ آراسته ائت واعظه دهٔ
باخ منیم مجلسیمه منبری آت یادیندن

ت.ز ۷۰/۱/۱۲

غزل ۲۵۳ مصراع اول : نصیحتی کنمت بشنو و بهانه نگیر

بیر نصیحت ائدیرم دینله اونو وورما چانا
هر نصیحت قوجالار ائتسه ائشید وورما یانا

بیر تمتّع آپار اگلن او جوان دوستلاریلا
گذرینده عؤمرّون بوسقودا بو دهری سانا

بهره‌سی هر ایکی دنیا بونو بیل غاشقه‌دیر
بورادا آزدی متاع نعمته یوخ اوردا فنا

بیرگؤزه‌ل همدمی‌کی أیستیری کؤنلوّم سازیلا
بم و زیریله دئیه‌م دردیمی با شور و غنا

وار خیالیمدا وورووب باده گناه ائیله‌مه‌یم
گر بو دور فلکی طبق مرادیم دولانا

بولگودن روز ازلده خبریم اوّلمادی چون
یوخدور ایرادی اگر قسمتی آز یا چوخ اوّلا

لاله‌تک توّک قدحه مشگله می ای ساقی
کی‌یارین خالینین عکسی یاپیشیبدیر بوجاما

ساقیا ساغر باده‌ایله گتیر درّ خوشاب
کرم آصفی‌دن قوی پاخیلی أوددا یانا

توبه قصدیله قدح ترک ائله‌دیم یوز دفعه
ساقینین غمزه‌لری قویمادی توبه قالانا

تازا بیر دلبریله کهنه شراب اوّلسا اگر
بیز کفایت ائده‌ریک قسمت دور زمانا

اوّلکه‌ین کؤنلوّموزه مانع اؤلان کیمدی مگر
وئر خبر مجنونا باخ زنجیره گلمه فغانا

بیر بئله بزمده **حافظ** دئمه سن توبه سؤزون
گله‌سن یوخسا کمان قاشلی نگارین اوخونا

ت.ز ۷۰/۱/۱۰

****

غزل ۲۵٤ مصراع اول : ایخرّم از فروغ رخت لاله زار عمر

ای سنون اوّز أیشیقوندان شاد اوّره‌ک لاله‌زاری
دور قاییدگل کی سوّلوب سن‌سیز عؤمورگون بهاری

گؤزومون یاشی یاغیش‌تک أله‌نه واردی یئری
برق‌تک گئچدی غمونده ، عؤمرّون روزگاری

گؤروشون مهلتی‌کی بیر ایکی دم دیر هامیسی
بیل غنیمت دئی معلوم عؤمرّ کار و باری

نه‌قدر صبح می‌ایله ، سحرین خوش یوخوسو
آییق اوّل قالمادی الده ، عؤمورون اختیاری

کوچه‌دن گئچدی دوّتن ، باخمادی من عاشقه بیر
بینوا کؤنلوّموزه ، دوّشمه‌دی عؤمرون گذاری

هر کیمین کی فیکیری یوخدور ، اؤلوم دنیاسینا
آغزیوین نقطه‌سیدیر ، اوّنلارا عؤمرون مداری

دولودور حادثه‌لردن بو جهان بوسقولاری
گؤر نئجه چاپدیریر آت ، دنیادا عؤمرون سواری ؟

من عؤمورسوز دیری‌ام ، چوخدا تعجب ائله‌مه
آیریلیق گونلرینی ، سایسالار عؤمرون شماری

حافظا یاز ، دهٔ سؤزوّن ، دور جهان صفحه‌سینه
قلمین سؤزلریدیر ، قالسا عؤمور یـــادگاری ت.ز ۷۰/۱/۷

غزل ۲۵٤ ۲نجی ترجمه ایخرّم از فروغ رخت لاله زار عمر

شانلادان اوّز شافاقیندیر عؤمرّوّن لاله‌زارین
گل کی هجران پائیز ائتدی یئنه عؤمرون بهارین
گریاغیش‌تک گؤزوموّن یاشی آخا واردی یئری
برق تک غمده گئچیردیبدی عاشق روزگارین
ایکی اوچ دم کی گؤروش مهلتینه فرصت وار
بیر یئتیش بیزلره بیلمز کیمیسی وضع کارین
نه‌قدر صبح مئی‌ایله سحرین خوش یوخوسو
هوشوّ ییغ باشیوا آل اله عؤمر اختیارین
بیر نظر سالمادی جانان کوچه‌میزدن گئچه‌لی
بو یازیق قلبه کی هئچ گؤرمه‌دی عؤمروّن گذارین
کیمسه کی فکر ائله‌مز عشق یولوندا اؤلومو
آغزیوین نقطه مداریندا گؤرر اوّز مدارین
هر طرفـــدن اجلین آتلیـــلاری بوسقودادور
جلووی قیرما چاپیر آت ، اودور هر کس سوارین
عؤمرسوز من دیری‌ام چوخدا تعجب ائله‌مه
آیریلیق گوّنلرینه قویمـــا عؤمـــور گوّن شمـــارین
حافظا قول و غزل یاز بو زمان صفحه‌سینه
قوی اوّزوّندن قالا بو نقش عؤمرّ یادگارین ۷۰/۲/۲۷

غزل ۲۵۵ مصراع اول : شب وصل است و طی شد نامهٔ هجر

یئتیشدی وصل دلدار و گئدیب هجر سلام اوْلسون اونا تـا مطلع‌الفجر
عاشقلیقدا کؤنول ثابت قـدم اوْل بو یولدا زحمت اوْلماز مفت و بی‌اجر
باجارمام توبه ائتمک رنـدلیقدان اگر هجرانه اینجیدسن و یا حجر
آچیل ای صبح روشندل سن آللاه قارانلیقدیر نه چوخ یارب شب هجر
کؤنول گئتدی یاری بیرگؤرمه‌دیم من فغـان بو ظلمدن ایـوای بـو زجر

وفا گر ایسته‌سن **حافظ** جفا چک
زیان یا منفعت‌دیر حرفه‌سی تجر ق.ز ۷۰/۱/۹

****

غزل ۲۵۶ مصراع اول : یوسف گمگشته بازآید بکنعان غم مخور

أیتمیش اوْل یوسف گلر، ای پیر کنعان غم یئمه
غملرین یوردو اوْلار بیر گون گوْلوْستان غـم یئمه
غصه وورموش ناز کؤنوْل وئرمه اؤزون غم غصّه‌یه
بو پریشان باش تاپار آخـرده سامـــان غم یئمه
گر عؤمور یازی گله بیرده گوْلوْستـــان سمتینه
باشه گوْل چترین چکرسن مـرغ خوشخوان غم یئمه
گر دولانمیر روزگارین چرخی بئش‌گون کاموه
دائمـــاً بیرجور دولانمـــاز دور دوران غـم یئمه
کعبه شوقیله اگر چوللرده سن وورسان قدم
زحمته سالسا اگـــر خار موغیلان غم یئمه

گرچه منزل چوخ خطرلی همده مقصددیر اوزاق
یوخدو بیر یول تاپمیا آخـــــرده پایان غم یئمه

نا امید اولما یوخوندور سرّ غیبی‌دن خبر
چوخلو گیزلین سرّلـــر وار پرده‌داردان غم یئمه

گر فنا سیلی قازا وارلیق کوکون کؤنلوّم سنون
ناخدا چون نوح‌دور ، گر اولسا طوفان غـم یئمه

حالیمیز یارین فراقیندا رقیبین اصرارین
هاموسون عالمدیر آللاه اولما حیـــران غم یئمه

حافظا خلوت گئجه فقرین قارانلیق گوشه‌سی
تا دعا وردین أیشیندیر درس قرآن غم یئمه ت.ز ۷۰/۱/۱۱

****

غزل ۲۵۷ مصراع اول : دیگر ز شاخ سروسهی بلبل صبور

بیرداها سرو آغاجیندان چیغیریر مرغ صبور
بدنظر ، عارض گوّلدن اولا گوّلزارده دوُر

سن‌کی‌حسنون‌شاهیسان ای‌گوّل اونون ساغلیغینا
بوّلبوّل بیدل شیـدایه داها ائتمه غـــرور

غـــایب اولماقلیقیوا شکوه ، شکایت ائتمه
اولماسا هجر غمی جاذبه‌سی یوخدور حضور

اوزگه‌لر عیش و طربده گئچیریر وقتلرینی
یار غمی بیزلر ایچون قویمورو امکان سـرور

حوری و قصره اگر باغلیدی زاهد اوْره‌گی
بیزه میخانه و ساقی بسیمیـــز قصریله ، حور
ناله‌ی چنگیله می أیچ یئمه غصّه ، دئسه کیم ...
... باده أیچمه دئنه آللاه آدیدیر، حیّ و غفور ....
آیریلیقدان نه شکایت ائله‌ییرسن **حافظ**
هجرده وصل اوْلار ظلمت اوْلار آخری نور ت.ز ۷۰/۱/۷

****

انجوی‌شیرازی نسخه‌سیندن **مصراع اول: دلاچندم بریزی خون زدیده شرم دارآخر**

کؤنوْل آز نوک اوْره‌ک قانین گؤزومدن ائت حیا آخر
گل ای گؤز سنده بیر یوْخلا مراد اوْلسون روا آخر
منم یارب کی جانانین اوْزوندن بوسه درمکده ؟
نئجه گؤر صبح وقتینده دعام اوْلدو روا آخـــر
نقدری خوشه‌چین اوْلماق هراسگیک‌کیمسه‌دن یئل‌تک
اوْزوْن همّت ائدیب بیر دانه سَپ بهر خـــدا آخر
منه قسمت ائدیب خالق مراد هر ایکی دنیا
قولاغیم چنگـــده اوْل الیمده زوْلف یار آخر
نگارستان چین مسکن سنه اوْلماز کؤنوْل بیللم
وور اوْل رنگین مدادونلا بو نقشه بیر جلا آخر
کؤنوْل گر غصه‌دن قاچسان آییقلیق قالما ملکیندن
وئرر چوخ مشتوْلوْق یاردان اَسَر باد صبا آخـر
او آی‌تک یار دیزه چوْکدو جاما لَلْ‌باده‌سین توْکدو
دئیه‌رسَن تائبم **حافظ** ؟ ائله یاردان حیـــا آخر ت.ز ۷۰/۱/۱۲

غزل ۲۵۸ مصراع اول : بیا و کشتی ما در شط شراب انداز

دوگل بیزیم گمینی سال شط شرابه گؤزه‌ل
غریو و ولوله سال جان شیخ و شابه گؤزه‌ل

بو کشتی‌ده منی ساقی شرابه بیر أیته‌له
دئیبله یاخشیلیق ائیله تولازلا آبه گؤزه‌ل

گتیر منه می گؤلرنگ مشگ‌لن ساقی
کیچیک شراره‌سینی سال دل گؤلابه گؤزه‌ل

خطا ائدیب داها میخانه‌دن ایاق کسدیم
سال آیری دفعه کرم‌دن منی صوابه گؤزه‌ل

اگرچه مست و خرابم بیرآزدا سن لطف ائت
عنایت ائیله اؤلوبدور کؤنؤل خرابه گؤزه‌ل

یاری گئجه گره‌گون اؤلسا کی گؤنو گؤره‌سن
ال آت موین قیزینین اؤزده آل نقابه گؤزه‌ل

بوراخما قؤیلایالار توپراقا اؤلنده منی
آپار اومیکده‌ده سال خُم شرابه گؤزه‌ل

فلک اگر سنی **حافظ** بئزیکدیریب غمدن
او غصه دیوینی دور باغلا سن شهابه گؤزه‌ل

ت‌ـز ۷۰/۱/۱۴

غزل ۲۵۹ مصراع اول : خیز و در کاسهٔ زر آب طربناك انداز

دور قیزیل کاسه‌ده بیر آب طربناک گتیر
تاکی باش کاسه‌سینه دولمیا بو خاک گتیر

عاقبت منـــزلیمیز وادی خاموشاندیر
ایمدی گل غلغله بر گنبد افلاک گتیر

چونکی ناپاک نظر دوشمیه یار عارضینه
اونـا باخماقـدان اوتر آینه‌ی پاک گتیر

باشووا آند وئریرم سرو روانیم گر اؤلم
کؤلگه‌وی ناز ائله‌مه من‌کی اؤلام خاک، گتیر

بو اکین ملکی بیلیرسن‌کی دوامی یوخودور
جامدن أود داها سن خاک بو املاک گتیر

غسل گؤز یاشیمه ائتدیم کی دئسین اهل طریق
پاکلاش اؤل سورا بیر منظره‌ی پاک گتیر

یارب او زاهد بدبین کی هامی عیب گؤرر
آهـدن توسدو او آیینه‌ی ادراک گتیر

جامه‌وی گؤل‌کیمی ییرت **حافظ** اونون عطرینندن
سورا بو جامه‌یه بیر قامت چـالاک گتیر ۷۱/۵/۷

غزل ۲٦۰ مصراع اول : دلم ربودهٔ لولی وشیست شورانگیز

اوّره‌گیم وورغون اوْلوب کولیه بنـزر گؤزه‌له
بیر یالان وعده‌لی قتّال چتین‌دیر دوّزله
قوربان اوْلسون او گؤزه‌ل چاک گریبانلارینا
مین دانا جامه‌ی تقوا کی جیریب یا اوّزه‌له
او سؤزون قوربانیام کی سپه أود دنیـــالارا
نه سویوق سو سپه‌لر أود سپه‌ین سؤز گؤزه‌له
حوریلر عشق باشارمـــاز منه افسانه دئمه
جام می أیسته آدام تربتینه می سوّزه‌له
کفنیمده قدح باده قویون حشـــر گوّنو
می‌ایله هول قیامت گئده روز ازله
یورغونام بیرده‌فقیر، اوّزچئویره‌ن‌درگاهووا
سنین عشقین سئوایی منده داها گلمز اله
سئوله‌دی هاتف میخانیه دوّتن منله بوجوّر
اوْل رضـــا سن قده‌ره قاچمـــا اگر چه ازله

حایل اوْلمـــاز آرادا عاشق و معشوقه أیچون
حافظ اوْز حاییلین اوْلمـــا دور أیشین تا دوّزه‌له

ت.ز ۷۰/۱/۱۶

غزل ۲۶۱ مصراع اول : هزار شکر که دیدم بکام خویشت باز

مین شوکور کی سنی گؤردوم اوْره‌گین کامه چاتان
منیله صدق و صفالر باخیریق بیر باجادان
کیم طریقتده قـــدم وورسا چکیر چوخلو بلا
عشق یولداشی چکینمز داها آلچاق اوجادان
دوستووْن سؤزلرینی گیزلت اوْغول دشمندن
کینه اهلی سینه‌سی سْریوه محرم ، هارادان ؟
اوْزگه‌نین عشقینه یوخ احتیاجی سنده کی حسن
دئیلم منده او کس کی چکیلم تئز آرادان
نه دئییم قلبین أودوندانکی نه‌لـــر من چکیرم
گؤز یاشیمدان سوْروشون من دئیلم سؤز یارادان
قضانین مشّاطاسی سالدی بو فتنه نه‌ایـــدی
نرگیز مستنی سْرمه‌ایله قاراتدی تازادان
یـــاردن مجلس اوْلوب چونکی منوّر، ائله شوکر
شمع تک گر یاناسان أینجیمه چؤخلو یارادان
حسنونون غمزه‌سی‌نین صحبتی‌دیر یوخسا نه واز
ایازین زوْلفنه محمـــود طامـــاح سالالامادان
گؤیده ناهید بو جوْر شور و نـــوا ساز ائله‌مز
توکسه حافظ بوجوره شعر و غزللر چانادان ص‌ز ۷۰/۱/۱۷

غزل ۲٦۲ مصراع اول : حال خونین دلان که گوید باز

قان‌اوره‌ک‌حالی کیم بیان ائتسین کوپ سینا کیمدی قانه قان ائتسین
بیر حیا ائیله‌سین پیـــانلاردان گر، کی نرگیز اوزون عیان ائتسین
خم‌نشین فیلسوفـــدن سئـوایی کیمدی حکمت بیزه بیان ائتسین
لاله‌تک الده کیم دوتا کاسه ..... حقّی‌دیر کی عذاری قان ائتسین
أیچمه‌یم باده گر لبیندن اونون غنچه‌تک غصته‌لر نهان ائتسین
چنگ از بسکی پرده‌ده دانیشیب کس أیپین قویما تـا فغان ائتسین

کوپون او کعبه‌سینده **حافظ** دئی
طوافا باش ایاق روان ائتسین تـز ۷۰/۱/۱۹

****

غزل ۲٦۳ مصراع اول : منم که دیده بدیدار دوست کردم باز

من‌کی آچدیم گؤزومو یار اوزونه شکر خدا
بئله بیر نعمته شکرون ائده‌رم حقین ادا
بلانی أیستیه‌نه سئوله توزون اوزده یومـــا
احتیاج توپراقی بیر کیمیا تک‌دیر مرادا
بو نئچه قطره‌کی ایثار ائله‌دیز آی گؤزلر
اولاجاق چوخلو کی سن ائلیه سن ناز و ادا
ائتمه پرهیز طریقتده چتین لیقلار دان
کی طریقتده گئدن فکر ائله‌مز غم هارادا
یوماسا عاشق اوره‌ک قانینه اوزگؤزلرینی
نامازی دوز دئیلی بو آدا مین ائتسه آدا

بو مجاز دنیادا آلما اله غیر از پیالا
بو اؤیونباز خانادا عشق داها سالما یادا
اهل دلدن دعا آل ائیله حوالت بوسه
دشمنین حیله‌سینی ردّ ائله‌سین بو داوادا
عشق آوازه‌سینی سالدی حجاز و عراقا
حافظین شعر و غزل زمزمه‌سی دوّشدو آدا ، ت.ز ۷۰/۱/۱۷

****

غزل ۲٦٤ مصراع اول : در آ که در دل خسته توان درآید باز

یورولان کؤنلوّمه گلسن گله‌جک تازه توان
سن اگر گلسن ، اؤلن جانه گلر روح و روان
گل گؤزه‌ل آیریلیقین گؤزلریمی ائیله دوتوب
وصلینین فتح بابی شاید آچا آیش تازادان
زنگیلر تک کؤنوّلون مُلکون آلیب غصّه نه‌جوّر ؟
گره‌ک اوّل رومی اوّزون زنگی آپارسین آرادان
کؤنوّلوّن آیناسینا هر نه گلیر گؤرسه‌نیری
جمالوندان سئوایی آیینه‌ده اوّلمور عیان
وار مثلده کی گئجه حادثه آبستنی‌دیر
سانارام اوّلدوزو تا صبح نه اوّلسون دوغولان
حافظین خاطرینین بوّلبوّل مطبوعی دوگل
گوّلبون‌وصلینه‌خاطر بوجوّراوّلموش اوخویان ت.ز ۷۰/۱/۱۶

غزل ۲٦٥ مصراع اول : ایسرو ناز حسن که خوش میروی بناز

حسنون ایسرو نازی خوش یئریشین وار ائله ناز
عاشقون سن ائدیسن نازویله غرق نیاز
شـــاد اولا طالع نازین بیچیلیب روز ازل
ناز دونو سرو بویا تا ائله‌یه خلقلره ناز
عنبر زولفووه هر کیم کی طاماح سالللاییری
عودکیمی سودا أودوندا ائله‌سین سوزیله ساز
یاندیریر شمع أودونا جـــانینی پروانه ولی
عارضون شمعی منه اولماسا وار سوز و گداز
او بیزیم صوفو کی می‌دن ائله‌میشدی تـــوبه
سیندیریب توبه‌سینی گؤردو کی میخانه‌دی باز
اسگیک اولماز عیاریم طعنه رقیبیم ائله‌سه
گر منی مثل قیزیل آغزا آلا انبر گاز
کعبه‌ی کویوو قلبیم کی طوافین گؤردو
بسکی سئودی حریمین یوخدو داها عزم حجاز
گؤز یاشین قانینه حاجت ندی چون یوخدو وضو
قاشلارون محرابی قوی وئرسین اجازت بنماز
باده تک کف وورالی کوپ باشینا گئتدی یئنه
چون کی **حافظ** لب ساغرده گؤروب کشف بو راز ت.ز ۷۰/۱/۱۳

غزل ۲٦٦ مصراع اول : برنیامد از تمنای لبت کامم هنوز

بیر تمنّا لبلـروندن گلمییوب کامیم هله
لعل جام امّیدینه درده دولوب جامیم هله

گئتدی اوّل گونده دینیم زوّلفلر تاراجینه
تا بو سوداده هارا چاتسین سرانجامیم هله

ساقیا بیرجرعه‌وئر بیرسو، کی اوْلسون أودمزاج
پخته‌لر تک پخته‌لش‌سین خاطر خامیم هله

من خطا ائتدیم دئدیم گر زوّلفووه مشگ ختن
سانجیراوْخ تک توّکلریم هرلحظه اندامیم هله

گوّن کی گؤردوخلوتیمده عارضون پارلانماسین
گوّن ایاق آتدا قویوب بیرسایه تک بامیم هله

ساقی لعل لبون اوّلده وئـردی بیـــــزله
جرعه‌ی‌جامیکی بیهوش‌ساخلاییب جامیم‌هله

سن دئدین جان وئر کؤنوّل آرامی گلسین تا اَله
جان گئدیبدیر غارته باخ یوخدور آرامیم هله

قصه‌ی لعل لبین **حافظ** قلمده نقش ائدیب
آخدیریر آبحیات اوندااندیر اقلامیـــم هله ق.ز ۷۰/۱/۳

صفحه ۱۳۷ انجو مصراع اول : صبا بمقدم گل راح روح بخشد باز

گوّل ایاقیندا صبا راحتِ جان وئردی یئنه
گوّللره بوّلبوّل خوشصوت فغان وئردی یئنه

قاپوسون چوخلو دوْیوْردوْم اوْزه‌گین سوْزیله
روز وصلین اومودوْن روز و شبـــان وئردی یئنه

بختدن أیسته‌میشم روز وصالین سحرین
اوّل آخر نه‌ایدی دیبده همان وئردی یئنه

هجردن جان گوْزون اوْرتوْردو جهاندا امّا
وصلوْن دولتی بو جانیمه جان وئردی یئنه

دوست اوْزوْندن سورا هئچ‌بیر یانا اوْز چوندرمم
تا کی آتدیم بتی من کعبه امان وئردی یئنه

اوْجا بختیمدن اوْزون قامتوی آرزولورام
زوّلفون أیستردیم اوْزون عوْمر همان وئردی یئنه

قلبیمین توزلاری دشمن گوْزونو کور ائله‌دی
حافظ اوْز توپراقا قوی، یار نگران اوْلدو یئنه ض.ز ۷۰/۱/۱۶

****

غزل ۲٦۷ مصراع اول : گلعذاری ز گلستان جهان ما را بس

بیر گوّل اوْزلو بو گوّلوْستان جهاندان بیزه بس
کوّلگه سالسا باشا اوّل سرو خرامان بیزه بس

منیله اهل ریا دوستلوقو حاشا بورادان
دنیادا بـــاده و می رطل گراندان بیزه بس

جنّتین قصرین عمل سایه‌سینه حق وئره‌جک
بیز کی رندیک قدحی پیر موغاندان بیزه بس

اوْتور ارخین قیراغیندا گؤر عؤمرّ گئچمه‌سینی
بـــو اشارت بو جهان گذرانـــدن بیزه بس

دنیا نقدین بازارین گؤر سورا آزار جهان
دئیلی گر سیزه بس سود و زیـاندان بیزه بس

یار بیزیلندی داها چوخ نیه لازمدی طلب
دولت وصل اوْلا گر مونس جاندان بیزه بس

اؤز قاپوندان بیزی سن جنّته اعزام ائتمه
قاپووْن توپراقی بو کون و مکاندان بیـزه بس

حافظا ائتمه گِلـــه مشرب قسمتلردن
سوکیمی شعروغزل طبع رواندان بیزه بس ق.ز ۷۰/۱/۱۹

****

غزل ۲۶۸ مصراع اول : دارم از زلف سیاهش گله چندانکه مپرس

قاره زوْلفونده واریمدیر گله چندانکی دئمه
ائله زوْلفون ائله‌ییب بی سر و سامان کی دئمه

دئنه دین و دلی ترک ائتمه وفا آختارانا
من بو أیشدن ائله‌یم زار و پشیمـــان کی دئمه

بیر أیچیم باده‌یه کی کیمسیه یوخدور آزاری
دردسر ائیله وئریر مردم نـــادان کی دئمه

بو یولون قیل و قالی چوخدوکی جانی اریدیر
هر گلن عربده‌ده «یوم گؤزون اوْغلان»کی دئمه

گوشه‌گیرلیک کؤنوْل أیستیردی سلامت‌لیقیلان
فتنه‌لر قاوزیور اوْل نرگیز فتّان کی دئمه

زاهدا گئچ بورادان ائتمه اذیّت کی بو ، می
دین و دل الدن آلیر ائیله‌جه آسان کی دئمه

آجیغینـدان کیمه آچدین سر زوْلفون ؟ سؤردوم
دئدی **حافظ** سؤز اوْزوندور سنی قرآن کی دئمه

ت‌ز ۷۰/۱/۱۸

****

غزل ۲۶۹ مصراع اول : دلا رفیق سفر بخت نیکخواهست بس

کؤنوْل رفیق سفر بخت نیکخواهون بس
نسیم روضه‌ی شیراز پیک راهون بس

نگار منزلینی ترک ائتمه بیر داها درویش
بو معنوی سفـر و کُنج خانقاهون بس

اگر کؤنوْل بو جاغیندان سنی دوتا بیر غم
موغان حریمی اگر اوْلسا تک پناهین بس

دایان مخدّیه ساخلا الینده ساغـر می
کی دنیادان بوقدر کسب مال و جاهون بس

زیاده ائتمه طلب ایشلرین‌ده آسان دوت
کی جام باده‌ی لعل و نگار ماهون بس

فلک مرادی وئرر بیلمیه‌ن لره بونی بیل
سن اهل فضل‌و کمال‌سان همین گناهون بس
قدیمکی یار وفاسیله گؤردیگین مسکن
سفر رفیقی اؤلان کیمسه عذرخواهون بس
قبول ائیله‌مه منّت کی هر ایکی دنیـــا
خدا رضاسی داها هم عطای شاهون بس
بیر آیری ورده یوخون احتیاج **حافظ** سن
یاری گئجه دعاسی ، ورد صبحگاهون بس ت.ز ۷۰/۱/۱۹

****

غزل ۲۷۰ مصراع اول : درد عشقی کشیده‌ام که مپرس

بیر غم عشقه دوشموشم که دئمه آیریلیق زهری أیچمیشم که دئمه
دنیانی چوخ دولاندیم آخـــرده بیر گؤزه‌ل یار سئچمیشم کی دئمه
او سایاق من اونون هواسینـــدا یاش بوگؤزدن آخیدمیشام کی دئمه
اؤز قولاغیمـــلا روبرو بو گئجه ائله سؤزلر ائشیدمیشم کی دئمه
نه دوداق دیشلیسن کی‌من دئمه‌یم لعل بیر لبدن أیچمیشم کی دئمه
یولچولوق کلبه‌سینده من سن‌سیز نه عذابلار گئچیرتمیشم کی دئمه
عشقـــده من غریب **حافظ** تک
بیر مقامه یئتیشمیشم کی دئمه ۷۱/۸/۱۹

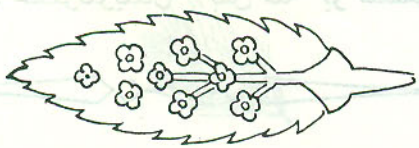

غزل ۲۷۱ مصراع اول : ایصبا گر بگذری بر ساحل رود ارس

ایصبا گئچسن یئتیشسن ساحل رود ارس

بوسه وور توپراقینه مشگین ائله اوردا نفس

منزل سلمی‌ده کی اوْلسون اوْنا یوزلر سلام

ساربانلار هایکوّیو اوردان گلیر بانگ جرس

محملین اوْپ یاریمین اوندانسورا بیر عرض قیل

آخر اوْلدوْم هجردن ای مهربان فریادرس

منکی ناصح‌لر سؤزون ائتدیم حساب بانگ رباب

هجردن‌گؤردوم قولاخ‌بورمامنه اوْلسون بو بس

صبحه‌جاق اگلن کئفه أیچ باده آنجاق بیر دوْشون

وارتانیشلیق اورتادا اوغریله هم میرعسس

عشق أیشی اوْلماز اوْیونچاق ایکؤنوْل گئچ باشدن

یوخسا عشقین توپونا وورمازلا چوگان هوس

نرگیـــز مست نگاره رغبتیله وئـــر کؤنوْل

اختیارین هوشیارلار وئرمز الدن هیچکس

طوطیلار شکّر یئرینده عیش و نوشه باش قاتیب

حسرتیندن اللرین باشه چالیر مسکین مگس

دوستمون گلسه، قلم آغزیندا، **حافظ**دن آدی

پادشاه حضرتلریندن بس منه بو ملتمس ق‌ز ۷۰/۱/۱۸

صفحه ۱۴۰ انجو مصراع اول : جانا ترا که گفت احوال ما مپرس

کیم دئدی جانا سنه مندن سؤروشما حالیمی
اوّل منه بیگانه‌لر تک ، بیلمه بیر احوالیمی
او کریم اخلاقیله هم لطف‌لر کی سنده وار
کئچمیشین جرمون باغیشلا قورتلاما افعالیمی
سوّز عشقین ذوقنو من یاخشی بیللم اؤزگه‌دن
شمعدن آختار صبادن سؤرما قیل و قالیمی
عالم درویشلیگین احوالینی هئچ بیلمه‌ییب
کیم سنه تعلیم ائدیب یاددان چیخارت امثالیمی
صومعه یوخسوللاریندان أیسته‌مه نقد طلب
کیمیا آختارما مفلسدن یولوبلار بالیمی
طب عقلین دفترینده عشق بابی یازماییب
درده عادت ائت دوا آختارما پوزما حالیمی
حق صحبت نقشینی محو ائیله لوح سینه‌دن
نامی آت کؤنلوّدن ائتمه حساب امیالیمی
قصه‌ئ دارا و اسگندر بوراخ من بیلمه‌رم
من وفا اصحابیم یاخشی تانی آمـــالیمی
موسم گوّل گلدی **حافظ** بحث عرفانی قوتار
ائیله‌مه چون و چـــرا پوّزما داها احوالیمی

ق.ز ۷۰/۱/۱۸

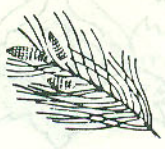

غزل ۲۷۲ مصراع اول : صوفی گلی بچین و مرقع بخار بخش

صوفیا بیر گولی در خرقه‌نی بیر خاره باغیشلا
بـو زهد عبوسی می گوّلنـــــاره باغیشلا

شطح و طاماتی دگیش چنگ نواسیله داها
طیلسان تسبیحی بیر دئیرده میخواره باغیشلا

چوخ بتر زهدی گؤزه‌للر سانا ماز بیر قدحه
اونو مسجدده آپار بیر دل بیماره باغیشلا

ای عاشقلار رئیسی ، باده کسیبدیر یولومو
قانیمی سئوله منیم غبغب دلـــداره باغیشلا

گوّل زمانی یئتیشیب، بنده‌نی یا رب ائله عفو
بیر بئله جرمی خـدا سرو قد یاره باغیشلا

ای یئته‌ن چشمه‌ی مقصوده قولاخ وئر سؤزومه
دریادان قطره‌جه‌ده بیـــر بو دل زاره باغیشلا

چون‌گؤزون گؤرموّرو پیس، شوکرونه، بیرائیله نظر
بیزلری لطف خدا رحمت غفّـــاره باغیشلا

ساقیـــا شاه کی أیچر باده‌ی گلرنگ صبوح
دئنه بیر جام طلا **حافظ** بیداره باغیشلا

ت.ز ۷۰/۱/۱۹

غزل ۲۷۳ مصراع اول : چو بر شکست صبا زلف عنبر افشانش

صبا کی سیندیریب اوْل زوْلف عنبر افشانین
سینان اوْره‌کللـــره چاتسا دیریلده‌جک جانین

هایاندا هم نفسیم تا کی شرح عرض ائله‌ییم
نه‌لر چکـــر اوْره‌ک اوْندان چکنـــده هجرانین

زمانه گوْل ورقین اوْخشادیب سنون اوْزووه
ولی اوْتانمادا غنچه‌ایله ائتـــدی پنهـــــانین

نه‌چوخ‌کی یوللاری‌گئتدیک گوْرنمه‌دیک دییبنی
کیم عشقین آخـــرین آللاه گوْروبـــدو پایانین

جمال کعبه مگر عذرین أیستیه گئده‌نین
یانیب اوْره‌ک قیریلانلار ، گئـــدیب بیابانین

بو غصه گوشه‌سینین پیرینه گتیرسین کیم
نشان یوسف مصرین چـــه زنخـــدانین

او زوْلفو من دوتاراق دادگاهه تاپشوررام
کی دادیمی منیم آلسین قوتارســـا دستانین

وفا یولیله او قاصد آپاردی نامه یارا
بیزیم اوْره‌ک قانین ائتدی او مُهر عنوانین

سحر چمنده ائشیتدیم دهان بوْلبوْلدن
نوای **حافظ** خوش لهجه‌ی خوش‌الحانین

ت.ز ۷۰/۱/۱۸

غزل ۲۷٤ مصراع اول : کنار جوی و پای بیدو طرف لاله زاری خوش

سو ارخینده سؤود آلتی اوْلا گر لاله‌زاری خوش
اوْلا همدم گؤزه‌ل ساقی نگار گلعـــذاری خوش

منیم ای طالع بختیم بیلیرسن قدرینی وقتین
سنه اوْلسون حلال عشرت وارییندیر روزگاری‌خوش

کیمین‌کی واردی خاطرده گؤزه‌للردن اوْره‌ک‌عشقی
اوْزرلیک‌سال أودا اوندا کی واردیر کاروباری خوش

بو فکر بکریله زیور عروس طبعه باغلانمیش
زمانین نقش دوریندان اله دوْشسه نگاری خوش

غنیمت بیل شب وصلین فلکدن داد دل آل بیر
گئجه مهتابدیر باغدیر چمندیر لاله‌زاری خوش

گؤزونده ساقینین می وار ماشاللاه چشم و ابرویه
کی‌عقلی مست‌ائدیرمی‌سیز وئریرباشه خماری‌خوش

گئچیب غفلتده **حافظ** عؤمر ، گل میخانیه بیـــزله
کی شنگوللاردئسین اؤیرن اوْلاردان بیرجه‌کاری خوش ت.ز ۷۰/۱/۲۱

****

غزل ۲۷۵ مصراع اول : شراب تلخ میخواهم که مردافکن بود زورش

آجی بیر باده کؤنل أیستیر کی مردافکن اوْلا زوری
منی آسوده بیر قویسون بو دنیانین شـــر و شوری

بودون پرور زمانه شهدی یوخدور سفره‌سینده بیل
طاماحین دیشلرین چکدیر بوراخ شیرینی‌نی شوری

گتیر باده فلک شریندن اؤلما ایگی دنیـــاده
نه اوینور زهـــره‌ی چنگی او مرّیخ سلحشوری
کمند صید بهرامی بوراخ ، آل جام جمشیدی
کی‌من اوُچدوم بوصحرانی نه بهرام واردی نه‌گوری
دوگل صاف باده‌ده راز جهانی گؤسته‌ریم تا گؤر
بشرطی کی خبر ائتمه اوّنا اشخاص دل کوری
نظر درویشلره ائتمک آزاتماز شأن بیوکلوکدن
سلیمان الده ساخلاردی او حشمتله کیچیک موری
ندن **حافظ** دن ال چکمیر نگارا اوّل کمان قاشلار
منی گوّلماق دوتور چاتمیر گوّجو بازوی بی زوری ض‌ز ۷۰/۱/۲۰

****

غزل ۲۷۶ مصراع اول : به‌برد از من قرار و طاقت و هوش

آلیب مندن قـرار و طاقت و هوش اوّره‌ک داشدیر گوّموّشدندیر بناگوش
نه گؤیچک چوخ زیرک وارباشدابورکو آیا بنـزر ، ظـریف تـورک قبا پوش
اونون عشقی أودوندا تاب و تبـــده قازان تک جانیمی دائم ائدر جوش
اوّره‌ک راحت اوّلار بیر کؤینه‌گیم تک اگر بیر دون کیمی چکسم درآغوش
سوموکلر جسمـــده پوسیده‌لش‌سه اونـون عشقـی یئنه اوّلماز فـرامـوش
دل و دینی اویونسوز غارت ائتـدی گوموش‌چیگنی،آچیق‌سینه،گوموش،دوش
اونون لعلی سنه **حافظ** دوادیر
لب نوشی ، لب نوشی ، لب نوش ض‌ز ۷۰/۱/۱۸

****

غزل ۲۷۷ مصراع اول : خوشا شیراز و وضع بیمثالش

خوشا شیراز وضع بیمثـــالی خدایا اوْلماسین هئچواق زوالی
او رکناباده اوْلسون آفـرینلـــر خیضیر عؤمرو وئریر آب زلالی
مصلاّدن دوتوب تـــا جعفـرآباد عبیر عطری وئریر باد شمالی
دوگل شیرازه گؤر بیر روح قدسی کی واردیر مردم صاحب کمالی
میصیرقندین آدین‌کیمسه دئیه‌نمز کی شیرینلر تاپارلار انفعالی
صبا اوْل‌کولی شنگول و سرخوش خبر وئر تا نه جوْردو وضع و حالی
اگر چه قانیمی توکسه او شیرین آنا شیری تکین اوْلسون حلالی
اوْیاتما خواب شیرینـــدن سن‌آللاه کی خوش ساخلیر بوخلوتده خیالی

نه‌دن هجراندان قورخوردو **حافظ**
کی بیلمیر قدرین ایّـام وصالی ت‌ز ۷۰/۱/۲۰

****

غزل ۲۷۸ مصراع اول : دلم رمیده شده غافلم من درویش

کؤنوْل گئتمکده غافلدیر بو درویش شکاری چولقاییب چوللرده تشویش
سؤود تک تیتریرم ایمانیم اوْسته کمان قاشلی قاپیپ قلبی او بدکیش
باشیندا واریدیر دریـــا خیالی نه‌لر بو قطره فکر ائیلیر بداندیش
اوشوخ کیپریکلرون‌کی‌اوخ تکین‌دیر کی‌هم وار نوشی‌قلبه همده کی نیش
دامار قـان هر طبیبین اللّـریندن الین قویسا گؤرر قلبیم اوْلوب ریش
گؤزوم آغـــلار قالیب میخانه‌لرده جیبیم‌بوش، الده‌بوش، بیچاره‌درویش
نه خضرعؤمروقالار نه‌ملک‌جمشید داها اوْلما کؤنوْل مغلوب تشویش
گؤزوم آغلارقالیب بوینوم چیگینده کی ایشلر کم گلـر آخرده یا بیش

نوکرسن سن شاهـــا ائتمه گلایه
شکایت ائتمه **حافظ** کمدی ، یا بیش ت‌ز ۷۰/۱/۲۰

غزل ۲۷۹ مصراع اول : مجمع خوبی و لطف است عذار چو مهش

اوْزو گؤیچکدی گؤزه‌ل آی کیمیدیر چوخ صفالی
وفاسی یوخدو آی آللاه کاش اوْلایدی وفالی
سنّی آزدیر اوْزو گؤیچک اگر اوْلدورسه منی
اوْلاجاق قانیم هدر شرعده یوخدور وبالی
من گره‌ک یاخشی اوْزوم کؤنلوْمو اوْندان قوریام
یاخشی ، پیس آنلامیری کؤنلو نئجه ساخلاماقی
او شکـــر لعل لبینده هله‌ده سود أیبی وار
گرچه قانقان دئییری قاره گؤزو پیسدی حالی
واردی اوْن‌دؤرد یاشی شیریندی زیرک چوخ تردست
بنده‌لیق حلقه‌سینی آی اونا بؤینوندا سالی
او تازا ، نوگوْل خنـــدان دالیجا ، گئتدی هارا
ایخدا زار کؤنوْل هاردا گئدیب هاردا قالی
گر بو جوْر سیندیـــرا یاریم اوْره‌گی بی پـــروا
شاه جانین ساخلاماقا ، چوخلو مواجبلر آلی
چونکی بیفایده‌دیر چوخدا چالیشماق درویش
یاخشیدیر سن غم الیندن کؤنوْلو قورتـــارالی
گر جانی قوربان ائدم لعل او دُر دانیه من
حافظین گؤز صدفی جعبه‌ی دُردانه اوْلی ت.ز ۷۰/۱/۲۲

غزل ۲۸۰ مصراع اول : باغبان گر پنج روزی صحبت گل بایدش

باغبان گر بئش‌گؤن اؤلسا صحبت گؤل لازمی
هجرانین دوروندا وار بیر صبر بؤلبؤل لازمی

بند زؤلفونده کؤنؤل آشفته‌لیکدن آغـلامـا
گر زیرک قوش دؤشسه دامه وار تحمل لازمی

مصلحت گؤرمک نه فایدا رند عالَم‌سوز أیچون
شاهلارا بیر گون اؤلار عقل و تأمل لازمی

کیم طریقتده ائده تقوی و علمه دینی یوخ
یول گئدن یؤزلر هنر اؤلسا توکّل لازمی

اؤندا بو زؤلف و اؤزیله اؤزگییه باخماق حرام
یاسمن هرکیم سئوه یا جعد سؤنبؤل لازمی

نرگیز مستانه‌لردن ناز چوخ چکمک گره‌ک
تاکی شوریده کؤنؤل وار جعد و کاکل لازمی

گردش ساغرده ساقی چوخ بوجؤر اَل ساخلاما
نوبه چاتسا عـاشقه دؤر تسلسل لازمی

ناله‌ی رودیله **حافظ** کیمدیر أیچمز باده‌سین
عاشق مسکین ندن چوخلو تحمل لازمی ت.ز ۷۰/۱/۱۹

غزل ۲۸۱ مصراع اول : سحر ز هاتف غیبم رسید مژده بگوش

منه یئتیشدی سحر مژده غیبدن در گوش
کی دوْر شاه شجاعدیر مئیی آچیق ائت نوش

سووشدو اهل نظر مات باخاردی حاشیه‌ده
اوْره‌کده مین دانا سؤزلر ولی لبی خاموش

او دردلری دئیه‌ریک صوت چنگلرده داها
کی‌گیزله‌دنده اودردی ائدردی سینه‌ده جوش

او، ائوده‌کی، پُلیسین قورخوسون گؤرن باده
أیچک یارین اوْزونه بیز ببانگ نوشاشوش

چیگین‌ده چکدیله میخانه‌دن دوْتن امامی
او کی ریائیله سجاده هی چکیردی بدوش

کؤنوْل دوگل سنه من گؤسته‌ریم نجات یولونو
تفاخر ائیله‌مه فسقه و اوْلما زهدفروش

شاهین او دوْز نظرین جلوه‌گاه نور بیلین
تقرّب ایسته‌سن اوْردا صفای نیّته اوْش

ثنای شاهی اوْره‌کده همیشه ورد ائیله
کی قلبی شاهین اوْلار محرم پیام سروش

صلاح مملکتی شاه اوْزو وئرر تشخیص
گدای گوشه‌نشین حافظا سن ائتمه خروش

ت‌ز ۷۰/۵/۷

غزل ۲۸۲ مصراع اول : ما آزموده‌ایم در این شهر بخت خویش

شهرده بیز سینادیق بختیمیزی بو خطردن چیخاداق رختیمیزی
الیمی دیشله‌ییرم آه چکیرم گوْل کیمی أودلامیشام تختمیزی
بوْلبوْلو خوشلاییرام خوشجا قوشور خوش ائدیر گوْللریله وقتیمیزی
ایکؤنوْل صبر ائله یارین جفاسی باغلیا بیلمیه‌جک بختیمیزی
أیسته‌سن اوْلمیا چوخ سخت جهان گؤزله‌مه سستمیزی سختمیزی
یئتیشیب وقتی فراقین غمینی توْتله‌ییم أود أیچینه رختیمیزی
گئتسه گر حادثه موجی فلکه نم باتیرماز داها بیر رختیمیزی

گر مراد دائم اوْلایدی **حافظ**
جم‌ده ترک ائتمزایدی تختی-میزی ت.ز ۷۰/۱/۲۱

****

غزل ۲۸۳ مصراع اول : باز آی و دل تنگ مرا مونس جان باش

گل بیرده بودار قلبیمیزه مونس جان اوْل
بو یانمیشا بیر محرم اسرار نهان اوْل
اوْل باده‌ای کی میکده‌ی عشقده واردی
وئر بیر نئچه ساغر دهٔ کی ماه رمضان اوْل
خرقنده کی أود وورموسان ایعارف سالک
بیر سعی ائله سر حلقه‌ی رندان جهان اوْل
دلدار سنی سئومه‌گینی گر دیله گلسه
سن ائیله قبول ، ساغلیغا امّا نگران اوْل

تا توتمیا یار قلبینی غم غصّه غباری
ای گؤز یاشی سن نامه‌نین آردینجا روان اوْل
حافظ کی هوس ائیله‌دی جام جمی، **شیوا**
دهٔ تحت نظر آصف جمشید مکان اوْل ضـز ۷۰/۱/۱۹

****

غزل ۲۸٤ مصراع اول : هاتفی از گوشه میخانه دوش

میخانادان غیب سسی گلدی دوش یوخ گناهی ائیلیه‌سن باده نوش
لطف الهی ائلیه‌ر اوْز ایشین مشتوْلوْق آخر وئره‌جکدیر سروش
خام عقیلین نقل ائلـه میخـانیه قرمزی می قانه وئره بلکه جوش
گرچه‌چالیشماقدا دئیل وصل یـار سن نه‌قده‌ر واردی توان دور چالیش
لطف‌خدا چوخدو بیزیم جرمـدن بیلمه‌سن اَسراری اگر اوْل خموش
بوقولاغیم،.. یار تئلینین حلقه‌سی اوْز بومنیم،.. خاک در میفروش
حافظه رند اوْلماغا یوخدورگناه شاهدا کَرَم واردی اوْزو عیب‌پوش
داور دین شاه شجاع امـرینی روح قدس حلقه‌سین آسلار بگوش

ای مَلک‌العرش مرادین یئتیر
بدنظرین ائت خطرین خیرپوش ۷۱/۵/۷

غزل ٢٨٥ مصراع اول : اگر رفیق شفیقی درست پیمان باش

گل ایرفیق شفیقیم درست پیمان اوْل
رفیق حجره و حمّام و هم گوْلوْستان اوْل

شکنج زوْلف پریشانی وئرمه یئل الینه
دئمه عاشقلارا قلبین ائوی پریشان اوْل

رموز عشق نوازلیق هامی قوْشا دئیل ایش
چالیش‌کی نوگوْل بو بوْلبوْل غزلخوان اوْل

داها حرم‌ده شکار ائتمگه قلیج چکمه
بیزیم کؤنوْلده گوره‌ن ایشلره پشیمان اوْل

غلاملیقین یولونو خدمتین طریقه‌سینی
سن‌آللاهین بیزه‌وئر، قلبیمیزده سلطان اوْل

سن انجمن شاهیسان بیرائله دیلون، قلبون
او سعی و سوْزش پروانه‌لرده خندان اوْل

گؤزه‌للیقین کمالی باغلیدیر باخانلارینا
باخان‌گؤزونده چالیش نادر بو دوران اوْل

گلایه یاردان ائتمه سکوت ائله حـــــافظ
سنه دئیه‌ن کیمیدی گؤیچک اوْزده حیران اوْل ح.ز ٧٠/١/١٩

غزل ۲۸۶ مصراع اول : یارب آن نوگل خندان کی سپردی بمنش

تاپشیریبسان او گوّلو بـــار الهـا کی منه
حسودون پیس نظری دوّشمیه اوْل گوّل چمنه

گرچه چوخ مرحله وار اوْنلا وفا کوچه‌سینین
اوْزاق اوْلسون فلکین آفتی اوْل جان و تنه

ایصبـا گـــر یئته‌سن منـزل معشوقه‌میزه
چوخ سلاملار یئتیریرسئوله او بیچاره سنه

مشگ آچاندا ادبون اوْلسون او زوّلف سیهه
پوزما، چوخ واردی کؤنوّل ، اوردا دوّشرلر مِحَنه

سئوله وار حق وفـا خطّ و خالونلا اوّره‌گیم
محترم ساخلا بو کؤنلو دهٔ او عنبر شکنه

اورداکی هاممی أیچر باده او لب ساغلیغینا
گر اوْزوندن خبر اوْلسا عار او باده أیچه‌نه

مال و آبرو نه گره‌کدیر ییغـاسان میخانادا
تولّلا دریایه بو جوّر تنگ‌نظر یول گئده‌نه

غصه‌دن قورخانا عشقین غمیده اوْلماز حـلال
باش بیزیم یار ایاغی لب یئتیشه اوْل دهنه

حافظین شعرلری معرفتین مطلعیـدیر
آفرین بیر بئله دلکش نفسه ، شعر دئیه‌نه

ش‌ز ۷۰/۱/۲۲

غزل ۲۸۷ مصراع اول : ای همه شکل تو مطبوع و همه جای تو خوش

شکلوین هاممیسی مطبوعدی هر جایین خوش
کؤنلومو ائیلیری شیرین شکر خـایین خوش

تازه‌گوّل یاپراقی‌تک جسم و جانین واردی لطیف
چمنین سروی تکین جمله سرا پایین خوش

ناز و شیوندی شیرین خطّ و خالین چوخ دوُزلو
قاش گؤزونده نه گؤزه‌ل قامت رعنـایین خوش

خیـالیم گوّلستانی سنله تاپیر نقش و نگار
کؤنلوّمون قصرین ائدیر زوّلف سمن‌سایین خوش

سنون عشقون یولو کی سیل بلادن یولی یوخ
کؤنلوّمو اوردا ائدیر سیر و تماشـایین خوش

گؤزلره قوربان اوّلوم کی ائله بیمارلیقیلا
دردیمه درمـــان ائدیر منظر زیبایین خوش

طلب ائتمک چؤلوّنوّن واردیر اگر چوخ خطری
حافظ بیـــدل ائدیر اوردا تولاّیین خوش ت‌ـز ۷۰/۱/۱۹

****

غزل ۲۸۸ مصراع اول : فکر بلبل همه آنست کی گل شد یارش

بوّلبوّلوّن فکری اودور گوّللر اونا یار اوّلسون
گوّلده بو فکرده کی عشـوه‌ده پرکار اوّلسون

دلـربـالیـق او دئی عـاشقـوی اؤلـدوّره‌سن
امّا اوّلکیمدیکی بیر نوکره غمخـوار اوّلسون

یئری وار دالغالانا قانی اوزه‌کده لعلین
اورداکی ساخسی اونا دشمن بازار اولسون

بولبوله شعرو غزل اوگره‌دیری گول فیضی
یوخسادیمدیکده نه‌وار بیربئله دُربار اولسون

ده کی معشوقه‌میزین کوچه‌سینین رهگذری
حذر ائتسین کی او سرگیجه‌ی دیوار اولسون

آردیجا وار او سفر ائیلیه‌نین مینلر اوزه‌ک
اولسا هر یئرده اونا دست خدا یار اولسون

ساغلیغین صحبتی خوشدور سنه‌ای کؤنلوم اگر
عشق شیریندی بوراخما سنه هشدار اولسون

او پیان صوفوکی بؤرکون بوجوزه اگری قویور
وصل ناز پروریدی قویما کی آزار اولسون ۶۹/۱۰/۱۷

****

غزل ۲۸۹ مصراع اول : بدور لاله قدح گیر و بی‌ریا میباش

یانیندا لاله ، قدح الده بی‌ریا گل اول
گولون أیگینده بیر آز همدم صبا گل اول

دیمم کی أیل باشا باش می‌پرست‌لیق ائیله
اوچ آی می أیچ قالان آیلاردا پارسا گل اول

اگر وئره سنه می عشق سالکین پیری
أیچ اوندا منتظر رحمت خدا گل اول

اگر هوس ائده‌سن غیبی جم کیمی بیله‌سن
بیر آزدا همدم جام جهان نمـــا گل اوْل

اگر چه باغلیدیر أیشلر جهاندا غنچه تکین
بهار یئللری تک سن گره‌گشـــا گل اوْل

وفاده أیسته‌مه کیمدن قبولون اوْلماسا گر
خیالدا طالب سیمرغ و کیمیـــا گل اوْل

مطیع خواهش بیگانه اوْلما ای **حافظ**
ولی معـــاشر **شیوای** آشنـــا گل اوْل

۷۰/۱/۲۰ ضبط

****

غزل ۲۹۱ مصراع اول : دوش بامن گفت پنهان کاردانی تیزهوش

دوْن دئدی گیزلینده منله أیش‌بیلن بیر تیزهوش
فاش ائدیم سنده ائشید بیر راز پیر میفروش

سئوله‌دی برک دوتما دنیانی کی طبعاً روزگار
برک‌دوتاردنیاده کیمسه چوخلو اوْلسا سختکوش

صونرا بیر جام وئردی کی افلاکه دوشدو شعله‌سی
زهره رقصه گلمه‌ده سازین چالیب های دوشدو نوش

قان کؤنوْل ، خندان دوداق لازمدی جام می تکین
یوخ ، کی‌گر بیرزخمه چاتسا چنگ‌تک ائتسین خروش

اوْلماسان تا آشنا باش تاپماسان بو سّـردن
چون کی نامحرم قولاخ دوتمازلا پیغام سروش

بیر نصیحت ائیلیرم غم ائتمه دنیادن اوتەر
درّتک دینله، قبول ائت، گر واریندیر عقل و هوش

یوخ حریم عشقده هر کیم کی سالسا قیل و قال
چون گره‌ک اوْلسونلا اعضا جمله چشم و یا کی گوش

نکته‌دانلار محضرینده خودفروشلوق عیب‌دیر
یاسؤزو، بیل، سن‌دانیش ای آنلیان، یاکی خموش

حافظین رند اوْلماسین آخرده بیلدی ساقیا
آصف صاحبقران جرم‌بخش عیب‌پوش ت.ز ۷۰/۱/۱۹

****

انجوی شیرازی نسخه‌سیندن **مصراع اول : من خرابم زغم یارخراباتی خویش**

من خراباتی یاریمدان اوْلورام مست وخراب
سالیری غمزه‌سی یارین کؤنوْله درد و عذاب

سنه عاشق اوْلالی آتمیشام هر بیر شئیی من
کیم وورولسا سنه کؤنلو چکه‌جکدیر تب و تاب

منه بیر لطفله باخ کی پوزولان بو کؤنوْله
سن اگر باخمیاسان چوخ گؤره‌جک جؤر و عتاب

آخر ای پادشه ملک ملاحت نه اوْلار
بو یارا قلبیمه بیر دوز سپه‌سن بهر ثواب

بادا وئردی بو یانان قلبیمی بیر خرمن تک
مست گؤزلر کی ائده قانیمی اللرده خضاب

زوْلفونون گر صلیبین آچسا داغیتسا هوروگون
چوخ مسلمان گئده‌جک دینی، گؤررچوخلوعذاب

اوتوما دیز دالینا چوخ غم بیهوده یئمه
روزونو آز چوخ ائدنمز یئیه‌سن غصه ، خوناب
چونکی بیهوده‌دی کوشش ائله‌مک دنیاده
غمده أینجیتمه اؤزون بیر بئله ای عالیجناب
بیر سؤروش حالینی بیچاره‌لرین حالینه باخ
نه عجب درویشه بیر شاه ائده لطف و خطاب
نه زمان کام آلیب لعل لبوندن **حافظ**
کی سنین نیشیویله بیربئله چکمیبدی عذاب

ت.ز ۷۰/۱/۲۲

****

غزل ۲۹۲ مصراع اول : قسم به حشمت و جاه و جلال شاه شجاع

جلال و حشمتینه آند اؤلا او شاه شجاع
کی مالدان اوتره یوخومدورکیمیله جنگ و نزاع
بو ائو شرابینی کس وئر می موغانه‌میزی
حریف باده یئتیشدی ، رفیق توبه وداع
سیزآللاهیزمی‌ایله شستشووئرین بوخرقه‌میزی
کی خیر أیگی منه گلمیر وخیمدیر اوضاع
نئجه گؤرون گئدیری رقصیله سازین سسینه
او مفتی کی قدغن ائیله‌میشدی استماع سماع
گل عاشقه نظر ائیله بشکر بو نعمت
مطیع بنده منم سنده شاه مطاع

سنین جامینـدا اولان فیضه تشنه‌ام امّا
نه چوخ واریمدی جسارت نه نیّتیم ده صداع
جبین حافظی آللاه آییرماسین هئچوقت
تراب بارگه کبریـــــای شاه شجاع ۷۱/۵/۷

****

غزل ۲۹۳ مصراع اول : در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع

ائیله‌دی عشقون منی مشهور خوبان شمع تک
شب‌نشینم همدم اوباش و رندان شمع تک
غم سئوه‌ن گؤزلرده گلمیر بیر ساعت بیر یوخلییام
بسکی هجراندا وارام من زار و گریان شمع تک
صبر أیپیم غم قیچی‌سینده دوغرانیر چیخمیرسسیم
اولموشام بو شعله هجرینده سوزان شمع تک
گؤز یاشی گر اولمیایدی قرمزی ، کؤنلوّن قانی
آشکار اولمازدی هئچواق سرّ پنهان شمع تک
أود أیچینده سو أیچینده دائما فکرونده‌دیر
بو کؤنوّل زار و نزار و اشگباران شمع تک
یوللا بیر پروانه‌ی وصلون منه هجرانیده
یوخسا آهیم ائیله‌یر دنیانی سوزان شمع تک
هجر رویوندا منه گؤندوز اولوب قاره گئجه
عشقینین اوجونداوار جانیمدا نقصان شمع تک

غم الینده یوموشانیب صبریم‌داغی بیرموم‌کیمی
آتش عشقینده قلبیمدیر گدازان شمع تک
صبح تک باقیدی تکجه بیر نفس دیداریوه
آچ اوزون ایدلبریم بوجاندی قوربان شمع تک
نازنینا بیر گئجه وصلونله قیل سن سرفراز
تا أیشیقلانسین وصالوندا بو ایوان شمع تک
آتش عشقون عجب **حافظ** سالیبدیر باشینه
گوزیاشی خاموش ائدرگراوْلسا افشان شمع تک ت.ز ۷۰/۱/۲۳

****

غزل ۲۹٤ مصراع اول : بامدادان که ز خلوتگه کاخ ابداع

صبح وقتی کی طبیعت سحرین قصرین آچار
مشرقین شمعی وئرر نورونو هر یئرده ساچار
چکر آئینه‌سینی جیب افقدن بو فلک
دنیانین مین اوزوتو گوسته‌رر ائیلر آشکار
جمشیدین شاد ائوینین بور بوجاغیندا گوئیده
ارغنوندا سازیلا زهره نه آهنگ چالار
چنگ ائدر غلغله کی بس هارادا منع ائله‌ین
جام گوْلماقدا دیکی کیمدیر ائدیر حقّ انکار
باخ زمان وضعینه بیر ساغر عشرت قاوزا
اوزون اوْلدور سن اگر وضع بو نوعیدیکی وار
تله‌دی تولامادی دنیا گوزه‌للر زوْلفو
عرفا بوردا ساواشمازلار ائده‌للر اقرار

اؤزون عؤمر آیسته شاها دنیا مالی گر سئوه‌سن
بیر عطا بخش وجود دور کی رئیس اخیار
حافظا باده‌نی گؤل اؤزلو صنملرله دور آیچ
ایکی دنیاده بودور حاصل عؤمر ای هشیار

ت.ز ۷۰/۱/۲۳

****

غزل ۲۹۵ مصراع اول : سحر بسوی گلستان شدم دمی در باغ

صبح وقتی گذریم دوشدو بو گؤن گؤلزاره
بلکه بؤلبؤل کیمی منده گلم آخر زاره
بیر باخیردیم او قیزیل گؤل اؤزونه حسرتیله
نئجه بنزیردی قارانلوقدا او گؤل گؤلناره
غرور حسنه جومووبدور جوانلیقیله او گؤل
بی‌خبر بؤلبؤل بیچاره قالیب آواره
آخدیریر نرگیز رعنا گؤزونون یاشلارینی
لاله سودای محبّت‌ده گؤروؤر مین یاره
اوزادیب دیل قلمین دانلاماغا سوسنه باغ
آچیب آغزیندا شقایق تاپا یول اسراره
گؤللر اللرده صراحی هامیسی باده‌پرست
بعضی سی الده قدح مثل بت مهپاره
حافظا دؤر جوانلیقدا کئف ائت **شیوا** تک
سنه ابلاغدی وظیفه اؤلا خلقه چاره

ت.ز ۷۰/۱/۲۳

غزل ۲۹۶ مصراع اول : طالع اگر مدد کند دامنش آورم بکف

بختیم اگر مدد ائده ، دامنینی سالام اله

اؤلدوره‌گرشاد اؤلارام ، چکسه اتک اؤلسون هله

بهره‌سی اؤلمادی کیمین ، امیدوار کؤنلؤمه

سؤزوم دؤشؤب آغیزلارا ، شهره سالیبدی ولوله

آچانمایيب أیشلریمی ، کمان او قاشلارین ندن

غلط امید باغلاییب ، مـــراد اله چتین گله

ال چکه‌جکدی قاشلاری ، نوقت بس خیالدن

اوخ آتمیاییبدی بو کمان ، سینیخ بو قلب مهمله

بو داش اؤره‌ک گؤزه‌للرین ، نقدر نازینی چکک

باخ بو اوشاقلارا ، آتا ، یـادلارا سالمایير هله

گوشه‌نشین اؤلوم دئدیم ، زاهد اؤلام بلکه بیر آز

مغبچه‌لر چالیرلا دف ، ائدیرله گؤر نه هلهله

زاهد اؤلوبدو بیخبر ، چیخاتما سس نقشه‌نی بیل

ریا ائدیر بو محتسب ، باده گتیر آلاق اله

صوفیه باخ که شهرده ، روزوسو واردی شبهه‌لی

اؤزوندو قویروغو بو مال ، علفله دولدوروب سله

صدق دیلیله **حافظا** ، گر ووراسان ولایه ال

بویولدادوشمه‌سن داها، عؤمرده بیرده معضله ق.ز ۷۰/۱/۲۴

****

غزل ۲۹۷ مصراع اول : زبان خامه ندارد سر بیان فراق

قلمده یوخدو او قدرت ائده بیان فراق
دئیه‌نمیرم نه حکایتدی داستان فراق

حییف بو مدت عؤمروّم امید وصلیله
یئتیشدی باشه ولی چیخمادی زمان فراق

بو باش کی فخریله چاتمیشدی گؤیلره بیرگون
خدایه آنـــــد اوّلا قویدوم بر آستان فراق

هوای وصلده بیرده نه جوّر قاناد آچارام
کؤنوّل قوشو توکورو پر بر آستـان‌فراق

سالوبدو غم دنیزینده نئدیم کی بوررانلاقا
بو صبریمین گمیسین باخ او بادبـان فراق

یاخیندی غرق ائده دنیاده بو عؤمروّر گمیسین
بو موج شوق و بو دریای بیکـران فراق

فراق و هجری خدا کیم گتیردی دنیایه
اوّلایدی قاره اوّزو هجر و خان و مـان فراق

خیال قافله‌سیله هاماشلاشیب دوزوّرم
رفیق قافله‌ی محنتـــم و همقران فراق

بو جان بهاسینه دعوی وصالیوه نه ائدیم
اوّلوب وکیل قضا جان اوّره‌ک ضمان فراق

کؤنوّل کبابدی شوقون أودوندا یاردان اوُزاق
اوّره‌ک کبابی جگر قانیدیر بو خوان فراق

فلک گؤروب باشیمی عشق چنبرینده اسیر
سالیبدی بوینومو صبرین بریسمان فراق
چیخایدی شوق ایاغیندا اگر بو یول حافظ
بو آیریقیلارا وئرمزدی کیم عنان فراق

ت ـ ز ۷۰/۱/۲۴

****

غزل ۲۹۱ مصراع اول : مقام امن و می بیغش و رفیق شفیق

مقام امن اوّلا ، صاف باده ، بیر رفیق شفیق
اگر همیشه‌لیک اوّلا ممکن سنه گؤزه‌ل توفیق
بو دنیالار هاموسو آیشلریله لاپ هئچدی
بو بحثی من ائله‌دیم مین‌جه دفعه‌لر تحقیق
حییف‌کی من بوراجاق بیلمه‌میشدیم اصلا هئچ
کی کیمیـــای سعادت رفیق‌ایمیش و رفیق
امان اوّلان یئره گئت عؤمرو بیل غنیمتده
کی عؤمره بوسقودا یاتمیشلا قاطعان طریق
نگار لعلینی ، جام گوّلمگین ، ائدم توبه ؟
بیر آیشدی کی دوّز عقیل ائیله‌مز اونو تصدیق
او اینجه بئل بیلیرم کی الیم اونا چاتماز
ولی کؤنوّل خوش ائدیر دیبده بو خیال دقیق
سنون کی واردی شیرینلیق بوجوّر زنخداندا
اونو بیلمنز ، اوّلا ، مین‌لریله فکـــر عمیق

اگر عقیقه دونوب گؤز یاشیم منیم نه عجب
کی لعل لبلرون ای گول اولوبدو مثل عقیق
گولوب منه دئدی **حافظ** سنه غلامم من
باخون کی یار منه ائیلیر نه نوعیله تحمیق

ت ز ۷۰/۱/۲۴

****

غزل ۲۹۹ مصراع اول : اگر شراب خوری جرعه ای فشان برخاك

باده أیچسن ائله بیر جامده توپراقه نثار
گناهین نفعی اولا اؤزگییه دیبده نه اولار
وار اولان الده‌کینی یئی هاموسون غم ائله‌مه
یئمه‌سن گر سن اونو بیلکی زمان الدن آلار
ایاقون آتدا او توپراقه قسم ای گؤزه‌لیم
کی باشیم حشره قدر گؤزله‌مه‌ده یولدا قالار
نه جهنم ؟ نه بهشت ؟ یاکی نه آدم ، نه پری
هر طریقتده خسیس کیمسه دیبی کافر اولار
باغلاییب دئیر یولون آلتی طرفدن بو فلک
بیر جورّیلن کی داها اولمیاجاق راه فرار
موو قیزین وسوسه‌سی گؤز نه کسیر عقل یولون
دولا موو تارمالاری حشره قدر باره پادار
میخانا یوللارینی خوش باشا وئردین **حافظ**
اهل دل ائتسه دعا پاکدیر اوره‌ک حقه چاتار

ت ز ۷۰/۱/۲۵

غزل ۳۰۰ مصراع اول : ایدل ریش مرا با لب تو حق نمك

یارا بو قلبیمه واردیر لبینین حق نمک
حقی ساخلا ، گئدیرم منده کی آللاه معک

عالم قدسده سن پاک او همان گوهرسن
ذکر خیـــرین اوْلورو گؤیلره تسبیح مَلَک

گر خلوصیمدا منیم شکّین اوْلا تجربه ائت
عیارین هر قیزیلین کیم تانیماز غیر محک

سن دئدین کئفلهنه‌رم بیر سنه وئررم ایکی بوس
وعده‌وین وقتی گئچیب بیز نه‌دو گوردوک نه‌ده یک

آچ او خندان لبیوی پسته کیمی توْک شکری
یوخسا خلق پُستیه یـــا غنچه‌یه ائیللر شک

چرخی برهم ووارام گزمه‌سه گر کامیمجه
دئیلم من او کی خفّت وئره بو چرخ فلک

حافظین چون یانینا یوخدو یولو یار گلسین
سنده بیر آزجا رقیب یاردن اوْل دور ترک

۷۱/۵/۷

****

غزل ۳۰۱ مصراع اول : هزار دشمنم ار میکنند قصد هلاك

مین نفر دشمن اگر ائیلیه‌لر قصد هلاک
دوستوم اوْلسان سن‌اگر یوخدو منیم دنیادا باک

هر نفسده یئل‌ایلن عطریوی گر أیگله‌مه‌سم
گوْل‌تکین دیبده اوْلار کؤینه‌گیمین آرخاسی چاک

منی امیّد وصالون دیری ساخلیر بورادا
یوخسا هر لحظه ائدیر آیریلیقین دردی هلاک

گؤزلره بیر یوخو گلسین خیالونلا هیهات
صبر ائده هجرانوا یانمیش اوْره‌کلر حاشاک

یاخشیدیر سن یارا وورسان ، وئره اوْزگه مرهم
بو جانا یاخشیدی زهرین وئره اوْزگه تریاک

قیلیجونلا گر اوْلم اوْلماسین هئچواق دیریلیق
پاک اوْلار چونکی اگر روحوم اوْلا عشقه فداک

دایانیب ساخلاما ال وور قلیجونلا باشیمی
سپر اوْللام سنه من چکمه الین از فتـــراک

سن اوجوْرسن کس سنی کیمسه بیلنمز کیمسن
معرفت قدری سنی خلق ائده‌جکدیـــر ادراک

خلق عزیزی اوْلاجاقدیر• بوزماندا **حافظ**
گر قویا عجز اوْزون درگه عشقونده بخاک

ت‌ز ۷۰/۱/۲۵

****

غزل ۳۰۲ مصراع اول : خوش خبر باش ای نسیم شمال

خوش خبرلر گتیر نسیم شمال یئتیشیر بیزلره زمان وصال
ناغیلی قورتولان دئیل عشقین قیسسا سؤز بئیله‌دیر زبان حال
دهٔ بیـــزه حالینی او معشوقون نئجه دیر احوالی نجوردور حال
بو آباد قلب اوْلوبدو تازه خـراب سوروشون حالینی دئسین اطلال
کامران سان گؤزه‌ل جمـــالونـلا پیس نظـردن اوْزاق اوْلا او جمال

باخسین آللاه سنه بیزه باخسان چوخ ساغول مرحبا تعال ... تعال
بزمگاه میدانی قالیبدیر بوش نه حریف وار نه جام مالامال
سایه‌سین‌سالدی هجرانین گئجه‌سی نه اؤیونلار چیخاردا شبروان خیال
حافظا عشقله صبیر بسدیر
خوشدور عاشق سیزیلتیسی هر حال ت.ز ۷۰/۱/۲۳

****

غزل ۳۰۳ مصراع اول : هر نکته ایکه گفتم در وصف آن شمایل

هر نکته‌کی دئدیک بیز تعریفین اوْل شمایل
هر کیم ائشیددی دیندی **لله درّ قائل**
عشقه علاقه سالماق آسان گؤروکدو اوْل
جانیم یورولدو آخر کسب ائتمه‌ده فضایل
حلاّج دار باشیندا خوش سئوله‌دی بو بحثی
بیلمز بو شافعی لر امثال بو مسائل
سوردوم بو ناتوانه بخشش اوْلارمی یا نه
اوندا دئدی کی جانین اوْلماز آرادا هایل
وئردیک کؤنوْل اویاره بیرچوخ گؤزه‌ل نگاره
اخلاقی چوخ گؤزه‌لدیر بیریار خوش‌خصائل
درعین گوشه‌گیرلیک من‌مست‌ایدیم گؤزون تک
ایمدی وارام قاشون تک اوْل مسته منده مایل
بوگؤز یاشیندا مین یول طوفان نوح گؤردوم
نقشون بو سینه‌میزدن اوْلماز جهاندا زایل
حافظ قولو نگارا دنیادا گؤز نظردی
یارب اوْلایدی بو ال آغوشیوه حمایل ت.ز ۷۰/۱/۲۸

غزل ۳۰٤ مصراع اول : بوقت گل شدم از توبه شراب خجل

ائدیبدی گوّل زمانی توبه‌ی شراب خجل
کی ائتمه‌سین کیمسین کار ناصواب خجل
منیمدی مصلحتیم دائماً اوّلام می‌ایلن
نه ساقیدن نه گؤزه‌لدن بهیچ باب خجل
اوّلار کی یار کرامتدن هئچ سئوال ائتمز
گناهیمی کی قالام منده بی‌جواب خجل
گئچن‌گئجه گؤزومون قانی آخدیکی اوسایاق
ائدیبدی گؤزلریمی کاروان خواب خجل
سنین گؤزون قاباغیندا روادی نرگیز مست
ائده اونا او گؤزون چوخ عتاب خجل
خدایه شوکرکی گوّندنده سن گؤزه‌ل وارسان
سنون یانیندا منی ائتمز آفتاب خجل
قالیبدی خضر سویو ظلمتین حجابیندا
ائدیبدی **حافظین** او شعر و طبع آب خجل ص‌ز ۷۰/۱/۲۷

****

غزل ۳۰۵ مصراع اول : اگر بکوی تو باشد مرا مجال وصول

اگر مجال یتئتیشمک اوّلا وئراق کی بیر ال اله
حریم وصلویله آرزوم گلر عمله
او مشگ سنبل زوّلفون قراریمی آپاریب
خراب ائدر حالیمی سوّرمه‌لی گؤزیله گله

سنوّن قاپوندا من بینوای بی زر و زور
اجازه گل‌گئده‌یوخدور عاشق‌گئده یاگله
تازا حیات تاپاجاق بو سینان خرابه کؤنوّل
اوواق کی تیر غمیله بو قانلی قلبیم اوْله
خرابه‌راق اوْره‌گیمدن تاپانمایيب غم یئر
منیم بو دار اوْره‌گیمده سالوبدو منزل اله
کؤنوّل جواهر عشقونده گـر تاپا صیقل
حوادثین پاسینی چوخ اوْلارکی پاک‌سیله
نه جرم ائتمیشم ای جان سنون حضورونده
کی طاعتیم نظرونده قبول اوْلمور هله
هارا گئدیم نه ائدیم کیملره دئییم سؤزومو
کی روزگار گتیردی باشیمدا چوخ مسئله
بودرد عشقیله تابلاش سکوت ائله **حافظ**
رموز عشقی ائدیب فاش سالما بیرده دیله ت.ز ۷۰/۱/۲۶

****

غزل ۲۰۶ **مصراع اول : ای رخت چون خلد و لعلت سلسبیل**

ای بهشت اوْزلو لبین‌دیر سلسبیل سلسبیلین جان و دل ائیلیر سبیل
خط لعلون دوره‌سینـــده سبزه‌لر بیر قاریشقا تکدی دور سلسبیل
کیپریگون ناوک‌لری هـر گوشه‌ده ساخلاییبـدیر من کیمی یوزلر قتیل
ایخدا جانیمده بو آودکی دوْشوْب اوسایاق سوْندوْرکی سوْندو برخلیل

من مجالین تاپمادیم ای دوستلاریم گرچه وار یارین جمالی چوخ جمیل
قیشلاریم‌آخساخدی منزل‌چوخ‌اوزاق الده قیسسا باخکی خرما بر نخیل
یا اوزه چکمه عاشقلیق نیلینی یا لباسون یو اونا وور رنگ نیل
حافظی سرپنجه‌ی عشق نگار
مورتک قویموش ایاق آلتیندا فیل ت.ز ۷۰/۱/۲۶

****

غزل ۳۰۸ مصراع اول : شَمَمْتُ روحَ وصالٍ وَ شُمْتُ برق وصال

گلیر وصال قوخوسو ، گؤرسه‌نیرده برق وصال
دوگل کی عطروو قوربانم ای نسیم شمال
جمال یاری گؤرنده دور اوزدا منزل ائت
کی صبره تاب و توان وئرمیر اشتیاق جمال
او آیریلیق گئجه‌سی شرح و حالی قوی قالسین
او شوکره کی دئیه‌سن پرده سالدی روز وصال
گؤزون بو ائولرینی یددی گوللو پرده‌لرین
چکیبدی یازماغا ، یا نقشه ، کارگاه خیال
یاریم کی صلح خیالیندا همده عذر ایستیر
رقیب‌دن گئچه‌ریک هر نه ائتسه در هر حال
بو دار اوزه‌کده یوخومدور خیال سئوای آغزین
منیم کیمی داها ائتمز کیمی خیال مُحال
غریب اوزلدو سنین عشقیوه اگر **حافظ**
گذر ائله ، مزاریمدا ، قانیم سنیندیر حلال ۷۱/۵/۷

غزل ۳۰۹ مصراع اول : باز آی ساقیا که هواخواه خدمتم

وئر باده ساقیا کی هـواخواه خدمتم مشتاق بنده‌لیک و دعاگوی دولتم
جامین‌سعادتی أیشیقینـدان‌گؤروکمه‌ده چیخماق خیالی باشدا بو ظلمات حیرتم
هر چند من گناه دنیزینـده بوغولمادا چون عاشقم، یوّز علّتی وار اهل رحمتم
عیب ائتمه من‌کی رندم وبدنام ایحکیم محکوم سرنوشت او دیوان قسمتم
أیچ باده اختیاری دئیل عشق وعاشقی وئردی عاشقلیقی منه میراث فطرتم
منکی وطندن أیمدیه‌جک ائتمه‌دیم‌سفر گؤرمک یولوندا سنله هواخواه غربتم
دریا و داغ یولدا من خسته و ضعیف گل خضر خوشقدم سنه محتاج همّتم
ظاهرده‌محضرینندن اوُزاق‌دوّشموشم ولی جان‌و دیلیله محضرینده مقیم اوحضرتم

حافظ سنین گؤزون قاباغیندا وئرر جانین
واردیر خیال بؤیله عؤمورّ وئرسه مهلتم ۶۹/۵/۷

****

غزل ۳۱۰ مصراع اول : به تیغم گر کشد دستش نگیرم

اگر اؤلدوّرسه الـــده دستگیرم اوخیله گر وورا منّت پذیرم
کمان ابرولرین دهٔ اوخـــلاسینلار الین ، بازولرینده چوخ حقیـرم
اگر دنیا غمی سالسا ایـــاقدان اوّلار ، تک ساغر می ، دستگیرم
امیدین صبحی‌نین سن ای گوّنوچیخ کی هجرانین الینده بَرک اسیرم
یئتیش فریاده ای پیـــر خـرابات جوان ائت بیر منی من گر چه پیرم
سنین گیسویه آند أیچدیم گئچن‌گوّن ایاقین باشیمـــا منّت پـــــذیرم

بو تقوا خرقه‌سین دور یاندیر **حافظ**
أود اوّلســـام یار یانیندا بیر اسیرم ۶۹/۵/۷

غزل ۳۱۱ مصراع اول : گر از این منزل غربت بسوی خانه روم

بو غریب‌لیکدن اگر من طرف خانه گئدم
عهد ائتدیم کی داها عاقل و فرزانه گئدم
بو سفردن وطنه بیـــرده سلامت یئتسم
وار امیدیم کی بقصد در میخانه گئدم
شرح وئررم‌کی نه‌کشف ائتدی منه سیروسلوک
گؤتوروب صومعه‌یه چنگله پیمانه گئدم
عشقده آشنـــالار گـر قانیمی أیچسه‌له‌ده
ناکسم شکوه ائدم یا اوّزو بیگانه گئدم
داها بوندان سورا من بیرده نگارین زوّلفو
نه قده‌ر کامیجا من بو دل دیوانه گئدم
بیرده محراب کیمی اگری.قاشین گؤرسم اگر
سجده‌ی شوّکر ائده‌رم یا پی شوّکرانه گئدم
شاد او گوّتکی داها **حافظ** ، وزیرین اذنیله
دوستـــلا میکده‌دن بیرده بکاشانه گئدم ۶۹/۵/۷

****

غزل ۳۱۲ مصراع اول : عشقبازی و جوانی و شراب لعلفام

عشقبازلیق نوجوانلیقلا شـــراب لعلفام
جمع انس و همدم اوّلسا بیرده بیر شرب مدام
ساقینین شکّر لبیله مطربین شیرین سؤزو
بیر خوش اخلاق همنشین و بیر ندیم نیکنام

بیر گؤزه‌ل کی لطفده سانکی اودور آبحیات
دلبریکی حسنده اؤلموش او بیر مـــاه تمام
دلنشین بیر بزم ائوی سانکی بهشتین قصریدیر
دور و بر گؤلشندی مثل روضه‌ی دار السّلام
صف چکیبلر خوش طبیعت أیشله‌ین‌لر با ادب
دوستدارلار سرّ اهلی اهل مجلس دوستکام
بیرآجی گؤلرنگ باده خوش أیچیم، یونگول، توتار
نُقلی یارین لبلری نَقلی لب یاقوت فام
غمزه تیغی ساقینین عقل اؤزره یاخشی خوش کسیم
زؤلف‌جانان صیدأیچون قلبه‌سالیب یوللاردا دام
کیمکی آختارسا بئلنچیک مجلسی شادلیق حلال
أیسته‌مز بو عشرتی هرکیم حیات اؤلسون حرام
کؤنل آچان سؤزلر دیه‌ن **حافظ** کیمی شیرین کلام
نورساچان بخشش ائدن بیرشخص‌چون حاجی قوام ۶۹/۵/۷

****

غزل ۳۱۳ مصراع اول : ما پیش خاکراه تو صد رو نهاده‌ایم

یول توپراقین کی سرمه‌دیر ابرویه قویموشوق
باطل خطین ریایه چکیب رویه قویموشوق
طاق و رواق مدرسه‌نی بحث و قیل و قال
جامین یولوندا ساقی مهرویه قویموشوق

بیز ملک عافیت نه کی لشگـرله آلمیشیق

بیـز تخت سلطنت نـه بـو بازویه قویمـوشوق

زوّلفو الیمده گلمیه‌راق باشدا سوداسی

مثل بنوشه باش سر زانویه قویموشوق

یار سحری گؤزلرینده گؤره‌ک دیبده نیله‌یر

بیـز ایشلـری کـرشمـه‌ی جادویه قویموشوق

آی آختارانلار أیچره گوشه‌ی امّیده قیوریلیب

أیستک نظاره‌سین خـــم ابرویـه قویموشوق

ائتدین سئوال هاردادیر **حافظ** أیتن کؤنوّل

اوّل حلقه‌لرده بیز خم گیسویه قویموشوق ۶۹/۵/۷

****

غزل ۳۱٤ مصراع اول : بُشریٰ اِذالسَّلامةُ حلّت بذی سَلَمٍ

مژده کی یئتدی یاریم ساغلیغیلا ذی‌سلمه

آللاها شوکر یئتیردی بیزی چوخلو نِعَمه

خوش‌خبر کیمدی وئرن فتحه گتیردی مژده

زر یئری جان وئره‌رم قویسالا زیر قدمه

شاه‌سلامت قاییدیب خوش یئتیشیب منزلینه

دشمنی خوار اوّلوب گئتدی جهان عدمه

پیمانین سیندیرانین پوزغون اولار احوالی

عهدی وئرسه باشا کیم ال تاپاجاقدیر نِعَمه

وارایدی رحم اومودو وقتی گئچیرتسین امّا
گؤزلری اؤز عملیندن غمیله دولدی نمه
غرق اؤلوب نیل غمه طنزیله سسلندی فلک
بهره‌سی یوخدو گئچیب أیش ال آتیبسان ندمه
اهل رازدیر یاریمیز **حافظه** دور باده گتیر
شیخیله مفتی‌ده وار بادیه... بو أیشده ... همه ۷۱/۸/۱۹

****

غزل ۳۱۵ مصراع اول : گر چه ما بندگان پادشهیم

بنده‌أیک بیز اگر چه شاهلره — سلطان‌أیک ورد صبحگاهلره
کیسه بوشدور خزینه دستکده — جام جملیکده خاک راهلره
اوزده هشیار، غروردان سرخوش — جوموشوق دیبده چوخ گناهلره
نازلانا بخت گؤیچگی بیزه گر — آینا تک بیز واریق او ماهلره
هایانا اوز قویاق بیلر منصور — اوز چئویرسکده هانکی راهلره
بخت آییق شاهه هر گئجه بیزلر — گؤزله‌ین تخته هم کلاهلره
ده بیزیم صحبتی غنیمت بیل — یات بیزی ساخلا دیدگاهلره
دشمنی قانیله کفن ائده‌ریک — دوستا فتح و عدو تباهلره
یوخدو تزویر رنگی بیزلر أیچون — اصلانیک افعی سیاهلره

ده کی وئرسینله **حافظین** طلبین
اعتراف ائتمسین گواهلره ۷۱/۵/۲۶

****

غزل ۳۱۶ مصراع اول : دیشب بسیل اشگ ره خواب میزدم

سیل اشگیمله دوّتن یول کسه بیلدیم خوابه
خطوین نقشه‌سینین شکلینی چکدیم آبه
یارقاشی کؤنله دوّشوّب خرقه اگینده یانمیش
جـــام می فکر آپـــاریر زاویه‌ی محرابه
طایر فکر آتیردی ائله سؤز شـــاخه‌سینه
تازه‌دن طرّه‌لرون چکدی اونو مضرابه
جلوه ائیلیردی یارین عارضی لوح دلـــده
یوللاییردیم بورادان بوسه رخ مهتابه
گؤز باخیر ساقیه چنگه آسیلیبدیر قولاغیم
گؤز اوجوّر فال آچاراق گئتدی قولاق بو بابه
عارضون نقش خیالی سحرین وقتینه‌جاق
لوح دلـــده منی محروم قویوردو خوابه
کاسه ساخلیردی الینده بو غزلـده ساقی
نغمه‌ســـاز ائتمه‌گیله اوّز چئویره‌ک می نابه
حافظین وقتی ، فالی کام و مرادی خوش‌ایدی
اودو کی قاوزاییری الـــده قـــدح احبـــابه

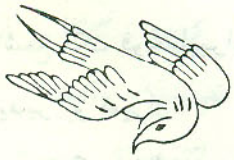

غزل ۳۱۷ مصراع اول : ز دست کوته خود زیر بارم

الیم قیسسا یوکوم چوخدور أیشیم زار اوُجا بویلار یانیندا اوْلموشام خوار
مگر بیر زوّلفو زنجیر دوتسون الدن و الا شیـــدالیقـدا قاللام آغلار
سوْروش افلاک وضعین گؤزلریمـــدن ستاره سانمادان گؤزلر اوْلوب تار
او شوّکره جامه هر گوّن بوسه ووارام کی فاش ائیلهر منه او جمله اسرار
دعـــا گـــر ائیلهرم من میفـــروشه منیم بوینومدا حق نعمتی وار
تشکر ائیلهرم من بو بیلکـــــدن گوجو یوخـــدور اوْلا تا مردم آزار

باشیم **حافظ** کیمی سرخوشدو **شیوا**
او یارین لطفینه چوخلو اوُمـــود وار ۷۱/۵/۸

****

غزل ۳۱۸ مصراع اول : من دوستدار روی خوش و موی دلکشم

سئوهرم گؤیچک اوّزو زوّلف دلاویـــز نگار
جامداصاف باده، یارین گؤزلریده مست وخمار
دئدین اسرار ازلدن سنه بیر سؤز دانیشام
اوّرهک اوندا آچیلار کی ایکی جام باده ووارار
من بهشت اهلیم امّـــا بورادا دوشموش کن
او جوانلاره اسیرم کی اوّزو مهوش اوْلار
عاشقین یوخدورعلاجی کی دؤزه عشق أودونا
شمع تک قوخماییرام جانیم اگر أوددا یانار
لعل لب معدنی خوشگل یئریدیر بو شیراز
منده کی مفلسم ، اوندان اوْتهری قلبیم دار

او قده‌ر مست وخمار گؤز بو دیارین واریدیر

أیچمه‌میش باده خمار گؤز مئیی انسانی دوتار

آلتی یئردن آدامی دوره‌لیری خوشگللـــــر

پولی اوّلسا آدامین آلتیسینی بیردن آلار

بخت اگر یار اوّلا دوست یانینا بیر سوّروّتم

توزونـــو مفـــرشیمین زوّلفیله حوریلر آلار

طبعیمین **حافظ** عروسی سئویری جلوه‌لنه

الـــده چون آینه یوخـدور سینه‌ده آه قالار ۷۱/۵/۸

****

غزل ۳۱۹ مصراع اول : بگذار تا بشارع میخانه بگذریم

گل ائدک میکده‌لر کوچه سینه بیرجه گذر

احتیاج هاممویا وار می أیچه بیر قورتوم اگر

عشقله رندلیک اوّلده کی باشدا وارایـدی

یاخشیدیرکی ائله بو یولدا اوّلاق راه سپر

بیر بئله یئرده کی باده گئدیری مسند جم

خوشلوق‌ائت غم یئمه غم ائیله‌یه‌جک عؤمروهدر

بو امیدیله کی ال یار بئلینه وورماق اوّلا

گئجه ، گوّندوز اوّره‌گین قانی بو دردیله گئدر

ائتمه شوریده‌لـــره سنده نصیحت واعظ

ائتمه‌ریک دوست قاپوسوندا داها فردوسه نظر

صوفیلر رقص و سماعیله گئچیردر عؤمرون

بوردا ال شعبده‌یه قویمالی‌ایک بیز بو سفر

یئرده توپراق دُر و لعل اوْلدو سنین جرعه‌ویله

بیز بیچاره‌یه باخ جانیمیزه یوخدو ده‌یر

تا بو قیمتلی عؤمرٌر واردی سنین کویونده

قوی سنین گؤز قاباغیندا ائلیه‌ک اوردا گذر

حافظا چاتمیر الون کنگره‌ی وصلینه چون

باشا وئر یار قاپوسوندا تاپاسان اوردا ثمر ۷۱/۵/۸

****

غزل ۳۲۰ مصراع اول : دیده دریا کنم و صبر بصحرا فکنم

گؤزو دریا ائله‌ییم صبریده صحرایه آتیم

بئله بیر حاله کؤنوْل سینه‌ده دریایه آتیم

چکه‌رم آه گنهکار بو دار قلبیمدن

أود ، گنهکارلیق أیچون آدم و حوایه آتیم

خوشلوقون مایه‌سی اوندا اولو یار یاندا اوْلا

اؤزومو جهد ائلیرم آخر او آرایه آتیم

اوخ دئییب چرخ فلکدن جانیمه باده گتیر

مست اوْلوب نئچّه دوگون ترکش جوزایه آتیم

باده‌ی جامی سپیم بیرجه بو تخت روانا

چنگین آوازینی بو گنبد مینایه آتیم

حافظا روزگارا تکیه خطا بیر أیشدیر

بو گوْنوْن عشرتینی من نیه فردایه آتیم ت.ز ۷۰/۲/۱

غزل ۳۲۱ مصراع اول : دوش سودای رخش گفتم زدل بیرون کنم

وصلینین سوداسینی باشدان دئدیم بیرون ائدیم
زنجیر آختاردی دئدی تدبیر بو مجنون ائدیم
سروه اوخشاتدیم بویون ائتدی غضب اولدو کنار
دوزدن اینجیریار دوستلار چاره‌سین من چون ائدیم
دلبرا معذور قیل هـــر نکته‌ی نـــاجوریمی
عشوه ائت تا بلکه من بو طبعیمی موزون ائدیم
من گناهسیز طبع نازکدن اوزوم اولموش، ساری
ساقیا بیر جام وئر تا چهره‌می گوللگون ائدیم
ای نسیم منزل لیلا سن آللاه من نجـــور
دنیانی بر هم ووروم بو چوللری جیحون ائدیم
من‌کی یارین حسن کانین آختاریب یول تاپمیشام
یوز اوزوم‌تک یولچولار بوندان‌سورا قارون ائدیم
ای گوزه‌ل نامهربان آی ، **حافظی** بیر یاد ائله
حسنوه من‌ده دعـــا گوندن گوته افـــزون ائدیم ت.ز ۷۰/۲/۱

****

غزل ۳۲۲ مصراع اول : زلف بر یاد مده تا ندهی بر بادم

زولفونو باده وئریب وئرمه کونوللر باده
نـاز بنیاد ائله‌ییب ووروما کولوک بنیاده
أیچمه می هر کسیله تا یئمه‌ییم خون جگر
سرکش اولما کی فلک شاهد اولا فریاده

زۆلفونو حلقه ائدیب سالما منی بندلره
طرّه‌وه تاب وئریب وئرمه منی هر باده
اؤزگیه یـــار اؤلوب اؤلما منه بیگانه
غم اغیاری یئمه رحم ائله بو نـــا شاده
اؤزونو گلنار ائله فارغ اؤلوم گؤللـردن
قاوزا بیر قامتینی ســـــرودن ائت آزاده
ییغیناقلار چراغی اؤلما منی یاندیراسان
هر کسی یاد ائله‌مه عاشقوی سال یاده
ائتمه مشهور اؤزونو داغـداشادا سالما منی
شور شیـرین ائله‌مه دونده‌ره‌سن فـرهـــاده
من مسکینه ترّحم ائله یئت فریادیما
حافظین توپراقینا گئتمیه‌سن فریاده ۶۹/۱۰/۲۶

****

غزل ۳۲۳ مصراع اول : ما ز یاران چشم یاری داشتیم

یولداشا یولداشلیقا گؤز تیکمیشوق — وای غلط چیخدی اوکی فکر ائتمیشوق
دوستولوقون تینگی مگر باره گله — بیز کوچوب ناچار بیر تخم اکمیشوق
چانه وورماق گلمیه‌یبب درویشلـره — یوخسا سنله ماجرالر گؤرمیشوق
گؤزلرون اعلام جنگ ائتدی بیـزه — اشتباهدان صلحه بیز ظن ائتمیشوق
چوخ‌سؤزاؤلدوکیمسه‌شکوه ائتمه‌دی — تا بیلینسین چوخلو حرمت قویمیشوق
حسنون عالم دوتمادی اؤز باشینـا — بیز بو یولدا چوخلو زحمت چکمیشوق
اؤزگه‌لرله سن کی قویموشدون قرار — بو جهتدندیر سنی بیـــز آتمیشوق

سئوله‌دی **حافظ** سن عاشق‌سن منه
بیـز مگر آردونجا نامه یازمیشوق ت.ز ۷۰/۲/۵

غزل ۲۲٤ مصراع اول : بمژگان سیه کردی هزاران رخنه در دینم

قارا مژگانیله مینلر ، سالیبسان رخنه‌لر دینه
دوگل بیمارگؤزلردن ، گله مین درد بو مسکینه
ندن‌دیر ای‌کؤنوّل دوستو، چیخوب یولداشلارین یاددان
منه کاش‌اوّلماسین اوّل‌گون ، غمین اوّلماز بوغمگینه
چوروک دنیادی بی‌بنیان ییخان فرهاددن فریاد
کی نیرنگ و فسونندان امان یوخ جان شیرینه
اوزاقلیق أودلاریندا من ، عرقده غرق بیر گوّل‌تک
نسیمیله گتیر عطرین ، گئجه یئل‌ده عرقچینه
گئدن دنیا قالان دنیا ، فدای شاهد و ساقی
کی دنیاده اوّلان شاهلیق ، فدادیر عشق دیرینه
اگر دوست اؤزگه‌سین دوتسا، منی آتسا اوحاکمدیر
ولی من اؤزگه‌سین دوتسام، حرام اوّلسون بومسکینه
چکیب بوّلبوّل سحرخیزین ، هایاندا بس بیزیم ساقی
کی غوغا ائیلیری باشدا، خیال خواب دوشینه
اوّلن ساعتده بیر یوللوق ، بهشته حوریله اوّللام
اگر جان وئرمه وقتینده ، اوّلارسان شمع بالینه
رموز عشق و سرمستلیق ، أیشید مندن نه واعظدن
منم همدم گئجه گوّندوز ، قدحله ماه و پروینه
یئته‌ن ثبته بو دفترده ، حدیث عشق و مشتاقلیق
غلط یوخ چونکی **حافظ**دیر، قویوبدیر ال بو تلقینه

ت.ز ۷۰/۱/۲۹

غزل ۳۲۵ مصراع اول : عمریست تامن درطلب ، هر روز گامی میزنم

بیر عؤمردور آختارمادا ، هر گون قدم وورماقدایام
هم ده شفاعتدن اوتهر ، ال گؤیلـــره آچماخدایام
گؤز پارلادان یار اؤلماسا، وقتی گئچیرماقدان اوتهر
یوللاردا تور قورماقدایام ، فکرینده قوش دوتماقدایام
اورنگ هانی، گؤلچهر هانی، نقش وفا و مهر هانی
عاشقلیق احوالینده من ، هر یاندا داو دوتماقدایام
شاید آلام بلکه خبر ، اؤل سرو بؤیلو یـــاردن
هر یئرده بو گؤلبانگیمی ، خوش صوتیله وورماقدایام
هر چند اؤل آرام دل ، هئچواق دادیزماز کام دل
نقش خیالین چکمه‌ده ، أیشلرده فال آچماقدایام
بوللم کی غصّه قورتولار ، بو قصّه‌ده رنگین اؤلار
بوقان سپن آهلار کی من ، هرصبح و شام چکماقدایام
هر چند اؤزومدن غایبم ، **حافظله** میدن تائبم
روحانیلارلا گاهدن ، بیر جام می وورماقدایام ۷۱/۵/۸

****

غزل ۳۲۶ مصراع اول : نماز شام غریبان چو گریه آغازم

غربتین آخشامینا وقت نماز آغلیـــارام
او غریبلر کیمی آغلار ناغیلا باشلیـــارام
یار، دیار یادینه زار آغلیارام من او سیاق
کی سفر شیوه‌سینی دور جهاندان آتارام

دوست‌دیارینداانام، آللاه نه‌غریب‌بیریئردن
ای مهیمن یئتیر او یاره کی من آختارارام

ای بلدچی سنی تاری منه بیر ائیله‌کومک
کی گئدم میکده‌یه اوردا علم قاوزیارام

من‌قوجالمیشدان‌عقیل‌آخ‌نئجه‌قویسون‌حسابا
کی یئنه بیر تازا گؤیچکلریله اوینو یارام

آشنام بیرجه شمالیله صبا یئللریدیر
تکجه یئللریله دیکی عهد وفا باغلیارام

منزل یار هاواسی آبحیاتدیر بیز أیچون
اودو کی شیرازین آب و هواسیندا قالارام

گؤزیاشیم عیبیمی‌سایدی‌گؤزومون‌أیچلرینه
دشمنی ائوده قویوب من ائشیگی آختارارام

زهره‌نین چنگی چالیردی سحری بویله دئدی
حافظه من غلام اؤلدوقدا نواسین چالارام ۷۱/۸/۱۹

****

غزل ۳۲۷ مصراع اول : دیدار شد میسّر و بوس و کنار هم

گؤروش میّسر اؤلدی و بوس و کناردە
طالع شوکؤر أیشیقدی و هم روزگاردە

زاهد دو گئت کی بختیم اگر سازگاردیر
جامیم اؤلار الیمده و زؤلف نگاردە

بیز رنده ، مسته دوروب عیب ائتمه‌ریک
خوشدور نگار لعلی ، می خوشگوارده

ایدل بشارتی وئریرم گئتدی محتسب
می‌له جهان دولوبدو بت میگساره

قلبی مشوّش ائتسن اگر بیلکی پخمه‌سن
أیسته نشاط ، باده صراحی و یار ده

بیرجرعه لعلینی توّک‌اونون توپراق‌اوّستونه
یئر لعل رنگی توپراق اوّلار مشگباره

گئتدی اوگوّن‌کی بیزلری پیسلرگؤردردیلر
دشمن ائییتدی گئتدی سرشگ کناره

چون کائنات هاماموسو سندن دیری اوّلور
ای گوّن أیشیق بیزه سال بیر مدار ده

گوّل‌فیضی لاله‌آبروسی چون‌حسنوینکی‌دیر
یاغ ای یاغیش اوّلا یئر چشمه سارده

حافظ اسیر زوّلفون اوّلوبدور باخ آللاها
آل بیر نظرده آصف جم اقتدارده

ت.ز ۷۰/۲/۱ **********

غزل ۳۲۸ مصراع اول : حجاب چهرهٔ جان میشود غبار تنم

عارض جانه حجاب اوّلدو غبار بدنیم
خوش اوّلار پرده دوّشه پارلایا بو جان و تنیم

بو قفس خوش دئیلی من کیمی بیر خوش آوازا
گوّلشن روضه‌ی رضواندی منیم گوّل چمنیم

هئچ بیلینمیر هارادا ایدیم نیه گلـــدیم بورایا
حیف اوّلا باش یازی معلوم دئی دیبده منیم
عالم قدس فضاسیندا نه جوّر بیـــر دولانیم
کی نه ترکیب‌ده دیر اسکلت جـــان و تنیم
اوّره‌گیم قانی اگر ، مشگ ، ایگی ، قاوزادیری
چوخ تعجب ائله‌مه جاندادی مشگ ختنیم
باخمـا اگنیمده بو زر پیرهنه شمـــع تکین
گیزلیجه أود بئجه‌ریر سوّزیله بو پیرهنیم
گل او یار یانینه **حافظ** حیاتین آل اوندان
کی أیشیدمیرسن‌اوّلان یئرده سؤزوم اوّلسا منیم ت.ز ۷۰/۱/۳۰

****

غزل ۳۲۹ مصراع اول : من ترك عشق و شاهد و ساغر نمیکنم

شاهد و عشقی آتیب توبه‌ی ساغر ائتمم
دفعه‌لر چوخ دئمیشم بیرده مکرّر ائتمم
طوبانین کؤلگه‌سینی جنّتی‌نی ، حورینی
کوچه‌ی یارده توپراقلا بـــرابـــر ائتمم
بیر اشارتدی نظر اهلینه تلقین ائتمک
بیـر اشـارت ائلـه‌دیـم دفعـه‌ی دیگـر ائتـمم
خبریم یوخدو منیم بیرجه زمان باشیمدن
صحن میخانه‌ده باش عرضه‌ی پیکر ائتمم

مسخره‌ایله دئدی شیخ أیچمه حرامدیر باده
من دئدیم چشم ولی طاعت هر خر ائتمم
موغانین پیری منه یاخشی حکایت ائله‌دی
اؤزگه‌نین سؤزلرینی من داها باور ائتمم
مسخره‌ایله دئدی ناصح کی ائله ترک عشقی
جنگه یوخ احتیاجی منکی برادر ائتمم
منده تقوا بو قدر واردیکی بیر واعظ تک
ناز و اطوار یئرینی ، پله‌ی منبر ائتمم
حافظا پیر موغان محضریدیر جای وفا
خاکبوسم بورا من ترک بو محضر ائتمم ت.ز ۷۰/۲/۸

****

غزل ۲۳۰ مصراع اول : صوفی بیا که خرقهٔ سالوس برکشیم

صوفیا گل بو ریا خرقه‌سینی آت کنارا
بوریا اوراقینا خط چکک اؤلسونلا قارا
صومعه نذر و فتوحین هامیسین میده قویاق
وئر خرابات سویو دلق ریانی آپارا
بیزه گر وئرمه‌سه‌لر روضه‌ی رضوانی صاباح
چکه‌ریک حورینی غلمانی بو دنیاده بورا
اورتیا سرخوش آتیللوق تالیاق بزم یئرین
باده غارت ائله‌یب تا یئتیشاق وصل یارا

عیش و عشرت ائده‌ریک یوخسا اؤزه‌ک حسرتده ....

عؤمر باشه چاتاجاق حاصلی هئچ زاددی سورا

آللاهین سرّینی کی غیبده گیزلتمیش‌لر اونو

زر نقابین چکه‌ریک کئفلی حالیندا کنارا

تازه آی تک هانی یارین قاشی تا جلوه‌له‌نه

بیـــر قیـــزیل چوگانیلا توپ چکاق روزگارا

حافظا بیر بئله گؤپلار سنه لایق دئیلی

ایاقین اؤز کلیمیندن اؤزادیرسان کنارا ۷۱/۵/۸

****

غزل ۳۳۱ مصراع اول : ما شبی دست بر آریم و دعائی بکنیم

بیر گئجه ال گؤتؤروب بیزده دعائی ائلییاق

چاره هجران غمینه برگ و نوائی ائلییاق

کؤنول الدن گئدیری چاره ائدین یولداشلار

بیر طبیبی گتیره‌ک بلکه دوائی ائلییاق

جُرم‌سیز أینجیدی مندن یارا ووردو گئتدی

قایتارین بیرده سیز آللاه کی صفائی ائلییاق

قورودو عیش آغاجی هاردا خرابـات یولو

کی او آب و هـوادا نشو و نمائی ائلییاق

رندلردن آ کؤنول أیسته کؤمک برکدی بو یول

اؤلمیا یولدا چاشاق یاکی خطائی ائلییاق

قانادی قیسسا قوشون سایه‌سی بیر أیش گؤرمز
یُمندن اوتره طلب مـرغ همـائی ائلییـاق
پرده‌دن‌چیخدی‌اوّره‌ک هاردادی‌خوشخوان **حافظ**
غزل و قولونـا بیـر ساز و نوائی ائلییـاق ۷۱/۵/۹

****

غزل ۳۳۲ مصراع اول : دوستان وقت گل آن به که بعشرت کوشیم

یاخشیدیر گوّل زمانی بیر چالیشاق عشرتده
قوجالار سؤزلرینی بیر ائشیده‌ک عبرت‌ده
یوخ کرم کیمسه‌ده کئف گوّنلریده قورتولورو
مئیه سجّاده ساتاق چاره بو دور عشرتده
بو فرحناک هاوادا بیر یئتیر آللاه کی گله
نازنین صورتی خوش یار گؤزه‌ل سیرتده
فلکین ساز چالانی یول کسیر اهـل هنره
نئجه بیز اوخشامایيب آغلامییاق حسرت‌ده
گوّل گلیب جوشه ومئیدن اونابیر اوّلمادی‌سو
بوردا ناچار هوسدن اوتوروب حیرتده
لاله‌نین کاسه‌سینین باده‌ی موهومون أیچیب
بـدنظرلر بو کئفه أود دوتاجـاق غیرت‌ده
دئمک اوّلسون کیمه **حافظ** بو عجب احوالی
مـن کیمی بوّلبوّل اوّلا گوّل زمانی فترت‌ده ض.ز ۷۰/۲/۱

****

غزل ۳۳۳ مصراع اول : خیال روی تو چون بگذرد بگلشن چشم

اوزونوزن فکری گئچنده گوزومون گولشنینه
اوره‌گیم تیزجه گلیر اوردا گوزون روزنینه
گوزمورم بیر سنه لایق کی یئر اولسون دایاقا
دنیادا دوشمه‌لیسن تکجه گوزون دامنینه
لعل و گوهر سپه‌رم مقدمینه گلسن اگر
توکورم خزنه‌ی قلبی بو گوزون روزنینه
گوزومون سیلی خرابلیق خیالی وارایدی سحر
چاتماسایدی اوره‌گین قانی گوزون دامنینه
سنون اول گوزروشونده اوره‌گیم منله دئدی
گر یئتیشسه منه آفت او گوزون گردنینه
وصلی‌نین مژده‌سینه صبحه قدر بو گئجه‌نی
یئل یولوندا گوزو قوردوم کی اسه روشنینه
اولورم اوندان اوتر حافظی بلکه ووراسان
دردلی قلبین ساچاسان بیر او قاشین خنجرینه ۷۱/۸/۹

****

غزل ۳۳٤ مصراع اول : روزگاری شد که در میخانه خدمت میکنم

اولموشام میخانه‌ده مدتدی خدمت ائیلیرم
فقر پالتار آتدا کار اهل دولت ائیلیرم
بیرسالام توره مگر بیر خوش یئریش قرقاولی
بوسقودا من انتظار وقت فرصت ائیلیرم

دگمه‌یيب أيگ بورنونا حقدن بيزيم بوواعظين

قوی حضوروندا دئيم يوخسا نه غيبت ائيليرم

آخساراق باد صبا ايله گئديم يـــار كويونا

يار و يولداشدانـــدا استدعای همّت ائيليرم

كويونوّن توپراقلاری چوخ زحمته يوخدورتابی

لطف قيلدين جان من تخفيف زحمت ائيليرم

زوّلف دلبر يول تورو، تير بلادير غمزه‌سی

ياددا ساخلا ای كؤنوّل باخ من نصيحت ائيليرم

باغلا بدبين گؤزلرون ای عيب اورتن با كرم

بو گناهلاردان كی من بو كُنج خلوت ائيليرم

حشرحسابيندن خيال ائتمه كی‌باكيم اوّلماسين

من صباحه فال آچيب بو گوّنده عشرت‌ائيليرم

حافظم مجلسلره دُردی أيچن محفل‌لـــره

باخ نه شوخلوقلارکی‌من بااهل صُنعت ائيليرم ض ز ٧٠/٢/٢

****

غزل ٢٢٥ مصراع اول : **هر چند پير و خسته دل و ناتوان شدم**

گر چه من خسته‌له‌نيب بير قوجايام ناتوانام

سن دوّشنده ياديما آيدين اولور كی جوانام

شوّكوّر آللاهه طلب هر نه كی من ائيله‌ميشم

تانرينين لطفی وئريبدير او دوكی كامرانام

دولتين ميوه‌سينی سن يئی كی دنيا گوّلوّسن

كؤلگه‌نين سايه‌سينه بوّلبوّل باغ جهانام

خبریم هئچ یوخودو لوح وجود دان اوّل
مکتب غصّه و غمده داها من نکته‌دانـــام
قسمتیم دیبده چکر جانی خراباته طرف
هر نه بیلسن منی بیل فرض ائله‌کی آنچنانام
باطنین قاپولاری اولگوّن آچیلیبدیر اوّزومه
کی داها ساکن او درگه پیـــر موغانام
ابدی دولتینین یولـــلارینینین تختینده
دوستلارین میلینه می وورمگیله کام آلانام
او زماندانکی منی دوتدو گوّزون فتنه‌لری
فارغ و راحت بـــو فتنه‌ی آخـــر زمانام
یارده یوخدو وفا یوخسا قوجالمیش دئیلم
چون عوّمور گوّن گئچیری من دئمیـرم نوجوانام
دون گئجه لطف خدا مژده وئریب **ایحافظ**
گل خدا سمتینه کی عفو گناهه ضمانام ق.ز ۷۰/۳/۹

****

مصراع اول : چل سال بیش رفت که من لاف میزنم
قیرخ ایلدن یوخاری واردیکی من گوّپ ووارام
کی موغان درگهی نین پیرینه چاکر دورارام
پیر میخانه‌میزین کی منه وار لطفی بیر آز
ساغریم قالمیری بوش باده‌ایله دولدورارام
عشقله رنـــدلیگین دولتینـه من وار ایدیم
صدرده میکده سکوسینه کرسی قورارام

من اگر دُرد کشـــم چوخدا منه ظن ائله‌مه
خرقم آلوده‌دیر امّـــا اته‌گی پاک دورارام
شاهلارین ال قوشویام بیلمیرم امّا بو ندیر
اؤچدورولللار قاییداندا نییه یاددان چیخارام
حیف اوّلا من کیمی بوّلبوّل بو قفسده ساکت
بو گوارا دیلیله ، آغزا ، دیله بند ووارام
فارسین آب‌وهواسی پست آدامی چوخ ستویری
یولداش اوّلسایدی بوشهرین داها ترکین قیلارام
خرقه آلتیندا قدح چکمه‌سی **حافظ** نه قده‌ر
خواجه بزمینده سنون پرده‌وی آخر جیرارام ت ز ۲۹ ۷۰

****

غزل ۲۲۷ مصراع اول : کر من از سرزنش مدعیان اندیشم

مدّعی‌لر منی کر ائتسه ملامت قوخمام
رندلیک، مستلیگین ترکینی هئچواق قیلمام
تازاکار رندلرین زهدی گئدر بیراهه
منکی رسوای جهانم صلاحه ال قویمام
منی شوریده‌لره شاه بیلین ، دنیاده
هامودان چونکی عقیل‌سیزلیقیمی هئچ دانمام
قلبیمین قانینی خال اتیله گؤزه‌ل آلنوندا
خلق بیلسین نئجه سن کافره قوربان اوّللام

منه ایمان گتیر آللاهدان اوته‌ر سونرا سووّش
آشکار اوْلمیا تا خرقه‌ده درویش اوْلمام

قان دامان شعریمی ای باد صبا یاره یئتیر
جاندن کیپریگی گر قان توکه‌ده من آتمام

من اگر باده أیچم یانه کیمین منله أیشی
سرّیمین **حافظی**ام عارف شیراز اوْللام ت.ز ۷۰/۲/۶

****

غزل ۳۳۸ مصراع اول : ما سرخوشان مست دل از دست داده‌ایم

مست اولوب بیزلر پیان بو کؤنلو الدن وئرمیشوق
عشقیله همراز اوْلوب جام و مئیه یار اوْلموشوق

چوخ ملامت اوخلارین پرتاب ائدیبلر بیزلره
چوخ بو أیشلردن کمان قاش یارلردن گؤرموشوق

سن صبوحی باده‌سیندن ای گؤزه‌ل داغ چکمیسن
بیز شقایقلر کیمی بو چؤلده داغلار چکمیشوق

گر ملول اوْلدو موغان پیری بیزیم بو توبه‌دن
سن‌دهٔ صاف‌ائتسین مئیی بیزعذره‌صفده دورموشوق

سندن أیش باره گلر ای رهنما بیر ائت مدد
دوّز دئسن انصافیله بو یولدا ایتگین دوّشموشوق

لاله تک باخما مئیه دوْلموش قدح گوْلزارده
باخ بو قانلو داغه کی بیز بو کؤنوّلده قویموشوق

بو خیال و رنگ **حافظدن** سئوال ائتدین ندیر ؟
چوخ‌غلظ فرض ائیله‌مه دوّزگوّن شکیل‌لرچکمیشوق ت ز ۷۰/۲/۵

غزل ۳۳۹ مصراع اول : حاشا که من بموسم گل ترك می کنم

نئجه گؤل موسمی من ترک می و باده ائدیم
نه قدهر عقلیمه گؤپ باغلاما دنیاده ائـــدیم

هانی مطرب کی وئرم باده بو زهد و عملی
بربط و نای و دف و ماهرخ ساده ائـــدیم

مدرسه قیل و قالیندان دوتولوبدور اؤره‌گیم
معشوقون خدمتینه جانیمی آماده ائـــدیم

نه زمان وارایدی دنیاده وفا ؟... باده گتیر
کی و جمشیدی حکایت هامو افراده ائـــدیم

قورخمورام نامه‌ی اعمالیم اؤلا قاره اگر
حشرده لطف خدایه اؤزوم آماده ائدیم

سحرین پیکی هانی تاکی بو هجران گیله‌یین
او گؤزه‌ل دلبر خوشقامت آزاده ائـــدیم

عاریت جانی وئریب **حافظه** آللاه اگر
یوزونو گؤرمگیله حشرده میعاده ائدیم

ت.ز ۷۰/۱/۳۰

****

غزل ۳۴۰ مصراع اول : مابدین در نه پی حشمت و جاه آمده ایم

گلمه‌دیک بو قاپویا حشمت و جاه أیسته‌مگه
گلمیشوق حادثه‌لر شومدو پنـــاه أیسته‌مگه

منزل عشقه دوشوب یولدا عدم ملکیندن
بـــو وجود عالمینه گلمگه راه أیسته‌مگه

سبزه‌ی خطّیوی بستان بهشتدن گؤره‌رک
وصل رویوندن اوتر مهر گیاه أیسته‌مگه
بئله بیر خزینه کی روح‌الامین خازنیدیر
یولچولوقدن اوته‌ری درگه شـــاه أیسته‌مگه
سنون ای کشتی توفیق هانی لنگر حلم
بیر کرم دریاسینا عذر گناه أیسته‌مگه
گئدیر آبرو هانی کی ابر خطاپوش یاغا
گلمیشوق ، اؤرتمه‌گینی ، نامه سیاه أیسته مگه
حافظ آت خرقه‌ی پشمینه‌نی بو یولدا کی بیز
قافلـــــه‌ایله گئدیریک آتش آه أیسته‌مگه ت‌ز ۷۰/۲/۵

****

غزل ۳۴۱ **مصراع اول : گر چه از آتش دل چون خم می در جوشم**

أود دوتوبدور اوزه‌گیم می کوپی تک قئینه‌ییرم
قان أیچینده لبیمه مهر ووروب دینمه‌ییرم
جانینین قصدین ائدیر کیم لب جانان أیستیر
باخ منه گؤر نئجه بوردا جانیلا اؤینایییرام
اگر آزاد اولورام من غم دلدن گاهـــدان
آیری بت حلقه‌ی زؤلفون قولاغا آسلاییرام
حاش لله کی من اؤز طاعتیمیه تکیه ائدم
آزاجیق کاه بگاه بیرجه قدح می وورورام
دشمنین لاپ آجیغیندان وار امیدیم دیبده
فیض عفویله گناه آلتدا او گؤن قالمیاییرام

آتام آدم ایکی بوغدایه ساتیب باغ بهشت
ناخلف من اولارام آرپیا گر ساتماییرام
چوخدا دیندن دئیلی خرقه‌کی وار اگنیمده
خرقه آلتیندا نه چوخلو کی گناه گیزله‌ییرم
أیستیرم ترک ائلیه‌م من او کوپون صاف یئرینی
نئیله‌ییم پیر موغانینین سؤزونو دینله‌ییرم
گر کسه عشق یولون مطرب مجلس بو سایاق
حافظین شعرلرینی مطرب اوخور گیج قالیرام ت.ز ۷۰/۲/۴

****

غزل ۳۴۲ مصراع اول : حالیا مصلحت وقت در آن می بینم

مصلحت‌دیر اؤزومو بیر زمان آزاده ائدیم
وقتیمی میخانادا صرف می و باده ائدیم
جام می الده آلیب اهل ریادن چکیلم
اختیار اهل جهاندان رخ بیر ساده ائدیم
دفتر و باده‌دن اؤزگه رفیقیم اولمیا کاش
تا دعا کیمسه‌لری ترک بو آراده ائدیم
خلقدن آزاد اولوب سرو کیمی باش چیخادام
وئرسه ال گر اولام آزاد اته‌گه باده ائدیم
بله‌شیک خرقه‌الیه دعوی اصلاح ائله‌دیم
ساقیدن شرمده‌یم میل اگر باده ائدیم
اونون او غصه یوکو دارسینه‌یه وای اولسون
نئجه من تاب و تحمّل بئله بیداده ائدیم

بو زمان آصفی‌نین بنده‌سیم ، هیئچ یاراشار
چرخدن شکوه اگر دام‌ده صیّاده ائدیم ؟

کؤنلوّمو ظلم دوتوب بارخدا ائتمه قبول
عشق آیینه‌سینی لکّه‌لی بیر زاده ائدیم

من اگر رند خراباتم اگر **حافظ** شهر
بو متاع بسدی منه فخر بو دنیاده ائدیم

ت.ز ۷۰/۱/۲۹

****

غزل ۳۴۲ ۲نجی ترجمه **مصراع اول: حالیا مصلحت وقت در آن می بینم**

مصلحت ایمدی اودور من اوتورام خلوته
چکیلم بیر بوجاغا خوش گئچینم عشرته

جام می الده آلیب اهل ریادن چکینم
خلقیله آز قاریشام یا یاشیام غربته

بیر صراحی و کتاب اوّلسا منه یاروندیم
بو حریفان دغا قوی قالالار غیبته

سروتک خلقدن آزادیاشاییب بوی چکه‌رم
ییغارام خخدن اتک پاک یاشارام عزلته

بسکی‌آلوده بوخرقه‌ایله صلاح گؤپلامیشام
قالمیشام ساقی الینده وای امان خجلته

بومنیم دار اوّره‌گیم یارین آغیر غصّه‌یوکو
بویوکون مردی دئیل قلب بوجوّر محنته

من اگر رند خراباتم اگر **حافظ** شهر
آدی چوخدور متاعیم امّا اوّزوم عسرته

آصف عهده قولام سن منی یولدان ائله‌مه
دشمنیم سایه‌سینه مندن اودور وحشتده
قلبیمه ظلم توزوچوخ اوتوروب أیسته‌مه،سن
عشق آئینه‌سینی توز بله‌یه ظلمتـــده ۷۱/۵/۹

****

غزل ۳۴۳ مصراع اول : مرحبا طایر فرخ پی فرخنده پیام

خیرمقدم او مبارک قوشا کی گئتدی پیام
نه خبر ؟ یار هارادا ؟ جانیمی او یولدا قویام
ایخـــدا لطف ازل بدرقه ائت قافله‌یه
کی سالا دشمنی دامه ائده معشوقه بکام
ماجرامیز منیله یـــار یئته‌ن باشه دئیل
اوّلی اولماسا بیر شئی تاپا بیلمز انجام
جلوه‌سی حدّن‌آشیب گوّل اوّزونوّ سنده بیرآچ
سروه باخ سنده سن آللاه ائله بیر بوردا خرام
یار زوّلفو ائله زنار کیمی امـــر ائدیری
شیخنا گئت کی بیزه خرقه داها اوّلدو حرام
روحومون کی قوشو سس سالمیشیدی گوّیلرده
خالینین دانه‌سی دیبده اونو دوتدوردو بو دام
بو منیم خسته گوّزوّم اولمیاجک یوخلاماقی
مرض اوّلدوّرسه بیرین یوخ یوخیا بیرده دوام

رحمین اؤلماز من بیچاره‌یه سن من بیلیرم
بئله دعوا ، سن اوجوز ، بیر بئله‌ده شوم ایام ...
قاشووا میل ائده **حافظ** اونا بوردا یاراشار
محرابا مئیل ائدر جـــامعه‌ده اهل کلام ۷۰/۲/۶

****

غزل ۲۴۴ مصراع اول : صلاح ازمن چه میخواهی که مستانرا صلاگفتیم

نه ایستیرسن صلاح مندن کی هر مسته صلا ائتدیم
او نرگیز مست گؤزلردن بو ساغ جانه دعا ائتدیم
منه میخانه قاپوسون آچ گؤره‌نمز خانقـــاه بیر ایش
اینان بو دؤز سؤزو مطلب بودورکی برملا ائتدیم
خرابم من سنون ساقی او گؤزلردن ولی بیل کی
گله هر بیر بلا یاردان اونـــا مین مرحبا ائتدیم
منی عفو ائتمه سن آخر پشیمانلیق گله‌ر باره
یادیندا ساخلا بو سؤزلر نه‌جؤر ، هاردا ، ادا ائتدیم
قدین شمشاده اؤخشاتدیم گتیردی باره چرخ خجلت
بو نسبت‌ده غلط گئتدیم بو بهتاندا خطا ائتدیم
جگر قان اؤلدو قوی اؤلسون جزاسین قوی اؤره‌ک چکسین
کی چین زؤلفونو گؤردوم من آهنگ ختـــا ائتدیم
اودا چؤندون اگر **حافظ** حییف کی دوتمادی یاردا
ائله بد عهد دیر گؤللر حکایت با صبا ائتدیم ۷۱/۵/۱۰

****

غزل ٢٤٥ مصراع اول : من نه آن رندم که ترك شاهد و ساغر کنم

من نه اوّل رندم که ترکین شاهد و ساغر ائدیم
محتسب آگاهدیر من توبه‌نی کمتر ائدیم
من کی چوخلو عیب ائدردیم توبه‌کاره دفعه‌لـــر
گوّل زمانی توبه مئیدن نادانام من گر ائدیم
عشق بیر دُر تک‌دی من اوّزگوّتچو، دریا میکده
بو دنیزده جوموشام تا هاردا آخر سر ائدیم
لاله ساغر دوتدو نرگیز کئفلی منده متهم
چوخ شکایتلر منیم وار بس کیمی داور ائدیم
بیر جلوچک بیر نفس ای تورک شهرآشوب من
گوّز یاشیملا تا یولون قوی پر زرو گوهر ائدیم
لعل و یاقوت گوّز یاشیمدان چوخ واریمدیر خزنه‌لر
بیرده لازم گلمه‌یب گوّز مهر و یا اختر ائدیم
چون صبا گوّل دسته‌سین لطفیله وئردی شستشو
کج سلیقه بیل نظر بر صفحه‌ی دفتر ائدیم
بو فلک پیمان و عهدینده گوّروکمور اعتبـــار
عهدیمی پیمانه‌ایله باغلو یـــا ساغر ائدیم
من گدالیقلا واریمدیر الده شاهلیق خزنه‌سی
هئچ یارار آیا طمع بو دهر دون پرور ائدیم
فقره من چولقاشمادا عار اوّلسون اوندا من اگر
بو گوّنون سرچشمه‌سینده بیرده دامن تر ائدیم

عاشقی کر اوددا ایستر یاندیرا بیر گؤن حبیب

مندن اسگیک یوخ‌کی آرزو چشمه‌ی کوثر ائدیم

حافظه بیر عشوه ساتدی یار لعلی بو گئجه

امّا آخر من نئجه بو افسونو باور ائدیم ۷۱/۵/۱۰

****

غزل ۳۴۶ مصراع اول : بعزم توبه سحر گفتم استخاره کنم

توبه قصدیم واریدی بلکه ائدم من بو سحر

توبه‌نی سیندیراجک فصل باهار گلسه اگر

دؤزوکی هئچ بیله اوضاعی گؤزوم بیرگؤتومور

می ایچه هاممو حریفلر من ائدم تکجه نظر

بزم شاهدا گؤله‌ین غنچه تکین الده قدح

شوقدان پاره ائدم جامه سئوینمکده مگر

لاله فصلی باشی معیوبدو علاج ائتمه‌لیدیر

کیمکی بزمین بساطیندان اؤزون اطرافه چکر

دوست‌اؤزوندن منه مقصودگؤلوچون چوخ‌آچیری

دشمنین باشی نه عیبی کی گئدر داشه ده‌یر

میکده سائلی‌ام سرخوش اؤلاندا منی گؤر

کی نئجه حکممین آلتیندا دیلار شمس و قمر

منکی ال قیسمامیشام خرجه اؤره‌ک آیستیه‌نه

من ملامت نه ائدیم ... رند قلندر نه ائدر ....؟

گؤلون اوستونده اوتوردام صنمی سلطان تک
تاجی گؤل ، یاره‌سی گؤل باش ایاغی گؤل‌پیکر
گیزلیجه بسکی آیچیب باده ملول دور **حافظ**
بربط و بانگ نی‌ایله اولاجاق سرّی سمر ت ر ۷۰/۱/۲۸

****

غزل ۳۴۷ مصراع اول : چرا نه در پی عزم دیار خود باشم

قالارام بوردا فیکیر آیری دیار ائیله‌مرم
آیری یئر غیر سر کوی او یار ائیله‌مرم
چون غریبلیق تابی غربت غمی یوخدور منده
شهرده شهریارام عزم دیار ائیله‌مرم
یار سراپرده‌سینین محرم وصلی اولارام
درد هجرانه سالیب قلبیمی دار ائیله‌مرم
عؤمروّن آخر أیشی چون هئچکسه معلوم دئیلی
آخرین ساعتی جز وقف نگار ائیله‌مرم
بو یاتان ، بختدن اگر اولسا گلایم آیشیمه
کیمسیه درد دئییب اؤزگه‌نی زار ائیله‌مرم
عاشق و رندلیگی من پئشه ائتدیم اؤزومه
داها بوندان سورا دا ترک بو کار ائیله‌مرم
حافظه لطف ازل شامل اولا بیر گوّن اگر
هئچ زمان غصّه ائدیب قلبی فکار ائیله‌مرم ت ر ۷۱/۱/۲۹

****

غزل ۳۴۹ مصراع اول : سرم خوش است و ببانگ بلند میگویم

سرخوشام من اوُجادان هر یئره من سس سالیرام
دیریلیک نغمه‌سینی میکده‌ده آختاریرام
زاهدین قاش‌قاباغی وجه خماره اوتومـــــاز
دُردأیچن خلقی خوشون دوستلوقونو ساخلاییرام
اوْلدوم افسانه نئجه زوْلفو کیمین ســرگشته
خم چوگانینه گوْر من نئجه توپ تک قالیرام
موغانین پیری قاپو آچماسا بیر گوْن اوْزومـه
چالارام هانسی قاپر چاره نه جوْر آختاریرام
بو چمنده منی سن دانـــلاما خودرو علفـم
نه سایاق کی بئجه‌ریبلر ائله‌ده بوْی آتیـرام
خانقاهیلـه خراباتی گتیرمه آرایـــــــا
شهدآللاه کی هـــر یئرده اونیله اوْلورام
طلبین یوللارینین توزلاری بیر کیمیـادیر
نوکرم من او توزا عنبر أیگین آختاریرام
نرگیز مست اوُجا.بوْیلو او گوْزه‌ل شوقوندن
ارخـــده لاله تکین بیـــر قدحه یالواریرام
ای نصیحت ائله‌ین ائتمه نصیحت بســدیر
عـــافیت أیسته‌مه‌گی منده بو یولدان آتیـــرام
حافظین فتواسینه باده گتیر پاک کوْنوْله .....
قدحین فیضینه ریبین توزون اوْزدن یویورام ت.ز ۷۰/۲/۲

غزل ۳۵۰ مصراع اول : مانگوییم بد و میل به ناحق نکنیم

من کیمه پیس دئمه‌رم میل بناحق ائتمم
اؤزگیبه قاره ووروب کهنه‌می ارزق ائتمم
یوخسولون ، وارلینین عیبی آز اولا، چوخ ، پیس‌دیر
مصلحتدن اوته‌ره پیس آیشی مطلق ائتمم
بیر بیلیک دفترینه مغلطه خطی چکمم
ورق شعبده حق سرّینه ملحق ائتمم
رندلر جرعه‌سینی آیچمه‌سه شاه حرستیله
اونا نسگیل بو می صاف مرّوق ائتمم
یول گئده‌نلر نظرینده یولو بیز دوز گئده‌ریک
قره آت فکری و یا زین معرّق ائتمم
هنر اهلین گمیسین چرخ فلک سیندیریری
اودوکنی تکیه‌می بو بحر معلّق ائتمم
بیر حسود پیس دانیشا آینجیده گر بیر رفیقی
اعتنا من سوله کی صحبت احمق ائتمم
سؤزو ناحق دئسه دشمن اونا **حافظ** نه دئسین
یا اگر حق دئسه من حق سؤزو ناحق ائتمم ت.ز ۷۰/۲/۵

غزل ۳۵۱ مصراع اول : فتوی پیر موغان دارم و قولیست قدیم

فتوا وار پیر موغاندان بودا بیر سؤزدو قدیم
او کسه باده حرامدیر کی یاری یوخدو ندیم
بو ریا خرقه‌سینی نئیله‌ییم آخیر جیرارام
روحه ناجنس آدامین بحثی عذابیدیر الیم
تا مگر یار لبیندن کی أیچم بیر قورتو
اؤلمرشام میخانالاردا نئچه ایللردی مقیم
او قدیم دوستلوقوموز اؤلمیا یاددان چیخادیب
ای اسن صبح یئلی یادینا سال عهد قدیم
قبریمه گر گئچه‌سن چوخ سورالار یوز ایل‌ده...
توپراقیمدان باش آتار رقصه دورار عظم رمیم
دلبر آلدی کؤنؤلو یؤز اومودیله اؤل
ظاهراً عهدین اونودماز اؤلا گر خُلقی کریم
غنچیه سئوله داریخما اگر أیش باغلی قالیب
أیشؤن آخر آچاجاق صبحده انفاس نسیم
ای کؤنؤل صحّتیوی گؤزله بیر آیری قاپودان
ائتمه‌ییب عاشقه بیر چاره مداوای حکیم
معرفت گوهری آرتیر قالا آخر اؤزونه
قالاجک اؤزگه‌لره دیبده نصاب زر و سیم
چرخ خطرناکدی تله یار اؤلا کاش لطف خدا
یوخسا امّید ائله‌مه ال چکه شیطان رجیم

حافظا پول و پله‌ن اؤلماسا گئت شؤکرون ائله
داها بوندان نه گؤزه‌ل لطف غزل ، طبع سلیم ۷۰/۲/۳

غزل ۳۵۲ مصراع اول : عاشق روی جوانی خوش و نو خاسته‌ام

عاشقم عرصیه بیر تازه گلن نوجوانا

تانریدان آیسته‌میشم قلب بو غمده قالانا

عاشق و رند و نظربازم و آشکار دئیرم

بیله‌لر نئچّه هنر واردی بو عاشق اوّلانا

مئیه آلوده اوّلان خرقه‌مه عاریم گلیری

کی اونا یوّزلریله شعبده وصلی یامانا

یان اونون غملرینه من کیمی ای شمع سنده

گلمیشم من ائله بو آیشدن اوتهر بو جهانا

بئله حیرتله منیم صرفه‌سی یوخدور آیشیمین

آری ییر جان و دلیم غمده غم اوّسته قالانا

اوّز خراباته قویام من باش ایاق **حافظ** تک

باغرینا بلکه باسا وصله یئتم بیر جانانا ۷۱/۵/۱۰

****

غزل ۳۵۳ مصراع اول : آنکه پامال جفا کرد چو خاك راهم

منی توپراق سانیوب ائیله‌دی پامال جفا

ایاقین توپراقین اؤپدوّم کی بودور راه وفا

دئیلم من او کی سن جوّر ائده‌سن ناله ائدم

نوکرم من سنه خدمت ائده‌رم بوردا ادا

خم زولفونده واریمدیر نه اؤزون آرزولاریم
ائله‌مه بار خدایا کی الیم قیسسا قالا
چوخ منه خوشدوکی بیرتوپراق اولام کویوندا
قورخورام بیریئل‌ایلن جانیم‌اولا دیبده هبا
پیـــر میخانه سحـــر جام جهان‌بین وئردی
جام جمالوندن اولوبدور منه بیر حسن‌نما
عالم صومعه‌ی قدسده من بیـــر صوفیم
موغانین دئرایدی ایمدی منه اولموش مأوا
من یول اوستونده دوگل میخانادا باهم اولاق
سنده گؤر، وار منه اوردا ، نه مقام اعلا
کئفلی بوردان گئچه‌راق **حافظی** بیر گؤرمه‌دین هئچ
چوخ چتین‌دیر سنی آهیمدن آلیب کیـم قوتارا ت.ز ۷۰/۱/۲۸

****

غزل ۳۸۴ مصراع اول : **غم زمانه که هیچش کران نمی بینم**

غم زمانیه کی هئچ کـــرانه گؤرسنمیر
دواسی غیر می ارغوانه گؤرسنمیر
دئیـــم کی خدمت پیر موغانی ترک ائتمم
کی‌مصلحت بوأیشه هئچ زمانه گؤرسنمیر
قدح گؤنوندن اوته‌ر عیشین ارتفاعین دوت
کی طالع اولدوزو بو آسمانه گؤرسنمیر

بو سرّی ساخلا کی آللاه سئوه‌ندیر عاشقلر
شیوخ شهرده هئچ بو نشانه گؤرسنمیر
قالان بوجوّت گؤزه حیران ، اوّلا هزارافسوس
کی بیرجوت آیینه ایله ، عیانه گؤرسنمیر
سرشگین ارخینه سرو اوّلموسان خیـالیمدا
بو ارخه غیر بو چشمه روا نه گؤرسنمیر
خمارلیقیمدا منه باده یوخدو سیز یئتیرین
گؤرون کی بیراوّره‌ک اهلی جهانه گؤرسنمیر
او بئل او توّک کی کؤنوّل وئرمیشم ، نشانه‌لرین
سوروشما موی ومیان اوّل نشانه گؤرسنمیر
منیلـه کشتی **حافظ** بو دریادا غیری
سؤزون بضاعتی بیر در فشانه گؤرسنمیر

****

غزل ۳۵۵ مصراع اول : خیال نقش تو در گارگاه دیده کشیدم

اوّزونون نقشینی چکدیم گؤزومه نقش خیال
سنه اوخشار اوّلا صورت؟ اودو بیر امر محال
طلبه باد شماله گـر اوّلام یـار و رفیق
ناز ائدن قامتوه دسترسیم یوخ هر حال
زوّلفونون بوگئجه سیله عؤموّره یوخدور امید
آلماغا کام او آغیزدان داها یوخ بیرجه مجال

غمزه‌ایله اوخ آتارسان بو یانان قلبه نه چوخ
غصّه‌دن سینه ائدیر بار غمین بد احوال
منه بیر توز گتیر ای بادصبا وصل عطرین
کی گلیر قان قوخوسو أسدیره گر باد وصال
او گؤزوّن تقصیریدی قلبلری غارت ائده
أودوکی من قاچیرام آوچی گؤرم مثل غزال
چشمه‌ی نوشونا خاطر اَله‌دیم گؤزدن یاش
ائله اوْلموش لبیوه تشنه کؤنوّل باده مثال
غنچه تک باشیما یئللر اسیری کویوندن
قلبیمین پرده‌سی پیرتیلدی ، یقین اوْلدو زوال
ایاقین توپراقینا آند اولا ، **حافظ** گؤزونه
گؤرمیه‌نده أوّزونو گؤزده أیشیق یوخ هر حال ۷۱/۵/۱۰

****

غزل ۳۵۶ مصراع اول : در نهانخانه عشرت صنمی خوش دارم

گیزلی کئف چکمه یئرینده صنمی خوش منه وار
اوّزوّنوّن عشقی دئمه نعل در آتش منه وار
عاشق و رندم و میخواره اوُجا سسله دئیم
بذل ائدن منصبی اوْل حور پریوش منه وار
یا اگر سن منی چوخ بیسر و سامان بیله‌سن
بیل کی آه سحریم زوّلف مشوّش منه وار

گر بو جوّر جلوه‌لنه دوستون او زنگین خطّی
خنووائیله سارالان اوزده ، منقّش منه وار.
رندلر کلبه‌سینه بیر گون اگر باش چکه‌سن
شعردن نقل و شکرله می بیغش منه وار
ناوک غمزه گتیر بیرده او زولفون گئییمین
چوخ دوگوش زولفوله بو جان بلاکش منه وار
حافظا چون غم و شادلیک گئچیری دنیاده
شوکوّر آللاهه کی بیر خاطره‌ی خوش منه وار ت.ز ۷۰/۱/۳۱

****

غزل ۳۵۷ مصراع اول : گرم از دست برخیزد که با دلدار بنشینم

اگر یانیمدا اگلنسه منیم اول یار شیرینیم
أیچیم وصلت شرابیندان یارین یانیمدا گول‌چینیم
او صوفی یاندیران بنیادیمی باده وئرن باده
وئر ای ساقی اولا قوربان سنه بو جان شیرینیم
داها دیوانه اوللام من بو سوداده گئجه گوندوز
أیشیم آیلا دانیشماقدیر گوزومدن یاشدی بالینیم
لبون شکّر وئریر مسته گوزون می وئردی مخموره
منیم سن ایده‌آلمیسان کی سن‌سن دین و آئینیم
او توپراقلارکی یئل گتدی آپاردی بهره‌لر سندن
سوروش مندن دئکی هاردا ؟ او خدمتکار دیرینیم

سؤزوّ هر یئرده دوّز گلمز هامو شاعرلرین نظمی
تذروی خوش‌شکاریمدیرکی‌چرخ زیرکدی شاهینیم
سنه گر اوّلماسا باور سؤروش صورتگر چین‌دن
وئرر مانیلره نسخه منیـــم بو کلک مشگینیم
پیانلیق، رندلیق رمزین سؤروش مندن نه **حافظ**دن
کی جامیم هر گئجه الده ندیمیم مـــاه و پروینیم ت‌ـز ۷۰/۲/۵

****

غزل ۳۵۸ مصراع اول : فاش میگویم و از گفتهٔ خود دلشادم

آشکارا دئیرم اؤز دئدیگیمدن شادم بنده‌یم عشقه ، ایکی دنیادادا آزادم
آیریلیقدان‌نه‌دئیم بیرقوشودوم جنت‌ده کی اسیر قفس حادثه‌ی صیّادم
مسکنیم‌جنّت‌ایدی‌منده اؤزوم‌بیرجه‌ملک آدم ائتدی منی ساکن بو خراب آبادم
طوبانین‌کؤلگه‌سی،کوثرکناری،حوری‌نازی اوّزونون یادین ائدنده اولارا بی یادم
یوخدو قلبیمده مگر قامت یارین الیفی نه‌ایمدیکی‌تک الیف یاد وئریب استادم
تاپمایی‌ب بیرجه‌منجم نیه‌بخت اوّلدوزومو هانسی طالعده اوّلوب بار خدا میلادم
عشق‌میخانه‌سینه حلقه‌بگوش‌اوّلدوم چون سئولر هردم تازا بیر غصّه مبارکبادم
کؤنوّلون‌قانینی‌گرگؤزبه‌به‌گی‌أیسچه نه‌غم خلق‌جگرگوشه‌سینه‌عاشق‌اوّلان صیّادم

حافظین گؤزیاشینی زوّلفونوله سیل گؤزه‌لیم
یوخسا بو سیل ائده‌جک آخری بی‌بنیادم ت‌ـز ۶۹/۱۲/۱

غزل ۳۵۹ مصراع اول : دوش بیماری چشم تو به برد از دستم

آلدی الدن گؤزونوّن باده‌سی دوّن صبر و قرار
لبلرین لعلی‌نین امّیدینه آرام تاپار
منیم عشقیم خطّ و خالونلا دئیل تازه بیرأیش
او هلال جامدان اوّره‌کده لکه‌لر چوخدان وار
سنون عشقونده غمه دوزمه‌گیمی خوشلاییرام
کی محلّه‌نده سنی گؤزله‌مگه تابیم وار
منکی میخانه‌ده‌أم ائتمه اومود ساغلیغیما
رندلر خدمتی‌نی ائیله‌میشم عهد و قرار
گر فناده اوْلاسان عشقده وار چوخلو خطر
دئمه کی عشقده اوْلسم داها أیشلر قوتارار
داها بوندان سورا باک ائیله‌مه‌رم حاسددن
چون کمان قاشلی گؤزه‌ل یار هوامی ساخلار
او عقیق لعل لبه بوسه ووِرام حقّیمدیر
عهد سیندیرمامیشام جوْر ائله‌ییب گر منه یار
بیر صنم اهل قشون ، غارت ائدیب کؤنلو گئدیب
آه اگر اوْلمیا شاه عاطفه‌سی أیش نه اوْلار
حافظین بیلمه‌گینین مرتبه‌سی عرشه چاتیب
اوْجا شمشاد بویونون غصّه‌سیدیر خاکه سالار ۷۱/۵/۲۵

****

غزل ۳۶۰ مصراع اول : بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم

دوگل تا گوّل ائده‌ک افشان ، ائده‌ک ساغرده می جوشان
یاراق سقفی سمالردن ، تازا بیر طرح ائده‌ک بنیان
اگر غم لشگرین چکسه ، قانین عاشقلرین توکسه
من و ساقی اوْلاق ال بیر، ائده‌ک غم لشگرین داغان
شراب ارغوانیلین ، گوّلابی توک قدح‌لرده
یانا تا عود مجمرده ، صبا تا اوْلسون عطر افشان
الونده واردی خوش سازین ، اوجالد ای مطرب آوازین
ال اویناتماق ، باش آتماقلا ، دوراق بیز رقصه پاکوبان
صبا باخ بیر سن آللاهه ، بیزی بیر سال او درگاهه
کی شاید بیر باخیش باخسین ، بو منظرده شه خوبان
بیری باخ عقلدن گوپلور ، بیری طاماشده یوخلور
بوراخ داورلیگی حقه ، قضاوت ائیله‌سین یزدان
بهشت عدن أیستیرسن ، دوگل میخانیه بیزایله
سنه کوثر أیچیتمک أیچون ، بهشته تونلیاق بوردان
خوش آوازلیقلا سؤز بیلمک ، ندن سئومزله شیرازدا
دوگل **حافظ** کوچاق تئزلی ، بیر آیری شهره شیرازدان ت.ز ۷۰/۱/۲۸

غزل ۳۶۱ مصراع اول : بارها گفته‌ام و بار دگر میگویم

دفعه‌لر من دئمیشم بیر تازاداندا دئیرم
کی بو یولدا دئیلم اؤز باشیما من گتدیرم
طوطی تک آینادالیندا منیله وار دانیشـــان
او منه اوگره‌ده‌نی من سورادان قئیته‌ریرم
من گؤلم یاکی تیکان وار چمنی بیر بزیه‌ن
او بئجه‌ردن الیله من گئوه‌ریب قئی‌نه‌ییرم
دوستلاریم ائتمیه دۀ عیب من حیـــرانه
گوهره گر تانیان اؤلماسا من نئیله‌ییرم
بو یاماق خرقه‌ایله باده‌ی گؤلگون اؤلماز
خرقه‌دن پاک بو رنگی می‌ایله ائیله‌ییرم
اؤزگه یئردندی عاشقلار گؤله‌لر آغلیالار
گئجه‌لر نوحه قوشوب وقت سحر آغلیاییرم
میخانـا توپراقینین أیگلمه **حافظ** او دئییر
دۀکی چوخ عیب ائله‌مه مُشگ‌ختن ایگله‌ییرم ت.ز ۶۹/۱۲/۱

****

غزل ۳۶۲ مصراع اول: گرچه‌افتاده ز زلفش گرهی در کارم

تاب زؤلفوندن اگر چند دوگوندور کاریم
کرمیندن آچا شاید وار اومیدیم یاریم
جام تک قرمیزیلیق اؤزده طرب ائتمه حساب
اؤره گیم قانینی معکوس ائدیر رخساریم

مطربین پرده‌سی آخر کؤنوللو دلدن آلار
آه اگر اوللمیا بو پرده‌ده بیر دلداریم
حرم قلبی گئجه گؤزله میشم تا بسحر
آیری بیر پرده‌ده تا أیشله‌میه افکاریم
من اویام شاعر ساحر کی سؤز افسونیله
قلمیم‌دن توکولن قند و شکر دیر باریم
یارین افسانه‌سینه بخت گؤزون دوتدو یوخو
هانی‌بیر لطف نسیمی یوخوگؤزدن آپاریم
سنی ای یار گئچک‌ده گؤره بیلمم نه ائدیم
کیمیله سؤزدئیه بیللم کی‌ائشیدسین یاریم
دئی‌نیردی، هامیسی ریب و ریادیر **حافظ**
قاپوسیندان سئوایی هاردا منیم بازاریم ۷۱/۵/۲۶

****

غزل ۳۶۳ مصراع اول : بی تو ایسرو روان با گل و گلشن چکنم

سن‌سیز ایسرو روان من گؤل و گؤلشن نه ائدیم
زؤلف سوّنبوّل نه ائدیم عارض سوسن نه ائدیم
گؤرمه‌دیم بیر اؤزونو طعنه‌ی بدخواه لاردان
آینه‌م اوللمیالی چهره‌ی آهن نه ائدیم
زاهدا گئت أیشیوه عیب ائله‌مه دُرد أیچه‌نه
تقدیرین حاکمی ائیلیر بو أیشی من نه ائدیم

غیب‌دن کی شاخیری برق بوجوّر غیرتـــــدن
سن بویور بیرکی من سوخته خرمن نه ائدیم
شاه توّرکان منی گوّردو قویودا حبس ائله‌دی
گلمسه چاره أیچون لطف تهمتن نه ائدیم
طور آودو بیر چراغیله اگـــر ال دوتمیه‌جک
بو قارانلوق گئجه بـــو وادی ایمن نه ائدیم
منه ارثی یئتیشیب خلد برین ای **حافظ**
بو خراب ویرانا منزلده نشیمن نه ائدیم ض‌ز ۷۰/۱/۲۹

****

غزل ۳۶۴ مصراع اول : **من که باشم که بر آنخاطر عاطر گذرم**

من کیمم کی ائلیه‌م خاطریوه بیرجه خطور
باشیمین توپـــــراقیدیر شوّکر أیچون تاج غرور
دهٔ گوّروّم بنده‌نوازلیک سنه کیم اوگرتدی
کی رقیبلر طرفینـــــدن بئله بیر ظن اوّلمور
منه بیر یولداش ائله همّتین ایطایر قدس
من سفـــــر ائیله‌میه‌ن عاجزم و مقصد دور
ای سحرگاه یئلی بنده‌چیلیک عرضه یئتیر
کی اونودما دعادان بیزلری ده وقت سحـــور
شاد، اوگوّنکی بورادان بیرجه پیغام یوّک یاپیمی
سر کویونـــدا منی آختـــارالار اهل قبـــور

اوْجادیر همده جهانگیر بو نظمین بناسی
آغزیما شاهه دئیین درّ و جواهر دوْلدور
گوهر وصلدن اوتره یاراشار **حافظ** اگر
گؤز سرشگین منه بیر غوطه أیچون دریا اوْلور ۷۱/۵/۲۶

****

انجوی شیرازی نسخه سیندن **مصراع اول: من که باشم که برآن خاطرعاطر گذرم**

من کیمم کی او عزیز خاطره اوْلسون گذریم
لطف ائدیرسن قاپونون توپراقیدیر تاج سریم
سنه کیم بنده نوازلیق بیله اوگرتدی گؤزه‌ل
بئله بیر أیشلره گئتمز کی رقیبه نظریم
منی همت یولونا بیر یولا سال ، قدس قوشو....
کی اوْزون یولدا اوْزاق یئرده منیم بو سفریم
یئتیر ای باد سحر بنده‌چیلیک بیزدن اونا
کی اوْنودما دعادان وقت دعای سحریم
شاد او گوْن کی یوکومو باغلیالار بو یئردن
سن اوْلان کوچه‌دن آلسینلا رفیقلر خبریم
خلوت خاطری گؤستر داها بوندانسوراسی
سنیله باده أیچم اوْلمیا بیر درد سریم
پایهٔ نظم جهانگیر اوْلوب همده اوْجا
پادشاهه بئتیرون بس هانی سیم و گُهریم
یاراشار **حافظ** اگر گوهر وصلیندن اوته‌ر
گؤزو دریا اوْلالی یاره دوشه بیر نظریم

************ ت.ز ۶۹/۱۲/۱

غزل۳۶۵ مصراع اول : مرا می بینی و هر دم زیادت میکنی دردم

سنی هردم گؤره‌ن وقته ، دولور دردیله بو جانیم
تمنّایه دولور قلبیم ، کی سنسن دین و ایمانیم
سؤروشمورسان نئجه سن سیز ، نه سر وار منده نه سامان
نه دردیمدن خبردارسان ، کی واردیر سنده درمانیم
سالیب توپارقلارا قاچدین ، اؤزاقدیر راه و رسمیندن
توزوم دامانیوه یاپوشار ، گر اوْ لسان بوردا مهمانیم
الیمدن وئرمه‌رم دامانیوی ، الاّ اوْلام توپراق
کی دامنگیر اوْلار قویسا ، ایاق توپراقه جانانیم
دمیم جومدو فراقیندا ، ندن هی دملیسن هر دم
قوپاردین روزگاریمدن ، دماریم چیخدی بو جانیم
قارانلیق بیر گئجه گؤنلو ، آریردیم تاز زوْلفوندن
اوْزون گؤردوقدا لعلیندن ، دولوردو بادیه جامیم
سنی آغوشه چکدیقدا ، دولاشدیم تاب زوْلفونده
دوداق قویدوم دوداقینده ، دوداقه چاتدی بو جانیم
اگر **حافظله** خوش اوْلسان ، دهٔ چیخسین دشمنین جانی
منیله گرم دوتسان سن ، نئدر دم سرد عدوانیم ۷۱/۵/۲۶

غزل ۳۶۶ مصراع اول : گر دست دهد خاك كف پای نگارم

تاپسام ال اگر توپراقینا پای نگارین
گؤز لوحه‌سینه نقش ائده‌رم خطّ غبارین

وصلون اومودی غرق ائله‌ییب یاخشی اؤلاردی
گؤز یاشلاریمین دالغاسی گر تاپسا کنارین

پروانه‌سی گر قصد ائله‌یه جانیمی آلسین
شمع تک وئره‌رم جان کی اؤلا أیسته‌گی یارین

باش آتما وفادن من درویشه فیکیرلش
نفرین ائله‌رم ترکینی قیلام بو دیارین

عاشقلره دلدارلیق أیچون زؤلف سیاهون
عشّاقی قاچیردیب هامونون قویدو قرارین

اؤل باده دن ای یار گتیر بیرجه نسیمی
تا بلکه او باده کسه اصلین بو خمارین

گر کؤنلؤمه قلب اؤلسا عیار وئرمیه دلبر
من تئز توکه‌رم نقد روان سانما شمارین

چکمه من خاکی‌دن اتک من اگر اؤلسم
یئل‌ده آپارانماز داها بیر ذرّه غبارین

حافظ لب لعلی منه بیر جان عزیزدیر
عؤمروم او زمان دیر کی تاپا وصل نگارین

ت‌ز ۷۰/۲/۴

****

غزل ۳۶۷ مصراع اول : خیز تا از در میخانه گشادی طلبیم

باغلانان أیشلره دور میخانادان أیسته گشاد
یار یولوندا اوتور اوندان آلاسان بلکه مـــراد

حرم وصلده چون یوخدو یولا بیر توشه
میخـــانا یولچولوقیله بو یولا سال الـه زاد

یول‌دوتوب گرچه بوآلوده‌گؤزون یاشی گئدیر
پیک أیچون یاره تاپاق یوللاماغا ، پاک‌نهاد

غمینین‌داغی کؤنؤلده حرام اؤلسون بیزه‌گر
کؤنؤلوم جؤر و جفـــا ائتمه‌گیوه ایلیه داد

وورماق‌اؤلماز خالینین نقشینی گؤزلوحه‌سینه
بو أیشی گؤرمک اؤلار گؤزبه‌به‌گی اولسامداد

کؤنؤل أیستیردی شیرین‌لبلرینین عشوه‌سینی
بیر شکرخند ائله‌ییب سئوله‌دی‌گر اؤلسامراد

بیر عطیر نسخه‌سی اؤلماقدان اوته‌ر کؤنلؤموزه
گره‌ک اؤل عطرلی تئلده‌ن اؤلا بیر نسخه سواد

شاد اؤره‌کلرده فقط تاپماق اؤلار عشق غمین
غمینین خاطرینه أیسته‌ییریک خاطـــر شاد

حافظا مدرسه قاپوسیندا نه قده‌ر اگلنه‌سن
باغلانان أیشلره دور میکده دن أیسته گشاد ۷۱/۵/۲۷

****

غزل ۳۶۸ مصراع اول : سالها پیروی مذهب رندان کردم

نئچه أیل پیروی مذهب رندان ائله‌دیم
عقل اوّزیله طمعی بندی و رندان ائله‌دیم

تاپمادیم یول من او عنقا یئرینه اوز باشیما
بو یولون طیّ‌نی با مرغ سلیمان ائله‌دیم

ای مراد خزنه‌سی بیر سایه دوشه‌یاره سوله
بو ائوی من سنون امیّدیوه ویران ائله‌دیم

توبه ائتدیم کی داها اوپمه‌ییرم ساقی لبین
دوداقی دیشله‌ییرم گوش به نادان ائله‌دیم

بختیمین ترسه‌سینه گلدی اله کام دلیم
فکرجمعلیک سببین زوّلف پریشان ائله‌دیم

مستلیک، اورتولولوک ، سنله منیم الده دئیل
او کی استاد ازل امر ائله‌دی آن ائله‌دیم

طمعیم واردی بهشته ازلین لطفیله
گر چه دربانی میخانه فراوان ائله‌دیم

قوجالیقلا او گؤزه‌ل صحبتیمی ائتدی قبول
او دوزوّم صبرینه کی کلبه‌ی احزان ائله‌دیم

سحرین دورماغی صحّت‌طلبی **حافظ** تک
هر نه واردی هاموسون دولت قرآن ائله‌دیم

ت‌ز ۷۰/۲/۲

****

غزل ۳۶۹ مصراع اول : گر دست دهد در سر زلفین تو بازم

گر بیرده دوتام الده او زوّلفئین نگاری
چوگانی او زوّلفون خمی چوخ باشلار آپاری
زوّلفون بیر اوْزون عوْمر کیمین‌دیر منه امّا
چاتمیر او اوْزون عوْمر منه بیر تئلی ، تاری
پروانه وئر ای شمع گئجه راحتیم اوْلسون
بو کؤنلوْن أودوندان اریم شمع کیمی باری
بیر گؤلمه‌گلیله جان وئره‌رم منده قدح تک
میّت نمازین قیلسا منه جفت خماری
چون کی دئیلم من کیمی دیوانه نمازلیق
میخانه‌ده اوندانده‌ی گؤزوم یاشی آخاری
میخانه و مسجده اگر گلسه خیالون
ابرولرینین محرابینا أیستیه تاری
گر خلوتیمه بیر گئجه سالسا أیشیق اوْزدن
باش صبحه کیمی دنیالارا نورون آپاری
محمود اوْلار عاقبتِ أیشده بو یولدا
سودای ایازدا ایاغا باشین آپاری
بودوره‌ده **حافظ** کیمه‌بیر غم دئمک اوْلسون
محرم‌لیگه جاندان سیوایی کیمدی چیخاری

ت.ز ۷۰/۲/۳

****

غزل ۳۷۱ مصراع اول : در خرابات مغان گر گذر افتد بازم

گر خرابات موغانه ائلیه‌م بیـــرده گذر
ائده‌رم خرقه و سجّاده‌نی من ، اوردا هـــدر

گر خراباتده توبه ائلیه‌م زاهد تک
قاپو آچماز منه میخانه صاحابلار بو سفر

فارغ‌البـــال اگـــر جان اوْلا پروانه کیمی
شمع تک عارضنین وصلینی کؤنلوْم أیستـــر

وصل حور أیسته‌مرم، قیسسافیکیرلیقدی منه
کی سنون فکریویله اوْزگه سینه فکر ائده‌لـــر

گیزله مزدی اوْره‌گیمده سنون عشقون سّری
ائتمیه فاش، بو گؤز یاشلاریمیز ، سرّی اگر

قوش کیمی یئر قفسیندن هاوالاندیم اوْجه
او امیدیله کی شهبازه اوْلام صید مگـــر

چنگ تک گر منی بیر چکمیه سن آغوشه
نی کیمی لعل لبوندن اوْره‌گیم درده گلـــر

دئمه‌رم کیمسیه حیران کؤنوْلوْن قصّه‌سینی
کی‌سنون غصّه‌لرون هرگئجه مین قصّه دئیه‌ر

حافظین هر توْکونه بیر باش اوْلا گر جاندا
زوْلفونون تارلاری تک باشین ایاقوندا ایه‌ر

ت ر ۷۰/۱/۳۱

****

غزل ۳۷۲ مصراع اول : مژدهٔ وصل تو کو کز سر جان برخیزم

وئره‌رم مشتوّلوقوّن وصلوه ، جان قوّزانارام
بیرقوشام قدس‌دا باغ گؤرمک همان قوزانارام

آند اوّلا دوستلوقوا سن منی نوکر دوتسان
بوراخیب، هاممیسینی کون ومکان ، قوزانارام

بیر یاغیش یوللا هدایت بولوتوندان یا رب
یوخسا بیرتوزکیمی یئل اسمک‌همان قوزانارام

مطرب ومی‌له اوتور قبریمین اوّستونده گؤزه‌ل
کی سنون عطرویله رقصه اوچان قوزانارام

سرو تک گر دوراسان گؤسته‌ره‌سن قامتوی
قدمون قوربانینا الده بو جـــان قوزانارام

گرچه‌من بیرقوجایام بیرگئجه‌سن باغریواباس
تا سحر وقتی نئچه گؤز کی جوان قوزانـارام

سن خیال ائتمه نگارا کی سنون کویوندن
منی مجبور ائله‌ییر جؤر زمـــان قوزانارام

من اؤلن گوّن گؤروشه **حافظه** بیر مهلت وئر
بوراخیب**شیوا** کیمی جان و جهان قوزانارام

ت.ز ۷۰/۲/۶

غزل ۳۷۳ مصراع اول : صنما باغم و عشق توچه تدبیر کنم

صنما غصه‌ی عشقونده نه تدبیر ائله‌ییم
نه‌قده‌ر هجرویله ناله‌ی شبگیـــر ائله‌ییم

دلی‌کؤنلوم گئچیب اوندان‌کی علاج بیرتاپیلا
تا مگر زولفونوله من اونو زنجیـــر ائله‌ییم

هجرینین دردلرینی شرح وئرم چوخ مشگل
بیر ورق نامه‌ده مشگولدوکی تحریر ائله‌ییم

سر زولفونده نئجه بو کؤنول آشفته‌لیگین
فرصت‌آیستیرهامیسین بیر باشا تقریرائله‌ییم

اونداکی جانیمی گؤرمک خیالی باشدا اولار
اؤز خیالیمدا گؤزه‌ل نقشیوی تصویر ائله‌ییم

گربیلم کی وصالین بیربئله‌لیک ال وئره‌جک
دین و دل خشله‌یه‌رم خرج‌ده توفیـــر ائله‌ییم

واعظا بوردان اوزاخلاش دئمه بیهوده داها
دئیلم من او داهـــا گوش بتذویر ائله‌ییم

حافظه یوخدور امید ترک ائلیه بو فسادی
چونکی تقدیر بوجؤردو دا، نه تدبیر ائله‌ییم

ت.ز ۷۰/۲/۲

غزل ۳۷٤ مصراع اول : در خرابات معان نور خدا می بینم

موغانین دئیرینه باخ نور خدا من گؤرورم
چوخ تعجبدو نه نور گؤرکی هارادان گؤرورم
منه چوخ فخر ائله‌مه ای ملک‌الحاج کی سن
گؤروسن خانه اگر خانه خدا من گؤرورم
أیستیرم مشگ توکولسون دارایاندا زوّلفون
بو اوُزاق فکرلری راه ختادن گؤرورم
اوّره‌گین یانماسی، گؤزیاشی، سحرآهی گئجه ناله‌لرین
هامیسین لطفلرین تکجه اورادن گؤرورم
خیالین یوللاری هر دم سنه بیر نقش وورور
باخیرام هر شکیلین لطف و صفادن گؤرورم
گؤرمه‌ییب کیمسه ختن مشگینی چین نافه‌سینی
اوکی من هر سحری باد صبادن گؤرورم
کیمدی بو میکده‌نین دُرد أیچه‌نی ، درگاهینی
احتیاج قبله‌سی محراب دعـــا من گؤرورم
نقطه‌جاق دائره‌ده یوخدو خلاف آز چوخدان
بو حقیقتلـــــری بیچون و چرا من گؤرورم
گر نظربازدی **حافظ** اونا چوخ عیب ائله‌مه
اونو ازجمله محبـــّان خـــدادن گـؤرورم

ت.ز ۷۰/۲/۲

****

غزل ۲۷۵ مصراع اول : تو همچو صبحی و من شمع خلوت سحرم

صبح تک آیدین اؤزون منده کی شمع سحرم
بیرگؤلؤمسون نظرائت گؤرنئجه من جان وئره‌رم
زؤلفونون داغیکی واردیر بو سیاق قلبیمده
چوخ بنوشه گؤیه‌رر قبر ائوینه چون گئده‌رم
اومود آستانیوه آچدیم گؤزومون قاپولارینی
سالاسان بیرجه نظر ائیله‌میسن هئچ نظرم
نه شؤکورلر ائله‌ییم چوخ یاشا ایغم سوروسو
تک قالاندا سنیله قلبیمی مشغول ائده‌رم
گؤزلرین چاکریم قاره اؤره‌کلیقلا بئله
بیر یاغیش تک هی آخار غملری شرحین وئره‌رم
دلبریم جلوه‌ده‌دیر هر یانا سالدیم نظری
جلوه‌سین سیر ائده بیلمز اونو کی من گؤره‌رم
یئل کیمی گر گئچه یار قبریوه **حافظ** بیر گون
قبرده او کفنی شوقدان اوردا سوکه رم ف.ز ۷۰/۱/۲۹

****

غزل ۲۷۶ مصراع اول : دردم از یار است و درمان نیز هم

درد یاراندیر و هم درمانده قلب اونا قوربانیدیر همده جانده
حُسندن چوخلاردئیه‌ر«آن»یاخشیدیر واردیر حسن یاریمین هم «آن» ده
جانیمین قصدینده یاد اؤلسون اویار عهدینی سیندیردی هم پیمان‌ده

سؤزلری من اؤرتولو دوستلار دئدیم نقل اولار آخر بو سؤز دستانده
چون چاتار باشه وصالین لذّتی غملری باشه چاتار هجران‌ده
تک أیشیقدیر یار اؤزوندن دنیالار آشکارا من دئدیم ، پنهان‌ده
اولما خاطر جمع دنیا فعلینه بیرده بیر گردونه‌ی گردان‌ده
می‌گتیر عاشق نه قورخار قاضیدن سایماز عاشق یارغاسین دیوان‌ده

حافظ عاشقدیر بونو دارغا بیلیر
هم وزیر ملک و هم سلطان‌ده ت.ز ۷۱/۵/۲۷

****

غزل ۳۳۷ مصراع اول : مزن بر دل ز نوك غمزه تیرم

منی ائتمه هدف غمزه‌ایله تیره او گؤزلر رحم ائتمز بو اسیره
کماله یئتمه‌ده حسنون نصابی زکاتین وئر بو مسکین فقیره
اوشاقلار تک منی اؤیدورما زاهد بهشته ، آلمایا ، یا شهد و شیره
منیم میخانه چیله وار قرارایم کی ساغردن سئوای وئرمز حقیره
ائله دوست‌دولدوروب سینه‌فضاسین اؤزوم ده یاده گلمیر بو ضمیره
قدح دولدور کی عشقین دولتیندن جوانلاشماقدادیر باخسان بو پیره
حسابدا اولماسین جز مطرب و می گله هر بیر یازی کلک دبیره
بوغوغانی سوروشمور کیمسه،کیمدن موغان پیری دهٔ باخ منت‌پذیره
گله بیر گون پیانلیق شدّتیندن اولام بی‌اعتنا شاه و وزیره

قویوب یار خزنه‌سین **حافظ** دوشونده
دهٔ باخما مدعی اسگیک فقیره ت.ز ۷۰/۲/۶

****

غزل ۳۷۸ مصراع اول : مرا عهدیست با جانان که تاجان در بدن دارم

منیم عهدیمدی جانانه ، که تا جان واردی جانیمده
هواسین ساخلیام یارین ، اوْرکده ، جاندا ، قانیمده
منیم کامیمجا یار اوْلسا ، اوْلاق بیر گوشه خلوتده
نه باکیم واردی پیسلردن ، ائده غیبت نهانیمده
منیم بیر سرو وار ائوده ، کی سالسا سایه‌سین باشه
نیازیم یوخدو شمشاده ، گلیب اگلنسه یانیمده
منه ای پیر فرزانه ، گره‌کدیر صحن میخانه
ائدنمم ترک پیمانه ، کی پیمانیمدی جانیمده
رقیب آللاهه آند وئرم ، گؤزوْن یوم بو گئجه بیزدن
کی چوخ سؤز واردی لعلیله ، نهانی بو دهانیمده
شوْکوْر آللاهه گوْل‌چینم ، گوْلوْستان وصالینده
اوناتای سوسن و گوْل یوخ ، کی وار باغ و جنانیمده
شراب خوشگواریم واردی ، یار مهربان ساقی
بو عیش هئچ کیمسه‌یه اوْلماز ، کی وار بوردا مکانیمده
بو کؤنلوْن خلوتینده گر ، صفا واردیر او شمعدندیر
گؤزوْن نوری او آیداندیر ، آدی دیلده بیانیمده
کؤنوْل قصدیله یوْز لشگر ، گؤزه‌للردن هجوم ائتسه
شوکوْر آللاهه بیر لشگر شکن یار واردی یانیمده
سلیمان زمانم من ، واریمدیر خاتم لعلی
کی اهریمن منه نئیلر ، وار اسم‌اعظم نشانیمده
اوْ لوبدور رندلیقلا شهره **حافظ** ، شهرده امّا
نه باکیم وار قوام‌الدّین ، حسن آرخام جهانیمده

ت‌ـز ۷۰/۲/۵

غزل ۳۷۹ مصراع اول : خیز تا خرقهٔ صوفی بخرابات بریم

دورکی تا خرقه صوفینی خراباته چکاق
شطح و طاماتیده بازار خرافاته چکاق
آپاراق بیر او قلندرلره سوقاتلیق أیچون
بایزید دلقینی سجّاده‌ی طاماته چکاق
تا هامو خلوتیلر جام صبوحی آلالار
او سحر چنگینی‌ده پیر مناجاته چکاق
عهدیکی وادی ایمن‌ده سنیله قویدوق
ازلی ، دیلده ، موسا صحنه‌ی میقاته چکاق
ناموسون کوسونی ده کنگره‌ی عرشده چال
عشقینین پرچمینی بام سماواته چکاق
قاپونون توپراقینی روز قیامتده صاباح
باشلارین فرقی أیچون بهر مباهاته چکاق
گر ملامت تیکانی قویسا یول اوسته زاهد
گولستاندان اونو زندان مکافاته چکاق
عار اولسون بیزه بو خرقهٔ پشمینه‌میزه
کی ریا خرقه‌سینی پای کراماته چکاق
کونول أیش گورمیه گر بیلمیه وقتین قدرین
بو أیشین خجلتینی حاصل اوقاته چکاق
فلکین سقف مقرنس‌لریده فتنه توکور
دوکوچه‌ک میخانیه بیر پناه آفاته چکاق

بیزی أیتگین قویاجاق تا نه قدەر دشت فنا

یول سراغلاشمادا پی بلکه مهمّاته چکاق

آبرون اسگیک آداملار قاپوسوندا تؤکمه

حاجتی محضراوْل قاضی حاجاته چکاق ت.ز ۷۰/۱/۳۰

****

غزل ۳۸۰ مصراع اول : ما درس سحر در ره میخانه نهادیم

بیز صبح اوخوماق وردینی میخانەده قویدوق

محصول دعانی ره جانانه ده قویدوق

یوز زاهد عاقل جانینا أود ووراجاقـــدیر

بو داغیکی بیز بو دل دیوانەده قویدوق

سلطان ازل خزنەی عشقی بیزه وئـــردی

تا اوْزلری بو منزل ویرانەده قویدوق

یول وئرمەییرم کؤنلوْمه بیرده گؤزەل عشقین

یارین لبینین مُهرینی بو خانەده قویدوق

بوندان یوخاری خرقه منافقلیقی چیخمـــاز

بنیادینی بو شیوەی رندانەده قویدوق

شوْکر آللاهاکی بیزلره تای یوخ دلو دینی

اوْلکیم‌کی آدین عاقل و فرزانەده قویدوق

حیران بو گمی بو سویا آخر نئجه‌گئتسین

جان ، تاپماق‌أیچون گوهربیردانەده قویدوق

حافظ سیاقی بیر قورو فکرین بسیمیزدیر

یوخســول کؤنوْلو همت شاهانه ده قویدوق ت.ز ۷۰/۲/۲

غزل ۳۸۱ مصراع اول : بغیر از آنکه بشد دین و دانش از دستم

تکجه عشقین دینیله‌ـدانشیمی الدن آلیب

یوخسا اوندان سیوایی عشقدن الده نه قالیب

خرمن عؤمریمی هر چند غمین وئردی بادا

جانیوا آند اوْلا کی عهد وفان باشدا قالیب

ذرّه‌تک گرچه حقیرم نئجه گؤر عشق گوجو

گوّن‌کیمی عارضینین جذبه‌لری اوجه سالیب

باده وئرکی بیرعؤموّر ائیگی اوْره‌ک أیسته‌گینه

عیشه اگلنمه‌میشم روزگاریم لاپ قارالیب

منه ناصح هوشون اوْلسا سؤزونو سالما یئره

مست‌وعاشق اوّره‌گی سؤز قبول‌ائتمز دارالیب

دوست یانیندا نئجه باش قاوزیارام خجلتدن

خدمت ائتمکدن اوته‌ر تاب و توانیم آزالیب

حافظی یاندیریب هئچ بیردئمه‌دین سئوگیلی یار

یوللاییم مرحم اونـــا عشقده رنگی سارالیب ۷۱/۵/۳۰

****

غزل ۳۸۲ مصراع اول : خرّم آنروز کزین منزل ویران بروم

شاد او گوّنکی ائده‌رم ترک بو ویران گئده‌رم

جان راحاتلیق طلبینده پی جانان گئده‌رم

بیلیرم بیر یئره یول تاپمیاجاق دیبده غریب
ایگ‌آلیب آردیجا اوْل زوْلف پریشان گئده‌رم
دوتولوب وحشت زندان سکندردن اوْره‌ک
باغلارام یوْک یاپی تا ملک سلیمان گئده‌رم
خسته جانیله صبا تک بئله تاب‌سیزلیقیلا
هاْواسیله او گوْزه‌ل سرو خرامان گئده‌رم
گر گره‌کدیرکی قلم‌تک باشیم اوْستونده گئدم
درد چکن قلبله هم گوْزلری گریان گئده‌رم
یار هواسیله گلوْب رقصه هوا ذره‌سی تک
تاأیشیق چشمه‌سی خورشیددرخشان گئده‌رم
بو جانی الده اولانلار غمینی ائتمز عرب
پارسی‌لر مدد ائتسه ، خوش و آسان گئده‌رم
اگرحافظ بو چولو دیشره چیخوب گئتمیه‌جک
قوشولوب کوکبه‌ی آصف دوران گئـــده‌رم ت.ز ۷۰/۱/۳۰

****

صفحه ۲۰۲ انجوی شیرازی نسخه‌سیندن **مصراع اول: مروکه ازغم هجرتوازجهان بروم**

گئتمه ، سن گئتسن اگر منده جهاندان گئده‌رم
سن دو گل یانیما کی منده بو جاندان گئده‌رم
بیر دانیش ای گوْزه‌لیم سونرا منیم جانیمی آل
گر بوراخسان منی ای‌گوْل بوجهاندان گئده‌رم

سن روا قیلما کی جانیم دوداقا یئتمه‌ده‌دیر
کام اگر اوْلماسا اوْل لعل و دهاندان گئده‌رم
گوْن اوگوْندور کی گؤره‌م لبلروی آغزیمدا
بئله قسمت اگر اوْلسا دهٔ کی هاردان گئده‌رم؟
کرچه‌وین سائلی‌ام واردی منه بیر حاجت
گر روا اوْلماسا حاجت نئجه اوردان گئده‌رم
هاردان اوْلسا وصالین بیر بیزه گؤستر نشانین
آردیجا ظلماتا تک اوْلســـا نشاندان گئده‌رم
حافظی قووما قاپوندان‌کی دوگئت سن بورادان
هایانا امـــر ائده‌سن غیر بو فرمان گئده‌رم ت.ز ۷۰/۲/۶

****

گنج نسلین شاعرلریندن تشویق أیچون أیکی ترجمه

(مجید پرسیاندان)

مصراع اول : مرا می بینی و هردم زیادت می کنی دردم

منی هر دم گؤرورسن سن جوشار دردیم یامان دلبر
سنی هر دم گؤرورکن من اولار کؤنلوْم نالان دلبر
حالیمدان بیر سؤروشمورسان ، باشیندا فکرینی بولمم
منه آختارمیسان درمان ، غمیم سن سن جانان دلبر
ائله بیر یول دگیل یالقیز قویوب منله اوْزاق گزماق
من اوللام خاک پا، سؤرسان‌حالیم، ای جان‌آلان‌دلبر

گؤتورمم ال او دامندن ، مگـــر اؤلسم که اؤل دمده
توتار دامانیوی توپراق ، منی درده سالان دئبر
اؤجاق سؤندو او دردیندن ، کؤروک وورما دایان بسدیر
دئمیرسن‌کی یاریبسان باغریمی، باغریم یارلان دئبر
گئجه اؤل قاره زؤلفونده آریردیم کؤنلومو اوردا
أیچیردیم بیر هلالی جام او چهرندن دؤلان دئبر
چکیردیم باغریما ناگه او قیوریق تئللرون گلدی
اوپوردوم لعلوی قوربان اؤلوردوم همـــزمان دئبر
خوش اؤل **حافظ**له بیرلیقدا ، دئنه خصمه جانین‌چیخسین
رقیبیمـدن نه قورخوم وار منه وئـــرسه امان دئبـــــر

****

مصراع اول : ما شبی دست بر آریم و دعائی بکنیم

بیـــر گئجه ال گؤتوراق بیزده دعائی ائلیاق
تا بو هجران یاراسین اولسا شفائی ائلیاق
اوره‌گیم لاپ گئدیر الدن رفقـــا بیر مددی
تـا طبیبین گتیریب بیـرده دوائی ائلیـاق
شنلیگین یاندی کؤکو هـــاردا خرابات یولو
تا بو خوش بیر هاوادا نشو و نمائی ائلیاق
اوکی یئرسیز یئره کؤچدو بیزی تک‌قویدو گئدیب
سیزی آللاه گتیرین بیرده صفائی ائلیاق

رندلردن مدد أیسته آ کؤنوّل یوخسا دوشون
أیش چتین‌لشدی مبادا کی خطائی ائلیاق
درده ده‌یمز بو یازیخ قوش کی سالیر کؤلگه باشا
یمن‌لو کؤلگه سالان بال همائی ائلیاق
بیزی کی نفس چکیب بتخانا اؤلدو سینه‌میز
آهیمیزدان هدف تیر بلائی ائلیاق
اوّره‌گیم حالدان اوّلوب **حافظ** خوش‌لهجه هانی
تا او قول و غزله ساز و نوائی ائلیاق

****

غزل ۳۸۳ مصراع اول : بهار و گل طرب انگیز گشت و توبه شکن

سیندیریر توبه‌نی گوّل فصل طرب گلدی‌بهار
غم کوکوّن شادلیگیله گوّل اوّزونه ائیله کنار
چیخیری غنچه قینیندان چون اسیر باد صبا
یقه‌سین پاره‌لیری دامن اوّن لایی جیرار
باده‌ی صافدن اوگرن آی اوّغول صدق‌و صفا
دوزلوقا اوّلگو ائله أیشلریوه سرو چنار
گوّللرین کاکلینه ائتدی بزه‌ک باد صبا
زوّلف‌سوّنبوّل هوروگون گؤرکی آلیر صبروقرار
بخت خوش غنچه عروسون گتیریبدیر چمنه
هر کؤنوّل باخسا الیندن دل و دینین آپارار

غصّه وقتینده هامی گؤزله‌یه‌ری گؤل وصالین
تا کی غلغل سالا بوّلبوّل چکه بیر صیحه هزار
جام می صحبتی‌نی بیرده گؤزه‌للرده دانیش
ایمدیکی **حافظیله** پیر موغاندیر سر کار ت.ز ۷۰/۱۱/۱

****

غزل ۳۸۳ ۲نجی‌ترجمه **مصراع اول: بهاروگل طرب انگیزگشت وتوبه شکن**

گؤل بهاریله طرب گتدی اوْلوب توبه‌شکن
غم کوکون قاز سینه‌دن باده‌ایله شادلیک‌ایکن
ائتدی باد صبایا غنچه سئوینجک پیشواز
او ساياق چیخدی اوْزوندن کی جیریب پیراهن
صاف مئیدن اوْغول اوْگرن بو جهاندا دوْزلوق
ائله آزادلیگه اوْلگو اوْزونه ســـرو و چمن
باخ صبـــا اللرینه گوّللـــره کاکل ووردو
سوّنبوّلوّن زوّلفوّنه باخ سیندی آلیب آلتا سمن
چیخاریب غنچه عروسون ائشیگه خوش طالع
غارته آتدی الین هر کؤنوّله وجه حسن
غلغله بوّلبوّل ائدیب صیحه چکیب باغدا هزار
شادلیقا حجله اوْلوب گوّللرایله بیت حـــزان
دهٔ گؤزه‌للر سؤزونو بیرده مئیین جامیندن
امر ائده **حافظ** و هم پیر موغان صاحب فن ت.ز ۷۰/۱۱/۱

غزل ۳۸٤ مصراع اول : ار روی ماه منظر تو نوبهار حسن

ای آی کیمی عذاری اوْلان نوبهار حسن
خال و خطوندو مرکز لطف و مدار حسن

اوْل، جوت خمارگؤزده ، دولوبدورفسون‌سحر
اوْل بیقرار زوّلفده اوْلموش قرار حسن

پارلاتماییبدی برج گؤزه‌للیق سنون تک آی
قاوزاتماییبدی سرو، سن‌کیمی‌بیرجویبارحسن

خرم ملاحتوندن اوْلوب عهد دلبری
فرّخ سنون لطافتونده‌دی بو روزگار حسن

زوّلفون تورو او دانه‌ی خالون زمانه‌ده
یوخدور کؤنوّل کی اوْلمیا اوردا شکار حسن

جان اورتاسیندا دایه‌ی طبعین مراحمی
نازیله پرورش وئریری در کنار حسن

تر تازه دیر بنفشه اوندان اوته‌ر دور لعلده
آبحیات أیچیردیری اوْل جویبار حسن

حافظ طمع کسیب کی گؤره بیرده مثلوی
دیّار غیر سن داها گؤرمز دیار حسن

ت.ز_۷۰/۲/۷

غزل ۳۸٤ ۲نجی ترجمه مصراع اول : ای روی ماه منظرتو نوبهارحسن

آی تک سنون اوزون وار ایحسن نوبهاری
خال‌وخطیندی مرکز گؤیچکلیگین مداری

او پرخمارگؤزونده سحرو فسون دولوبدور
آشفته تئللرینده یوخدور کؤنول قراری

بیر آی گتیرمه‌یبدیر گؤیچکلیک آسمانی
سن تک گئوه‌رتمه‌یبدیر بیرسروجویباری

دلبرلیک عهدی سندن چوخ شادوخرم اولموش
باشلار لطافتونده خرم‌دی روزگاری

زولفون کمندی همده بیر دانه‌ی خالوندان
یوخ بیر قوشی کی اولماز او حسنونون شکاری

هر دم سنی بئجرتدی بو روزگار دایاسی
باره گتیردی نازلا گؤیچک لیگین کناری

تر تازه‌دیر بنوشه دور لبون مثالی
سو وئرمه‌ده او گولده او لعل جویباری

دنیاده گؤرمز **حافظ** بیرده سنون مثالون
گزسه اگر سراسر دنیاده هر دیاری

ت‌ز ۷۰/۱۱/۴

غزل ۳۸۵ مصراع اول : دانی که چیست دولت دیدار یار دیدن

دولت نه‌دیر بیلیرسن ؟ یاری زیارت ائتمک
یاردان دوروب دیلنمک ، شاهلیقدان اوز چئویرمک
جاندان امید اوزمک ، آسان اولار و لیکن
جانی رفیقلردن ، چوخلو چتینندی کئشمک
بوستانه اوز قویارکن ، بیرغنچه تک کونول وار
اوردا خوش آد قویارکن ، کؤینکدن ال گؤتورمک
گاهدان ، نسیمه اوخشار ، گوللرله عشقبازلیق
گاهدان‌دا سری سؤزلر ، اوردا دئییب ائشیتمک
یارین لبیندن اؤپمک ، یاددان چیخاتما اول
آخر ملول اولارسان ، پئشمانچیلیک گئچیرمک
فرصت سانا وصالی ، بوگلدی گئتدی یولدان
گئچساق داها اولانماز ، بیربیریمیزه یئتیشمک
گویا چیخیبدی **حافظ** ، شاه منصورون یادیندان
اوگرت اونا خدایا ، درویشه رحمت ائتمک

ت.ز ۷۰/۲/۱۰

غزل ۳۸۶ مصراع اول : ای نور چشم من سخنی است گوش کن

نوردیده‌م سنه بیر واردی سؤزوم دینلیه‌سن
دولو می ساغر اگر واردی أیچیب أیچدیره‌سن
اهرمن وسوسه‌سی عشق یولونـدا چوخ اولار
ایاقین قوی قاباغا گر سروشی أیستیه‌سن
قالمادی ساز وطرب پوزغون اوْلوب برگ ونوا
چنگه دهٔ ناله چکه دفله فغان ائیلیه‌سن
سجده و خرقه سینه لذّت مستلیک وئرمز
میفروشدان غمیوه چاره گره‌ک أیستیه‌سن
قوجالار سؤزلرینی تجربه‌دیـــر ائیله قبول
ایجوان پیر اوْلاسان پیر سؤزون دینلیه‌سن
هوش باشیندا اوْلانا عشق الی زنجیر وورماز
أیسته‌سن زوّلف یاری ترک سر و هوش ائده‌سن
دوستلارا قیسما الین عؤمرده مالدان ابدا
سؤز قبول ائیلیه‌نه جانی فدا ائلیه‌سن
قالمیا جام مئیین بـــاده‌دن ایساقی بوش
بیـــــر عنایت ده من دُرد أیچه‌نه بسلیه‌سن

حافظه نذر ائله بیر لعل لبینـــــدن بوسه
کئفله‌نیب زر دونولا گرکوچه‌میزدن گئچه‌سن ۷۱/۶/۲

****

غزل ۳۸۷ مصراع اول : منم که شهرهٔ شهرم بعشق ورزیدن

عشقبازلیقدا منم شهـــرده مشهور اولان
گؤزلر آلوده‌چیلیقدان هامی وقت دور اولان
وفادارلیکده ملامت چکه‌ریک قلبده شاد
کفردیر عشق یولوندا غمه رنجور اولان
پیردن راه نجاتی سؤروشوب آختاردیم
دئدی خلق عیبین او کیم قلبده مستور اولان
نه‌دی کؤنلوّن مرادی دنیا باغین گؤرمکدن
وصل باغیندا گؤلو درمگه مغرور اولان
نقش برآب ائله‌دیم من اؤزومو باده‌ایله
خودپرستلیکدن اولام بو سودا مقهور اولان
زولفونون رحمتینه واردی وثوقوم یوخسا
گرکشش اولماسا یوخ بهره‌سی پرشوراولان
مجلسی ترک ائله‌یب میخانیه اوزقویاریک
بی‌عمللر دیله‌کی هاممیا منفور اولان
گؤزه‌ل اوزده خط یاردن گؤروب اورگن عشقی
خوشدوخوشگیللراوزونده. کیمی مسحور اولان
جام مئیله لب ساقینی فقط اؤپ **حافظ**
اؤپورو زاهد الین هر کؤنولو کور اولان ۷۰/۱۱/۴

****

غزل ۳۸۸ مصراع اول : ز در در آ و شبستان ما منّور کن

قاپودان گل بو ائوین صحنی منوّر اوْلسون
عرفا مجلسی عطرونله معطّر اوْلسون
گر نصیحت ائلیه عشقه طرف گئتمه فقیه
بیر پیاله وئر اونا تا دماغی تر اوْلسون
وئرمیشم جان و دلی دلبریمین قاش گؤزونه
سیر قیلسین طاقینا واله منظر اوْلسون
آیریلیقلار گئجه اوْلدوزلاری سالمیر أیشیقین
گل بو قصرین دامینا دامداشی انور اوْلسون
خازن جنّته دهٔ مجلسیمیز توپراقینی
جنّته تحفه آپار عود او مجمر اوْلسون
بو ، ریا خرقه‌و بورکوّندن عجب أینجیمیشم
باخ من صوفیه بو صوفو قلندر اوْلسون
چوخ حکایتلر ائدیری نفس فضولون ساقی
سن أیشین قویما یئره قوی دولوساغر اوْلسون
جمالین پرتوی درک ائتمگه گؤز باغلاییری
سن گوّنون خرگاهینی پارلا منوّر اوْلسون
حدّیمیزده دئیلی قند وصالین طمعی
یاز حواله لبیوه قند یئری شکّر اوْلسون
جامی اوْپ وئر سوراسی باده جامین مستلره
بو سیاق مجلسین اهلی دماغی تر اوْلسون
عیش ائت یاریویله ، فارغ اوْلاندان سوراسی
حافظین شعرین اوخو ، خاطره ازبر اوْلسون ۷۰/۱۱/۹

غزل ۳۸۹ مصراع اول : بالا بلند عشوه گر سرو ناز من

نقش‌باز عشوه‌لی اوْل سروکیمی دلداریم
زهدیمه رخنه سالیب سیندی داها بازاریم
عؤمرومون زهدومون آخرچاغی کؤنلوْم گؤروسن
نه‌لر ائتدی منه بو چشم و دل عیّاریم
قورخورام ایمانیما رخنه سالا وقت نماز
قاشیوین محرابی نقصانه سالیر معیاریم
عشقین اوْستون دئدیم اؤرتوم ریانین پالتارینا
گؤزلریم یاشی آخیب فاش اوْلوب اسراریم
یار سرخوشدو داها بیزلری هئچ یاد ائتمز
یادی خیر اوْلسون اوساقی أیش‌آچان دلداریم
هاچاق آللاه او صبانین نسیمی بیرجه اسر
کی اونون خوش عطیریندن دوْزه‌له بیرکاریم
آغلاماقدان گئجه گوْندوز سویا نقشه چکیرم
مجاز أیشلرده حقیقت تاپا بلکه کاریم
گوْله‌ره‌ک شمع کیمی اؤز اؤزومه آغلیاییرام
سنیله تا نه ائده اشگ و دل خونباریم
نه سنین واردی نمازیندا بیر أیش ای زاهد
نه منیم راز و نیازیم نه پیان افکاریم
آغلاماقدان یانیر **حافظ** دئنه سالسین نظرین
دوست سئوه‌ن دشمنه رحم ائله‌میه‌ن سرداریم ۷۱/۲/۱۲

غزل ۳۹۰ مصراع اول : چوگل هردم ببویت جامه در تن

سنین عطرینله پالتارلار بدنده — لباسه چاک وورام جمله تنده
سنین‌جسم‌وجانین‌گؤل باغدا گؤردو — پیانلار تک جیریب کؤینک بدنده
سنین غصه‌نده مشگؤل جان قوتارام — اؤره‌ک سن قویمادین آسان نه منده
قاییتدین دوُستدن دشمن سؤزیله — کؤنؤل دوستا یانار، دشمن گؤرنده
جانیمدیر جامه‌ده بیر باده جامدا — گوموش دور سینه‌ده قلبیم چدنده
یاغیش‌توک،قانلوگؤزلر، شمعه‌اوخشار — جماعت أود گؤرر ، من آه چکنده
بیرأیش گؤرمه، جگریاندیرسین‌آهیم — چیخارتوسدو سینمدن سن گؤره‌نده
کؤنؤل سن سیندیریب سالما ایاقه — یئری واردیر او زؤلف پرشکنده

سنون زؤلفونده واردیر کؤنلو **حافظ**
ایاقدان سالما ائتمه سرفکنده

تبز ۷۰/۱۱/۱

****

غزل ۳۹۰ ۲نجی ترجمه مصراع اول : چوگل هردم ببویت جامه درتن

أیگین هر وقت گتیرسه یئل چمنده — یقه چاک ائیله‌رم گؤل تک بدنده
پیانلارتک جیریبدیرجاندا کؤینک — سنین باغدا جانین گؤللر گؤره‌نده
چتین جان قورتارام غصه‌ن الیندن — نه آسان غارت ائتدین قلبی منده
آتیبسان دوستلاری دشمن سؤزیله — یارین آتماز کیمی دشمن گؤره‌نده
جانیندیر جامه‌ده می تک قدح‌ده — گوموش تک سینه‌ده قلبین چدنده
بولوت‌تک گؤزده یاغ ایشمع اشگیم — بیلیندی یاغماغین هر کس گؤره‌نده

بیرأیش گؤرمه سینمدن یاندیران آه اوْلا دودکش کیمی توسدو گئدنده
اوْرهک سیندیرما پامال ائتمه کؤنلی کی زوْلفون قلبیمه اوْلموش وطن‌ده
سنین زوْلفونده **حافظ** کؤنلو واردیر
بوجوْر سالما أیشین بنده کمنـــــده ۷۱/۶/۱

****

غزل ۳۹۱ مصراع اول : یارب آن آهوی مشگین ، به ختن بازرسان

یا رب او آهوی مشگینی یئتیر بیر ختنه
او گؤزه‌ل ناز ائله‌ین سروی یئتیر بیر چمنـه
بیـر نسیمیله نـوازش ائله بـو قلبیمیـزی
یعنی جان ترک ائله‌ین روحی گتیر بیر بدنه
آییلان گوْن کی سنین امرین‌ایله گردش ائدر
آیا بنزر او یاری بیـرده یئتیـــر بوردا منه
گؤز اوْلوب لعل یَمن أیسته‌مگه قان چاناغی
پارلایان اوْلدوزو یا رب یئتیر ایمدی یمنـه
یئری ای یُمنو خوش آثاری مبارک قوشوموز
عنقانی باخبر ائت صحبت زاغ و زغنـــه
بوردادیرسؤزکی حیات أیسته‌میریک بیزسن‌سیز
ائشید ای پیک یئتیـــر بیر خبـــر اهل سخنه
حافظین گؤزلری کی یاره وطن اوْلموشدور
وئر مرادین او غریبین اونو قایتار وطنه ص‌ز ۷۰/۲/۹

غزل ۳۹۱ـ آنجی ترجمه مصراع اول: یارب آن آهوی مشگین، بختن بازرسان

مشگ‌لی آهونی یا رب ختنه بیرده یئتیر
اوُجا بوی ، سرو نازی ، بو چمنه بیرده‌یئتیر
بو سینان قلبیمزی بیر نسیمیله شاد ائله
بو بدندن کی چیخیب جان بوتنه بیرده‌یئتیر
سنین امرینله چاتار آییله ، گوّن منزلینه
او آی اوّزلو یاریمی وصله منه بیرده یئتیر
أیسته‌مکدن او یَمن لعلینی گؤزلر قان اوُلوب
پارلایان اوُلدوزو یا رب یمنه بیرده یئتیر
یُمن‌لو خوشقدم ای سعد قوشو، بیر هاوالان
زغن و زاغ سؤزون قاف قوشونه بیرده یئتیر
بورادیرسؤز کی‌حیات أیسته‌میریک، بیز، سن‌سیز
قاصدا گئت خبرین دینله ، منه بیرده یئتیر
حافظین گؤزلری یا رب کی وطندیر یاره
مرادا چاتدیر اونو بو وطنه بیرده یئتیر ۷۰/۱۰/۲۸

****

غزل ۳۹۲ مصراع اول : می فکن بر صف رندان نظری بهتر از این

رندلر جرگه‌سینه ائیله نظر بوندان ائی
میکده قاپوسینا بیر ائیله گذر بوندان آیی

منیم حقّیمده بو لطفو کی لبین گؤسته‌ریری
باخشیدیر آمما بویور بیرجه قدر بوندان أیی
اوکی فکرایله دوگون دنیا أیشیندن آچیری
دهٔ کی بو نکته‌یه سن ائیله نظر بوندان أیی
دئدی ناصح منه کی عشقده واردیر نه‌هنر؟
دئدیم ایخواجه هانی بیرجه هنر بوندان أیی ؟
نئجه من موسیقیه باغلامیـــام بو کؤنوّلو
دوغماییب دهر آناسی بیرجه پسر بوندان أیی
دئیرم منکی قدحله لب ساقیـدن اوپ
قولاغ آس بو سؤزه کیملردی دئیه‌ر بوندان أیی
حافظین شعری گؤزه‌ل میوه‌دی کی چینه گئدر
کی بو باغدا داهـا اوّلمازدی ثمر بوندان أیی تذ ۷۰/۲/۸

****

غزل ۳۹۳ مصراع اول : چونشوم خاك رهش دامن بیفشاند زمن

توپراق اوّلسام یوللاریندا ، سیلکه‌لر دامن منه
قلبیوی چوندر دئسم ، تئزدن دوتار گردن منه
گوّل کیمی آل عارضین ، هر کیمسیه بیر گؤسته‌رر
گر دئسم اؤرت عارضین ، اؤرتر اوّزون بیردن منه
گؤزلره تاپشوردوم آخر ، بیر دویونجا گؤر یاری
سئوله‌دی من نئیله‌ییم ، قان آخدیرار هردن منه

تشنه‌دیر یار قانیما ، من تشنه لعل لبلره
أیستیرم من کام آلام ، او ... داد ، داوردن منه
گر چیخا فرهاد تک جانیم ، منیم قورخوم ندیر
چوخ حکایتلر قالان شیرین ، او پیکردن منه
شمع تک یانسام یانیندا ، غصّه‌مه خندان اوْلار
أینجیسم أینجیک گلر ، اوْل نازپروردن منه
جانیمی دوستلار اونون ، آغزیندان اوتره وئرمیشم
مختصردن چوخ گلیر غم ، قلب مضطردن منه
حافظا صبر ائیله گر ، غم درسی اوْلسا بو ساياق
چوخ حکایتلر دئیه‌ر ، عشقیم بو دفتردن منه ۷۱/۶/۲

****

غزل ۳۹٤ مصراع اول : خدا را کم‌نشین با خرقه‌پوشان

سن آللاه آت گـــــروه خرقه‌پوشی گل ائتمه عاشقه چوخ روی پوشی
بولاشماقلار نه چوخدور خرقه‌لـرده خوش اوْلسون لار قبای میفروشی
دئیل درد اهلی بو صوفی صفتلـر خوش اوْلسون وقت وحال دُردنوشی
سنین طبعین لطیفدیر طاقتین یوخ آغیردیر چوخ وبال دلق‌پوشی
منی مست ائتمیسین اوْرتمه عـذارین منه نوش وئرمیسن یوخ زهر نوشی
ریا اهلی نه گؤر مغبون اوْلوبـــــلار صراحی قان گؤتوردو دف خروشی

حذر ائت **حافظین** دار سینه‌سیندن
اونون گؤر سینه‌سینده چوخلو جوشی تذ ۷۰/۱۱/۱

غزل ۳۹٤ آنجی ترجمه مصراع اول : خدارا کم نشین با خرقه پوشان

اوْلاندا اهل خرقه‌ایله هـایـانـدا فقیر رنده اوْرتمه اوْز بویاندا
نه‌چوخ مردارچیلیک وار خرقه‌لرده شاد اوْلسون می أیچنلر می ساتاندا
نه‌دن دَرد اهلی یوخدورصوفولاردا خوش اوْلسون دُردأیچنلر بو جهاندا
سنین طبعین لطیفدیر تابین اوْلماز ریا اهلی اگر سنلـه قالاندا
منی مست ائتمیسن مستور اوتورمـا منه نوش وئرمیسن زهر ائتمه جاندا
دوگل اهل ریانین حسـرتین گوْر صراحی قان أیچر بربط فغانـدا

حذر ائت **حافظین** أودلو آهیندان
کی واردیر سینه‌سی آتشفشـاندا ۷۱/۲/۱۲

****

غزل ۳۹۵ مصراع اول : گلبرگ را ز سنبل مشگین نقاب کن

گوْله بنزر اوْزونه قاره تئلی ائیله نقـاب
یعنی اوْرت عارضینی دنیالاری ائیله خراب
سنبل عذارین ترینی سپ بو باغین گوْللرینه
گوْزلریم شیشه‌سی‌تک بوستانا سپ عطروگوْلاب
گوْلوْن عوْمرو تله‌سیر بلکه قوتولسون تئزلی
دوره‌ی‌باده‌ی گوْلرنگده ساقی‌دورائله سنده‌شباب
یوخلایان نرگیزمست اول گوْزون آچ عشوه‌ایله
گوْزلری نرگیز رعنانی گیجیکدن دوتا خواب

آل بنفشه أیگینی زولف نگاری دوت الله
لاله‌نین رنگینه باخ دور داها ائت عزم شراب
چونکی رسمیندی سنین اولدوزه‌سن عاشقیوی
چک قدح دشمنیله عاشقیوه ائیله عتاب
بیر کوپوک تک گوزون آچ سال نظرون بیر قدحه
او قیاسیله ده بیر عاشق ائوین ائیله حباب
وصلیوی أیستیری **حافظ** گئجه گوندوز دعادا
خسته‌دللر دعاسین بار خدا ائیله مجاب ۷۱/۶/۱

****

غزل ۳۹۶ مصراع اول : صبحست ساقیا قدحی پر شراب کن

ساقیا اولدو سحر توک قدحه لعل شراب
فلکین یوخ دوزومو سنده بیر آز ائیله شتاب
تا خراب اولمایيب عالم بیزی سن ایساقی
باده‌ی لعلیله دور ائیله گینه مست و خراب
می گونی مشرق ساغردن اوزون گوستردی
أیسته‌سن عیش‌بساطین‌داهادورترک‌ائت‌خواب
اولمامیش چرخ فلکدن کوزه‌لر توپراقیمیز
باشیمین کاسه‌سینه دولدور، امان لعل شراب
بیز ریا اهلی و یا توبه و طامات دئیلیک
بیزلری جام و می و باده‌ایله ائیله خطاب
حافظا بیر صواب أیشدیر اولاسان باده‌پرست
دور ائله قصدیوه قوی بیر بالاجا کار صواب ۷۱/۶/۲

غزل ۳۹۷ مصراع اول : میسوزم از فراقت روی از جفا بگردان

یاندیم فراق أودوندا گل چوندر اوْز جفادن

هجران بلای جاندیر بارب قوتار بلادن

چرخین بو گؤی آتیندا آی گؤرنه جلوه‌لنمیش

تا او باشا گلینجه رخشیله چیخ آرادن

سوْنبوللره آجیق وئر افشان ائله او زوْلفون

باغدا بخور دولاندیر یوللا عطیر صبادن

عقله ، دینه تالان وئر سرمست چیخ ائشیکده

سیندیرباشوندا بؤرکو گؤز اؤرت داها قبادن

ای مست نور چشمی من چوخلو انتظارم

یاجام وئر یاچال چنگ بیرکئف گتیر نوادن

بو گردش زمانه خوش خط یازیر عذاره

پیس سرنوشتی یا رب چوندر او مه لقادن

حافظ گؤزللرینکی قسمت بودور کی واردیر

گر اوْلماسا رضایت سن اوْز چئویر قضادن ت.ز ۷۰/۲/۷

****

غزل ۳۹۷ ۲نجی ترجمه مصراع اول : میسوزم ازفراقت روی از جفا بگردان

یاندیم فراق أودوندا گل بو جفانی قایتار

هجرین بیزه بلادیر یا رب بلانی قایتار

بو گؤی فلک آتیندا آی جلوه‌یه گلیبدیر
تا بو سوار ییخیلسین اؤل آت قووانی قایتار
افشان ائله او زؤلفو سؤنبؤل خجالت ائتسین
زؤلفوندن عطر قاوزات باد صبانی قایتار
تا عقل و دین پوزولسون سرمست چیخ گذرده
بؤرکون کناره بیر چک دؤشدن قبانی قایتار
دوران گؤزه‌ل یازیبدیر خوشخط او گؤل عذاره
پیس سرنوشتی اوندان یا رب بلانی قایتار
حافظ نگارلردن قسمت دئیلمیش آرتیخ
راضی اگر دئیلسن حکم قضانی قایتار ۷۰/۱۰/۲۸

****

غزل ۳۹۸ مصراع اول : چندان که گفتم غم با طبیبان

من چوخ دئدیم غم هر بیر طبیبه درمان ائدنمیر کیم بو غریبه
اؤل گؤل کی هردم بیر یئل الینده اؤلسون حیاسی بیر عندلیبه
یا رب امان وئر تا بیرده دؤشسون عاشق اؤلان گؤز روی حبیبه
یوخ مُهری یا رب درج محبّت ائتمه خدایا قسمت رقیبه
خوان وصالدان یا رب نولاردی قسمت اؤلایدی من بی نصیبه
دنیا ده **حافظ** اؤلمازدی شیدا
باخسایدی **شیوا** پند ادیبه ۷۱/۶/۱

غزل ۳۹۹ مصراع اول : کرشمه‌ای کن و بازار ساحری بشکن

کرشمه ائیله و بازار ساحرینی بیر سیندیر
دور ائیله غمزه‌وناموس سامرینی بیر سیندیر

بوراخ گئده هامو عالمده باشلاری ، بؤرکو....
باشیندا بؤرکونو آئین سرورینی بیر سیندیر

دۀ زوّلفونه داها دلبرلیک ائتمه‌سین بیرده
دۀ غمزه‌وه ره و رسم ستمگرینی بیر سیندیر

دوکوچه بازارا گل یاخشیلیق توپون سن آپار
جواب حوریه وئر رونق پرینی بیر سیندیر

باخیشدا آهوکیمی گوّن شئرین شکار ائیله
کمان ابرویله قوس مشترینی بیر سیندیر

او زوّلف سونبولونون عطرینی فضایه داغیت
بهای مُشگی آپار قدر عنبرینی بیر سیندیر

فصیح بوّلبوّل اگر **حافظا** أیشینده قالا
سؤزون عیاری زبان درینی بیر سیندیر ۷۱/۶/۲

****

غزل ٤۰۰ مصراع اول : شراب لعل کش و روی مه جبینان بین

شراب لعلینی أیچ مه‌جبین‌لره بیر باخ
خلاف مذهب ائدیب نازنین‌لره بیر باخ

یاماخلی خرقه‌نین آلتیندا وار نه تور و تله
آلی اوزونلاری گؤر کوته‌آستین‌لره بیر باخ

غروردن أیکی دنیایه بؤینونو اگمز
گدا غرورونو گؤر خوشه چینلره بیر باخ

یاریم کرشمیه، مین جان بهاسی أیسته‌للر
نیاز اهل دله ، ناز نازنین‌لره بیر باخ

وئریبدی باده کسیبدیر نگار صحبتیمی
وفای صحبتی گؤر همنشین‌لره بیر باخ

اسیر عشق اؤلام چاره‌ی خلاصیمدیر
ضمیـــر عافیته پیش‌بین‌لره بیر باخ

کدورت دل **حافظ** آپاردی صحبت دوست
او پاک‌لرده صفایه او پاک‌بینلره بیر باخ ۷۱/۶/۱

****

غزل ۴۰۱ مصراع اول : شاه شمشاد قدان خسرو شیرین دهنان

آغزی شیرین اؤجا بؤی سرور شمشاد قدان
کیپریگیندن سینیری لشگری چوخ صف‌شکنان

کئفلی کیچدی نظرین سالدی من درویشه
منه وئردی لقب خسرو شیرین دهنان

نه‌قدر پول پله‌دن بوش قالاجک کیسه‌لرین
منه اؤل بنده سنیله یار اولا سیم تنان

دئیسن ذرّه‌دن اسگیک قوروما عشقه یئتیش
تا گؤنؤن خلوتینه ال تاپاسان چرخ زنان

داياق ائتمه فلکی واردیر اگر می قدحین
باده أیچ اؤل سن اؤزؤن همدم نازک بدنان

پیرپیمانه کشیم شاد اؤلا روحو کی دئدی
حذر ائت اؤلمیاسان همدم پیمان شکنان

چنگ‌وور دوست اته‌گیندن ول ائله دشمنیوی
یاخین اؤل تانریه تا تاپماسین ال اهرمنان

لاله‌لیقدا سحری باد صبا منله دئدی
کیملره اؤلدو شهید بیربئله خونین‌کفنان

دئدی **حافظ** سنیلن من دئییریک سرّاهلی
باده‌ایله خوش اؤلار عشوه‌ی شیرین‌دهنان

ضز ۷۰/۱۱/۱

****

غزل ۴۰۲ مصراع اول : افسر سلطان گل پیدا شد از طرف چمن

گؤل‌تاجین باشه قویوب آیدینلاشیب صحن چمن
پیشواز مقدمینـــده دوردولار ســـرو و سمن

چوخ گؤزه‌ل بیررسمدیر شاهانه بیر اگلنمه‌ده
جابجا اؤلدو هامو هر کس یئرینده اگله‌نن

وئربشارت جام جم بوردا ائدیب حسن ختام
اسم اعظم چون کسیبدیر بوردا دست اهرمن

دائماً آباد اولا یارب بو ائو چون توپراقی
هر زمان رحمانین عطرین سپدیرر باد یمن
شوکت افراسیاب و کرّ و فرّ لشگری
اولدو هر شهنامه‌ده بیر داستان انجمن
بو فلک چوگان آتی رام اولدو زین آتدا سنه
شهریارا خوش‌گلیب‌سن وورتوپ، اول آت‌گزدیرن
مملکت ارخینده شمشیرین سنین آب روان
آک نهال عدلی، اول ظلمون کؤکوّن دیبدن چکن
بیز تعجب ائتمه‌ریک خوش‌خلقونون گرعطرینه
دیزَجین صحراسینی دولدورسا گر مشگ ختن
گؤزله‌یر گئندن باخانلار جلوه‌لنسین قامتین
بورکونو سیندیر باشیندا اوزدن اول بُرقع فکن
ای صبا سئوله اتابک بزمینین ساقی سینه
او زرافشان جامدن سرخوش اولایدیم بیرده من
عقلیله شور ائیله‌دیم وئردی اجازت می أیچم
حافظا می أیچ بقول مستشار مؤتمن

تبریز ۷۰/۲/۶

****

غزل ۴۰۳ مصراع اول : بهتر از فکر می و جام چه خواهدبودن

یاخشی بیر فکر، سئوای باده و ساغر نه اولار
بولاری اختیار ائتدیک گؤره‌ک آخر نه اولار

نه قدەر غصّه یئمک قالمادی بو عؤمر داهـــا
گئتسه گر باده کؤنوّل عؤمر سراسر نه‌اوْلار

قلبی دار قوشلارا دهٔ فکرین ائله تور قورانین
رحمسیز صید ائلیه‌ن بیر داها کافر نه‌اوْلار

باده أیچ غم یئمه چوخ دینله‌مه زاهـد سؤزونو
عوامین سؤزلری گر ائتسه اثرلر نه اوْلار

یاخشیدیرصرف‌اوْلا رنجین‌حاصلی اؤزکاموا
گئچه ناکام حیاتین دوره‌سی آخر نه اوْلار

میخانه پیری دونن تاپماجا بیر کشف ائله‌دی
خطّ ساغر تمام اوْلسا عؤموّر آخـر نه اوْلار

حافظین قلبینی آلدین غزل و چنگ و دفه
گؤره‌سن بو گوناها ائتسه‌له کیفر نه اوْلار ۷۰/۱۱/۱

****

غزل ٤٠٤ مصراع اول : فاتحه ای چو آمدی بر سر خسته ای بخوان

ایمدیکی گلمیسن گؤزه‌ل ، خستیه بیـــر اوخو قرآن
آچ دوداقین او لعل لب ، اؤلموّشه دیر دوباره جان

مریضه هر باخان گلر ، فاتحه‌سین وئرر گئدر
جاندا نفس اوْلسا ائدیم ، آردیجا روحومو روان

مریضه گر طبیب‌سن ، گؤر دیلیمین بارین منیم
دود و دمیم دی سینه‌ده ، دیلده گلیب اوْلوب عیان

تب گلیب استخوانیمی ، قیزدیریب اؤد ووروب گئدیب
عشق أودو گئتمیری ولی ، سوموکلریم قالیب یانان
حالمیی گؤر او جوّت گؤزون ، خسته ائدیبدی ناتوان
گل تب و تابیمی منیم ، گؤز یاشیمیله بیر اؤتورت
نبضیمه باخ حیات‌دن ، جانیمدا وارمی بیر نشان ؟
شیشه‌ی می وئره‌ردی هی ، او کیم کی عیش أیچون منه
نه‌دن طبیبیمه وئریر ، شیشه‌می ایمدی هر زمان
آبحیات شربتی . شعرین اوّلوبدور **حافظا**
طبیبی ترک ائدیب اوخو ، نسخه‌ی شعری ائت روان ۷۱/۶/۲

****

غزل ۵۰۶ مصراع اول : **نکته‌ای دلکش بگویم خال آنمهر و ببین**

نکته‌ی جالب دئیم سن خال اوّل مهرویه باخ
عقل و جانی باغلایان زنجیرتک گیسویه باخ
کؤنلوّمه ائتدیم ملامت هرزه اوّلما بیر بئله
سئوله‌دی شیرین گؤزیله غمزه‌ی آهویه باخ
حلقه‌ی زوّلفو اونون باد صبا سیرانیدیر
یوزکؤنوّللر اورداواله باغلانیب بیرمویه باخ
گوّن پرستش ائیلیه‌نلر یاردن غافل‌دیلر
ای ملامت‌ائیلیه‌ن گئت‌بیرنظراوّل‌رویه باخ

قلب آلان زولفو صبانین بوینونا زنجیر اولوب
کاروان عشقده سن حیله‌ی هنـــدویه باخ
من تایین آختارمادا آخیرده چیخدیم عقلدن
کیمسه مثلین گؤرمه‌یيب گئت أیسته‌سن هرسویه باخ
شاه منصورون مرادیندن فلک سن آتما باش
شمشیرین کسگین‌لیگین بیر قوّت بازویه باخ
آغلاسا محرابینین آلتیندا **حافظ** وار یئری
ای ملامت‌گر سن آللاه گئت کمان ابرویه باخ

****

غزل ٤٠٦ مصراع اول : ای قبای پادشاهی راست بر بالای تو

ای کی شاهلیق پالتاری دوزدور قدو بالاییزه
تاج و داش ، قاش قیمیتی وار گوهر والاییزه
اقبالیزدان فتحه هر گون بیر تازا گون پارلاییر
تاج شاهیدن ساچیر نور آی کیمی سیمـــاییزه
بخت و اقبال جلوه‌گاهی هر زمان بیر یئردیکی
سایه‌لنسین بیر زمان بیر چتر گـــردون ساییزه
شرع و حکمتده کی واردیر مینلریله اختلاف
هاموسو آیدینـــلاشیبدیر خاطـــر داناییزه
دیمدیگیندن دامجیلار آب بلاغت چشمه‌سی
طوطی خوش‌لهجه محتاج کلک شکّـــر خاییزه

گرچه گؤیده گوّن جهانه بیرچراغ حکمونده‌دیر
گؤز تیکیب نوردان اؤته‌ر هر یئرده خاک پاییزه

روزگاردا، وار، سنه، هرشیءکی اسگندرده،یوخ
دولدورب آب حیـاتی ، جام جـان افزاییـزه

عرض حاجتدن اؤته‌ر یوخ احتیاجی محضرین
گیزلی سرّی هر کسین ظاهردی آیدین رأییزه

بو قوجالماقلا دوشوّب **حافظ** جوانلیق مشقینه
گؤز تیکیب شاها سیزین عفو گنه فرساییزه ۷۱/۶/۳

****

غزل ۴۰۷ مصراع اول : بجان پیر خرابات و حق صحبت او

آند اولا پیر خرابات و اونون صحبتینه
کی فقط باشدا واریمدیر یئتیشم خدمتینه

گر چه هئچ یوخدو گناه اهلینه یئر جنّتده
باده وئر کی دایاغیم واردی تاری رحمتینه

او بولوت أیلدریمی کاش شاخا بو عالمده
أود وورا جانیمیزه جان یئته یـار وصلتینه

میخانا آستاناسیندا دوشه‌نیب گؤرسن باش
تپیگین وورما کی عـالم دئیسن نیّتینه

گل کی گئچمیش گئجه من کئفلی دئدی هاتف غیب
هامی بئل باغلیـا لازیمدیـر اونون رحمتینه

چوخدا اسگیک گؤزوّله باخما اگر مست اولورام
زهد و تقوا و گناه باغلیدیر حق قدرتینه
واردی کؤنلومده منیم توبیه میلیم امّا
بیز گرکدیر چالیشاق خواجه قوام دولتینه
دائماً خرقه‌سی **حافظ** می أیچون رهنده‌دیر
قاریشیب خاک خرابات مگر فطرتینه

****

تبریز ۷۰/۱۱/۲۱

غزل ۴۰۸ مصراع اول : تاب بنفشه میدهد طرّه‌ی مشگسای تو

بنوشه تابی گؤسته‌ریر طرّه‌ی مشگ سالرون
ییرتیری غنچه پرده‌سین گؤلنده خوش اد الرون
خوش ایگلی ای منیم گؤلوم بولبولونو چکمه أودا
هرگئجه صبحه‌تک دئیه‌ر صدقله چوخ دعالرون
دولت عشقه باخ نئجه فخر یولیله باش اوُجا
شاهلیقی سیندیریر تاجین همّتی چوخ گدالرون
دوتمورو گر چه می جامی خرقه‌ی زهدیلن اولا
چوخلو اوّره‌کده نقشه وار کسب ائلیه رضالرون
باشدان اوواخ چیخارسنین عشق‌وشراب نشئه‌سی
کی بو هوسلی باشیمی توپراق ائده سرالرون
خیالینین دایاقلاری گؤزلریمیندی مسندی
شاه سنی من دعا ائدیم قالمیا بوش سرالرون

منکی دوتاردی قلبیمی فرشته‌لر نفسلری
دنیالارین بلاسینی جانه سالار رجالرون
عشقون‌اوْلوب سرشتیمیز کویون‌اوْلوب بهشتیمیز
بولاردی سرنوشتیمیز راحتیمیز رضالرون
اوْزوْن گؤزه‌ل چمندی بیر هانداکی بو بهارده
حافظ خوشکلام تک واردی غزل سرالرون ص ز ۷۰/۲/۹

****

غزل ۴۰۹ مصراع اول : ای آفتاب آینه دار جمال تو

گوْندور دوتان سنه آینا جمالوا
ممجمر دولاندیراندی ختا مشگی خالوا
گؤز صحنی‌نین سراسینی یودوم امّا نه فایده
بو گوشه‌نین توتاری اوْلانمیر خیالوا
سندن گؤزه‌ل داها بیر نقش چکمه‌یب
آی اوْزده نقش ائده بیر قاش هلالوا
بو قاره خال نقطه‌سی نورلار مداریدیر
گؤزکم باغیندا عکسدیر اوْخشار اوخالوا
ای پادشاه حسن نعمت و نازین گؤیوْنده‌سن
یا رب زمانه یئتمیه هئچواق زوالوا
ای بینوا اوْره‌ک نئجه‌سن چین زوْلفده
آشفته‌لیک قاتوبدی صبا شرح حالوا

گؤل عطری قاخدی گل داها سنده باریشماغا
گر نو بهاریمیز بیزه خوش گلسه فالوا
تا بو فلک بیزه اؤلسون مگر غلام
وار احتیاج عشوه‌ی ابرو هلالوا
تبریکیله من ائتمه‌لیه‌م پیشواز بخت
تا بیر یئتم مگر عید وصالوا
شاه خدمتینده هانسی جفانی گلیم دیله
اؤز احتیاجیمی ؟ یا کی چوخلو ملالوا
سرکشلرین باشی دؤشموش کمنده چوخ
حافظ دئیل یئری سودا مجالوا شد ۷۰/۱۱/۱

****

غزل ۴۱۰ مصراع اول : مراچشمی است خون افشان زدست آن کمان ابرو

آخیردیر گؤزلریمدن قان او یاریمده کمان قاشلار
سالیبدیر فتنه‌یه دنیا امان گؤزلر امان قاشلار
اوتورکون گؤزلری قوربان کی سرخوش دؤشسه‌گرخوابه
اؤزو بیر گؤلشنه بنزر اومشگین سایبان قاشلار
بو غمدن جان هلال اؤلدو کی مشگین زؤلفو آلتیندان
آیین یوخ تابی گؤسترسین اؤزون ائتسین عیان قاشلار
رقیبلر غافل اگلنمیش او قاش گؤزلر ائدیر هر دم
اشارتله نه پیغاملار اؤلان پرده ووران قاشلار

کناردا اگلنه‌نلر أیچون عجب گؤل‌زاردیـــــر آلنی
سمن‌تک زؤلفه میل ائتمیش او گؤلشنده چمان قاشلار

پری و حوریه هئچکس دئمه‌ز کیمسه بـو حسنیله
فلانجور دیر بونون حسنو فلانه آنچنان قاشلار

نقابی اؤرتموسن زؤلفه سن کافر بودور قورخـوم
کی چؤندرسین منیم محرابیمی اؤل دلستـان قاشلار

هوادارلیقدا **حافظ** گرچه زیرک بیر قوش اؤلموشدور
ائدیبدیر غمزه تیریله کؤنؤل صید او کمان قاشلار ضز ۷۰/۲/۱۰

****

غزل ٤١١ مصراع اول : ای پیك راستان خبر یار ما بگو

دوزلرین ای قاصدی وئر بیر خبر اؤل یاردن
بؤلبؤله دستان اوخو سن او گؤل بیخاردن

خلوتین اُنسینده بیز محرملریک یوخدورغمی
آشنایه آشنادن دی نه کی اغیـــــاردن

مشگبار اؤل زؤلفونو برهم ووراندا سئوله بیر
قصدی بیزله نئیله‌مکدیر طرّه طرّاردن

کیم دئسه یارین ایاق توپراقی گؤزده سرمه‌دیر
دهٔ سؤروشسون بو سؤزو بو دیده‌ی خونباردن

کیمکی قویمور بیز خراباته گئده‌ک مانع اؤلور
بیر حیا ائتسین سؤله پیر موغان عیّاردن

گر گزارین دوّشسه بیرده او همایون درگاها
بیر سلام و تهنیت دهٔ بو دل غمباردن
گرچه بیزپیسلردنیک سن پیس‌حساب ائتمه‌بیزی
سن کرامتله گؤزون یوم عفو ائله بدکاردن
بیر اوخو بیزلر أیچون او شهریارین پیغامین
بو فقیره بیر دئنه آگاه قیل اسراردن
جانلاری زوّلفونده چون توپراقه توکدو شانه‌ده
شرح وئر چکدیم نه‌لر او زوّلف عنبر باردن
معرفت اهلین حالی جانه یاتار هر کس دئسه
رمز آپار بیر سؤز گتیر سئوله بیزه بیر یاردن
گر سنه یول وئرسه‌لر **حافظ** یارین درگاهینه
باده نوش ائت ریبی ترک ائت . قورخ،تک قهاردن ۷۱/۸/۱۹

****

غزل ٤١٢ مصراع اول : ای خونبهای نافهٔ چین خاکراه تو

ای کی چین نافه‌سی خاک سر راهیندی سنین
سایه پرور گوّنه‌ده ، طرف کلاهیندی سنین
نرگیزین حددن آشیب غمزه‌سی سن چیخ ائشیگه
منی قوربان ائلیه‌ن چشم سیاهیندی سنین
قانیمی گر توکوب أیچسن او جمالونلا ، مَلَک
جرأت ائتمز کی یازا بوردا گناهیندی سنین

هر گئجه وار سروکاریم هامی اؤلدوزلاریلا
علتی بو أیشیمین عارض ماهیندی سنین
آیری دوشدو هامی یولداشلار اؤلان بیر یئرده
بیزه امیّـــد یئری تکجه پناهیندی سنین
راحت و یوخلاماقین مایه‌سی خلقه سن سن
گؤز ،کؤتؤللر قوجاغی رامش گاهیندی سنین
حافظا کسمه امیدین کی أیشین عاقبتی
غمه أود وورسا اگر شعله‌ی آهیندی سنین ۷۱/۶/۱۲

****

غزل ۴۱۳ مصراع اول : گفتا برونشدی بتماشای ماه نو

دئدی کی تازه آیین سیرینه چیخمیشسان اگر
بیرحیا ائیله قاشیمدان داها ترک ائت بو گذر
واردی بیرعؤمر منیم زؤلفومه کؤنلوندور اسیر
یولداشین ساخلا هواسین یاریوی سئوسن اگر
زؤلفوتون هندوسونا عقلینین عطرین ساتمـــا
بوردا مین نافه‌ی چین آرپا بهاسیندا ده‌یه‌ر
اونـــدا معلوم اؤلار تخم وفـــا بو زمیـده
کی حاصل‌لار یئتیشه آخری بیر گؤن دریلر
ساقیا باده گتیر تا سنه بیر رمـــــز دئییم
نه سایاق کهنه‌لن اؤلدوز تازا آی سیر ائلیه‌ر

هلالی بیر آیین اوّل گئجه‌سی فـاش ائدیری
کی سیامک تاجی زو بورکی نئجه باده گئدر
موغانین پیـــری وفـــا ائیگی‌سیدیر **ایحافظ**
دینله عشقین سؤزون اوندان کی خوش‌آهنگ دئیه‌ر ۷۱/۶/۱۲

****

غزل ٤١٤ مصراع اول : **خطّ عذار یار که بگرفت ماه از او**

یاریمین خطّ عذاری کی‌دوتور ماه اوْندان
حلقه‌سی خوشدو ولی یوخ نجاتا راه اوندان
دولتین محرابیدیر یار قاشینین قوس‌لاری
اوْزونو سوْرت اویئره آل او کی دلخواه اوندان
ای جمین مجلسینین جرعه‌چیسی سینه پاک ائت
ائله‌شی‌ءدیر او جمین‌جامی کی صدآه اوندان
صومعه اهلینین اطواری منی سالدی مئیه
اوْلموشام نامه قارا ائیله‌مه اکراه اوندان
می چراغیله دهٔ ساقی کی دوتا گوْن قاباغین
تا أیشیق پارلایا بیر وقت سحرگاه اوندان
هئچ گئچر بیر خیالیندان بو شه‌هرده گدانین
سوروشا بیر حالینی یاد ائلیه شاه اوندان ؟
عشّاقین نغمه‌سینی ساز ائله‌دی چون **حافظ**
ایخدا اوْلمیا محروم هواخواه اونـــدان ۷۱/۸/۱۹

غزل ٤١٥ مصراع اول : گلبن عیش میدمد ساقی گلعذار کو

عیش گؤلو گئوه‌رمه‌ده ، ساقی گؤل عذار هانی ؟
باد بهار اسمه‌ده ، باده‌ی خوشگوار هانی ؟
هر تازا گؤل یاده سالیر ، گؤل اؤزلولر یاناقلارین
سؤز ائشیدن قولاغه دهٔ ، دیده‌ی اعتبار هانی ؟
مجلس عیش أیچون ندن ، یوخدو مراد غلیه‌سی
ای سحرین خوش نفسی ، مُشگ ایگی زؤلف یار هانی ؟
گؤلون بو حسن ساتماسی ، منه آغیر گلیر صبا
ال بولادیم قان اؤره‌گه ، باخ آللاها نگار هانی ؟
شمع سحر گوپ دئییری ، اؤخشادیری اؤزون سنه
دشمن ائدیب دیلین اؤزون ، خنجر آبدار هانی ؟
سئوله‌دی یوخدو آرزون ، لعلیمه بوسه وورمگه
اوندان اوته‌ر چیخیر جانیم ، قدرت و اختیار هانی ؟
حافظ اگر چه حکمتین ، خازنیدیر زمانه‌ده
بیر بئله دؤن زمانه‌ده ، طبع سخن گزار هانی ؟

ض ۷۰/۲/۱۰

غزل ٤١٦ مصراع اول : مزرع سبز فلك ديدم و داس مه نو

فلکین گؤی زمی‌سین آی اوراقین دوتـدو نظر
سپدیگیم تخم ، بیچین وقتی ائدیب فکره گذر
یاتدین ای بخت دئدیم گؤتده چیخیب قاوزاندی
نا امید اؤلما دئدی سابقه‌ده یوخدو خطر
فلکه گر چیخاسان پاک مسیحا کیمی سن
سنون آلنوندا أیشیقیندان یوّزأیشیق عرشه‌گئدر
چوخ دایانما فلکین اؤلدوزونا ، بو عیـــــار
تاج کیخسرو و کاوسی قاپوب غـارت ائدر
لعل و در گوشواراسی گرچه قولاخ زینتی‌دیر
گل نصیحت قبول ائت یاخشی‌یامان دیبده‌گئدر
عرصه‌ی حسنده خالوندن اؤزاق پیس نظری
جلوه‌لر ائتدی کی آی گوّن هله حسرتده گزر
گؤیه سئوله عظمت ساتما بو عشق عالمینه
اوچ دانا ، آرپا ، آیا ، خوشه‌ی پروینه ده‌یر
کیمسه کی تخم وفا اکمه‌سه اؤز کؤنلوّتـــده
بیچینین وقتی اوّزوّن ساریلیغینا عاری گلر
دف کیمی حلقه بگوش ائت اؤزونو دایره‌ده
سالسالا پیسریوه دایـــــره‌ده اگمـــه اگـــر
بوریا أود دوکی دین خرمنینی یاندیراجک
حافظا خرقه‌ی پشمینه‌وی آت ائیله گذر

تبز ۷۰/۲/۱۱

غزل ٤١٧ مصراع اول : خنك نسيم معنبر شمامهٔ دلخواه

گلیری خوش عطیری زولف معنبردن گاه
قاوزانیر عطری هوایه سحری وقت پگاه
ای گؤزهل قوش بیزه بیر چال قانادین یول گؤستر
بیزه‌ده گؤرسنه بیرجه قاپوسو او درگاه
بو نزار قانه باتـــان کؤنلومه بیر فکـــر ده‌یم
هلالا باخماق أیچون دور اُفقه ائیله نگاه
وای کی سن‌سیز نئجه گؤر من چکیرم بوردا نفس
سن اؤزون عفوائله‌گل یوخسا منیم‌چوخدوگناه
اوگره‌نیب دوستلارینین شیوه‌سینی عشقونـــده
کی سحر نوریله ییرتیر آپاریر لیل سیاه
سنین عشقینده اگـــر ترک ائله‌یییـــم بو حیاتی
توپراقیمدان گؤیه‌رر قرمزی گول جای گیاه
اولطیف خاطریوه مندن اوته‌ر تئزیئمه غم
من سنین **حافظوم** من بودا ، سن بسم‌الله ضز ۷۰/۲/۱۰

****

غزل ٤١٨ مصراع اول : از خون دل نوشتم نزديك دوست نامه

کؤنلون قانیله یازدیم او مه‌لقایه نـــامه
هجرانین ائیله‌یییدیر عؤمرو منه قیامه
وار منده آیریلیقدان گؤزلرده یوز قیامت
قالمیب گؤزومده یاشیم بووارادی بیرعلامه

چکدیم من امتحانه یوخ بیر نتیجه اوندان
سینسااوکیم سینانمیش اولسون‌حلال‌ندامه
دوستون حالین سؤروشدوم دکتر جواب وئردی
هجرانی بیر صوابدیر وصلینده‌دیر سلامه
خلقلر ائدر ملامت گر یاریله قونوشسام
واللاهی گؤرمک اولماز عشق اولمیا ملامه
حافظ کی أیسته‌ییردی شیرین جانیله جامی
بیر کس اونا وئرأیدی بیر کاسه می کرامه عز ۷۰/۲/۱۱

****

غزل ٤١٩ مصراع اول : چراغ روی ترا شمع گشت پروانه

اوزونون شعله‌سینه شمع اولوب پروانه
او خالیله بیزیم احوالیمیزه پروا ، نه
عشق مجنونلارینی عقل چکیردی بنده
زولفونون حلقه‌سینه دیبده اولوب دیوانه
زولفونون امیدینه جان گئده الدن نه اولار
مین عزیز جان اولا قوربان اومه جانانه
آخری دوشدوم ایاقدان من غیرتدن اوزاق
اوندا کی گؤردوم اوتوردو سنیله بیگانه
فایده وئرمه‌دی هرنقشه‌کی‌من طرح ائتدیم
منیم افسونوم اولوب یاره داها افسانه
بیراوزه‌رلیک‌کیمی گؤیچک‌اوزوتون شعله‌سینه
اوقارا خالی کیمی هئچ کوروکوب بهدانه؟

شمع جان مژده وئریب بیر دمه بـــاد صبایا
اوْزونون شمعی کی وئردی اونا بیر پروانه
یار لبین دوره‌سینه واردی منیم پیمـــانیم
کی دیله گلمیه‌جاقدیر سئوایی پیمـانه
صحبتین مدرسه و خانقاهین ائتمه بیزه
حافظین دوْشدو باشیندا هوس میخانه ۷۱/۸/۱۹

****

غزل ٤٢٠ مصراع اول : ایکه با سلسلهٔ زلف دراز آمده ای

ای بئله سلسله‌ی زوْلف درازیلـــه گلن
مهربان قلبی او دیوانه نوازیله گلن
بیرساعت کس‌نازیوی عادتیوی آت باشدان
سوروشان حالینی ارباب نیازیله گلن
قوربان اوللام سنه یا جنگ و یا صلح اوْلا
واردی حقّین اوْلاسان بیزلره نازیله گلن
سویولا أود قاریشیب بیر بیرینه لعلونده
بدنظر اوْلسون ایراق شعبده‌بازیله گلن
یوموشاق کؤنلوْنو آلقیشلاییرام بیر ثوابا
عشقینین قوربانینا قصد نمازیله گلن
نه یارار زهدیله من ، قلبیمه غارتدن اوته‌ر
مست و پوزغون حالیلا خلوته زاریله گلن
دئدی **حافظ** داها سن خرقه‌وی قاتدین شرابا
اوْلموسان رند و خراباتی و ســـازیله گلن ضز ۷۰/۲/۱۰

غزل ٤٢١ مصراع اول : دوش رفتم بدر میکده خواب آلوده

میکده قاپوسنا گئتدیم گئجه خوابه بولاشیق
خرقه تـــر دامن و سجّاده شـــرابه بولاشیق
گلدی افسوسیله او مغبچه‌ی باده ساتان
دئدی آچ بیر گؤزون ای رهرو خوابه بولاشیق
چیخ پاکا سونرا خرابات یولون آل قاباغا
سندن اولماز داها بو دئیـــر خرابه بولاشیق
ساده‌لر لعلینین عشقینده نه قدر ائیلیه‌سن
جوهر روحیوی بیـــر لعـــل مذابه بولاشیق
قوجالیق دوره‌سینی پاک گئچیرت اولمیا ، تا ...
قوجالیق خلعتی بـــو شـــور شبـــابه بولاشیق
صاف‌وپاک اوْل بو طبیعت قویوسون ترک ائیله
سو صفا وئرمیه‌جک اوْلسا شرابه بولاشیق
دئدیم ایجان جهان برگ گوْلوْن یوخ عیبی
کی اوْلا فصل بهـــاردا می نـــابه بولاشیق
بو درین دریادا عشق آشنالارین یول گئده‌نی ...
غرق اوْلوب اوْلمادیلار دریـــادا آبه بولاشیق
دئدی **حافظ** لغز و نکته بیزه چوخ ساتمـا
وای نجور ائتدی منه لطف عتابه بولاشیق ؟ ۷۱/۸/۱۹

****

غزل ۴۲۲ مصراع اول : از من جدا مشو که توام نور دیده ای

گئتمه گؤزدن منه گؤز نورو تکین سن جانیم
اوّلکه‌ین قلبـــــده جانیمـــده منیم آرامیم
سنین عاشقلرین ال چکمیه‌جکلر سندن
صبر کؤینک‌لرینی ییرتمیسان آخـــر جانیم
پیس گؤزون اوّلمیا جانوندا الهی ضرری
حسنی اوّجه یئتیشیب چون او مـــه تابانیم
منع ائتمه منی عشقیندن اونون ای مفتی
سن اونو گؤرمه‌میسن یوخ سنه هئچ‌جوّر کلامیم
حافظا ائتسه ملامت یئری وار گر دوستون
اوزادیبسان کلیمیندن چوخ ایاق آغرین آلیم ۷۱/۸/۹

****

غزل ۴۲۳ مصراع اول : سحرگاهان که مخمور شبانه

خمار قویدو سحر خمـــر شبانه — کی آلدیم باده با چنگ و چغانه
یولا آذوقه عقله ، بـــاده آلدیم — پیانلیق شهرینه ائتـــدیم روانه
نگار میفروش بیـــر عشوه ساتدی — کی یاددان چیخدی دای مکر زمانه
کمان قاشلی نگاریمدن ائشیتدیم — ملامتلر اوخونـــدا آی نشانه
کمرتک وار گؤزون گر یاربئلینده — اوزوندن چیخ داها فکر ائتمه جانه
گئت آیری بیرقوشا قور بو تله‌ندن — کی عنقانین اوجادیر آشیانه
نئجه شاه‌وصلینه یئتسین او کیمسه — کی عاشقدیر اوز ایچون جاودانه

ندیم و مطرب و ساقی او یاردیر قالان سو ، یاکی توپراقدیر بهانه
گمی‌سال باده شطینده گئده‌ک بیز کی یوخدور بو دنیزده بیر کرانه
بیزه **حافظ** معمّادیر بو وارلیق
فسون دیر تحقیق ائتسین بو فسانه ۷۱/۸/۲۰

****

غزل ٤٢٤ مصراع اول : عیشم مدامست از لعل دلخواه

وار عیش او لبدن دائم بدلخواه کامیمجادیر أیش الحمدلله
ای باش‌آتان بخت باس باغریوابرک گاه بیر قیزیل جام گاه لعل دلخواه
افسانه اوْلدوق بیز رندلیکده جاهل قوجالار شیخان گمراه
زاهد سؤزوْتدن بیز توبه ائتدیک عابد أیشیندن استغفراله
جانا دئیه‌نمم شرح فراقون بیر گؤزدو یوزیاش بیرجاندی یوزآه
کاش گؤرمیه‌أیدی کافر بو غمدن اوْل قامته سرو او عارضه ماه
شوق لبوندن **حافظ** اوْنوتدو
درس شبانه ورد سحرگاه ت.ز ۷۰/۲/۱۱

****

غزل ٤٢٥ مصراع اول : ناگهان پرده برانداخته ای یعنی چه ؟

اوْز آچیب گزمه‌دەسن یعنی چه ؟ کئفلی آت چاپماداسان یعنی چه ؟
زوْلف یئللرده قولاخ دشمنده بئله‌سه آخسامیسان یعنی چه ؟
سن گؤزه‌للر شاهیسان یار گدا شانیوی ساخلامیسان یعنی چه

سنکی‌زوّلفون بیزه وئرمیشدین ازل تازادان قایتاریسان یعنی چه ؟
سؤز آغیز رمزیدی بئل سرّ کمر بیزه‌ده تیغ سالیسان یعنی چه ؟
مِهرینین مُهره‌لری باش قاتیری هامونو تولامیسان یعنی چه ؟
حافظا یار گلرکن کؤنوّله
کؤنلونو بوشلامیسان یعنی چه ؟ ت‌ز ۷۰/۲/۱۱

غزل ٤٢٦ مصراع اول : دامن کشان همی شد در شَرب زرکشیده

دامن چکیب گئدیردی ، زر توردن لباسی
یوزلر عاشق اوّره‌ک قان ، جیرمیش اونون یاخاسی
گلمیرکیمی او گؤزده ، می‌دن قیزیب تر اوّزده
شبنم مثالی گوّل‌ده ، پارلیر دُرون داناسی
لفظی فصیح و شیرین ، قدّی اوُجا نئجه جلد
اوّز چوخ لطیف و گؤیچک ، گؤزلر آهو بالاسی
جان آرتیران دوداقلار ، لطفون سویوندان اوّلموش
شمشاد کیمی او قامت ، جانلار اونون فداسی
دلکش دوداقلارین گؤر ، بیر لعلدیر گوّلنده
باخ خوش یئریشلرین گؤر ، چوخدا شیرین اداسی
اوّلکوّب گئدیب او آهو ، چیخدی الیمدن افسوس
چاره ندیر اوشاقلار . بو قلبیمین دواسی

أینجیتمه اهل عشقی ، هئچ بیر زمان اماندیر
ای نوردیده یوخدور ، دنیا کیمه وفاسی
من چوخ عتاب گؤردوم ، او دلفریب گؤزدن
گل بیر منه نظر ائت ، ای شهر بیر داناسی
ای خواجه بنده‌لیکده من شاکرم ، یئتیشسه
یئتگین او میوه‌یه ال ، ای بنده‌نین آغاسی
گر خاطر شریفین ، **حافظدن** أینجیمیش‌سه
آغزین یومار دانیشماز ، چیخماز داها صداسی ۷۱/۸/۲۰

****

غزل ٤٢٧ مصراع اول : وصال تو ز عمر جاودان به

وصالین خوشدور عؤمر جاوداندان منه یا رب عطا ائیله همانداندان
سن آللاه بیر طبیبیمدن سئوال ائت هاچاق درد ال چکر بوناتواندان
بیزیم سرو آتدابیرگؤل توپراق اولسا بو توپراق یاخشیراقدیر ارغواندان
منه نسگیل بهشتی ائتمه زاهد زنخدان آلماسی خوشدور جناندان
کؤنؤل یار کوچه‌سینده ائت گدالیق عقیللی چکمز ال پول کلاندان
جوان : باش‌آتماسن پیرین سؤزوندن قوجا رائی ، گؤزه‌ل ، بخت جواندان
دئییردی بوگئجه هئچ گؤز گؤره‌نمز منیم مرواریدیم تک بو جهاندان
فدا اولسان یارین گر درگاهیندا گواراتردی بو ملک جهاندان
اگر چه زنده رود آب حیاتدیر بو شیراز یاخشیراقدیر اصفهاندان
اگر سؤز شکّر اولسا هر آغیزدا
ائشید سؤز **حافظ** شیرین دهاندان ق.ز ۷۰/۲/۱۲

غزل ٤٢٨ مصراع اول : گر تیغ بارد در کوی آنماه

یاغدیرسا شمشیر گر باشه او ماه بو باش او شمشیر الحکم لله
بیزده باجارریق زرق و ریانی اما نه چاره بختیمدی گمراه
بیز سایماریق هئچ بو شیخ و واعظ یا جام باده یا قصّه کوتاه
من رند و عاشق اوردااندا، توبه ؟ استغفرالله ..... استغفرالله .....
بیر عکس سالماز او آی جمالین ای آینا اوّزلو داش قلبدن آه
دؤزمک آجیدیر ، بو عؤمر فانی ایکاش اوّلایدی هجرانی کوتاه

حافظ وصاله چوخ ائتمه ناله
لازمدی **شیوا** غم گاه و بیگاه ۷۱/۸/۲۰

****

غزل ٤٢٩ مصراع اول : درِ سرای مغان رُفته بود و آب زده

تمیزله‌نیب موغانین درگاهی سولانمیش‌ایدی
قوجا-جوانه موغان پیری های سالمیشیدی
سبو چکنلر هامو خدمته دوروب حاضر
کلاه گوشه‌لری سایه آیه قاتمیشیدی
قدح پاریلتی‌سی جام شعله‌سی آیی دوتموش
جمال مغبچه‌لر گوّنده کؤلگه سالمیشیدی
الینده ساغر عشرت فرشته‌ی رحمت
ال اوّزده حور و پریلر گوّلاب وورموشودی
شیرین ادالری گؤیچکلرین او شورو غوغاده
شکرتوکوّر، گوّلاب سپیر، رباب چالمیشیدی

دئدیم سلام گؤلوب سئوله‌دی محبتیله
یازیق بوباده‌ووران مفلس هاردا قالمیشیدی ؟
بو أیشکی سن گؤروسن کیم ائدردی دنیاده ؟
خزانه‌دن کیم اؤزون بیر خرابه آتمیشیدی
وصال دولت بیدار تاپماییبدی او کیم
باشین یوخو لباسیندا بالیشدا قویموشودی
بیزیله **حافظ** ایاقلاش حریم میکده‌یه
دعا گؤر اوردا نئجه استجابه چاتمیشیدی
فلک یدک چکیری شاه نصرةالدینه
ملک گؤر اوردا نئجه ال رکابه آتمیشیدی
عقیل که عرشدن الهام آلار شرفدن اوته‌ر
یئتیبدی خادمه‌ی اولجناب اؤلموشودی ۷۱/۸/۲۰

****

غزل ٤٣٠ مصراع اول : احمدالله علی معدلة السلطانی

شوکرائده‌ک آللاهاکی حفظائده بو سلطانی
احمد شیخ اویس حسن ایلخانی
خان بن خان و شهنشاه و شهنشاه نژاد
اونولا ائیله برابر یاراشار دنیانی
گؤرمه‌میش گؤز سنین اقبالوا ایمان گتیریب
مرحبا ائیله‌دی تانری بئله لطف ارزانی

سن‌سیز آی چیخسا اگر پارچالانیب دوغراللار
دولت احمدیله معجزه‌ی سبحانی
شاه گدانین اوزه‌گین جلوه‌ی بختین آپاریر
پیس‌گؤزو کوراوْلاکی پارلادیسان‌هرجانی
قوزا تورک کاکلیوی واردی سنین طالعیوه
سعی خاقانی و هم دولت چنگیزخانی
اؤزاق اوْلدوقدا سنین یادیوه وار الده قدح
اؤزاقی ، یا ، یاخینی ، یوخ سفر روحانی
فارس استانی گئوه‌رتمیر نیه بیر عیش گوْلو
آفرین دجله‌سی بغداد و می ریحانی
عاشقین اوْلماسا یار قاپوسینا توپراق ، باشی
یقه‌سیندن نه زمان ال چکی سرگردانی
گتیر ای باد صبا یار قاپوسیندان توپراق
کی گؤزو **حافظین** اوندان اولا، تا، نورانی ۷۱/۸/۲۱

****

غزل ۴۳۱ مصراع اول : روزگاریست که ما را نگران میداری

چوخ زماندیر کؤنوْلو سن نگران ائیله‌میسن
اوزگه‌لر گؤزده نئجه باغریمی قان ائیله‌میسن
بیر رضایت باخیشیله بیزه بیر باخمامیسان
بو نظر صاحبینی یاخشی نشان ائیله‌میسن

بیله‌گین یاخشیدی سن اؤرتمیه‌سن یاردان اوته‌ر
خضاب اللرده قانین پرهنران ائیله‌میسن

نه غموندن قوتولور گؤل نه‌ده بؤلبؤل باغدا
هامو فریاد ائده‌نی جامه‌دران ائیله‌میسن

کهنه پالتارداکی سن ذوق حضـــور أیسترسن
بی‌خبر کیمسه‌لره ، گؤز نگران ائیله‌میسن

نرگیز باغ نظر سن بئله ایچشم و چراغ
من دلخسته‌یه چوخ باشی گران ائیله‌میسن

جام جم جوهری بیر آیری جهان معدنیدیر
سن بو مقصودو گِل کوزه‌گران ائیله‌میسن

آتاسی تجربه‌نین آخ سنیدین ای کؤنلوم
نه طاماح اؤلادیوه ای عموجان ائیله‌میسن

سیم‌وزر کیسه‌سینی هاموسونو وئرمه‌لیسن
آرزوسون وصل رخ سیمبران ائیله‌میسن

دؤزدوکی رند و خرابلیقدا گناهیمدی منیم
دئیلیر عشقیله سن باغریمی قان ائیله‌میسن

حافظا ساغلیغوی دانلاقینان وئرمه باشا
نه توقع بو جهان گذران ائیله‌میسن

تبریز ۷۰/۲/۱۵

غزل ٤٣٢ مصراع اول : سینه مالامال درداست ایدریغا مرهمی

سینه دردیله دولوبدور یوخ حییف بیر مرهمی
قلب تک‌لیقدان گلیب جانه خدایا همدمی

کیم راحاتلیق وار امیدی بو جفالی دنیادان
ساقیا بیر جام وئر آسوده ائیله بیر دمی

بیر دئدیم بیر زیرکه دنیا ندیر گؤلدو دئدی
بَرک‌أیشلی چوخ عجب گؤنلو، پریشان عالمی

من او شمع انجمندن اوتره یاندیم صبریدن
شاه تورکان حالیمی بیلمیر هانی بیر رستمی

عشقبازلیق بیر بلادیر أیسته‌سن راحت‌چیلیک
درده‌دؤشسون اوکؤنؤل دردونده أیستر مرهمی

رندلیق کویوندا یوخدور یئر داها ناز اهلینه
بیر طریقت اهلی لازمدیر نه شخص بیغمی

عالم خاکیده بیـــر آدم چتین گلسین الـه
تازه بیر عالم گره‌ک‌دیر تازه گلمیش آدمی

دور وئره‌ک بو کؤنلو اؤل توّرک سمرقندی أیچون
یئل دئییرکی « بوی جوی مولیان آید همی »

بی‌نیازعشق عالمینده آغلاسا **حافظ** ندیر
یئدّی دریا گؤرسنیر **شیوا** بقدر شبنمی

ضر ۷۰/۲/۱۶

****

غزل ٤٣٣ مصراع اول : ترا که هرچه مراد است درجهان داری

سنین کی هر نه مرادیندی واردی دنیاده
ضعیفیلر غمینی سالماسان داها یاده
منیم گل أیسته جانیم یا روانیمی وئـــره‌رم
کی حکم سنده‌دیر اجرا اوْلا هر آزاده
سنین کمر ائله نازکدی کی ، یوخ حکمونده
میانـدار اوْلموسان امّا گـزیـرسن آراده
سنین او آغ اوْزونه بیر شکیل شبیه اوْلماز
او ارغوان گوْلونه بیر قارالتی وار ساده
می أیچ کی چوخ لطیف و ظریفدیر سنین روحون
خصوص اونداکی ظاهر ائدیر کمالیوه باده
عتاب و جوْر ائله‌مه چوخدا کؤنلوْمه آرتیق
الـونـدن هـر نـه گلیـر ائیله گلمه‌رم داده
اگر جفا اوْخو وار مین‌لریله شصتونده
منم نشانه سنین تک جفالی صیاده
رقیب جورونا دؤز بیرداها اؤزون خوش ائله
کی یاراگر اوْلا همدم اوْلار چوخ أیش ساده
وصال یاره اگر قسمت اوْلسا ال تاپاسان
مرادین هر نه اوْلورسا وارینـــدی دنیاده
بو باغدن بیر اتک گوْل دریب آپار **حافظ**
نقدر های سالا باغبان دا باخما فریاده ۷۱/۸/۲۱

غزل ٤٣٤ مصراع اول : چو سرو اگر بخرامی دمی بگلزاری

سرو تک ناز ائده‌سن گر گئده‌سن گؤلزاره
غیرتیندن چکه‌جک منتی‌نی گؤل خاره
زؤلفونون کفری چوخ آشوب سالار حلقه‌لری
گؤزونون سحری دوشر هر گوشه‌ده بیماره
یارین ای مست گؤزو یوخلامابیر بختیم تک
باخ دالونجا نظر ائت آه دل بیـــداره
جانیمین‌نقدی‌سنون قوربانین‌اؤلسون هرچند
روحومون نقدی سنه گلمیه‌جک مقداره
ای کؤنؤل گوپلاما چوخ یارلرین زؤلفوندن
قارالار گلمز الوندن فیکیرون بیر کاره
گئتدی باش أیش یئنه‌بیرچاتمادی باشه یارب
اؤره‌گیم دوتدو ندن باخمادی دل افکاره
نقطه تک دائره‌ده گل دئدیم ای یار عزیز
گؤلدو ، **حافظ** دئدی کیمدیر دؤشه‌جک پرگاره ۷۱/۸/۲۱

****

غزل ٤٣٥ مصراع اول : ساقی بیا که شد قدح لاله پر ز می

ساقیا گل کی دولوبـــدور قـــدح لاله مئیه
بو خرافات و بو طاماتی بوراخمازلا نه‌یه
کئچ بو نازدان بو غروردان کی زمان رحم ائتمز
قیصرین چین قباسی و یا کاووس کئیه

هوشاگل کی چمنین قوشلاری مست اولدولا، هان
وئرقولاق خواب عدم غیبده های ووردو هئیه
بوبهار شاخه‌سی چوخدا بئله چوخ ناز ائله‌مه
اولماسین جانوی آماج او آشوب دئیه
ای‌گیلیق یوخدو فلک مهری زمان شیوه‌سینه
وای اولا کیمسه‌یه کی تولانا بو سست پئیه
حوری و باده‌ی کوثر بیز أیچوندور صاباحا
گؤزوموزدور بو گونّه ساقیه هم جام مئیه
حاتمی یاد ائله وئر باشه چکک جام مئیی
بخیلین نامه‌ی‌اعمالینی یوللاطرف مُلک طئیه
چک باغا تختیوی کی خدمت ایچون قاوزاندی
عاشقه خدمت ایچون تاپشورولوب سرو ونئیه
حافظا سحر ائله‌ین خوش سؤزونون سس صداسی
مصر و چینه یئتیشیب گئتدی چاتیب ملک رئیه ۷۰/۲/۲۴

****

غزل ٤٣٦ مصراع اول : **ایدل آندم که خراب از می گلگون باشی**

ای کؤنول اوندا کی مست می گولگون اولاسان
سیم و زرسیز اوته‌راق حشمت قارون اولاسان
اورداکی جاه و صدارت وئریلیـــر یولچولارا
وار امیدیم هامودان سن داها افزون اولاسان

لیلی‌نین منزلینه چاتماغا چوخ واردی خطر
اودور اوّل قدمین شرطی کی مجنون اوْلاسان
نقطه‌ی عشقی نشان وئردیم اوغول سهو ائله‌مه
یوخسا تا گؤز یوماسان جرگه‌ده بیرون اوْلاسان
کاروان کوچدو یوخو دوتدو سنی . یولدا، قالیر
یولو کیمدن سوروشوب نئیلیه‌سن چون اوْلاسان
سلطنت أیستیه‌سن گوهر ذاتون گؤستر
خواه جمشید توخومو یا کی فریدون اوْلاسان
ساغری چک باشا بیر جرعه‌ده سپ توپراقه
نه قده‌ر بیر داها ایّام‌ده دلخون اوْلاسان
فقردن ائیله‌مه **حافظ** گله گر شعر بودور
شاد اوْلان قلب بگنمزله کی محزون اوْلاسان ت‌ز ۷۰/۲/۱۲

****

غزل ۴۳۷ مصراع اول : زانمی عشق کزاو پخته شود هر خامی

باده‌ی عشق کی او پخته ائدر هر خامی
اوْلموش اوْلسا رمضاندا منه وئر بیر جامی
الیمه دوْشمه‌یب هئچ نئچه زمان من یازیقین
اوْجا بوی یارتوکو آغ قوللاری سیم اندامی
بیر عزیز گر چه قوناقدیر بو اوروشلوق آ کؤنوْل
موهبت دیر گله‌سی گئتمه‌سیدیر انعامی

خانقاهین دامینا هئچ اوتوماز زیرک قوش
واردی هر مجلس وعظین یولو اوسته دامی

رسم‌دیر بو نه گلایه ائله‌ییم زاهددن
هر سحر گر آچیلا آردیجا واردیر شامی

نازیله سیره چیخا گر چمنه دلبریمیز
مندن ای پیک صبا سن وئر اونا پیغامی

او حریفی کی گئجه گوندوز أیچربادەی صاف
اولو کی یاده سالا من کیمی دُرد آشامی ؟

کاموی وئرمیه **حافظ** سنه گر آصف عهد
أیش چتین‌کامه چاتار اولسا اگر خودکامی

ت‌ز ۷۰/۲/۱۵

مصراع اول : سحرگه رهروی در سرزمینی ۴۲۸

سحر یولدان گئچن بیر همقرینه
دئییردی بیر سفر بیر همنشینیه

کی ایصوفی شراب اوندا اولار صاف
کی چاتسین دوره‌سی بیر اربعینه

بیزاردیر تانری او صوفی لباسدان
کی یوزلر بت قویار بیر آستینه

مروت گرچه بیر آددیر صاحاب‌سیز
یئنه یالوار کونول بیر نازنینه

ثوابی واردیر ای خرمن صاحابلار
اگر رحم ائیله‌سیز بیر خوشه‌چینه

ندن بیر خوشه‌چینه یوخدو شانلیک
علاقه نه دله واردیر نه دینه

قارالمیشدیر اوره‌کلر ، غیبدن بیر
یانایدی بیر چراغ خلوت‌نشینه

سلیمان بارماغی لازم گلیبدیر اثر گر أیسته‌سن نقش نگینه
گؤزه‌للر رسمیدیر اخم ائیله‌سینلر نولار رحم ائیله‌سینلر دلغمینه
منه میخانیه بیر رهنمـــا اوّل کی بیر فال آچدیریم بیر پیش‌بینه
نه **حافظ**ده حضور درس خلوت
نه عالملر چاتیر علم‌الیقینه ۷۱/۸/۲۴

****

غزل ۴۳۹ مصراع اول : ای قصّه‌ی بهشت ز کویت حکایتی

سنین کویون بهشتندیر حکایت جمالین حوریلردندیر روایت
دم عیسا لبینـــدن نکته‌لردیر او لعلین‌دیر سویو خضرین کتابت
منیم هر غصّه‌م اوّلموش چوخلو قصّه سنین خصلت‌لرین رحمه روایت
نئجه مجلسلره خوش عطر اولاردی گؤلو گر ائتمه‌سه‌ایدین سن رعایت
یارین بیر گؤرمگین شوقوندا یاندیم صبا سن ائتمه‌دین بیر یول حمایت
کؤنوّل‌عؤمرون، بیلیک‌له پوچه‌گئتدی او چوخ سرمایه‌ده یوخموش کفایت
کباب أیسی اوّره‌ک دن دوتدو دنیا بو یانقو هر یانا ائیلر سرایت
خیالی أود أیچینده جانی چولقار جهنّمـــدن داها بیر نه شکایت
ندیر قصدی بو غم ائتمکدن **حافظ**
کرشمه سن ائله شاهـــدان عنایت ۷۱/۸/۲۴

غزل ٤٤٠ مصراع اول : یا مُبْسَماً یُحاکی دُرْجاً مِنَ ٱللآلی

ای لعل لبلریندیر دُر جعبـــه‌نین مثالی
یارب نه‌خوش گؤزلدیر دوروندا خط هلالی
وصلون خیالی گؤیچک تولور سینمده کؤنلو
دیبده گؤره‌ک نه اوینار بو صورت خیالی
وئر باده گر چه اوْلدوم نامه قارا جهانـــدا
قویماز منی معطّل او لطف لا یزالی
وئر جام باده ساقی چک دیشره خلوتیمدن
تا من اولوم جهاندا قلاّش و لا أبالی
وئرمز سن عقلین اوْلسا بو دؤردشئیی الیندن
امن و شراب صافی ، معشوق و جای خالی
هئچ حالدا چون کی اوْلماز ثابت زمانه وضعی
حافظ شکایت ائتمه می‌دیر دوّزلـــدی حالی ۷۱/۶/۲۵

****

غزل ٤٤١ مصراع اول : سَبَت سَلْمی بِصُدغیها فُؤادی

ائدیب غارت بو کؤنلو زوّلف یاریم منیم روحوم چکر هی باشدا جاریم
سن آللاه دلبریم عفو ائت منه یئت رقیبی خوار ائله ای گوّل‌عذاریم
حبیبیم عشق سوداندا کی واردیـر دایاقدیر غملرینده کردگاریم
منی یار عشقینه مـــانع اوْلانلار گؤرأیدیز کاش نجوردور او نگاریم
منیم تک بیر یولا عـاشق اوْلاردیز جوماردیـز عشقه چون بو دلفکاریم
گئدیبدیر **حافظین** کؤنلو او زوّلفه
کؤمک ائتسین تاری یوخدور قراریم ۷۱/۸/۲۵

غزل ٤٤٢ مصراع اول : چه بودی ار دل آنماه مهربان بودی

نولاردی یار کؤنولو بیرجه مهربان اوْلسون
کی راحت احوالی آرتیقلاشا بو جان اوْلسون

دئیه‌ردیم ارزشینی اوندا یار طرّه‌لرین
کی هر توکوّم باشینا مینلریله جان اوْلسون

عیان اوْلاردی بها توپراقا ایاق آلتدا
بهاسی بو حیاتین عؤمر جاودان اوْلسون

نه یوخلورام نه خیال ائیلیرم گله نظره
یوخومدا یوخدوکی گلسه او دلستان اوْلسون

آیین مثالی اؤزو ، تک دوّشوّبدو دنیاده
نولاردی قلبیده بیر آزجا مهربان اوْلسون

زمانه گر ، باش اوُجا یا عزیز أیستیردی
باشیمدا تاج یاراشاردی او آستان اوْلسون

نه اسگیلردی خدایا برات خوشدللیک
اگر امان نشانه‌لرینن بدِ زمان اوْلسون

آچایدی بیر اوّزونو قطره‌ی سرشگیم تک
گؤزومده جانیده حکمی اونون روان اوْلسون

مدار عشقده گر باغلی اوْلماسایدی یولو
قویون کی **حافظ** سرگشته در میان اوْلسون ۷۱/۸/۲۵

****

غزل ٤٤٣ مصراع اول : نسیم صبح سعادت بدان نشان که تو دانی

ای سعادت نسیمی هر نه نشان کی بیلیسن
گذرائت یاره طرف هر او زمان کی بیلیسن

خلوت سرّ یولوندا سن امین قاصد سن
خبری ، امری ، اوجوّر ائیله‌بیان کی بیلیسن

دهٔ کی جان چیخدی سن آللاه بیزه بیر لطف ائیله
لعل لبدن بیزه وئر ، سن او همانکی بیلیسن

بو کلامی یازیرام حرف بحرف بیلمیه کیم
او سیاق سنده اوخو ائیله بیان کی بیلیسن

تیغینین تشنه‌سی‌ام ائیله روا بیر سو کیمی
اسیرین تؤک قانینی وئرمه امان کی بیلیسن

او قیزیل بئل باغینا ال یئتیشه مشگوّلدور
بیر دقیق نکته‌سی واردیر او میان‌کی بیلیسن

دیلده بیردیر عرب و تورکی‌ده عشقین کلامی
یئتیر عشقین کلامین هر او زبان کی بیلیسن ۷۱/۸/۲۵

****

غزل ٤٤٤ مصراع اول : ایکه مهجوری عشّاق روا میداری

ای کی عاشقلره هجرانی روا ائیله‌میسن
عاشقی وصلت رویوندا جدا ائیله‌میسن

چؤلده بو تشنه‌لره قطره‌ایله داده یئتیش
او امیدیله کی سن یاد خدا ائیله‌میسن

کؤنوّل آلدین حلال اوْلسون ولی بیر ائیله‌نظر
یاخشی ساخلا کؤنوّلو سن‌کی فدا ائیله‌میسن
اؤزگه‌لر نوش ائدیری باخ کی منیم ساغریمی
بیزده یوخدور بو تحمّل کی روا ائیله‌میسن
رشگ سیمرغ ائله‌ییب اوْجه گئدن میلچه‌گه دؤ
سن اؤز آبرون آپاریب زحمت هبا ائیله‌میسن
اؤز گناهیندی سنین بو قاپودان محرومســان
کیمسه‌دن ناله ؟ بو فریادی هارا ائیله‌میسن
خام طمع **حافظه** ، دؤ ، ائیله حیا سن بورادا
گؤرمه‌دیقدا بیر أیش امّیـد عطا ائیله‌میسن ت‌ز ۷۰/۲/۱۳

****

غزل ٤٤٥ مصراع اول : ایدل مباش یکدم خالی زعشق و مستی

سعی ائت کؤنوّل کی هر دم ، عشقیله مست اوْلارسان
دوْش حق یولا او دم کی ، وار یوخلوقو آتارسان
گر خرقه‌پوش گؤرسن ، باش ساخلا اؤز أیشینده
هر قبله خوشدور اوندان ، گر خودپرست اوْلارسان
عاجز ضعیف اوْلاندا ، خوش اوْل نسیمه بنزر
خوشدور مرض بو یولدا ، تا تندرست اوْلارسان
بیمعرفت قالارسان ، گر فضل اؤزونده بیلسن
خودبین اگر دئیل‌سن ، بیل اوْندا رستگارسان

جانان یولوندا هئچوقت ، قورخما فلک أیشیندن
اوج فلکدن اوتدا ، جان توپراقا سالارسان
جان أینجیده تیکان گر ، گول خارین عذرین أیستر
می گر آجی اولورسا ، شانلیک دادین آلارسان
صوفی پیاله بیر چک ، **حافظ** قرابه‌دن گئچ
ای قیسسا آستین‌لر ، چوخ ال اوزون اولارسان ۷۱/۸/۲۵

****

غزل ٤٤٦ مصراع اول : **خوش کرد یاوری فلکت روز داوری**

حکمیّت‌ده فلک اولدو نئجه یـار سنه
شوکرون ائت یار اولا تا حضرت دادار سنه
بیخیلاندان کی دوتار آللاه اونون بیر الینی
امردیر کی اولاسان عاجزه غمخوار سنه
شهر عشقین یوخودور سلطنته اعتناسی
بنده‌لیک آللاها لازمدیکی اقرار سنه
عیش أیچون مشتولوقا گل قاپودان ایساقی
کونولون سیل غمینی اولمیا غم ، خار سنه
اوجالیق شاهراهی چوخدو خطـر یوللاردا
دئیرم تا اولاسان یولدا سبکبار سنه
لشگرین ، گنج‌وناجین فکرین‌ائدرسلطانلار
درویش اول یئتمه‌یه بو فکرده آزار سنه

گراجازت اوْلا واردیرسنه‌بیر صوفو سؤزوم
یاخشیراق صلحدو تا جنگ شرربار سنه
همّته باغلیدی دنیـــاده مـــراد أیستیه‌نه
شاه‌ســان خیــر ائله‌کی توفیق اوْلا یار سنه
غمله ، فقرین توزونو سیلمه اوْزوْندن **حافظ**
کیمیــادن اوته‌دیـــر فقـــر فرح‌بار سنه ۷۱/۸/۲۶

****

غزل ٤٤٧ مصراع اول : ایکه در کوی خرابات مقامی داری

سن خراباتده کی شأن و مقـــامین واردی
زمانین جمشیدیسن الده کی جامین واردی
ای یارین زوْلفونه یا وصل عذارینـــده اوْلان
ایخوش‌احوالیوا خوش صبحیله شامین واردی
أودلانانلار یولا دورموشلا ، صبا . گؤز یولدا
گر سفرده او گئده‌ن یاره پیامین واردی
چوخ گؤزه‌ل دانه‌دی سرسبز خالون امّـا سن
او چمن حاشیه‌سینده نئچه دامین واردی
قدحین گوْل دوداقیندان جان ایگی آنلاشیری
ائشید ایخواجه اگر سنده مشامین واردی
هئچ ثباتی یوخودو عهد وفا گوْنلـــــرینین
شوکور آللاهه کی جؤره نه دوامین واردی

گر غریب کام طلب ائیلیه سنـدن نه اوْلار
سن‌کی بو شهرده هم شهرت و نامین واردی.
چوخ دعای سحری مونس جـانین اوْلاجاق
سنکی **حافظ** کیمی شبخیز غلامین واردی تبز ۷۰/۲/۱۳

****

غزل ٤٤٨ مصراع اول : نوبهار است در آن کوش که خوشدل باشی

تازه یازدیر دو چالیش عؤمرونو خوشدل اوْلاسان
چوخ باهار گل-گئده ائلر سنده کی در گِل اوْلاسان
دئمیرم کیملریله دور دوّش ائدیب یا کی نه أیچ
سن اؤزوّن درک ائده‌سن زیـرک و عـاقل اوْلاسان
پرده‌ده چنگ سنه بویله نصیحت وئریـری
مـوعظه فایدا وئـرر اونداکی قابل اوْلاسان
چمنین یاپراقینین هـر بیرینین بیر حالی وار
سن حئییف‌دیر کی بو احوالیده غافل اوْلاسان
عؤمرونون نقدینی غم پوچ ائله‌یر هئچ زادیـــلان
گر گئجه گوّندوزو هی شاغل باطل اوْلاسان
یول قوروخ یا اؤزاق اوْلسا بورادان دوست یانینا
گئتمگ آساندیر اگـــر واقف منـــزل اوْلاسان
حافظا گر اوُجا بختین مددی اوْلسا سنه
شکار اوْل شاهد مطبوع شمایل اوْلاسان تبز ۷۰/۲/۱۸

غزل ٤٤٩ مصراع اول : ساقیا سایهٔ ابراست و بهار و لب کشت

بولوتون کؤلگه‌سیدیر ارخ قیراغی فصل بهار
ساقیا من نه دئیم انسان اؤزو عاقل اؤلار
دور ایاقه کی زمان وئرمیری شانلیک قوخوسو
صوفو باتمیش لباسین باخ کی می نابه بویار
سفله‌پروردی زمـــان گؤلمه‌سینه ائتمه دایاق
دنیاگؤرموش نئجه بو سفله جهاندان پای اومار
بیرایکی واردی وصیّت سنه وار چوخ خیـــری
کیمسیه عیب ائله‌مه عیشیله عؤمرو قورتار
بهارا یئتمه‌گینین شوکرونه‌ائت یاخشی بیر أیش
أیگله توفیق گؤلوتو سونرا گؤزه‌للیک آختار
أیسته‌سن جانان اؤزون آینه‌نی قـــابل ائله
یوخسا رؤی‌دن یادمیردن گؤل نسرین نئجه اؤلار
آچ قولاغین کی فغانیله دئییـــر بؤلبؤللر
خواجه غفلت ائله‌مه دنیـــادا توفیق آختار
دئدین **حافظ** گلیری سنده ریانین قوخوسو
او دماغه اؤلا احسن کی قوخو یاخشی آلار ۷۱/۸/۲۶

غزل ٤٥٠ مصراع اول : دو یار زیرك و از باده کهن دو منی

بیر أیکی دلبر اوْلا بیر ایکی کوپ باده منه
بیر کتابیله فراغت چکیلم بیر چمنه

دنیایا آخرته من بو مقامی وئرمم
خلق دالینجا دوْشه‌لر های دوْشه هر انجمنه

گنج دنیایه وئره کیم کی قناعت یوجاقین
یوسف مصری ساتیب بیر آزاجیق بیر ثمنه

گؤرکی بو کارخانانین قیمتی اسگیلمیه‌جک
نه سنین زهدیوه‌دیر نه باخیلیر فسق منه

حادثات بوررراناقیندا داها گؤرمک اوْلمور
گؤز چمنده سئچه بیلمیر کی گوْله یاسمنه

آینانین جامینه باخ عیب أیشینین نقشلری
کیمسه گئتمزدی گمانی بو عجایب زَمَنه

صحن بستانه سپیللر نه سیاق زهرلری
نه قالیب رنگی گوْلوْن نه بیر عطیر نسترنه

ایکؤنوْل صبره چالیش بیلکی بوراخماز آللاه
کی عزیز بویله اوْزوْک قسمت اوْلا اهرمنه

باخ نگاریم نئجه ناکسلریله دور دوْش ائدیر
نئجه قیمت وئریری چرخ فلک بوردا منه

زمانین حال مزاجی خراب اوْلموش **حافظ**
هارا گئتدی بس حکیم‌لر نه گلیب برهمنه

ض ز ۷۰/۲/۱۴

غزل ٤٥١ مصراع اول : وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی

وقتیوی غنیمت بیل ، هرنه قدری باشارسان
بو حیاتدن حاصل ، بو دمیندی کی وارسان
کاموی وئـــرر دنیا ، عؤمرونـــو آلار الـدن
سعی ائله کی دنیادن ، داد عیشین آلارسان
باغبان حرام اولسون ، من کوچم اگربوردان
یاردن سیوای سروی ، ارخ کنارینه تاخسان
ذوق باده اؤلدوژه‌جک ، زاهـــد پشیمـانی
عاقل اؤلماسان أیشده ، آخری پشیمـانسان
شیشه سیندیران بیلمیر، واردی صوفونون ائوده
جنس خانگی سانکی ، لعلدیر اگر باخسان
شب‌خیزین دعاسیله ، سن دوروشمـــا ای دلبر
اسم اعظم آلتیندا ، بارماغا اوزوک تاخسان
عاشقین سؤزون بیرائشید. دوربیرآزجاناکئف‌چک
یوخدودنیانین دیه‌ری، چونکی دیبده قالمازسان
یوسف عزیز گئتدی ، رحم ائدین آ قارداشلار
حالیوی عجب گؤردوم ، ای کی پیر کنعانسان
رندلیک سؤزون دینمه ، زاهده دئمک اؤلماز .....
گیزلی دردی نامحرم ، بیر طبیبی آختارسان
کیپریگین یئریرکن سن ، قانینی توکور خلقین
تند یولدا چوخ گئتمه ، یولدا قورخورام قالسان

تیر چشمدن اوْل ، قوخدو بو کؤنوْل امّا
او کمـــان ابـــرودن ، قلبیمه اگـــر آتسان.
حافظ پریشانین، کؤنلوْن آل گل ائت احسان
ای کی صاحب زوْلف ، مشگی پریشان‌سان ضز ۷۰/۲/۱۸

****

غزل ۴۵۲ مصراع اول : عمر بگذشت به بیحاصلی و بوالهوسی

هاموسو عؤمر گئچیب صرف اوْلوبدیر هوسه
ایجوان پیر اوْلاسان باده‌نی قوی دسترسه
بو شه‌هرده نه شکر واردیکی قانعدی هامو
بو یولون قارتالی راضی اوْلورو بیـر مگسه
أیشچیلرله قاریشیق ، یار قاپوسیندا، واریدیم
اوخشادیرسان‌دئدی‌بیچاره اؤزوْن هانکی‌کسه؟
نافه‌تک‌قانلی‌اوْره‌کله کی‌گره‌ک خوش‌اوْلسون
او کی مشهور جهاندیـــر آدی مشگین نفسه
طوردن‌شاخدی أیشیق منده اونو درک ائتدیم
أیستیرم کی یئتیـــرم اوْردا سنی بیـر قبسه
کاروان کؤچدو داها سنده دوْشوْبسن یوخویا
وای کی بی‌اعتناسان بیر بئله بانگ جرسه
قاناد آچ صیحه‌وی چک شاخه‌ی طوبادن بیر
حیفدیرسن‌کیمی بیرقوش اسیر اوْلسون فقسه

غزل ۴۵۳

بو خرقه کی وار منده قوی رهن شراب اوڵسون

معناسیز اوڵان دفتر غـــرق می ناب اوڵسون

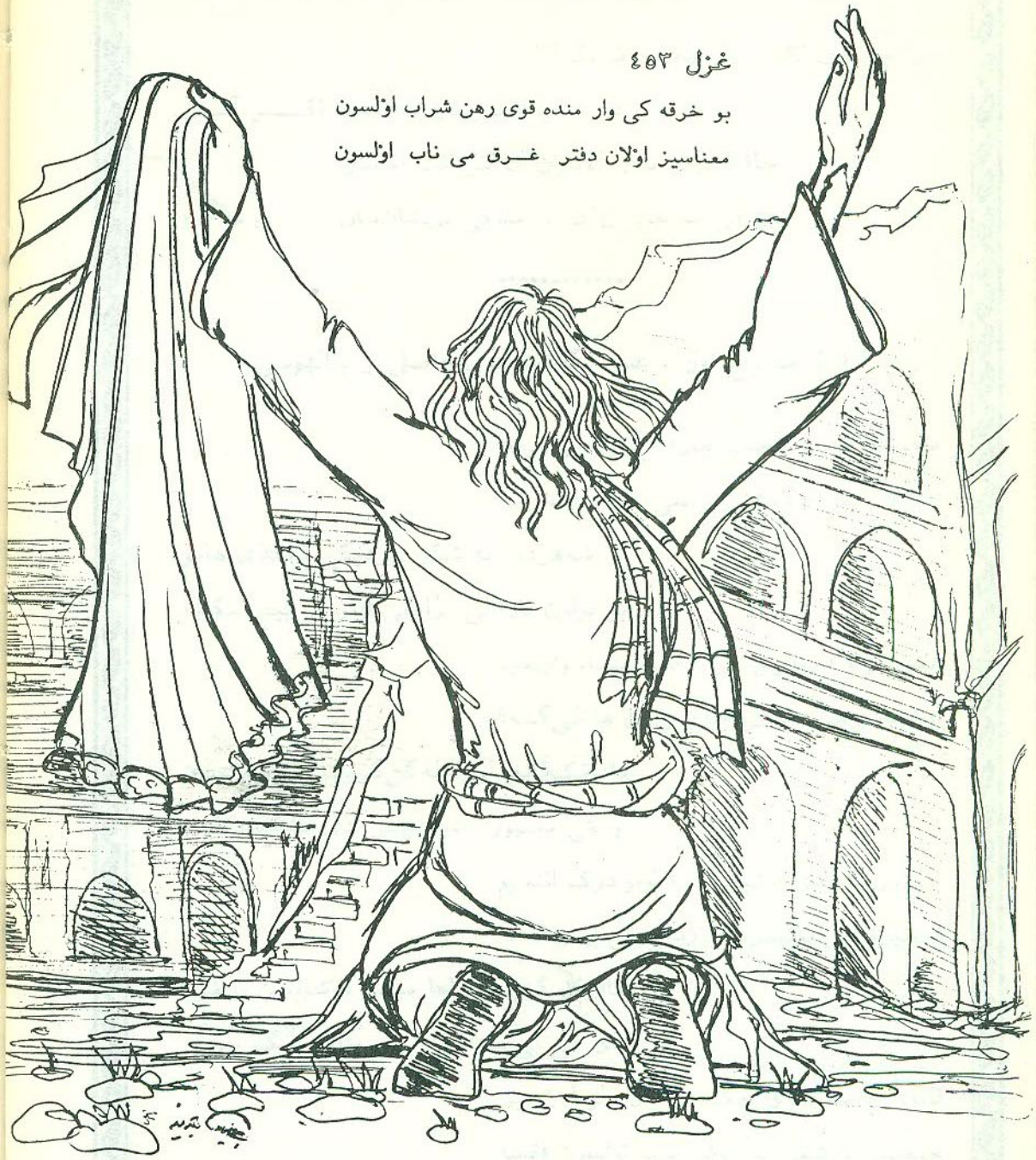

تا کی جانان انگینده ایلیشم مجمر تک
أودا سالدیم جانیمی تـا یئتیشم خوش‌نفسه

نه قده‌ر سندن اوته‌ر هر یانا قاچسین **حافظ**
تاری آسان ائله‌یه تـــا یئتیشم ملتمسه ۷۱/۸/۲۷

****

غزل ۴۵۳ مصراع اول : این خرقه که من دارم در رهن شراب اولی

بوخرقه‌کی وارمنده، قوی رهن شراب اوْلسون
معناسیز اوْلان دفتر ، رهن می ناب اوْلسون

چون‌چوخلو گناه ائتدیم، بوعؤمرو تباه ائتدیم
سگوی خراباته سال جـانی خراب اوْلسون

گرمصلحت آختارسان، درویشلیقیلا دوتماز
قوی سینه أودا دوْلسون،گؤزلرده پرآب اوْلسون

من زاهدین احوالین ، هئچ یئرده دیله گلمم
بوسؤزدیله گرگلسه، قوی چنگ‌ورباب اوْلسون

یوخدورباش ایاق چونکی، بو گردش دوراندا
باشدا هوس ساقی ، قوی الده شراب اوْلسون

من سن کیمی دلبردن ، هئچوعده کؤنوْل قوپماز
گرتابه دوْشم بیرگون، قوی زوْلفونو تاب اوْلسون

حافظ قوجالاشدیقدا. قوی میکده‌دن چیخ گئت
قوچاقلیق ، هوسبازلیق ، دوران شباب اوْلسون ش‌ز ۷۰/۲/۱۳

غزل ٤٥٤ مصراع اول : که برد به نزد شاهان زمن گدا پیامی

کیمیسی او شاهه وئرسین ، من یولچودان پیامی
کی وئریللە میفروشلار ، أیکی‌مین جمی بجامی
بو خرابلیگیمده بدنام ، هلەده امیدوارم
کؤمک ائتسه گر عزیزلر ، یئتەرم به نیکنامی
سن کیمیا فروشون ، نظری اوْلا بو قلبه
کی یوخومدو الده مایه ، دوشەدیم بو یئرده دامی
عجبا وفای جانان ، کی بیزه عنایتی یوخ
نه کاغاذلا بیر پیامی ، نه قلمله بیر سلامی ....
بو شراب اگر خام اوْلسا ، اوْلا پخته گر حریفیم
نئچه مین او پختەلردن ، داها یاخشی بیرجه خامی
منی تولیانماز ای شیخ ، ائله تسبیحین داناسی
کی زیرک قوشا کار ائتمز ، اوْلا گر یول اوْسته دامی
نظریمده واردی خدمت ، منی آل دا بیرده ساتما
داها من کیمی مبارک ، آزاراق دوْشر غلامی
کیمه ائیلەییم شکایت ، کیمه نقل ائدیم حکایت
کی حیاتیمیز لبیندیر ، یوخودور حییف دوامی
بیر اوخ آت او کیپریگیندن ، داها حافظین قانین توک
کی سنین تک اولدوْرنلر ، یوخودور هئچ انتقامی ۷۱/۸/۲۷

****

غزل ٤٥٥ مصراع اول : با مدعی نگوئید اسرار عشق و مستی

اسرار عشق و مستلیک ، قاش ائتمه مدّعیله
تا خودپرستلیگینده ، اوْلسوْن او اوْز أیشیله
سن عاشق اوْل بو دنیا ، بیر گوْن تاپار نهایت
هئچ بیلمه‌سن کی نه‌أیمیش ، مقصودو خلقتیله
خوش سئوله‌دی او دلبر . دئیر موغاندا بیر گوْن
کافرلره أیشین یوخ ، یوخسان اگر بوْتیله
تاج سریم سن آللاه ، اوْلدوْم او زوْلف الیندن
دوْشدوْم کمنده قالدیم ، او قاره‌نین الیله
بیر گوشه‌ده سلامت ، گیزلی نجوْر قالیم من
نرگیز گوْزوْن بوهاندا . ائتمیش نه‌لر می‌ایله
بو فتنه‌لر کی قاخدی ، اوْلده من بیلیردیم
سرکش‌لیگیندن هئچواق ، اگلمنه‌دین بیزایله
طوفان الینده **حافظ** ، عشقینده مبتلادیر
فکر ائتمه قورتولوبسان ، عشقین بوجوْر غمیله

۷۰/۸/۲۸

****

غزل ٤٥٦ مصراع اول : در همه دیر مغان نیست چو من شیدائی

یوخ هامو دئیر موغاندا منه اوخشار شیدا
خرقه بیر یاندا گرو ، باده و دفتر هـــاردا
کوْنلوْموْز آینه‌دیر شاهه ، دوتوب توز اوْزونو
أیستیرم فکری‌آچیق کیمسه یاراوْلسون بورادا

منی یار اوْلماسا ، سال باده أیچینده گمیه
گؤزوْموْن گوشه‌سی غمدن دنیز اوْلموش آرادا

اته‌گه باغلامیشام گؤز یاشیمین چشمه‌لرین
اگلنه سرو تکین بیر اوُجا بوُی یار اورادا

توبه ائتدیردی منه بیر صنم باده‌فروش
أیچمه‌یه‌م باده مگر بیر گؤزه‌ل اوْلسون آرادا

گؤزلرون شیوه‌سینه گوپ وورا نرگیز دینمه
نظر اهلی نظرین سالمیاجک بیر کورا ، دا

بو حکایت دئمیرم بلکه گله شمع دیلینه
یوخسا پروانیه یوخ امکانی بیر سؤز یارادا

من معشوقه‌پرسته دئمه بیر آیریجا سؤز
بو سؤزو میکـــده‌ده قوشـدو نی و نقّارادا

گر مسلمان بودوکی **حافظ** اوْلوب دنیـــاده
وای اگر بیرگون اوْلا بیربئله گوْتدن سورادا

۷۱/۸/۲۸

****

غزل ۴۵۷ مصراع اول : تو مگر برلب آبی بهوس بنشینی

ارخ کنارینده مگر بیر هوسه یئر سالاسان
یوخسا هر فتنه‌نی سن اوْز الیویله سالیســـان

آند اوْلا آللاها کی یاخشی اونون بنده‌سیسن
بو قـــدیم نوکروی اوْزگه‌لره ســـاتمیاسان

بو امانت یئتیرم گر یئرینه قورخوسو یوخ
اوّره‌گیم اوْلماسادا یاخشیدی دین ساخلیاسان

ادب و شرم سنی خسرو خوبان ائله‌ییب
آفرینلر سنه شایسته‌ی صد چندانسان

عجبا لطفیوه ای گوْل کی تیکانلا اوْلاسان
ظاهراً مصلحت وقته بوجوْر سن وارسان

سن‌کیمی ذاتی‌تمیز پاک اوّره‌ک بیر گؤزه‌لین
یاخشیدیر پیسلریله یار و ندیم اوْلمیاسان

صبر اگر ائیله‌مه‌یم جوْر رقیبه نه ائدیم
عاشقا چاره اودور دهرده مسکین اوْلاسان

حیفدیر سن چمنه گوْلشنه سیره گله‌سن
سن گؤزه‌ل‌راق هاموگوْلشنده هاموگوْل بوتاسان

گؤره‌سن گؤزیاشیمین شعبده‌سین ساغ سولدان
او عجب منظره‌یه بیر باخیشین گر سالاسان

بیغرض حق سؤزو بوردا گل ائشید مخلص‌دن
سن حقیقت‌چیلرین شاهلارینا دُر داناسان

ای‌چگل‌شمعی کی‌چوخ‌نازلی بوجوْر مغرورسان
وار یئری خواجه جلال‌الدینه همدم اوْلاسان

حافظین صبر و قرارین آپاریب گؤزدن آخان
قوتولوب صبر، گؤزون ای به‌به‌گی ، آخمیاسان

۷۱/۸/۲۸ **********

غزل ٤٥٨ مصراع اول : سلام الله ما کرّ اللّیالی

سلام اولسون گئجه گوندوز او یاره ده‌یر مضرابدا سیملر چون‌کی تاره
سلام اولسون اراکین چؤللرینده لوا کندینده قومسالدا نگاره
دعاگویم غریبان جهانه گئدرلر هاردا هر شهر و دیاره
دوشه هر هانکی منزلده خدایا اونو تاپشیرمیشام من کردگاره
کؤنول زنجیر زولفونده داریخما امان وار قوخما اولسان پاره‌پاره
جمالون آرتیرار یوزلر جمالی سنین عؤمرون اولایدی بیر هزاره
سنون اولماقلیغین واجبدی امّا اگر وار یوخ گئده گئتسین نه چاره
او نقّاشه اولا یوز آفرینلر چکر آی دوره‌سینده ماهواره
سنین‌عشقین بیزه‌راحتدی هروقت سنین یادین اولور هر درده چاره
من بدنام رند لا ابالی چاتام مشگولدو سن تک شهریاره

ندیر **حافظ** غرض الله اعلم

حسابدیر الله علمی استخاره ۷۱/۹/۴

****

غزل ٤٥٩ مصراع اول : ایدل بکوی عشق گزاری نمیکنی

کوچه‌ی عشقه کؤنول بیرجه گزار ائیله‌میسن
هر شئیین الده وارین بس نیه کار ائیله‌میسن
حکم چوگانی الونده نیه توپ توپلامیسان
ظفرین قارتالی وارندی شکار ائیله‌میسن
مشگبوی اولمامیسان اوندان اوته‌رکی‌صباتک
کوی دلبرده گئدیب اوردا گزار ائیله‌میسن

قورخورام اولمیا گوّل دولدوراسان دسته‌گیوه
سن‌کی گوّلشنده دوروب طاقت‌خارائیله‌میسن
جانیوین دسته‌گینین مشگ‌ختن چوخ‌واریدیر
قوربان اؤز جانیوی بیر طرّه‌ی یار ائیله‌میسن
دولو جام باده‌ایله چوخدا لطیف چالمایئره
فکرینی هئچ نیه بس روز خمـــار ائیله‌میسن
دوست درگاهینا **حافظ** گئت‌ائله بنده‌چیلیک
گؤروسن بنـــده‌چیلیکده هامولار ائیله‌میسن ق.ز ۷۰/۲/۱۲

****

غزل ۶۶۰ مصراع اول : هزار جهد بکردم که یار من باشی

چوخ چالیشدیم کی منه رحمه گلیب یار اولاسان
بو قـــرارسیز کؤنوّله دهـــرده دلدار اوّلاسان
یاتمییان گؤزلریمی بلکه أیشیقلاندیراسان
مونسیم بلکه بیـــر آز بو دل بیمار اولاسان
حسن سلطانلاری چون بنده‌لره نازلانالار
سن منی بنده ائدیب باشیما سردار اوّلاسان
او عقیقوندن اوتەرکی اوّره‌گیم قاندیر اونا
گِله ائتسم کمک بو دل غمبـــار اولاسان
او چمنده کی عاشق معشوقولا ال اله دیر
سنده ال وئر الیمه اوردا منه یـار اولاسان

بیر گئجه عاشقوین غمخاناسین پارلاداسان
غم دوتان قلبیمه بیرسئوگیلی غمخوار اولاسان

گؤن عزالی منه اوندا دؤشه جکدیر الیمه
سن تک آهو منه بیر توردا گرفتار اولاسان

ایکی لبدن منه اوچ بوسه وئریبسن وعده
گر ادا ائیله مه سن بیلکی بدهکار اولاسان

گؤره بیللم گؤره سن بیرگئجه بیر نصف شبی
گله سن بستریمه شاهد بیدار اولاسان ؟

گرچه من **حافظ** شهرم دیه ریم یوخدو هئچه
مگر اینکه کرموندن منه بیر یار اولاسان

ش.ز ۷۰/۲/۱۸ **********

غزل ٤٦٢ مصراع اول : سحرم هاتف میخانه بدولتخواهی

خیرخواهلیقدا سحر هاتف میخانه منه
دئدی کی گل بورادا سابقه چوخ واردی سنه

أیچ بیزیم باده نی تا بو أیکی دنیا سرّین
بو جامین پرتوی فاش ائیلیه هر سرّی سنه

میخانا صحنینه، چوخ، رند و قلندرییغیشار
آلالار ، یا وئره لر سلطنتی هر کسنه

یدّی افلاک ایاغ آتدا باشی آتدا کرپیچ
قدرتین اوجینا باخ سلطنتین عرصه سینه؟

بو بیزیم باش اودا میخانه‌لرین درگاهی
کی‌اونون قیسسا دامی عرشی سالار ترسه‌سینه

خضرسیزقویما قدم بو یولا أیتگین دوشه‌سن
ظلماتدیر ایته‌سن ، راست گله‌ن یـــول‌کسنه

فقرلیک سلطنتین ، کؤنلوم اگر آلسان اله
گاو ماهیدن اؤلار تا آیاجـــــاق ملک سنه

ظلماتدان گئچه‌جکسن ، اؤزونه خضر آختار
بویولون ایتمه‌گی‌چوخدور حذرائت گتئمه‌سنه

سن‌فقیرلیک قاپوسون، چالماسان، الدن‌وئرمه
پوچا بو سلطنتی اوندان اوتـــر وئرمه‌سینه

خام طاماح **حافظه** دهٔ بیر بالاجه ائیله‌حیا
ندیر آخـــر عملین جنّتی وئرسینله سنه

۷۱/۸/۲۸ **********

غزل ۴۶۳ مصراع اول : بلبل بشاخ سرو بگلبانگ پهلوی

پهلوی دیلده پیام دینله قوشون نغمه‌سینه
معنوی درس مقاماتی چمـــن صحنه‌سینه

یعنی گؤل معجز موسی گتیریر باغ چمنه
کی آغاج نکته‌ی توحید دئسین اوردا سنه

باغدا قوشلار نئجه گؤر قافیه‌سنج اؤلموشلار
خواجه باغدا می أیچه شـــاد اؤلا بؤلبؤل سسینه

جام‌دن غیری جهاندان نه آپاردی جمشید
باغلاما کؤنلوّن اماندیر بو جهان جیفه‌سنیه

ترسه بختیمدن ائشید گؤرکی نه گلدی باشیما
یار عیسی نفس اؤلدوّردو منی ترسه‌سینه

خوش اوْلار، امن یوخو، یولچیه ، آلتیندا حصیر
شاهه ممکن دئی بو عیش اوْلا بیر نوبه‌سینه

گؤزونون غمزه‌سی خلقین ائوینی ائتدی خراب
یاخشی سرخوش گئدیسن نازو غرور کوچه‌سینه

او قوجا کَتلی نه خوش سئوله‌دی اوّز اوْغلیله
گؤزومون ای أیشیقی قالدی بیچین اکمه‌سینه

حافظین جرعه‌سینی اوْلما اونوتدو ساقی
یا سؤزوّم دگدی اونون مولوی عمّامه‌سینه ۷۱/۸/۲۵

****

غزل ٤٦٤ مصراع اول : بیا با ما مورز این کینه داری

بیزی گل ساخلاما او کینه‌ییزده کی‌بیز دوستیک سیزه دیرینه‌ییزده
نصیحت دینله گل بو دُر گؤزه‌لدیر او گوهردن کی وار گنجینه‌ییزده
نوقت سن رنده اوّز گؤستردین امّا کی آی گوّندوز فقط آیینه‌ییزده
دئمه رندین‌پیسین ایشیخ هوش‌ائت کی تانری حکیمدور او کینه‌ییزده
نه‌دن أودلو آهیمدان قورخماییرسان دوتار أود خرقه‌ی پشمینه‌ییزده
یئتیش فریادینه مفلس خمارین می اوْلسا ، رحم اوْلا گر سینه‌ییزده

سنین شعرین کیمی خوش اوْلماز حافظ
قسم قرآنه کی وار سینه‌ییزده ۷۰

غزل ٤٦٥ مصراع اول : ایکه بر ماه از خط مشگین نقاب انداختی

ای کی آیدا مشگین اوزدن بیر نقابی سالمیسان
لطف قیلیدین سایه‌وه او آفتابی سالمیسان
بیزله تا نئیلر عذارون تـــاب رنگی عشقده
ایمدیکی نیرنگ‌لر چوخ نقش آبی سالمیسان
خلّجین گؤیچکلریندن چوخ گؤزه‌لسن شنلیک ائت
أیسته کیخسرو جامین افراسیابی سالمیسان
شمع رخسارونلا هر کس بیرجوّره عشقین سوّروب
اورتادا پروانیه بیر اضطرابی سالمیسان
عشقینین گنجین خرابه کؤنلوموزده قویلادین
گنج دولتده عجب کُنج خرابی سالمیسان
آلمیسان گؤزدن یوخو سونرا خیالین نقشینه
باخ نه تهمت‌لرده چوخلار اهل خوابی سالمیسان
جلوه‌گاهین منظرینده سالدین اوزدن پرده‌نی
چوخ پری، حوری، حیادن بیرحجابی سالمیسان
جام جم‌دن باده أیچ کی جمشیدین تختینده‌سن
شاهد مقصودونون اوزدن نقابی سالمیسان
نرگیز مخمور جادوسیله لعل بـــاده‌یه
حافظه خلوتده باخ شوق شرابی سالمیسان ۷۱/۹/۱

****

غزل ٤٦٦ مصراع اول : ایدل گر از آن چاه زنخدان بدرآیی

کؤنلوم اگر او چـــاه زنخدان بوراخارسان
هر یئرده اؤلان تئزلی پشیمان بوراخارسان

هوش ائیله کی گر وسوسه‌ی نفسی ائشیدسن
آدم کیمی سن روضه‌ی رضوان بوراخارسان

بیر قورطو سویا چرخ فلک دوتماز الیندن
گر تشنه دوداق چشمه‌ی حیوان بوراخارسان

جاندان گئچه‌رم صبح تکین گر سنی گؤرسم
گؤن تک گئجه‌نی با رُخ رخشان بوراخارسان

همّت نفسین بـــاد صبا تک سنـه سالالم
گر غنچه‌لیگی چون گؤل خندان بوراخارسان

هجران گئجه‌نین قاره‌لیگی جانیمی آلدی
بو آیریلیگی ایمه تـــاپـــان بوراخارسان

ارخ آخدیریرام گؤزده یؤل اوسته نئچه یوزلر
سانمازلیگی ای سرو خرامـــان بوراخارسان

حافظ خیال ائتمه ، کی گلر یوسف ثانی
یار گلمه‌گیله کلبه‌ی احزان بوراخارسان ۷۱/۹/۱

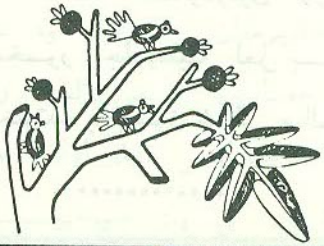

غزل ٤٦٧ مصراع اول : بچشم کرده ام ابروی ماه سیمائی

بیر آی اوزلو قاشینا گوزلریمی جا ائله‌دیم
سینه‌می سبز خطین نقشینه مأوا ائله‌دیم

او امیده کی منیم عشق ائلیه‌ن منصـــوروم
او کمانچه قاشیلا بیر یازا طغرا ائله‌دیم

باشیم الدن گئده‌لی گوزده یانیب حسرتدن
آرزومون سونلارینی وصل او سیما ائله‌دیم

من اولن گوزنده منیم تابوتومو سرو ائله‌یین
اوزه‌گیمده داغین او قامت رعنا ائله‌دیم

تاپیشیردیم اوزه‌گی من بیناوا بیر کسه‌کی
تاج و تختدن کیمینه ائتمیه پروا ائله‌دیم

بیر ائله یئرده گوزه‌للر کی چکر تیغلرین
من اومیداندا باشی توپ کیمی در پا ائله‌دیم

من کی آی مثلدی یارین اوزو و کاشانه‌میزه
گربیراولدوز چیخا من اوردا نه پروا ائله‌دیم

آیریلیق ، وصل ، ندیر دوست رضاسین أیسته‌ییرم
یاردن غیـــری داهـــا من نه تمنّا ائله‌دیم

شوقدان دُرّی شاباش ائلییه‌جاقدیر اوبالیق
حافظین چون غزلین تحفه‌ی دریا ائله‌دیم ۷۱/۹/۱

****

غزل ٤٦٨ مصراع اول : طفیل هستی عشقند آدمی و پری

عشقه وابسته‌دیر هاممو یـا آدام یـا کی پری
سن ارادت ائله تا بیر یئیه‌سن بار و بری
بیر چالیش خواجه کی قسمت اوْلا تا عشق سنه
بنده آلمازلا بازادا کی اونون یوخ هنری
سحرین خوش یوخوسو صبح مئیی دای نه‌قدەر
نصف شب توبیه دور آغلا گلن بیر سحری
آی گؤزه‌ل سن نه اویون باز بئله شیرینکارسان
نه گؤزومدن گئدیسن نه‌ده دوتورسان نظری
مین نفر جان مقدّس یانیری غیـــــرتدن
سحر- آخشام گزیسن کوچه‌ی اغیارلری
حضرت آصفه پیغام آپاران کیـــم اوْلسون
اوگرنه بیر غزل اوردا اوخویا لفظ دری
من بو دنیانی اوجوْر گؤردوم اگربیرسیناسان
یاخشیدیرمی أیچه‌سین اوْلمیاسان غصّه جری
آغالیک بورکو گؤزه‌للیک باشیوا راست گله
بخته لایق هامونون سن اوْلاسان تاج سری
زوْلفونون بیرده عذارون ایگینه گل گئد ائدر
کی صبا غالیه سوْرته گوْل ائده جلوه‌گری
مستعد اوْلمیاسان وصل نگار آختـــارما
جام جم نیلیه‌جک ناظر اوْلان بی‌بصری

بیز کنـــاردن باخانیک واردی دعامیزده اثر

او گؤزون گوشه‌سی‌ایله بیزه سال بیر نظری

گل گؤزه‌للیک مایاسیله بیزه سن سلطان اوْل

غافل‌اوْلسان اوْلاجاق‌حیفدی چوخلو ضرری

چوخ خطرناکدی بو عشقین یولو ییغ هوش باشوا

سعی قیل آخساما بو یولدا داها قالما گری

حافظین همّتینین سایه‌سینه وار اومودوم

یار ناغیل دینلیه مننده گؤره گؤیده قمری ۷۱/۹/۱

****

غزل ٤٦٩ مصراع اول : بشنو این نکته که خود را ز غم آزاد کنی

دینله بو نکته کی غمـدن کؤنوْل آزاده ائله

قان یئمه ترک طلب روزی ننهاده ائله

کوْزه‌گر پالچیقی آخیرده اوْلار جسم و جانین

بیر کوْزه فکرین ائدیب دولدور اونو باده‌ایله

گر بهشت آرزولیـان شخصلرین سن بیریسن

عیش أیچون یار اوزونه نئچچه پریزاده ائله

سن بویوکلر یئرینه تکیه ائدیب ائتمه گزاف

اوْل اسباب بؤیوکلوق هامو آماده ائله

اجرین اوْلسون سنین ای آغزی شیرنیلرشاهی

بیر باخیش سنده بو فرهاد دل افتاده ائله

کؤنلونه بیر رقم فیض گله چوخ مشگؤل

بخت نقشینده مگر بیر ورق ساده ائله

أیشیوی وا قویاسان آللاها گر **ایحافظ**

چوخ اؤلار عیش کی با بخت خداداده ائله شب ۷۰/۲/۱۴

****

غزل ٤٧٠ مصراع اول : هواخواه توام ایجان و میدانم که میدانی

بیلیرسن سن اؤزؤنده من هواخواهم سنه ایجان

گؤرورسن گؤرمدیقلاردان اوخورسان یازمادیقلاردان

نه بیلسین عاشق و معشوق سرّین بیر ملامتگر

کی گؤرمز بیرشئیی کورگؤز خصوصاکی اؤلا پنهان

او زؤلفون دورائله افشان گتیرصوفیلری رقصه

یاماقلی صوفی‌نین دلقی ائدر مینلرله بت افشان

آچان مشتاق أیشیندن بیر دوگون ابروسیدیر یارین

سن آللاه بیر زمان اگلن دوگونلر آچ بیر آلنوندان

مَلَک سجده ائدنده آدمه نیّت سنی ائتدی

سنین حسنونده بیر شئی وار کی عاجزدیر بئله‌انسان

نسیم زؤلف جاناندان بیزیم گؤزلر أیشیقلانمیش

اؤزاقلاندیر خداوندا بو جَمعه غملری هر آن

گئجه عیشین حییف اؤلسون سحر خوابی حرام ائتدی

بیلر وقتین بهاسین کیم کی اؤلسون أیشلره سامان

هاماشلاردان ملول اولماق هاماشلیقدان أیراق أیشدیر
چتین‌لیک چک بو منزلده تاپا تا أیشلرین سامان
او زولفون چنبری تولار خیالیندا سنی **حافظ**
سنه تکلیف ائدن کیمدیرکی ناممکن أیشه تولان ۷۰/۲/۲۰

****

غزل ۴۷۱ مصراع اول : زین خوش رقم که بر گل گلزار میکشی

خوش بو رقمی کی گول رخساره چکیرسن
گول یاپراقینا خطدی کی گولزاره چکیرسن
گیزلین اوتوران گوز یاشیمین دانه‌لرین سن
پرده دالیسیندان سر بازاره چکیرسن
او سست‌یئریش باد صبا، زولفون ایگیندن
قیده سالالی زنجیریله کاره چکیرسن
فتراکیوه گر باغلیاسان باشیمی باغلا
امّا نیه زحمت بو کیچیک باره چکیرسن
او قاش گوزونیله نه ائدیم قلبیمه تدبیر
ایوای او کمان کی من بیماره چکیرسن
گل بیر یانیما پیس گوزو سندن ائده‌جک دفع
ای تازه گولوم کی اتگین خاره چکیرسن
حافظ داها دنیاده واریندیر نه توقع
می أیچمه‌ده ال طرّه‌ی دلداره چکیرسن ۷۱/۹/۲

غزل ٤٧٢ مصراع اول : آن غالیه خط گر سوی ما نامه نوشتی

یازسایدی بیزه نامه اگر خوش خطیله یار
وئرمزدی باشا عؤمروموزو دهـر جفاکار
هرچندکی هجران وصالین تخمودور امّـــا
اکمزدی بو هجران توخومون کاش بو غدّار
زاهد نه دئیرسن ، کی بو دنیاده منیم وار ....
جنت کیمی ائو حوری تکین بیر مه دلدار
سکّوی محبّت ده نه لازیمـــدی جـلالت
زر بالش اگر اوْلماسا کرپیچ کی منه وار
باغ ارمـه نخـوت شـــدّاده دگیشمـه
بیر شیشه مئیی بیرده کی شهد لب هر یار
کؤنلوْم نه قدهر دنیادا غم غصّه یئیه‌رسن
کیم حکم ائله‌ییب بیرگؤزه‌له ، چرکینه یالوار
زوّلفون نیه **حافظ** بوراخیبدیر بوجوّر الدن
تقدیر بئله‌ایمیش کی منی ترک ائله‌سین یار ۷۱/۹/۲

****

غزل ٤٧٣ مصراع اول : صبا تو نکهت آن زلف مشگبو داری

صبا وار سنده عطر زوّلف یاریم بو ائی وار سنده اوندان یادگاریم
بو کؤنلومده کی واردیر عشق سرّی سنه وئردیم سنه امیّد واریم
گؤزه‌للیکده‌سنه هئچ سؤز یئری یوخ فقط وار پیس رقیبیم ای نگاریم

سنه بوّلبوّل‌سسی خوش‌گلمز ای گوّل — سخن‌چین‌دیر رقیب هرزه‌کاریم
سنین‌بیرجرعه‌ویله سرخوش اوّلدوم — نه خُم‌دندیر بو می ای گوّل‌عذاریم
بئله نازلانما ارخین سرو نازی — بئلین اگری قالار گر گلسه یاریم
یارارگوّن تک گؤزه‌للیکدن وورا دم — غلامی چوخدو شاهدیر سرو یاریم
بیچیلمیش اگنینه شانلیق لباسی — بوتون اندامی گوّلدو نو بهاریم

بو یئرده **حافظ** اوّلماز گوهر عشق
ائشیک اوّلسون گره‌ک گشت‌وگذاریم ۷۱/۹/۴

****

غزل ٤٧٤ مصراع اول : بصوت بلبل و قمری اگر ننوشی می

اگر بوّلبوّل سسیله أیچمه‌سن می — قالار حسرت‌داغی قلبیده بیل، ای ..
بهاردان بهره آل فرصت زمانی — گلیر دالدا قلیج تک بهمن و دی
اگر قمری چکه هوهو گوّل آچما — پیاله قویما الدن گئژدیر هی هی
ثباتی یوخدو شاهلیقلا گؤزه‌للیق — هانی جم تختی هاردا افسر کی
میراث‌خوارلار مالی کفراندی قالسا — دئییب ساقی وئریب فتوا دف و نی
زمانه آلماسا بیر شئی بوراخماز — مروّت سفله‌دن آختارما لا شئی
بهشتین طاقینا بیر سؤز یازیبلار — کی دنیا پروره ایوای بر وی
سخایوخدور سؤزوقورتار شراب وئر — شاد اوّلسون روحی اوردا حاتم طی

بخیل آللاهیدن **حافظ** ائی آلماز
کرامت ائت قدح آل سسله بیر هی ۷۱/۹/۴

****

غزل ٤٧٥ مصراع اول : ز کوی یار میآید نسیم باد نوروزی

نسیم باد نوروزی گلیـــر یارین دیـــارینـدن
بو یئلدن سن مدد أیسته قوتول کؤنلوّن غبارینـدن
اگر گوّل تک زرین اوْلسا اونو عشرتده خرج ائیله
کی چوخ شر و زیان گؤردو جهان اوگنج قارینـدن
طریق کام وئرمک‌دیرکی اؤز کاموندان ال چکسن
گره‌ک سرورلیقین‌بؤرکو تیکیلسین ترک کنارینـدن
دئیم من پرده‌ده بیر سؤز کی ، گوّل اول ، غنچه‌لیقدان چیخ
کی بئش‌گوّندن دئیل آرتیق بورونق ، هربهارینـدن
ندیر گوّلشنده بو ناله چکیر قمری کی من بیلمم
مگر من تک اودا غملر اوّره‌کده وار نگارینـدن
منیم وار صاف می‌ایم جان تک، چیخاردیرعیب صوفیلر
خدا هئچ عاقلی ائتمه منیم تک کار و بارینـدن
گئدیب تک قالمیسان ای شمع شیرین یار یانینـدن
قضـــای آسمانیدیر کی چؤنمـــز اؤز قرارینـدن
غـرور علمیله عیشی غلطدیر کیمسه ترک ائتسه
سن **حافظ** گل کی جاهللر رضادیر روزگارینـدن ۷۱/۹/۴

غزل ٤٧٦ مصراع اول : ز دلبرم که رساند نوازش قلمی

دلبریمدن یئتیرن کیمـــدی محبت قلمی
هاردادیر پیک صبا تا ائیلیه بیر کرمی

خیالیمدا قیاس ائتدیم عقیلی عشقه توتاش
عشق دریادی عقیل شبنمه اوخشار رقمی

گل کی من میخانادا خرقه‌می گر رهن ائله‌دیم
وقف مالدان منه امّا اوْلا بیلمز درمی

باشی آغریتمادی ، گر چون‌وچرا ، چوخ ائده‌سن
آل پیاله ، بیرآز آسوده اوْل ، عؤمرونده ، دمی

درد عشقی نه بیلر هـر ایاق اوّستونده طبیب
أیسته تاپ ، قلبی اوْلن ، دردیوه بیر عیسا دمی

پالاز آلتی طبیلیندن ، ریادان دوتـدو اوْره‌ک
داها چوخ یاخشیدی میخانیه ووررساق علمی

أیکی دنیانی ، بیلنلر ، بونو بیـــل آلمازلار
بیر پیاله می‌ایله یا کی گؤزه‌ل بیر صنمی

عیشیله نعمتـــی دائـــم عاشقـــا وئرمزلر
دور-دوّش ائتسن بیزایله بیرداداسان نیش غمی

گله‌ئیم یوخـدو ولی دوستوموزون مـــرحمتی
جگری تشنه‌لره وئرمه‌دی بیر قطره نمی

بیر قلم نیشکره وئـــرمیری قیمت نیه بس
او کیمـــه یوْز شکر افشانلیق ائدیر نی قلمی

قدرینین قیمتین ایشاه نه بیلسین **حافظ**
مگرائتسین گئجه‌لر بیردعا تا صبحدمی ۷۱/۹/۴

غزل ٤٧٨ مصراع اول : بجان او که گرم دسترس بجان بودی

جانینه آند اوْلا کی جانیم اگر الده اوْلا
کاش او اسگیک غلامی جانی ایاق آتدا سالا

او ایاق تورپاقینین قیمیتینی بیلدیره‌رم
گر ابد عؤمر آدام قید حیاتیندا قالا

سرو اونون قامتینه بنده اوْلاردی دیلیله
او آزاد سوسنه بنزر اونا گر مین دیل اولا

یوخودا گؤرمه‌ییرم هاندا قالا فکرو خیال
یوخوکی یوخدو منه کاش یئتیشه بیر خیالا

باغلی گر اوْلماسا کؤنلوْم او یارین طرّه‌سینه
یوخ‌ایدی امکانی کؤنلوْم دیری دنیاده قالا

گوْن کیمی عارضینین دنیادا گر یوخدو تایی
قلبیده کاش بیر آز عاشقینه مایل اولا

بیر أیشیق تک نه اوْلاردی ساچا بیرجه قاپوما
بو أیکی گؤزلریمه بلکه بیر آز نور سالا

پرده‌دن ناله‌ی **حافظ** ائشیگه چیخمازیدی
سحرین قوشلاری تک دوْشمیه گر قالما قالا ۷۱/۹/۴

غزل ۴۸۰ مصراع اول : لبش می بوسم و درمیکشم می

لبی باده‌ائیله راحت ائتدی جانی داها تاپدیم من آب زندگانی
نه واردیر قدرتیم سرّین ائدیم فاش رقیبی گؤرمگه جان یوخ توانی
اوّره‌کدن قان‌أیچر جام اوپسه لعلین اوّزوندن تر توکر گوّل گؤرسه آنی
گتیر جام مئیی جمشیدی وئلله کی جم قالدی هایاندا کی‌ده هانی؟
چال اوّل‌چنگی الون قوربانی مطرب رگیندن وور گتیر شوقه جهانی
گتیردی باغه گوّل تخت روانین بوراخ بوّک غنچه تک زهد و ریانی
بیزی قویما خمار یارین گؤزو تک لبین یادیله دولدور استکانی
او جان أیستر کی قالسین قالبینده دامار دا واردی جامین چونکی قانی

دیلین چک کامه **حافظ** بیر زماندا
دئیه‌ر نی‌لر حدیث بی زبانی ۷۰/۳/۱۶

****

غزل ۴۸۲ مصراع اول : نوش کن جام شراب یکمنی

أیچ شراب و باده‌ی رطل گران تا اونیله غم کوکون دیبدن قیران
جام‌تک ساخلا کؤنوّل غمدن آچیخ تا نقدری کوپ تکین باغلی دوران
بیخود اوّلمک باده‌سیندن أیج بیر آز اوّل منیّت فکرینین بوّینون بوران
کونلیوی مردانه باغلا باده‌یه اوّل ریا و زهد بوّینون سیندیران
یولداتوپراق‌اوّل نه‌این‌کی بیرسوتک دامنین تردیر اوّزونده رنگ ووران

دور چالیش **حافظ** کیمی **شیوا** کی سن
معشوقون وصلت یولون اوّل آختاران ت.ز ۷۰/۲/۱۸

غزل ٤٨٣ مصراع اول : مخمور جام عشقم ساقی بده شرابی

عشقین خماریم من ، ساقی گتیر شرابی
دولدور قدح کی می‌سیز ، مجلسده یوخدو تابی
وصف جمالی آی تک ، قوی پرده‌ده دئیلسین
چال مطربا نواده ، ساقی گتیر شرابی
قامت بو کولدو غمدن ، بوندان سورا رقیبون
تا قووماسین قاپوندان ، آچسین بیر آیری بابی
اوْلدوم خمار او گؤزدن ، ساقی هایاندا بیر جام
بیماریم او لعلین ، وئر بیر منه جوابی ....
وصلینده انتظارلیق ، بیرده امیدوارلیق
اوْلموش او غمزه‌لرله ، بیرده خیال و خوابی
حافظ گؤزه‌ل یولوندا وئرمه کؤنوْل الوندن
هئچ تشنه‌نی دویورماز ، سالسا أیشیق سرابی

ت‌ز ۷۰/۲/۱۷

****

غزل ٤٨٤ مصراع اول : ایکه در کشتن ما هیچ مدارا نکنی

بیزی اوْلدوْمگه هئچ یوخدو مـــدارا سندن
هر زادا أود ووروسان یوخدو محابا سندن
بو بلا دردلیلرین زهـــر هلاهللـــری وار
سعی ائت اوْلمیا بیر قصد خطا تا سندن

سنکی بیر باخماقیلا زایل اوْلار غملریمیز
علاج انصاف دئیل گر اوْلا حاشا سندن
جوْر گر نسبتی وئرسه سنه بو اهل غرض
غرض اهلین سوْزودور یوخ بو خطایا سندن
زاهدا گر سنه بیر جلوه ائده شـــاهدیمیز
می و معشوقدن آیـــری نه تمنـّا سندن
حافظا محرابا اوْخشار قاشینا سجده ائله
کی دعا مستجاب اوْلماز مگر اوردا سندن ۷۰/۱۰/۲۵

****

غزل ۴۸۵ مصراع اول : ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی

ای بیخبـــر چالیش اوْلا بلکـــه خبـــر سنه
یول اهلی اوْل کی خلق دئسین راهبر سنه
گوْر حـقّ مکتبینین عشـــق ادیبینی
سعی ائت اوْغول دئسین له کی بیرگون پدر سنه
سن مردلر کیمی جانین مسین بـــوراخ
تا کیمیای عشقله وئرسینله زر سنه
خواب و خوراک سنین اسگیتدی شأنوی
تا خواب و خورداسان اوْلماز خبر سنه
گر نور عشق حقّ ساچا بیر جان وقلبوه
آللاه نظر ائدر داها گوْنـــدن بتر سنه

بیر نئچه وقت ، غرق اوْل آللاه دنیزینه
دگمه‌ز او دریادا بیـــر قطره تر سنه.
وجه خدانی ساخلا نظـــرده .توجّه ائت
بیشک دئیه‌ر هامو صاحب‌نظر سنه
بنیاد وارلیقین داها زیر و زبر اوْلار..
ائتمه خیـــال دنیـــادی زیر و زبر سنه
حافظ باشیندا اوْلسا وصالین گر آرزوسو
اوْلسون گره‌ک عزیز هامو اهل هنر سنه ۷۰/۳/۱۶

****

غزل ٤٨٦ مصراع اول : بگرفت کار حسنت چو عشق من کمالی

حسنون تاپیبدی مندن عشقیم کیمی کمالی
شاداوْل بو عشق و حسنون یوخ آخری زوالی
هئچ فکرده سیخیشماز عقلین تصوّرونده
بیر شکل‌کی برابر اوْ لسون یارین مثالی
گر لذّتی وصالین اوْلسا عؤمـورده بیرگون
عؤمرون بوتون حسابه عاشق قویار وصالی
سنله اوْلان زمانیم بیر گوْن گئچر هرایلده
سن‌سیز اوْلان زمانیم بیر لحظه واردی سالی
چون من سنون خیالون گاهدان یوخیله گؤررم
افسوس گؤزلریمده اوْلموش یوخو ، خیالی

بیر رحم قیل بو کؤنله چون آی جمالون عشقی
بو ناتوان وجودوم چؤنـــدو اولوب هلالی.
حافظ شکایت ائتمه گر أیسته‌سن وصالین
هجرانه بونـدان آرتیق گر اؤلسا احتمالی ت.ز ۷۰/۲/۱۶

****

غزل ۴۸۷ مصراع اول : ای پادشه خوبان داد از غم تنهائی

خوشگللرین ای شاهی ایوای بو تکلیقدان
جان زاره گلیب سن‌سیز وقتدیر گله‌سن ایجان
بستاندا بو شادابلیک گؤللرده دئیل دائـــم
بیچاره‌لری بیر تاب قدرتده اؤلان دوران
ائتدیم گله زؤلفوندن من بـــاد صبـــا ایله
سودادی دئدی فکرین چاشما قالاسان حیران
یوز باد صبا اوردا زنجیـــــریله اوینـارلار
یئل اوچمه، گره‌ک بیلسین، آخر حریفین انسان
شوقونلا سنین هجرین سندن أیراق ایدلبـر
بیر حاله قویوب سن‌سیز صبریم تاپاجاق پایان
یارب کیمیله آخـــر بو دردی ائدیم اظهار
هر یئرده او گؤیچک وار ظاهرده ولی پنهان
سن‌سیز چمن و گؤلده یوخ رنگ و صفا ساقی
دور گؤلشنه وئر رونق شمشادکیمی قاوزان

مونسدی منه یادین تکلیقدا گؤزه‌ل هـر وقت

ناکام قالان یئرده دردیندی منه درمان

بو بؤلگو مدارینـــدا بیز نقطه‌ی پرگاریک

خوشدور نه‌فیکیر چکسن طاعت ائده‌ریک فرمان

خود رأیلیک عالمـــده یوخ رندلره ایدل

خودبین بو مذهبـــده کافـــر اوْلو بی‌ایمان

قان اوْلدو جگر می وئر بو گردش مینـــاده

بو ساغر مینـــاده مشگوْللـــر اوْلار آسان

هجران گئجه‌سی گئچدی گلدی سحرین عطری

حافظ سنه عشق اوْلسون وصل او مـــه تابان تبز ۶۹/۱۲/۱

****

غزل ۴۸۸ مصراع اول : می خواه و گل افشان کن از دهر چه میجویی

می أیسته گوْل افشان ائت دنیاده نه آختارسان

بوْلبوْل سؤز ائشید گوْلدن صبح وقتی قولاغ آسسان

چک تختوی گوْلزاره تـــا یاریله ساقینی

می أیچ دوداغین دیشله یار باغریوا گر باسسان

شمشاد خرامان ائت دور قصد گوْلوستان ائت

سرو اوگرنه ناز سندن اونداندا بتر وارسان

یا رب کیمه قسمتدیر اوْل غنچه‌ی خندانون

رعنا گوْلوْنوْن شاخی دنیاده کی قـــدّ آچسان

بو گؤن کی بو بازاردا چوخ واردی خریدارین
قوی مایه قالا سندن گـــــر بیر الیوه سالسان
شمع تک او گؤزه‌ل بیر اوّز واردیر خطری یئلدن
گؤیچک اوّزوله خوشدور گر بیر هنر آختارسان
هر قیوریقی او زوّلفون وار ارزشی یـــوّز مشگه
بو عطر گؤزه‌ل ایگدی گر خُلقی گؤزه‌ل اولسان
شاه گوّلشنینه هـر قوش عـــرض هنره گلدی
بوّلبوّل چکه بیر نغمه **حافظ** ده غزل قوشسان تبز ۷۰/۲/۱۷

****

غزل ۴۸۹ مصراع اول : گفتند خلایق که توئی یوسف ثانی

ای یوسف ثانی دئدیلـــر آفت جانســان
آچدیم گؤزومو یاخشیجا گؤردوم کی همانسان
من هر نه دئسم شهدسن اوندانداا شیرین‌سن
ای خسرو خوبان ، کی شیـــرین زمانسان
تشبیه ائله‌مک غنچیه آغزین غلط أیشـدیر
سن غنچه‌دن ایماه بتـــــر تنگ دهانسان
یوّز دفعه دئدین کام وئررسن او آغیزدان
سوسن گوّلو تک آی گؤزه‌لیم هاممی زبانسان
گاهدان دئیسن جانیم آلیب کام وئررسن
قورخوم کی کامیم وئرمیه‌سن جانیم آلارسان

گؤزدن اوخ آتیب جان سپریندن گئجیدیرسن
بیماز گؤزونله نئجه گؤر سخت کمانسان.
رفتار و قدون سروی اوتوردوبدو یئرینده
ناز ائیله کی سن لاپدا گؤزه‌ل سرو روانسان
گؤز یاشی کیمی خلق گؤزوندن سالاجاقکن
بیر دم ده او بیچاره‌نی کی گؤزدن آتانسان
حافظ باشینی ائتدی قلم چون کی یولوندا
امّید بوایدی نامه‌سینی بیر اوخویان‌سان ۷۰/۲/۱۶

****

غزل ۴۹۰ مصراع اول : رفتم بباغ تا که گلی بچینم سحرگلی

گئتدیم باغا سحرچاغی تا بیر دَرَم گولی
آلدی قولاخلاریم مگر آواز بوّلبوّلی
بیچاره من کیمی وورولوبدور گوّل عشقینه
دوتموش چمن سراسرین آواز غلغلی
باغ و چمنده مشغولیدیم وورماغا قدم
ائتدیم او گوّل او بوّلبوّل أیشینده تأمّلی
گوّل حسنه یار اوّلوبدی و بوّلبوّل قرین عشق
نه وار تغیّر اوندا نه بوندا تبدّلی
بوّلبوّل نواسی قویدو اثر قلبیمه او جوّر
بیر حال گلدی قالمادی منده تحمّلی

بو باغدا گوللر آچیر چوخلو سر بسر
کیمسه درنمه‌ییبدی تیکانسیز اولا گولی
حافظ مدار چرخدن ائتمه فرح اومود
مین عیبی واردی هئج یوخو امّا تفضلی ت.ز ۷۰/۲/۱۵

****

غزل ۴۹۱ مصراع اول : شهریست پر ظریفان وز هر طرف نگاری

بیر شهردیر دولوبدور هر گوشه‌ده نگاری
وار عشقه جار اوشاقلار هرکس باجارسا کاری
بوندان گؤزه‌ل جوانی دنیا گؤزو گؤره‌نمز
گلمز اله داها بیل بوندان گؤزه‌ل نگاری
بیرگؤزگؤروبدو یارب بیرجسمه جان قاریشسین
یا رب اوتورمیایدی دامانینه غباری
من تک سینیخ کؤنوللو آخر ندن قوورسان
چوخ چوخ توقع ائتسم بیر بوسه بیر کناری
صاف باده‌دیر دو قاوزان خوش‌فرصتی بوراخما
سون أیل چتیندی گؤزمک بیر آیری نوبهاری
بستانیده حریفلر گول یا کی لاله مثلی
هر کس الینده جامی یاد ائیله‌ییرله یاری
بو مشگولی آچام گر سرّی نجور ائدیم فاش
درد أیچره دردی چکمک ائتمک چتین بوکاری
هر بیر توکو قالیبدیر **حافظ** گؤزه‌ل الینده
قالماق چتیندی بوردا ترک ائیله بو دیاری ت.ز ۷۰/۲/۱۶

غزل ٤٩٤ مصراع اول : ایکه دائم بخویش مغروری

ای کی دائم بئله‌نچی مغـرورسان یوخدو گر عشق باشدا معذورسان
عشق دیوانه سیله آشنـــا اولما فکر و عقلیله چونکی مشهورسان
عشقدن یوخدو مستلیک سنـــده گئت کی سن مست آب انگورسان
اوز سارالمیش اوره‌ک دولی آهیلان عاشقه بیـــر گـــواه رنجـورسان

نام و ننگی بوراخ گئـده **حافظ**
أیسته می ساغرین کی مخمورسان ۷۰/۳/۱۶

****

غزل ٤٩٦ مصراع اول : صبحست و ژاله میچکد از ابر بهمنی

صبح‌دیر شبنم دامیر باغلاردا ابر بهمنی
وئر صبوحی باده‌سین سیرآب ائت مئیدن منی
جوموشام ما و منین دریا سینه وئر باده‌نی
تا کنار ائتسین او می مندن مگر ما و منی
أیچ پیاله قانینی چونکی حلالیندیر او قان
یار فکرین ائیله ، سال یاده، او سیمین گردنی
اول آییق ساقی کی غمدیر بوسقودا بیزلر أیچون
مطربا چال بو نوانی شاد ائدیر سنله منی
باده وئر هر بیر قولاغه چنگ اگیب بؤینون دئییر
خوش گئچین ، سؤز ائت قبول شادائیله پیرمنحنی
ساقیا بیر باده وئر هر یئرده رندین عشقینه
باخ مغنّی جارچکیر سسلیر کی آللاهدیر غنی تبریز ۷۰/۲/۱۶

بیر ایضاح ٦٤ـنجی غزلین باره‌سینده

بو غزل ایلک دفعه مطلعی بوجور ترجمه اوْلموشدو :

زولفو عارضده تر اوْزده گوله‌ین همده‌پیان .....

تهراندا **جناب پروفسور دکتر هیئت** حضرتلری بویوردولار عارضله ، اوْز ، هر ایکیسی بیر معنایه اوْلدوقدا یاخشی دوشمه‌یب ، من اونو دئیشیب «سپیلیب زوْلفو تر اوْزده » ائله‌دیم و تبریزده عارفلرین مراد پیری **جناب عبداله واعظ** حضرتلرینه اوخودوم و او حضرت أوزلریندن بو بیتی اوخودولار :

پوزولموشام سنین او قاره زوْلفونون تئلی تک

منی او تاره یئتیشدیر منی قوتار منـــــدن

و بویوردولار سنده بو غزلی «پوزولوب» کلمه‌سیله باشلا و آخرده او جنابلارین اصلاحی نظرلری بوجور عمله گلدی :

« پوزولوب زوْلفو تر اوْزده گوْله‌ین همده پیان »

کی حافظین بو گؤزه‌ل‌غزلینین ترجمه‌سی الدن‌گئده‌ن حیات یولداشیم مرحومه طیّبه خانم اسگندرازده نین ابدی یادی أیچون تقدیم اوْلور.

استقبال از شاه بیت پیر مراد عارفان نوردل سالکان جناب واعظ ملهم الله تعالی

بو جانی من بیلیرم گؤز لرون آلار مندن
فقسده تک بیر آووج بال و پر قالار منـــدن

او قاره مستلرون یول کسیر هارا گئدیرم
خدنگ کیپریگی جان دیبده سالدیرار مندن

منی سالیب گئده‌لی قالمیشام یامان گؤتده
گئورتمه‌سن داها بیر أیش جز آه و زار مندن

اؤدوزموشام بو قماردا تمام وار یوخومو
حریفلرده بیری یوخدو بد بیـــار مندن

تمام لحظه‌لر اوندان کنار دئیل فکریم
ندن گزیر او نگار بیلمیـــرم کنـار مندن

سنی گؤرنده وجودوم أیتیر گئدیر آرادان
آلیبدی قاش و گؤزؤن جاندا اختیار مندن

پوزولموشام سنین او قاره زؤلفونون تئلی تک
منی او تاره یئتیشدیر منی قوتار مندن

سن‌اؤلماسان قوروموش چؤلده تک دؤشن آغاجام
اگر نظـــر سالاسان بـار و بر داشار مندن

دؤزؤم سفارش ائدیر هجر رویونه **واعظ**
گل آل بو جانی دهٔ **شیوا** منی قوتار مندن

تبریز ۷۱/۱۰/۱۱

لغت نامه

غزل ۱ بیت ۱ـ الا یا ایهاالساقی : بومصراع یزید معاویه اوغلونا منسوبدور اما اصل‌ده حافظین‌دیر، معناسی ای‌ساقی

« « « ۲ـ طرّه : آلنا توکولن زۆلفلر

« « « ۳ـ جَرَس : کروان زنگی

« « « ٤ـ سالك : بیر ایده‌ئولوژیه اعتقادی اۆلان و او یولدا گئده‌ن

غزل ۲ بیت ۱ـ چهره ی رخشان : پارلاق اۆز

« « « ۵ـ صبا : بورادا وهریئرده بو رسیمده منظور صبا یئلی‌دیرکی هریاناسر

« « « ٦ ساقی جم : جمشید پادشاهین ساقیسی

« « « ۱۰ـ شکرافشان : شکرسپه‌ن ، منظور یارین دوداقی

« « « ۱۱ـ چوگان : قدیم شاهلار آت اۆسته توپ وورما عصاسی

« « « ۱۲ ـ ثناخوان : مدّاح ، بیرینین تعریفین دئیه‌ن

غزل ۳ بیت ۱ـ سمرقند و بخارا : ایکی شهر آدی قدیم مرو و خراسان طرفینده

« « « ۲ـ رکناباد و مصلّی : شیرازین ایکی گزمه‌لی یئری

« « « ۳ـ خوان یغما : مۆغول شاهلارینین عظمتلی احسان سفره‌سی ، کی شاهلارین اجازه‌سیله یئمک قورتولاندان‌صورا جماعت سفره‌نی و قابلاری تالاردیلار.

« « « ٦ـ یاران : بورادا یاراشار معناسینادیر

« « « **آخر**ـ عِقد ثریا : فارسدا خوشه‌ی‌پروین‌دئیلیر ،یعنی ثریااۆلوززونون گردن‌بندی.

غزل ٤ بیت ۳ـ ازل : خلقتدن قاباخکی زمان

غزل ٦ بیت ۱ـ لعلفام ، لعل : قرمزی یاقوت ، فام : قرمزی رنگ

« « « ۲ـ رند : بورادا و هر یئرده قوچاق ، قوچو ، لوطو و آزاده معناسینادیر.

« « « ۳ـ عَنقا : افسانه‌ای بیر قوشون آدیدیر کی سیمرغ‌ده دئیلر.

« « « ۳ـ دام : شکار توروـتله‌سی

« « «**آخر**ـ شیخ جام : مولانا عبدالرحمن جامی تاریخین مشهور عارفلریندن کی شاعریدی

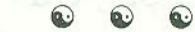

غزل ۸ بیت ۳ـ مغبچه : موغ و بچه ، مغ یا موگ : قدیم زردشتی معبدلرینده أیشلیه‌ن روحانی. **بچه** : اوشاق ، جوان ، گنج کی اوزمان معبد أیشیچی‌لریدیلر، حافظین زمانیندا مغبچه‌لر خراباتدا میخانه‌لر أیشچی‌سی‌ایدیلر.

« « « ۳ـ جاروب : سوپورگه ، **مژگان** : کیپریکلر

« « « ٤ـ عنبرسارا : منظور زولفدور

« « « ۵ـ دُرد : شرابین تکینه اوتوران لایه

« « « ۹ـ کنعان آیی : منظور حضرت یوسف پیغمبر **مسند**: تخت

غزل ۹ بیت ۳ـ دلق : کهنه درویش لباسی، **ارزق فام** : رنگ‌به‌رنگ یاماقدان الوان .

غزل ۱۰ بیت ۸ـ امّ‌الخبائث : منظور باده‌دیر یعنی خبیثلرین آناسی.

غزل ۱۱ بیت ۲ـ صومعه : صوفولارین عبادتگاهی ، ییغینجا یئری

« « « ۲ـ دئیر موغان : زردشتلرین عبادتگاهی.

« « « ۳ـ تقوا : پرهیزکارلیق

« « « ۳ـ سَماع : چالقی، اوخوماق، موسیقی **وعظ** : موعظه **نغمه** : آواز

« « « ۳ـ رباب : بیر جوره ساز موسیقی اسبابی

« « « ٦ـ سیب : آلما ، منظور چنه ، **شتاب** : تله‌سمک

غزل ۱۳ بیت ۲ـ عارض : اوز ژاله : شبنم ، شئح مقدور ؛ ممکن
« « « **۳ـ** میسور : ممکن
« « « **٤ـ** زُمُرّد : جواهراتدان بیریسی سور: شانلیک ، شادیانه‌لیک

غزل ۱۵ بیت ۲ـ وادی ایمن : حضرت موسانین دینجیلمه دوشرگه‌سی
طور : حضرت موسانین مناجات داغی
« « « **۳ـ** بشارت : خوش‌خبر

غزل ۱۹ بیت ۱ـ شب قدر : قدیرگئجه‌سی
« « « **۷ـ** مَرکب : مینیک
« « « **۸ـ** ناوك : اوخ
« « « **آخر ـ** بلاغت : آیدین دانیشماق

غزل ۲۰ بیت ۳ـ چار تکبیر : اولو نمازیندا دئیلن دؤرد تکبیر

غزل ۲۱ بیت ۳ـ رخ : شطرنجده توپ آدلی مهره
« « « **٤ـ** معمّا : تاپماجا
« « « **۵ـ** استغنا : احتیاجسیزلیک
« « « **٦ـ** حسبتاًلله : قرآن آیه‌سی ، دیوان کاغازلارینین باشیندا یازیلاری معناسی آللاه حساب بیله‌ندیر.
« « « **۷ـ** حاجب : پرده‌دار

غزل ۲٤ بیت ۱ـ عنبرینه : منظور زولفونه

غزل ۲۵ بیت ۱ـ پیك : قاصد
« « « **۵ـ** ابرام : اصرار
« « « **٦ـ** خاکراه : یول‌توپراقی اقدام : قدملر

غزل ۲۸ بیت ۳ـ اخیار : یاخشیلار، خیرایش گؤره‌نلر، **اشرار:** شرور، زیانکارلار

« « « ٤ـ سفله یرور : آلچاق بئجه‌رن

« « « ٦ـ موقیزی : منظور باده و شرابدیر.

« « « ٦ـ زجاج : شوشه **عِنَب** : اؤزوم، هابئله زجاج و عِنَب گؤزده‌اؤلان عضولر

غزل ۲۹ بیت ۲ـ صُراحی : باده شیشه‌سی، تونگو

غزل ۳۰ بیت ۱ـ سبا : بو شکیلده ، بلقیسین شهری کی سلیمانین معشوقیدی ،
صبا : بیر بئل کی هر یانا اسر

غزل ۳۷ بیت ۱ـ شب دیجور : اؤزون قارانلوق گئجه

« « « ۳ـ معمور : آباد

غزل ۳۸ بیت ۲ـ انشاد : یازماق ، دئمک ، توصیف ائتمک

غزل ۳۹ بیت ۳ـ نُزهت : صفالی

« « « ۷ـ حضرت : آستانه

« « « **آخر**ـ آصف عهد : منظور شاهین وزیری

غزل ٤۰ بیت ۵ـ نگاهیم : منه باخماق

غزل ٤۲ بیت ۵ـ طرّه‌ی طرّار : آلنا توکولن اؤره‌ک آپاران تئللر

« « « ٦ـ جام جهـــان بین : جمشید پادشاهین جـــامی کی دنیانی اوندا
گؤرمک اؤلاردی

غزل ۴۳ بیت ٤ـ دُرد : شرابین تکینه اوتوران غلیظ مایه

« « « ٥ـ عنقا : سیمرغ قوشو

« « « ٦ـ بوریاباف : حصیر توخیان.

« « « **آخر**ـ قَلاّب : قلب سکه و پولی دؤزه‌لدن

غزل ۵۳ بیت ۲ـ صبوحی : سحر باده‌سی

غزل ۷۵ بیت ۲ـ طواف : باشا دولانما و هر شئیین باشینا دولانماق ، کی مکّه‌نین حج اعمالیندندیر.

« « « ۳ـ طایر : اوچان

« « « ٥ـ قاصر : قیسسا

غزل ۸۷ بیت ٥ـ چگل : بیر شهردیرکی اونون مشگی معروفوموش .

غزل ۹۲ بیت ۲ـ عُزب : گوارا

« « « ٤ـ منزل خواب : یوخو دؤشه‌رگه‌سی

« « « ٥ـ اغیار : اؤزگه‌لر، تحت نقاب : اورتوگ آتدا

« « « ۷ـ سرآب : سوباشی ، سراب : چؤلده شوره‌زار پارلاماسی

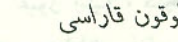

غزل ۹۷ بیت ۳ـ ظلمت داج : قارانلوقون قاراسی

« « « ٦ـ زجاج : شیشه

غزل ۹۸ بیت ۳ـ نجاخ : رستگارلیق

« « « ٤ـ ملاّح : گمی‌چی

« « « ٥ـ ذکرروا ح : گنجه نمازی

« « « ٦ـ الحاح : یالوارماق

غزل ۱۰۰ بیت ۵ـ کهگل : سوواق

« « « **آخر** ـ شاه و رخ : شطرنجین ایکی مهره‌لری

غزل ۱۰۱ بیت ۱ـ دائره‌ی مینا : منظور دنیا ، چرخ فلک

غزل ۱۰۲ بیت ۸ـ سامری : موسانی انکار ائدن بیر آدامیدی

« « « ۸ ـ یدبیضا : موسانین معجزی کی آوجونون ایشیقیدی

غزل ۱۰۷ بیت ۵ـ صراحی : می تونگو

غزل ۱۱۵ بیت ٤ـ صهیب : حضرت رسول اکرمین (ص) تقوالی صحابه‌سی

« « « ٦ ـ شعیب : پیغمبر و حضرت موسانین اربابیدی

« « « **آخر** ـ شیب : گنجلیق ، جوانلیق

غزل ۱۱٦ بیت ۱ـ بدکارلیق : یامان ائتمک نکوکارلیق : یاخشی ائتمک

« « « ٤ ـ طرّارلیق : عشوه‌گرلیق ، زیرکلیق

« « « ۷ ـ پرپیچ وخم : قیوریق ، چوخ بوروخلو زوّلف

« « « **آخر** ـ نیرنگ باز : حیله ایشله‌دن

غزل ۱۱۸ بیت ۱ـ گزاری ائلیه : عبور ائلیه ، گئچه

« « « ۲ ـ نثار : بخشش ، شاباش

غزل ۱۲۳ بیت ۳ـ اکسیر : جوهر

« « « ٤ ـ تقریر : دانیشیق ، سؤز

« « « ٦ ـ سالك : یول گئدن

« « « ۹ ـ تغییر : دئیشیک‌لیق

« « « ۱۰ ـ مفتی : قاضی

غزل ۱۲٤ بیت ۱ـ رخنه : یول سالماق

« « « ٦ ـ دست افشانا : رقصده ال قول اویناتماق

« « « ۷ ـ مردم چشمم : گؤزوموٚن بهبه‌گی

« « « ۸ ـ صبح رخشانا : پارلایان سحره

غزل ۱۲۸ بیت ۱ـ انکار : بیر شئیی نفی ائتمک و منکر اوٚلماق

« « « ۲ ـ پردهٔ پندار : خیال و وهمه دوچار اوٚلماق

غزل ۱۳۵ بیت ۷ـ انعام : االفین کسره‌سیله، بخشش ، الفین فتحه‌سیله دوٚرد ایاقلی حیوانلار

غزل ۱۳٦ بیت ۲ـ فتراك : آت یهرینین قاشقاسی

غزل ۱۳۹ بیت ۳ـ نگین : اوٚزوک قاشی

« « « ۵ ـ گدای رهنشین : یول یولچوسو

« « « ٦ ـ زیرزمین : یئر آلتی

غزل ۱٤۱ بیت ۱ـ غالیه : نئچه عطرین قاریشیقی

« « « ۳ ـ سُحاب : بولوت

« « « ٦ ـ سراب : چؤلده شورازار پاریلتی‌سی

غزل ۱٤۲ بیت ۱ـ موی و میان : توٚک و بئل

« « « ٦ ـ عنان : جلو

غزل ۱۵۰ بیت آخر ـ صمد : پناهگاه ، آللاه آدی ، صنم : بت

غزل ۱۵۲ بیت ۳ـ عقده گشا : دویرن آچان

غزل ۱۵٤ بیت ۲ـ صبوحی : صبح ایچیلن باده

غزل ۱۵٦ بیت ۱ـ تهنیت : مبارکباد

« « « **۲** ـ نافهٔ مشگین : آهو گوبگی‌نین قورومش قانی کی مشگ اولار

« « « **۵** ـ سروش : مَلَک

غزل ۱۵۹ بیت ٦ـ بانگ درا : زنگ سسی

غزل ۱٦۸ بیت آخرـ ایپك تئلی : سازین سیمی قدیم زماندا

غزل ۱۷۱ بیت ٤ـ خاصلر : بیلن یا بؤیوکباش آداملار ، عام‌لر: معمولی و آشاغی آداملار

غزل « « **۵**ـ فرجام : ایشین آخری

غزل ۱۷۳ بیت ۲۱ـ فزون : آرتیق

« « « **۷** ـ نون : نون حرفی کیمی اگری

« « « **آخر** ـ خلق دون : آلچاق آداملار

غزل ۱۷۷ بیت ۱ـ سرّ نهان : گیزلی سر

« « « **٤** ـ باد وزان : اسن یئل

« « « **۵** ـ راه میان : آرا یولو

« « « **٤** ـ معمّا : تاپماجا

غزل ۱۷۸ بیت ۱ـ انکار : سؤزو دانماق

غزل ۱۸۲ بیت ۱ـ ضلالت : أیتگین‌لیک
« « « ٤ ـ بطالت : تنبل‌لیک

غزل ۱۸۵ بیت ۱ـ مهروماها : آی و گؤنه
« « « ۲ ـ دادخواها : شکایت‌چیه
« « « ۸ ـ برگ کاه : سامان چوپو

غزل ۱۸٦ بیت آخر ـ عهد ذر : خلقتدن قاباق زمان

غزل ۱۹۱ بیت ۱ـ عتاب : آجیق

غزل ۱۹۲ بیت ۵ـ ظلمت ظلّام : قپ‌قره گئجه

غزل ۱۹۹ بیت ۳ـ معدود : ساییلان

غزل ۲۱٤ بیت ٦ـ یغما : غارت
« « « ۷ ـ یدبیضا : حضرت موسانین معجزی کی آوجوندا ایشیق واریدی
« « « ۸ ـ ازجا : یئرینندن
« « « ٤ ـ اعدا : دشمنلر

غزل ۲۱٦ بیت ۱ـ ارزانی : بوللوق ، اوجوزلوق
« « « ۵ ـ گران جانی : جانی آغیرلیق ، بیمصرفلیق
« « « ٦ ـ مرصع : جواهرنشان

غزل ۲۲۲ بیت ۲ـ تنعّم : نعمت‌دارلیق ، جلالت
« « « **۳** ـ خار : تیکان
« « « **٤** ـ شب تار : قارانلیق گئجه

غزل ۲۲٦ بیت ۲ـ آب حیوان : آبحیات

غزل ۲۲۸ بیت ۲ـ سرّ سویدا : لاپ گیزلی سرّ
« « « **۵** ـ پیدا : تاپیلماق

غزل ۲۲۹ بیت ۳ـ غش : تقلّب
« « « **۵** ـ منقّش : نقشه‌لی
« « « **٦** ـ مشوّش : داغینیق
« « « **آخر** ـ دلق : کهنه پالتار

غزل ۲۳٤ بیت ۱ـ صهبا : باده
« « « **٦** ـ خون پالا : قانا بله‌شن ، قان صافالدان
« « « **۷** ـ سروسهی بالا : دوز سروبویلو

غزل ۲۳۵ بیت ۸ـ ماحَضَر : الده حاضراولان شئی

غزل ۲۳۷ بیت ۱ـ مشغله : شولوقلوق، مشعله : ایشیقلیق
« « « **۵** ـ سامری : حضرت موسایه بیر خروج ائدن کافر گلّه : سورو

غزل ۲۳۸ بیت ۳ـ افتراق : آیریلیق

غزل ۲۴۱ بیت ٤ـ محفل : مجلس

« « « ٦ ـ درگل : پالچیقدا

« « « ۷ ـ لایعقل: عقیل‌سیز، بیشعور

« « « ۸ ـ مستعجل : تلەسن

غزل ۲۴۹ بیت ٦ـ زادسفر : سفر تدارکی

غزل ۲۵۳ بیت ۲ـ تمتّع : بهره

« « « ٤ـ غنا : اوخوماق ، آواز

غزل ۲۵۵ بیت ۱ـ مطلع الفجر : صبح آچیلان وقت

« « « **آخر** ـ تجر : تجارت

غزل ۲۵۸ بیت ۱ـ شیخ : قوجا شاب : جوان

« « « ۸ ـ شهاب : اؤلدوز آخماسی ، اؤلدوز اوخو

غزل ۲۵۹ بیت ۱ـ آب طربناك : شادلیق سویو یعنی باده

« « « ۵ ـ تریاك یا تریاق : پادزهر

غزل ۲٦۱ بیت ۸ـ محمود و ایاز : سلطان محمود غزنوی و اونون ایستکلی غلامی ایاز

« « « **آخر** ـ اقلام : قلملر

غزل ۲٦٦ بیت آخر ـ نرگیز فتّان : فتنه سالان گؤزلر منظوردو

غزل ۲۷۱ بیت ۵ـ میرعسس : دارقالار رئیسی ، رئیس شهربانی
« « « ۸ ـ مسکین مگس : یازیق میلچک
« « « ۹ ـ ملتمس : أیستەمک

غزل ۲۸۰ بیت ۵ـ جعد سونبول : منظور زولفون قیوریقی
« « « ۵ ـ دور تسلسل : دالبادال ، پی‌درپی
غزل ۲۸۲ بیت ۱ـ رخت : پالتار ، اثاث

غزل ۲۸٤ بیت ۱ـ دوش : گئچن گئجه
« « « ۲ ـ سروش : غیبدن گلن سس ، هاتف ، مَلَک
« « « ۵ ـ خموش : ساکت ، سس‌سیز

غزل ۲۹۲ بیت ۲ـ وداع : خداحافظلیق
« « « ٤ ـ استماع سماع : آواز و موسیقی ائشیتمک
« « « ۵ ـ شاه مطاع: امری اطاعت اؤلونان شاه
« « « ٦ ـ صداع : زحمت ونرمک

غزل ۲۹۷ بیت ۹ـ ضمان : ضامن
« « « ۱۱ ـ ریسمان : أیپ
« « « **آخر** ـ عنان : جلو

غزل ۲۹۸ بیت ۷ـ عمیق : درین
« « « ۹ ـ تحمیق : احمق سانماق

غزل ۳۰۰ بیت ۱ـ الله معك : آللاه سنه یار
« « « **آخر** ـ دورترك : بیر آز کنار ، اوزاق

غزل ۳۰۲ بیت ٤ـ اَطلال : خرابه‌لر ، تل‌لر
« « « ٦ ـ تعال : گل

غزل ۳۰۳ بیت ۱ـ لله درقائل : آللاه دئیه‌نه خیر ورسین

غزل ۳۰٦ بیت ۱ـ سلسبیل : بهشت چشمه‌لریندن بیری
« « « ۱ ـ سبیل : آخیدماق
« « « ۵ ـ جمیل : گؤزه‌ل
« « « ٦ ـ نخیل : خرما آغاجی

غزل ۳۱۱ بیت آخر ـ کاشانه : کاسب ائوی

غزل ۳۱٤ بیت ۱ـ ذی سلم : عراق ملکونده بیر یئرین آدی
« « « ۱ ـ نِعَمه : نعمتلره
« « « ٤ ـ ندمه : پئشمانچیلک
« « « **آخر** ـ همه : هامی

غزل ۳٤۰ بیت ۳ـ مهرگیاه : محبت علفی

غزل ۳۳٦ بیت آخر ـ سَمَر : حکایت و شایع

غزل ۳۵۰ بیت ٤ـ مروّق : صاف و دُردی اولمیان شراب
« « « ۵ ـ معرّق : رِ: تر یاغان رَ: رنگارنگ
« « « ٦ ـ معلق : باش آشاغا

غزل ۳۵۱ بیت ۳_ مقیم : ساکن ، اوتراق
« « « ٦ _ عظم رمیم : چۆرۆک سۆموک
« « « ۸ _ انفاس نسیم : یئلین نفس‌لری
« « « ۹ _ مداوا : درمان ائتمک
« « « ۱۰ _ نصاب : حد و اندازه

غزل ۳۵۷ بیت ۵_ دیرین : قدیم

غزل ۳٦۰ بیت ٤_ پاکوبان : ایاق وورالی
« « « ٦ _ طامات : صوفولارین پوچ ادعالاری و سؤزلری

غزل ۳٦۳ بیت ٦_ طور : طور سینا داغی ، حضرت موسانین مناجات یئری
« « « ٦ _ وادی ایمن : امان چولو، حضرت موسانین دۆشرگه‌سی

غزل ۳٦۵ بیت آخر_ عدوان : دشمنلر

غزل ۳٦۹ بیت ۳_ پروانه : اجازه

غزل ۳۷۳ بیت ٦_ توفیر : آرتیق‌لاشا
« « « ۷ _ تذویر : حیله

غزل ۳۷٦ بیت ۸_ یارغا و یرغو : استبدادی قانون ، گویا موغولا منسوبدور.

غزل ۳۷۷ بیت ٤_ ضمیر : یاد، اۆره‌ک
« « « ۱۰ _ صفیر : سوت سسی

غزل ۳۷۹ بیت ۲،۱ـ شطحات و طامات : درویشلرین معناسیز سؤزلری

« « « ٤ ـ میقات : وعده‌گاه

« « « ٥ ـ سماوات : گؤیلر

« « « ٦ ـ مباهات : فخر

غزل ۳۹۸ بیت ٤ـ دُرج : صندوقچه

غزل ٤۰۰ بیت ۲ـ کوته آستین : دسته‌گی قیسسا

غزل ٤۰۸ بیت ۷ـ رجا : امید

غزل ٤۱۷ بیت ۱ـ پگاه : سحر تنزلی

« « « ٥ ـ لیل سیاه : قارا گئجه

غزل ٤۱۸ بیت ۳ـ ندامه : پشیمانچیلیک

« « « ٥ ـ ملامه : ملامت ، دانناماق

غزل ٤۲۲ بیت ٤ـ مفتی : فتوا وئره‌ن ، قاضی

غزل ٤۲۳ بیت ۱ـ خَمر : کئفلندیرن ، باده ، شراب

« « « ۱ ـ چنگ و چغانه : ایکی قدیم موسیقی اسبابلاری

غزل ٤۳۸ بیت ۲ـ اربعین : قیرخ گؤن

« « « ٤ ـ نگین : اؤزؤک قاشی

غزل ٤٥٠ بیت ۳_ ثمن : قیمت

« « « ٦_ زمن : زمان ، وقت

« « « **آخر_** برهمن : هندوستان حکیمی ، وزیری ، روحانیسی

غزل ٤٥٤ بیت ٦،۳_ دام : تله

غزل ٤٦٦ بیت آخر_ کلبه ی احزان : ماتم یوردی

غزل ٤٦٨ بیت ۱۰_ بی بصر : کوَر ، گوزسوَز

غزل ٤٧٤ بیت ٦_ لاشئی : هیچ زاد

چاغیریش

عزیز اوخوجولاردان ، محترم ادیبلر و شاعرلردن کی بو اثرین فنّی ، ادبی ، شعری نقصلرین غزل یا بیت و یاجمله اولا ، اگر دوزه تمک رغبتلری وارسا نظرلرینه گله نی یازیب ، ناشرین و یا چئویره نین آدرسینه یوللاسالار ، سونکی چاپلاردا اؤز آدلارینا چاپ اولاجاق ، و بئله لیکده اومود وارکی بیر تمیز تورکی حافظین غزلیاتی گله جکده آذری ادبیات خزینه سینه آرتسین و عزیز انتقادچیلارین یوللادیقلاری اثرلر صرفاً چاپا یئتیشماق مجوّزی حساب اولور و آیری بیر حقّ یازانا ایجاد ائتمه یبر، بو توپ ، بو میدان ... ؟

« ساغ اولون »

آدرس : تبریز ، خیابان آزادی ، روبروی کارخانهٔ خسروی ، کوچهٔ حکیمی ، دست چپ بن بست اول ، کاشی ۲۳ تلفن ۴۹۲۶۰۲ اکبرمدرس «شیوا»

مترجم دن یاییلان اثرلر:

۱ـ نئچه فارسی و تورکی شعر و غزل « ارمغان ادب » مجله‌لرینده (انجمن ادبی شهریارین نشریه‌سی)

۲ـ أیکی دوره روزنامه‌ی « آذربایجان آینده» انتقادی بیر نشریه اوزل دوره‌سی طاغوت زمانیندا ، هفته‌لیک ، ۱۰ شماره

أیکینجی دوره‌سی ۱۳۵۸ـ۱۳۵۹ هفته‌لیک ، ۲۹ شماره

یاییلمایان اثرلر :

۱ـ تاریخچهٔ خروج شیخ عبیدالله بن طه (کرد) ، قبل از جنگ بین‌المللی اول در آذربایجانغربی و کردستان.

۲ـ گوشه‌ای از تاریخ خونین اورمیه (فارسی) ، حاوی شرح جنگهای ارمنی-مسلمان در اوایل جنگ بین‌المللی اول تا شروع فتنه و خروج اسمعیل‌آقا سیمیتقو

۳ـ جیره بندی : یک رمان واقعی از جیره‌بندی و صدور کوپن ارزاق در آذربایجان زمان استقرار نیروهای بیگانه در ایران

۴ـ بخت آزمائی : یک رمان مردمی (فارسی)

۵ـ اشعار ساتیریك از زمان طاغوت (ترکی و فارسی) تحت عنوان قارا گؤنلر، ظولوم أیللر

۶ـ ترجمهٔ رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری بزبان تورکی‌آذری

۷ـ ترجمهٔ سهندیهٔ مرحوم استاد محمدحسین شهریار بزبان فارسی

خیامین رباعیلری

آذری تورکی دیلینده

نستعلیق خطیله

گله جکده یاییلاجاق

انتشارات نوبل ـ تلفن : ۵۱۴۶۲

بهاء ۶۰۰۰ ریال